



پوهنتون سلام

پوهنځی شریعت و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

ریاست پوهنتون های خصوصی

# غفت و علاج آن در پرتو قران کریم

رساله ماستری

محصل : عبدالمتین سیرت

استاد رهنما: دکتور فصیح الله عبدالباقي حفظه الله

سال تحصیلی 1398 هـ ش / 1441 ق





پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
ریاست پوهنتون های خصوصی

# غفلت و علاج آن در پرتو قرآن کریم

رساله ماستری

محصل : عبدالمتین سیرت

استاد رهنما: دکتور فصیح الله عبدالباقي حفظه الله

سال تحصیلی 1398 هـ ش / 1441 هـ ق





# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپیارتمنت تفسیر و حدیث

بورد ماستری

## تصدیق نامه

محترم عبدالمتین ولد شاه محمد ID نمبر Sh-mst-96-218 محصل دور سوم تفسیر و حدیث

رساله ماستری خویش زیر عنوان: غفلت و علاج ان در یرتو قران کریم

په روز سه شنبه تاریخ ۱۸ / ۹ / ۱۳۹۹ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس

بررسی هیأت تحکیم مستحق ۷۰ (نمره به عدد) هفتاد و پنج (نمره به حروف) گردید،

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیأت تحکیم:

شماره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	عضو هیأت	
۲	دکتور عبدالباری حمیدی	عضو هیأت	
۳	دکتور فصیح الله عبد الباقي	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... آمر بورد ماستری

## اهداء

پایان نامهٔ تحصیلی ( رساله ) ماستری بنده که حاصل تلاش های شبانه روزی ام بوده :  
نخست : تقدیم می کنم برای والدین گرامی ام ، همسر عزیزم و کاکای بزرگوارم که دلسوزانه  
و صبورانه در این عرصه بنده را تشویق کردند ، و از اندوخته های مادی و معنوی شان کمک  
کردند ، وبخاطر من زحمات زیادی را با شکیبایی تحمل نمودند .

ثانیا : تقدیم به اساتید گرانقدرم که بنده را همواره در کسب علم و دانش یاری رسانیده اند ، آنان  
که فروغ نگاه شان، حلاوت و شرینی کلام شان ، سرمایهٔ معنوی ما هستند ، با کمال ادب  
و محبت احترام شان را دارم .

ثالثا : تقدیم به همه شهداء امت مسلمه و خصوصاً شهداء راستین جهاد مردم افغانستان ،  
بخصوص کاکای بزرگوارم و مامای عزیزم که بصورت مظلومانه به شهادت رسیدند ، و تقدیم  
به همه قومهای عزیزم که بنده را همکاری مادی و معنوی نمودند و راه تحصیل را برایم مهیا  
کردند .

## سپاس گذاری

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين احمده سبحانه حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه حمداً وسع السماوات والارض وما بينهما فهو سبحانه الذي امدنى بالعلم والدين والقدرة على اتمام هذا العمل .. فالحمد والشكر لله وحده . وبعد :

خداوند پاک می فرماید { وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ }<sup>1</sup> ترجمه : هر کس سپاس گذاری کند تنها به سود خویش سپاس گذاری می کند . ورسول معظم اسلام می فرماید « من لا يشكر الناس لا يشكر الله »<sup>2</sup> کسیکه از مردم سپاس گذاری نکند خدا را هم سپاس گذاری نمی کند . شایسته است در این مقام از همه اساتید گرامی ام در دوره ماستری قدر دانی کنم ، بویژه سپاس گذاری خاص از استاد مهربان و گرانقدرم دکتور فصیح الله " عبد الباقي " حفظه الله . که زحمت این پایان نامه ( رساله ماستری ) را با جبین باز پذیرفتند ، ودر جریان تهیه و ترتیب آن به من مخلصانه سعی ورزیدند ، همچنین از دوتن استادان معزز و دانشمندان و فرهیخته و گرامی استاد پوهاند دکتور محمد اسماعیل " لیبب ، بلخی " حفظه الله و استاد دکتور عبد الباری " حمیدی " حفظه الله .

و تشکری خاص از مسئولین علمی و اداری پوهنتون محترم سلام ، بخاطر آماده ساختن زمینه مناسب علمی و تحصیلی گامهای عملی خوب برای تحصیل علم و دانش برداشته اند، و به گسترش دانای و تحول علمی در کشور پرداخته اند . بدین گونه از پدر گرامی ام ، مادر مهربانم ، همسر عزیزم و برادران نهایت گران قدرم نیز سپاس گزارم که بخاطر ایجاد و فرصت فراگیری علم و دانش ، برای بنده از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نورزیدند و همه دشواریهای زندگی را متحمل شدند . سپاس مندم از همه دوستان عزیزم که درین عرصه بنده را مجال همکاری داده اند ، بویژه کتاب خانه عامه کابل بخصوص مدیر این کتاب خانه که با جبین باز هر لحظه برایم تسهیلات بدست آوردن کتابها را مهیا ساختند .

<sup>1</sup> - النمل : 40 .

<sup>2</sup> - سنن ترمذی ، ( ح ، 1954 ) ، ( 4 / 339 ) ، شیخ البانی این حدیث را صحیح گفته .

## خلاصه ( چکیده ) بحث

در عصری که ما زندگی می کنیم، و دنیای که ما در آن زیست داریم، مملو از انحرافات و لبریز از فساد است، جهل و ظلم، بسا قلبها را اشغال و نفسها را به پرتگاه سقوط اخلاقی کشانیده است، انسانهای که گرفتار لذایذ و متاع زود گذر دنیا شده و در گروه شهوات و خواسته های نفسی خود گیر مانده اند، اکثریت آنها امروز در لجنزار ( گل لای ) ماده و مادیات دست و پا می زنند، و برای پیش برد اهداف مادی خود از همدیگر سبقت می گیرند و جهان را با وجود فراخی آن بر خود و هموعان خود تنگ و تنگ تر کرده اند، علت اساسی این همه بدبختی ها غفلت و بی تفاوتی در برابر احکام الهی و شریعت غراء محمدی (صلی الله علیه و سلم) است. یقیناً غفلت یکی از عوامل است که انسان را به پرتگاه هلاکت می کشاند، خالق موجودات و عالم آسرار مخلوقات، انسانها را در ادوار مختلف از زمانه ها، ازین مرض مهلک خبردار ساخته تا اینکه از گودال های از بیخبری و بی پروائی خود را بر حذر بدارند، البته غفلت چیزی ساده و اندکی نیست که ما آنرا بر خود نادیده بگیریم و بی پروا از آن بوده باشیم، انسانها از آغاز آفرینش که پا به عرصه هستی نهادند در همه ابعاد زندگی شان غفلت های پشیمان آمیزی را تجربه نمودند، که حکایت آنها را قرآن کریم به ما به عنوان درس و اندرز بیان میدارد، که آنانکه غفلت ورزیدند سخت متضرر و پشیمان شدند، پس اگر ما به خود به طور کلی فکر کنیم در همه ابعاد زندگی خود سر تا پا در غفلت فرو رفته ایم، همین غفلت و سستی است که ما را به راه های نادرست و خراب سوق میدهد که باعث تباهی و پشیمانی ما می شود. اکثر مردم دریکی غفلت تمام عیار بسر می برند خصوصاً نسل جوان که قشر اساسی یک جامعه را تشکیل میدهد سر و پا در غفلت و سستی و تنبلی و کاهلی فرو رفتند، و از تعلیم و تربیه فاصله گرفتند تمام روزها در کارهای بیهوده مشغول هستند، باید ازین حالت تأسف بار و پیریشان حال بیدار شوند، و یک تغییرات صحیح و سالم را در جامعه اسلامی و افغانی بیآوریم، تا بتوانیم در رفاه و آرامش و صلح و صمیمیت زندگی نمائیم. پس ما چکیده از راه های نجات ازین گودال بزرگ را جستجو و تحقیق نمودیم، تا اینکه روزنه باشد برای بیرون رفت ازین چالش بزرگ به سوی شگوفای واقعیت ها، و رسیدن به مطلوبی از خود آگاهی که ما با عملی نمودن آن به سعادت و فوز و فلاح و رستگاری دنیا و آخرت نائل شویم.

هدف عمده و اساسی این بحث تحقیقی شناخت کلی غفلت و علل و اسباب آن، و بیان طرق و راه های علاج و وقایه آن، در پرتو قرآن کریم، مطابق اقوال مفسرین و علماء کرام با رعایت منهج و روش استقرائی و تحلیلی به بحث و بررسی گرفته شده است.

آنچه که درین رساله مورد بحث قرار گرفته است، مشتمل بر سه فصل می باشد که مباحث و مطالب متعدد در آن بیان گردیده است، فصل اول دارای (3) مبحث (9) مطالب می باشد که درین فصل مباحث کلی و مفهوم شناسی که حاوی تعریف لغوی و اصطلاحی غفلت، معانی غفلت در قرآن کریم، الفاظ مشابه غفلت نفی غفلت از ذات کبریائی، و اقسام غفلت به بحث گرفته شده است. فصل دوم نیز شامل (3) مبحث و (24) مطالب می باشد که درین فصل علامات، اسباب غفلت و عقوبات آن به بحث گرفته شده است. در فصل سوم (2) مبحث و (21) مطالب می باشد که درین فصل وقایه و علاج غفلت که حاوی ایمان به الله متعال و غیره مؤمن بها، تحقق و تثبیت ایمان، خلوص قلب، مداومت بر اعمال صالحه، اجتناب از منهیات، عمل کردن به اوامر الهی، صبر و شکیبایی، تقوی و پرهیز گاری، امر بالمعروف و نهی عن المنکر، بیداری و حذر داشتن از غفلت و تذکیه نفس به بحث و بررسی گرفته شده است.

و این رساله با نتیجه گیری، فهرست آیات قرآن کریم، فهرست احادیث نبوی و مصادر و مراجع پایان یافته است.

## فهرست مطالب

1.....	مقدمه
7.....	فصل اول مباحث کلی و مفهوم شناسی
7.....	مبحث اول تعریف غفلت و مفهوم آن در قرآن کریم ...
7.....	مطلب اول - تعریف لغوی و اصطلاحی غفلت و ارتباط میان آنها :
7.....	الف - تعریف لغوی غفلت :
8.....	ب - تعریف اصطلاحی غفلت :
9.....	ج - ارتباط بین معنای لغوی و اصطلاحی غفلت.....
9.....	مطلب دوم - معانی غفلت در قرآن کریم :
11.....	مطلب سوم - کلمات مترادف و مشابه غفلت در قرآن کریم.....
11.....	الف - سمد :
12.....	ب - سکر :
12.....	ج - نسیان و فراموشی : معنای لغوی نسیان :
12.....	د - سهو و خطا :
13.....	ه - فرق بین غفلت ، نسیان و سهو :
14.....	و - ارتباط غفلت ، سهو و نسیان با قلب :
14.....	مبحث دوم : ورود کلمه غفلت در آیات قرآنی
14.....	مطلب اول - بیان کلمه غفلت در آیات قرآن کریم :
18.....	مطلب دوم : تصریفات و معانی ماده غفلت در قرآن کریم :
20.....	مطلب سوم - نفی غفلت از ذات الله متعال :
22.....	مبحث سوم : اقسام غفلت
22.....	مطلب اول - غفلت محموده :
24.....	مطلب دوم - غفلت مذمومه :
25.....	مطلب سوم - اقسام غفلت مذمومه :
27.....	فصل دوم - علامات غفلت و اسباب و عقوبات



- تمهید ..... 27
- مبحث اول علامات غفلت ..... 28
- مطلب اول - تکذیب کردن آیات الله متعال ..... 28
- مطلب دوم - کسالت و کوتاهی کردن در اطاعت و عبادت الله متعالی : ..... 29
- مطلب سوم - پرده گرفتن قلبها ، گوشها و چشم ها : ..... 30
- مطلب چهارم - اعراض کردن از ذکر الله متعال : ..... 32
- مطلب پنجم - فراموش کردن قیامت و خانه آخرت : ..... 33
- مطلب ششم - ریا کاری : ..... 35
- مبحث دوم اسباب غفلت ..... 39
- مطلب اول - پیروی از شیطان : ..... 39
- مطلب دوم : الفت و محبت گناه و معصیت : ..... 43
- مطلب سوم - کفر ورزیدن به الله جل مجده : ..... 44
- مطلب چهارم - محبت دنیا و اسباب ترجیح دادن آن : ..... 45
- الف - طلب دنیا : ..... 45
- ب - طلب غنیمت : ..... 46
- ج : چشم دوختن به ثروت اغنیاء : ..... 46
- د - علاقه داشتن به چیزهائی که مذمت کرده شده : ..... 47
- مطلب پنجم - کبر و غرور : ..... 48
- مطلب ششم - جهل و نادانی : ..... 51
- مطلب هفتم - مشغول شدن به لهو و لعب : ..... 51
- مطلب هشتم - ظلم و ستم : ..... 52
- مطلب نهم : هواپرستی ..... 54
- مطلب دهم - تقلید کور کورانان از کفار : ..... 56
- مطلب یازدهم - ترک نماز جمعه و خفیف شمردن آن : ..... 57
- مطلب دوازدهم - توجه به مظاهر زندگی : ..... 57
- مطلب سیزدهم - هم نشینی با انسانهای بد : ..... 59

- 61..... مطلب چهاردهم - آرزوهای طولانی :
- 65..... مبحث سوم - عقوبات غفلت:
- 65..... مطلب اول - عقوبت شدید الله متعال بر کسانی که غافل هستند :
- 67..... مطلب دوم - غفلت دروازه های خیر را بر انسان می بندد :
- 68..... مطلب سوم - تهدید و توبیخ غافلان :
- 69..... مطلب چهارم - اهل غفلت در روز قیامت پشیمان می شوند:
- 71..... فصل سوم وقایه و علاج غفلت
- 71..... مبحث اول : وقایه از غفلت
- 71..... مطلب اول - ایمان به الله متعال و غیره مؤمن بها :
- 76..... مطلب دوم - تحقق و تثبیت ایمان :
- 79..... مطلب سوم - مداومت بر اعمال صالحه :
- 81..... مطلب چهارم - خلوص قلب و نیت پاک :
- 82..... مطلب پنجم - ثبات و استقامت در دین :
- 85..... مطلب ششم - اطاعت الله متعال و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) :
- 86..... مطلب هفتم - تقوی و پرهیزگاری :
- 88..... مطلب هشتم - صبر و شکیبایی :
- 89..... مطلب نهم - امر بالمعروف و نهی عن المنکر :
- 91..... مطلب دهم - اجتناب از شرک :
- 94..... مطلب یازدهم - اجتناب از ظلم :
- 96..... مطلب دوازدهم - اجتناب از فساد :
- 97..... مبحث دوم : علاج غفلت
- 97..... مطلب اول - تلاوت قرآن عظیم الشان با تدبیر :
- 99..... مطلب دوم - علم و معرفت :
- 101..... مطلب سوم - اهتمام به وقت :
- 103..... مطلب چهارم - پایبندی به عبادات :
- 104..... الف : ادای نماز باحضور قلب :

104.....	ب - مداومت به نمازهای باجماعت :
106.....	ج - خواندن نماز تهجد :
107.....	د - روزه گرفتن :
109.....	مطلب پنجم - دعا وتضرع.....
110.....	مطلب ششم - طلب استغفار.....
112.....	مطلب هفتم - ذکرکردن به طریقه مسنون آن.....
115.....	مطلب هشتم - بیداری وحذرداشتن از غفلت :
115.....	الف - بیداری وبیداری گری :
116.....	ب - آگاهی ویادآوری نعمات الله جل مجده :
117.....	ج - حذر داشتن از غفلت:
118.....	مطلب نهم : تزکیه وزبون ساختن نفس :
118.....	الف - تزکیه نفس :
119.....	ب - مراقبت نفس :
120.....	ج - مجاهده بانفس :
121.....	د - محاسبه نفس :
122.....	ه - توبه وندامت نفس :
125.....	نتیجه گیری.....
127.....	توصیه.....
128.....	فهرست آیات.....
140.....	فهرست احادیث.....
144.....	فهرست اعلام.....
145.....	فهرست مصادر ومراجع.....
152.....	خلاصة البحث.....
153.....	Summary of thiesi.....

## مقدمه

الحمد لله الذي جعل الليل والنهار خلفه ورفع عنا الكلفة وامرنا بالمودة والالفة وحذرنا من الغفلة واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له امرنا بالاتباع ونهانا عن الابتداع وحذرنا من الضياع واشهد ان سيدنا محمدا عبده ورسوله الذي ارضى ربه وجاهد نفسه وحفظ وقته صلى الله عليه وعلى آله واصحابه ومن تبعهم باحسان وسلم تسليما كثيرا كثيرا .

اما بعد : اعوذ بالله من الشيطان الرجيم . بسم الله الرحمن الرحيم { اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ }<sup>1</sup> ترجمه : ( زمان ) محاسبه مردمان ( كفر پيشه چون قريش بسيار ) بايشان نزديك است در حالیکه آنان غافل ( از هول و هراس آن ) وروی گردان ( از ايمان بآن ) می باشند .

بدون شک مرض غفلت خطرناکتر و دردناکتر از هر نوع مرض جسمانی است تا آنجائی که انسان را هلاک و دینش را ضعیف و قلبش را خفته و خوار ذلیل دنیا و آخرت می گرداند . در واقع غفلت یک مصیبت عظیم و بزرگی است ، که انسان را تباه و برباد می کند ، بناءً برای هرانسان لازمی و ضروری می باشد ، که از خطرها و ضررهای آن آگاه شده ، و راه های وقایه و علاج آن را جستجو نماید ، و خود را ازین مرض مهلك نجات دهد . با تأسف به این مرض بسیار مردم مصاب هستند ، تا آنجای که از عبادت و پرستش و بندگی الله سبحانه و تعالی غافل هستند ، و در تطبیق احکام شرعی و عمل کردن بآن عاجز ماندن ، و راه راست و مستقیم را از راه های ضلالت و گمراهی تفکیک کرده نتوانستند ، تا وقت زنده بودن شان اندک ترین توجه به آن ندارند ، بعد از مرگ غم و اندوه فراوان به سراغ ایشان می آید ، اما سودشان نمی بخشد چرا که فرصت های زیاد را از دست داده اند ، در آن وقت است که آنها آرزوی رجعت به دنیا را می کنند اما هیچ سودی برای شان نمی دهد چنانچه الله متعال می فرماید { حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ – لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا .. }<sup>2</sup> زمانی که مرگ یکی از آنان فرامی رسد می گوید: پروردگارا ! مرا ( به دنیا ) باز گردانید – تا اینکه کار شایسته ای بکنم و فرصتهای را که از دست داده ام جبران نمایم . نه ! ( هرگز راه باز گشتی وجود ندارد ) .

یقیناً موضوع غفلت از جمله موضوعات مهم است . ضروری میدانم درباره اسباب آن و بر حذر داشتن مردم از عواقب بد آن و بیان و عید که در باره غافلان در قرآن کریم نازل شده بحث نمایم .

در ابتدای خلقت انسان الله متعال در عالم ارواح از بنی آدم عهد و پیمان گرفت و همه انسانها بوحدانیت ، ربوبیت ، خالقیت و مالکیت او تعالی گواهی دادند . چنانچه الله متعال فرموده { وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ }<sup>3</sup> ترجمه : ( ای پیغمبر ! برای مردم بیان کن ) هنگامی را که پروردگارت فرزندان آدم را از پشت آدمیزادگان ( در طول اعصار و قرون ) پدیدار کرد و ( عقل و ادراک به آنان داد تا عجایب و غرایب گیتی را دریابند و از روی قوانین و سنن منظم و شگفت انگیز هستی ، خدای خود را بشناسند و بالآخره

1 - الانبياء :

2 - المؤمنون: 99 – 100 .

3 - اعراف : 172



باخواندن دلائل شناخت یزدان در کتاب باز و گسترده جهان ، هرگاه خداوند سبحان ( ایشان را بر خود شان گواه گرفته است ) و خطاب به آنان فرموده است ( که : آیا من پروردگار شما نیستم ؟ آنان همه به زبان حال پاسخ داده و گفته اند : آری ! گواهی میدهیم ) توی خالق و باری . ما دلایل و براهین جهان را موجب اقرار و اعتراف شما مردمان کرده ایم ) تا روز قیامت نگویید ما ازین ( امر خداشناسی و یکتا پرستی ) غافل و بی خبر بوده ایم .

ابن عباس ( رضی الله عنهما ) می فرماید : الله سبحانه وتعالى از پشت آدم علیه الصلاة والسلام تمامی نسل و ذریه اش را بیرون آورد ، از ایشان عهد و پیمان گرفت عبادت و بندگی آن ذات کبریائی را کنند و به او هیچ چیز را شریک مقرر نکنند ، و اوضامن و کفیل رزق و روزی ایشان است ، باز همه شان به پشت آدم علیه الصلاة والسلام باز گردانده شدند ، در آن وقت همه آدمیزادگان تعهد و پیمان بستند که عبادت و بندگی خالق و رازق یکتایشان را می کنند .<sup>1</sup> باوجود این تعهد محکم بسیاری از مردم در عهد شکنی و غفلت بسر می برند ، بآنهم بخاطر این کار شان حجت و دلیل می آورند که آن بدو نوع است :

1- حجت عموم مردم اعم از مسلمان و کافر چنانچه می گویند { اِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ } ترجمه: یقیناً ما ازین ( امر خدا شناسی و یکتا پرستی ) غافل و بی خبر بودیم .

2- حجت کافر چنانچه می گویند قوله تعالى { اَوْ تَقُولُوا اِنَّمَا اَشْرَكْنَا اَبَاءَنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَةً مِنْ بَعْدِهِمْ }<sup>2</sup> ترجمه : یا اینکه بگوئید پدران ما پیش از ما شرک ورزیدند و ما هم فرزندان آنان بودیم .

این در حالی هست که الله ذو الجلال در باره این دو حجت غفلت و شرک اقرار بشر را در وقت آفرینش شان گرفته بود و ایشان به رب بودن الله متعال اقرار کردند ، پس سوال اینجاست چرا غفلت را بر شرک مقدم ذکر نموده ؟ بخاطریکه غفلت عام است شامل همه قشر انسانها می گردد چه مسلمان باشد چه کافر اما شرک فقط مربوط مشرکین می شود .

اسباب آن تکذیب آیات الله ذو الجلال و اعراض کردن از آن و مشغول شدن به هوا و هوس است . و عواقب آن ذلت و رسوائی در دنیا و آخرت می باشد ، قسمیکه امام زمخشری<sup>3</sup> فرموده کم ادلت الغفلة من الفطنة - واطلت الاصطلاء بنار الفتنة<sup>4</sup>

چقدر دلائل در باره غفلت برای انسانهای زیرک و هو شیار بیان شده باز هم مردمان زیاد هستند که در آتش فتنه غفلت می سوزند .

از همین خاطر این بحث تحقیقی ، بسیاری از مشکلات بزرگ را که دامنگیر بشر امروزی بوده و تمام جوانب زندگی ایشان را فرا گرفته ، حتی به مثابه یک قانون عام تبدیل شده معالجه می کند، سبب آنچه که این وضعیت را افزایش میدهد ، اعمال شوم غفلت پیشه گان است به بهانه های مختلف مرتکب این عمل

1 - ابن کثیر ، عماد الدین ابو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر بن ذرع دمشقی ، فقیه شافعی ، سنه تولد ( 700 هـ ) ، وفات ( 774 هـ ) ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 2 / 229 ) ، طبع اول ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، لبنان ، 1417 هـ 1997 م .  
2 - الاعراف : 173 .

3 - زمخشری ، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد ، ملقب به علامه جار الله ، ( ت ، 467 هـ ) ، عالم در فنون و ادب بود ، علماء زیادی را ملاقات نمود ، ایشان تصنیفات زیادی دارند مشهور ترین آن تفسیر الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التنزیل ، ( معجم الادباء = ارشاد الاریب الی معرفة الادیب ) 268 / 6

4 - زمخشری ، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد ، اطواق الذهب فی المواعظ والخطب ، ( ص ، 145 ) ، تحقیق : اسماء ابوبکر محمد ، ط ، 1 ، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، 1414 هـ - 1994 م .

شنیع می شوند ، روی این ملحوظات بوده که قرآن کریم درین مورد در 21 سوره و 35 آیات سخن به عمل آورده ، بدون شک تا کید قرآن کریم به موضوع غفلت باین قدر ، دلالت به تدبیر و تأمل جوانب آن و کشف حقائق آن از نصوص قرآن کریم می نماید .

### اهمیت بحث

- 1- ارتباط موضوع بحث به حقایقی است که امت مسلمه بآن دست و پنجه نرم می کنند .
- 2- این بحث شامل فرامین الله ذوالجلال است همه مردم را فرا می خواند که از غفلت و اسباب آن دوری اختیار کنند که سبب هلاکت شان می گردد .
- 3- اهمیت و جای گاهش از توجه عمیق قرآن عظیم الشان به این موضوع نمایان میشود ، چقدر تأثیر بسزائی دارد به آگاه نمودن مردم به حقیقت غفلت و انواع آن و تنبیه کردن از عوامل آن و بر حذر داشتن مردم از عواقب ناگوار آن .
- 4- بر حذر داشتن مردم از صحبت و رفاقت با غافلان .
- 5- تشویق و ترغیب نمودن غافلان به توبه نمودن و رجوع کردن بسوی الله جل شأ نه قبل از اینکه مرگ به سراغ شان بیاید .
- 6- این بحث ممثل تطبیقی در انواع تفسیر موضوعی است .
- 7- وعظ و نصیحت و تنبیه کردن انسان هائی که در غفلت بسر می برند .

### اهداف تحقیق

- 1- نهی کردن و بر حذر داشتن مردم از غفلت به طرق و انواع مختلف .
- 2- ارتباط موضوع بحث با وقایع معاصر .
- 3- وادار ساختن مردم به یک نهاد صحیح و سالم که خالی از هر نوع امراض باشد ، و همه دور آن جمع شوند ، و مخلصانه بخاطر احیائی آن کار نمایند .
- 4- در خلال این موضوع بحث تحقیقی از طرق و روش تفسیر موضوعی کار گرفته میشود .
- 5- دعوت کردن مردم به تأمل و تدبیر به کتاب الله جل شأنه و واقف شدن شان به جواهرات قیمتی و مروارید های بزرگ و پوشیده آن .
- 6- بهترین روش و قایه غفلت و علاج آن ، عمل نمودن به قرآن عظیم الشان و شریعت اسلامی است .
- 7- متوجه ساختن امت مسلمه به خطرات موضوع غفلت و اضرار آن که از دیر زما نی مردم را بطور انفرادی و اجتماعی فرا گرفته است .
- 8- بوجود آوردن یک میکا نیزم واضح و همه شمول در ارتباط به موضوع غفلت از خلال آیات قرآن کریم .

## پیشینه تحقیق

در رابطه به پیشینه تحقیق باید گفت: هر نویسنده و محقق کوشش و تلاش می نماید که از ذخائر و اندوخته های علمی علماء، مؤلفین و محققین گذشته استفاده نماید، من هم از این قاعده مستثنی نیستم بلکه به ذخائر، اندوخته ها، مقالات علمی و کتب علمای گذشته و روش تحقیقاتی آنها نیاز مبرم دارم و از آن استفاده می نمایم، تا با شد چیزی جدید را بدست آورده، و در راستای حل معضل مرض خطر ناک غفلت و مداوای آن در رو شنی احکام الهی در پرتو آیات قرآنی، برای امت مسلمه با الخصوص مردم رنج دیده افغانستان که درین مرض مهلک از همه بیشتر گیر مانده اند خدمتی را انجام داده باشم. با تتبع و بحثی که درین مورد داشتم، بعضی کتابها و رساله ها به زبان عربی و دیگر زبان ها نوشته شده، که پاسخگوی جوامع خودشان بوده می تواند، و برای جامعه افغانی ما پاسخگو نبوده است، رساله هذا تاحدی مشکلات جامعه ما را مرفوع ساخته حل می سازد.

به گوشه از تألیف این کتابها می پردازیم:

- 1- الغفلة " مفهومها و خطرها و علاماتها و اسبابها و علاجها " تألیف د. سعید بن وهف القحطانی طبع (1427 ه ق).
- 2- الغفلة المهلكة . تألیف د. بدر بهیسه . طبع (1432 ه ق).
- 3- الغفلة . تألیف أ. محمد صالح المنجد . طبع (1430 ه ق).
- 4- الغفلة فی القرآن الکریم ( اسبابها و آثارها و طرق علاجها ) تألیف أ. ادریس علی الطیب طبع (1430 ه ق).
- 5- آیات الغفلة والنسیان فی القرآن الکریم - دراسة موضوعية . تألیف أ. ابراهیم الحکمی طبع (1423 ه ق).
- 6- الغفلة والنسیان اسبا بهما و اعراضهما و علاجهما علی ضوء القرآن الکریم . تألیف أ. وفاء الخطابی. طبع (1420 ه ق).
- 7- ( الغفلة فی آیات القرآن الکریم ) تألیف أ. محمد داود بابیهون تمرغین. طبع (1427 ه ق).

## انگیزه انتخاب موضوع

- 1- مرحله اول این موضوع همانا به پایه اکمال رسانیدن رساله ماستری است که، هر محصل الزاماً باید اقدام به تحریر موضوعی نماید، بنده نیز جزء این کاروان بودم و خواستم این وظیفه را بوجه احسن انجام دهم.
- 2- از آنجای که پروسه و روند علم و دانش تقاضا می کند، تا کسانی که به علم و دانش تخصص دارند باید از اندوخته های علمی خویش دیگران را نیز مستفید نمایند، من نیز با انتخاب نمودن این موضوع خواستم این مسئولیت را در قبال وجدان و جامعه خویش ادا نمایم.

- 3- غنی بودن نصوص قرآنی که در بر گیرنده موضوع غفلة ، انواع آن ، و آثار مختلف آن ، و راه های وقایه آنرا نیز شامل است .
- 4- دوری اختیار کردن از مفاسد همچون غفلت قبل از وقوع آن .
- 5- شوق و علاقه مندی خاص خودم باین موضوع و ضرورت مبرم جامعه ما ایجاب می کرد که این موضوع را انتخاب نمایم .
- 6- ضرورت مبرم امت مسلمه باین موضوع در زمانی که فتنه ها ، بلاها و مصیبت های مانند غفلت همه مردم را فرگرفته .

### مشکلات تحقیق

با آنکه شرایط خوبی در برخی از مناطق کشور ، تاحدی نهادهای اکادمیک ، شخصیت های فرهنگی و کتاب خانه ها وجود دارد ، با آنهم محقق و پژوهشگر در جریان تحقیق و بررسی بر مشکلات بر می خورد که من هم جزء کسانی بودم طبیعتاً با مشکلاتی روبرو شدم .

نخست : عرض می کنم اکثراً مطالب این رساله از منابع اصلی گرفته شده ، انصافاً در جریان بررسی مراجع و مصادر به مشکل مواجه شدم ، با آنهم تلاش نموده دریافت نمودم ، بعد از بررسی همه جانبه آنرا اخذ نموده ام .

دوم : درین رساله تحقیقی سعی و تلاش صورت گرفته تا در باره علامات غفلت و اسباب و عقوبات آن ، و راه های وقایه و علاج آن بحث همه جانبه صورت گیرد .

### روش تحقیق :

برای تکمیل نمودن این رساله تا حدی زیادی تلاش صورت گرفته ، تا تمام معیارهای یک تحقیق علمی در آن رعایت گردیده ، و رساله به گونه مؤثق و معتبر در دسترس خواننده گان قرار گیرد ، منهج که درین بحث تحقیقی که بکار گرفته شده است قرار ذیل می باشد :

- 1- تقسیم نمودن عناوین کلان موضوع بحث بر فصلها ، بحثها و مطالب .
- 2- جمع آیات قرآنی که در بر گیرنده این بحث موضوعی است .
- 3- مراجعه به مصادر اصلی کتب تفسیر قدیم و جدید .
- 4- ذکر نمودن مختصر حالات اعلام که اول بار ذکر شده .
- 5- بکار گرفتن منهج واحد در مصادر و مراجع که در پاورقی ذکر می شود با بیان اسم مؤلف ، اسم کتاب ، صفحه و جلد ، ناشر ، مکان نشر و تاریخ نشر آن بطور مختصر .
- 6- ترجمه که در آیات قرآنی بکار گرفته شده از تفسیر نور ، داکتر مصطفی خرم دل بوده که با ترجمه سلیس آسان و جذاب و با تفسیر مختصر می باشد .



7- ترتیب فهرست این بحث تحقیقی ترتیب علمی بوده .

- فهرست آیات قرآنی مطابق مصحف عثمانی .
- فهرست احادیث نبوی مطابق صفحات بوده .
- فهرست اعلام .
- فهرست مراجع و مصادر .
- فهرست موضوعات .

از آنجای که این رساله مطالعه موضوعی بوده بناءً اکثر موضوعات آن از آیات قرآن عظیم الشأن استنباط گردیده و در روشنی کتاب روح بخش الهی بحث صورت گرفته است .

#### سازماندهی رساله :

این تیزس ( پایان نامه) تحصیلی ماستری در برگیرنده سه فصل : فصل اول مباحث کلی و مفهوم شناسی .  
فصل دوم : علامات غفلت و اسباب و عقوبات آن . فصل سوم : علاج غفلت و وقایه آن در روشنی قرآن کریم  
خاتمه و نتیجه گیری این بحث علمی .

## فصل اول

### مباحث کلی و مفهوم شناسی

#### مبحث اول : تعریف غفلت و مفهوم آن در قرآن کریم

#### مطلب اول : تعریف لغوی و اصطلاحی غفلت و ارتباط میان آنها :

**الف : تعریف لغوی غفلت** – ابن منظور<sup>1</sup> می گوید: الغفلة لغة مصدر غفل يغفل غفولاً و غفلةً : تركه وسهى عنه بمعنى ترك کردن و فراموش کردن استعمال می شود مانند ( اغفلتُ الشيء ) باوجود یکه آن چیز در یادم بود ترک نمودم ، یا آن چیز را فراموش کردم .<sup>2</sup>

فیومی می گوید : الغفلة : غيبة الشيء عن بال الانسان وعدم تذكره له . وقد استعمل فيمن تركه اهمالاً واعراضاً كما قال تعالى { وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ }<sup>3</sup> ترجمه: درحالیکه آنان غافل و سرگردان می باشند . غفلت بمعنای غایب شدن یک چیز از توجه انسان و اهتمام نکردن به آن . و همچنان بیان شده برای کسی که ترک می کند کاری را به غفلت و سستی و تنبلی و به غرض اعراض کردن از آن .<sup>4</sup>

ابن فارس می گوید : الغین والفاء واللام اصلٌ صحيح يدل على ترك الشيء سهواً وربما كان عن عمد: وآن دلالت می کند به ترک یک شیء سهواً وگاهی عمداً بطور مثال ( غفلتُ عن الشيء غفلةً و غفولاً ) سهواً آن چیز را ترک نمودم ( و اغفلته ) با وجودیکه آن چیز در یادم بود ترک نمودم .<sup>5</sup>

ومصادر ( التَّغافل و التَّغفل ) تَعَمَد الغفلة : بمعنای عمداً و قصداً غفلت کردن ، و لفظ ( أَلْغُلُ ) من لايرجى خيره ولايخشى شره ، ومالا علامة فيه : به کسی اطلاق میشود که از او توقع خیر برده نشود و از شر او کسی در امن نباشد و هیچ علامه و نشانی نیکی از وی باقی نماند .<sup>6</sup> چنانچه در حدیث آمده است ( مَنْ أَتْبَعَ

<sup>1</sup> - انصاری، جمال الدین ابو الفضل محمد بن مکرم بن علی ، افریقی ، مصری ، (ت ، 630 هـ ) ایشان بسیار از مطولات نحو را اختصار کرده است ، و اختصارات او نزدیک به 500 مجلد است ، تمام عمر در خدمت دیوان و انشاء بوده است ، امام سبکی و امام ذهبی از ایشان روایت کرده اند ، و ایشان عارف در علم نحو ، لغت ، تاریخ و کتابت بود ، تاریخ دمشق را وی مختصر کرده است (اعلام ، زرکلی ( 108 / 7 ) .

<sup>2</sup> - انصاری ، ابو الفضل محمد بن مکرم ابن المنظور، لسان العرب ، (11/ 497) ، طبع ، 1 ، مکتبة دار الصادر ، بیروت ، 1410 هـ - 1991 م .

<sup>3</sup> - الانبياء : 1 .

<sup>4</sup> - فیومی ، احمد بن محمد المقرئ ، (ت ، 770) ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير ، (2/ 449) ، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان ، 1414 هـ .

- 1994 م .

<sup>5</sup> - ابن فارس ، ابوالحسن احمد بن زکریا بن فارس ، (ت ، 395 هـ ) ، معجم مقاییس اللغة ، (4، 386) ، تحقیق : عبدالسلام محمد هارون ، طبع ، 2 ، دار الجیل ، بیروت ، لبنان ، 1420 هـ - 2000 م .

<sup>6</sup> - فیروز آبادی ، مجد الدین ابوظاهر محمد بن یعقوب ، (ت ، 817 هـ ) ، القاموس المحيط ، (ص ، 1343) ، طبع ، 5 ، مؤسسة الرسالة ، بیروت ، 1416 هـ - 1996 م .

**الصَّيْدُ غَفْلٌ** <sup>1</sup> - <sup>2</sup> کسیکه دنبال شکار می‌رود بتحقیق او غافل است . وقلب او مملو از غفلت و بی‌پروائی شده درحقیقت قلب او را غلاف و پرده ای گرفته که حقایق را درک کرده نمی‌تواند <sup>3</sup> .  
 علامه معلوف معانی متعددی را درباره غفلت بیان نموده می‌گوید : غفل - غفولاً و غفلاً و غفلاً ، عنه : او را فراموش و ترک کرد . غفلهُ : او را غافل کرد ، او را غافل خواند .  
 غافل هُ : مترصد و منتظر شد تا او را غافلگیر کند . تغافلُ : خود را به بی‌خبری و غفلت زد .  
 الغُفل من الرجال ( ج اغفال ) : کسی که نه به خیرش امید است و نه از شرش هراسی .  
 الغُفلان : غافل ، بی‌خبر ، خود را به بی‌خبری زدن .  
 المُغفل ( اسم مفعول ) : کودن ، فراموش شده <sup>4</sup> .

ازین تعاریف چنین برداشت میشود که غفلت چیزی است که دروازه قلب را ازقبول کردن فرامین پروردگار و درک نمودن معنی و مفهوم درست آن مسدود ساخته و آن را از پذیرفتن حق منع می‌کند ، و انسان غافل پروائی هیچ چیز را ندارد ، و در تمام کار هایش مقصر است و متوجه آینده خود نمی‌باشد و در سستی و تنبلی و کاهلی تمام عیار بسر می‌برد ، و در نتیجه زندگی ذلت بارمیداشته باشد و رسوای دنیا و آخرت می‌گردد .

**ب - تعریف اصطلاحی غفلت : امام بغوی می‌گوید : ( هی معنی يمنع الانسان من الوقوف علی حقیقة الامور ) غفلت در واقع چیزی است که انسان را بازمی‌دارد از واقف شدن و درک نمودن و رسیدن به حقیقت کارها <sup>5</sup> .**

امام راغب اصفهانی <sup>6</sup> می‌گوید : ( الغفلة سهو يعتري الانسان من قلة التحفظ والنتیظ ) <sup>7</sup> غفلت سهو و خطائی و خطائی است که از قلت هوشیاری و بیداری به انسان پیش می‌آید و او را فرا می‌گیرد .  
 امام مناوی می‌گوید : <sup>8</sup> ( الغفلة فقد الشعور بما حقه ان يشعر به ) <sup>1</sup> غفلت بمعنای فراموشی عقل و شعور آنچه را که حق و منطقتش است که درک نماید .

<sup>1</sup> - عن ابی هريرة قال قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) من بداجفا ، ومن اتبع الصيدغفل ، ومن اتى ابواب السلاطين افتتن .  
<sup>2</sup> - سجستانی، امام ابو داود سلیمان بن اشعث ، ( ت ، 275 هـ ) ، سنن ابی داود ، کتاب الصيد ، باب فی اتباع الصيد ، ( ح ، 2859 ) ، ( ص ، 507 ) ، امام البانی این حدیث را صحیح گفته .  
<sup>3</sup> - ابن الاثیر ، مجدالدین ابو السعادات مبارک بن محمد ، ( ت ، 606 هـ ) ( النهاية فی غریب الحدیث والاثر ، ( 3 / 375 ) ، مکتبة العلمية ، بیروت ، 1399 هـ - 1979 م .  
<sup>4</sup> - معلوف ، لویس ، المنجد ، ( 1 / 1091 ) ، مترجم : مصطفی رحیمی نیا ، چاپ سوم ، 1383 هـ ش ، چاپ خانه حیدری ، ناشر ، انتشارات صبا ، تهران .  
<sup>5</sup> - بغوی ، امام ابو محمد حسین بن مسعود فقیه شافعی ، ( ت ، 456 هـ ) ، معالم التنزیل ، ( 4 / 358 ) ، مشهور به ابن الفراء و ملقب به محی السنة می‌باشد ، تحقیق : محمد عبدالله النمر ، دارطیبة لنشر والتوزیع ، ریاض ، طبع دوم ، 1414 هـ - 1994 م .  
<sup>6</sup> - اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد بن فضل ، معروف به راغب اصفهانی ، ( وفات 502 هـ ) ، لغت شناس واز ادیبان و حکیمان اهل اصفهان بود بود ودر بغداد سکونت داشت و شهرت زیادی پیدا کرد ، از تصنیفات وی محاضرات الادباء ، الذریعة الی مکارم الشریعة ، اخلاق الراغب و مشهورترین آن المفردات فی غریب القرآن است ، ( اعلام زرکلی : 2 / 255 ) .  
<sup>7</sup> - اصفهانی ، ابو القاسم حسین بن محمد ، مشهور به راغب اصفهانی ، ( ت ، 502 هـ ) ، المفردات فی غریب القرآن ، ( ص ، 609 ) ، طبع اول ، مکتبة التوفیقیة ، بیروت ، 1408 هـ - 1988 م .  
<sup>8</sup> - مناوی، زین الدین عبد الرؤف بن تاج العارفین بن نور الدین علی بن زین العابدین حدادی شافعی ، سنه تولد ( 952 هـ ) و فات ( 1031 هـ ) از علماء علماء کبار در علم دین و فنون می‌باشد ، ایشان بیشتر از ( 100 ) تصنیفات خورد و کلان دارند ، از جمله فیض القدر ، شرح الشمائل الترمذی . خلاصة الاثر ( 2 / 193 ) والبدر الطالع ( 1 / 357 ) .

امام شوکانی<sup>2</sup> می گوید: ( الغفلة: ذهاب الشيء عنك لا نشغالك بغيره )<sup>3</sup> غفلت بمعنای از دست دادن کارهای که انجام دادن آن مهم و ضروری است و خود را مصروف ساختن به غیر آن .  
 و علامه جرجانی می گوید: (متابعة النفس على ما تشتهي) <sup>4</sup> غفلت بمعنای دنبال کردن و پیروی نمودن نفس آنچه را که خواهش و میل دارد .  
 و همچنان فرموده ( الغفلة عن الشيء هي ان لا يخطر ذالك بباله ) غفلت چیزی را گویند که ، به بادی فراموشی گذاشتن کار های مهم و ضروری و توجه به کارهای بی هوته و بی معنی .  
 و علامه کفوی<sup>5</sup> می گوید: (الغفلة عدم ادراك الشيء مع وجود ما يقتضيه )<sup>6</sup> غفلت عدم درک حقیقت یک چیز با وجود که حاصل نمودن آن مهم و ضروری می باشد .  
 از لابلای این تعریفات روشن شد که حقیقت غفلت فرو رفتن در دنیا و خواهشات آن ، و فراموش کردن آخرت ، قیامت و هولناکی های آن ، و دنبال روی هوی و هوس و مصروف ساختن خود به کارهای بی هوته و بی معنی بوده است . انسان غافل قسم هست که قلب آن هیچ چیز را درک کرده نمی تواند و چشم هایش کور و گوش هایش کر می گردد ، پس او همانند چهارپایان است بلکه سرگشته تر و فرومایه تر است .

**ج - ارتباط بین معنای لغوی و اصطلاحی غفلت :** ارتباط معنای لغوی و اصطلاحی غفلت ارتباط تکامل و تداخل است ، معنای اصطلاحی آن از معنای لغوی اش گرفته شده است ، بخش بزرگ معنای لغوی آن به مفهومی سستی و تنبلی و کاهلی و سهو خطا و عدم توجه به چیزهایی که به آن آگاهی داده شده است آمده، این مطلبی هست که معنای اصطلاحی آنرا نیز در بر می گیرد .

**مطلب دوم - معنای غفلت در قرآن کریم :** بعد از بحث و نظر در آیات قرآن کریم واضح شد که کلمه غفلت به پنج معنای ذیل می آید :

اول - سهو و فراموشی : 1- مانند قوله تعالی { وَذَٰلِكَ يَنْفَرُ لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ }<sup>7</sup>  
 ترجمه : کافران دوست می دارند کاش از اسلحه و کالاهای خود غافل می شدید ، و آنان یکباره بر شما تاخت و حمله می آوردند و غافل گیرتان می کردند . و شما را از وسائل جنگی تان در سهو و فراموشی می انداختند .<sup>1</sup>

<sup>1</sup> - امام مناوی ، التوقیف علی مهمات التعاریف ، (ص ، 540 ) ، تحقیق : محمد رضوان الدایة ، ط ، 1 ، دارالفکر المعاصر ، بیروت ، 1404 هـ -

1984 م .

<sup>2</sup> - شوکانی، ابو علی بدرالدین محمد بن علی بن محمد ، سنة تولد ( 1173 هـ ) ، وفات ( 1250 هـ ) ، ایشان در یک خانواده اهل علم و فضل در صنعاء یمن چشم به جهان گشود و بیشتر مطالعات وی به کتب تاریخ و ادب بود و تألیفات ایشان به ( 278 ) می رسد که مشهور ترین آن فتح القدر است . بدر الطالع ( 214 / 2 ) .

<sup>3</sup> - شوکانی ، فتح القدر " الجامع بین فنی الروایة و الدرابة من علم التفسیر " ، ( 272 / 2 ) ، ط ، 1 ، دارالفکر ، بیروت ، لبنان ، 1412 هـ - 1992

<sup>4</sup> - جرجانی ، علی بن محمد بن علی ، ( ت ، 816 هـ ) ، التعریفات ، ( ص ، 168 ) ، ط ، 1 ، مکتبة لبنان ، بیروت ، 1405 هـ - 1985 م .

<sup>5</sup> - کفوی ، ابو البقاء ایوب بن موسی حسینی ، از قاضیان مشهور احناف می باشد، در ترکیه و در بعض مناطق دیگر منصب قضاء را بدوش داشته است ، کتابهای زیاد به زبان ترکی نوشته است ، و در سال ( 1094 هـ ) وفات نموده است . ترتیب الاعلام ، زرکلی ، ( 604 / 1 ) .

<sup>6</sup> - کفوی ، ابوالبقاء ایوب بن موسی ، الکلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویة ، ( 1 / 504 ) ، ط ، 2 ، مؤسسة الرسالة ، بیروت ، 1418 هـ - 1998 م .

<sup>7</sup> - النساء: 102 .



2 - قوله تعالى { وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا }<sup>2</sup> ترجمه : و میندار الله ذوالجلال را بی خبر ، غافل و فراموش کار.<sup>3</sup>

3 - قوله تعالى { وَأُو لَيْكَ هُمُ الْعَافُونَ }<sup>4</sup> ترجمه : وچنین افرادی غافلان واقعی می باشند ، و درسهو و خطا می باشند.<sup>5</sup>

4 - قوله تعالى { وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ }<sup>6</sup> ترجمه : درحالیکه آنان غافل و روی گردان می باشند ، حیران و سرگردان و در یک فراموشی تمام عیار بسر می برند . بآنهم خوب درک می کنند که جزا و پاداش نیکوکاران و سزایی بدکاران حتمی و لازمی است.<sup>7</sup>

دوم - مشغول شدن به چیزی : مانند قوله تعالى : { وَأَنْتُمْ عَنْهَا غَافِلُونَ }<sup>8</sup> ترجمه : و شما از او غافل باشید ، و در کارهای چوپانی خود مشغول شوید.<sup>9</sup>

سوم - اعراض کردن : مانند قوله تعالى { وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ }<sup>10</sup> ترجمه : از آنها غافل میشدند ( اعراض میکردند ) .<sup>11</sup>

چهارم - جهل و نادانی : 1 - مانند قوله تعالى { وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ }<sup>12</sup> ترجمه : قطعاً تو پیشتر از زمره بی خبران ( از احوال گذشته گان بوده ای ) ، تا وقتی که ما برای تو ای محمد (صلی الله علیه وسلم) وحی نکردیم تو وقوم تو از قصه ایشان بی خبر بودی .<sup>13</sup>

2 - قوله تعالى { يَعْلمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ }<sup>14</sup> ترجمه : ( این اکثریت کوتاه بین ) تنها ظاهر و نمادی از زندگی دنیا را می دانند ، و ایشان از آخرت کاملاً بی خبرند . حافظ ابن کثیر ( رحمه الله ) می فرماید : اکثر مردم علم ندارند مگر به کسب و کمائی دنیا و طریقه

1 - طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن خالد ، (ت، 310 هـ) ، جامع البیان عن تأویل آی القرآن ، ( 5 / 259 ) ، دار الفکر ، بیروت ، لبنان ، 1405 هـ - 1985 م .

2 - ابراهیم : 42 .

3 - طبری ، جامع البیان ، ( 13 / 263 ) .

4 - النحل : 108 .

5 - طبری ، جامع البیان ، ( 14 / 183 ) .

6 - الانبیاء : 1

7 - رازی، فخرالدین محمد بن ابی بکر بن عبد القادر ، (ت ، 721 هـ) ، تفسیر الکبیر ( مفاتیح الغیب ) ( 22 / 121 ) ، طبع اول ، دارالکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان ، 1421 هـ - 2000 م .

8 - یوسف : 13 .

9 - ابن جوزی، جمال الدین ابو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد ، (ت ، 597 هـ) ، زاد المسیر فی علم التفسیر ، ( 4 / 188 ) ، طبع سوم ، المکتب الاسلامی ، بیروت ، لبنان ، 1404 هـ - 1984 م .

10 - اعراف : 136 .

11 - واحدی ، ابوالحسن علی بن احمد ، (ت ، 468 هـ) ، الوجیز فی کتاب تفسیر العزیز ، ( 1 / 410 ) ، طبع اول ، دارالقلم ، دمشق ، 1415 هـ - 2004 م .

12 - یوسف : 3 .

13 - نسفی ، ابو البرکات عبد الله بن احمد بن محمود ، (ت ، 701 هـ) ، مدارک التنزیل ، ( 2 / 178 ) ، دارالکتب العربی ، بیروت ،

14 - الروم : 7 .

زندگی آن ، وحتا در جمع نمودن و حاصل کردن آن بسیار ذکی و هوشیار و شوق و علاقه خاص دارند، اما در امور دینی و شرعی و منفعت اخروی شان بسیار زیاد کسل و تنبل هستند .<sup>1</sup>

3 - قوله تعالى { ذَالِكِ بِأَنَّهْمُ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ }<sup>2</sup> ترجمه: این به سبب آنست که آیات ما را تکذیب کرده و از آنها غافل و بی خبر گشته اند . در واقعیت امر این کار شان یک جهالت بیش نیست.<sup>3</sup>

4 - قوله تعالى { وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ }<sup>4</sup> ترجمه : و ( ما اصلاً از آنها آگاهی نداشته ایم و ) از بحث و بررسی آنها بی خبر بوده ایم ، نفهمیدیم آنچه را که در کتب آسمانی قبلی خوانده ایم بناءً نیست حجت و دلیل بر ما ، این یک جهل مرکب است که ایشان استدلال می کنند درحالیکه همه موضوعات در قرآن عظیم الشان بطور واضح و روشن بیان شده .<sup>5</sup>

پنجم - لهو لعب (بازی و سرگرمی) : 1 - قوله تعالى { وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ }<sup>6</sup> ترجمه : و شما در بازی و سرگرمی خود مشغول و مصروف بودید .<sup>7</sup>

2 - { وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ }<sup>8</sup> ترجمه : و از جمله غافلان مباش . از آن مردمان که از ذکر الله جلت عظمته غافل هستند و در بازی و سرگرمی مشغول می باشند .<sup>9</sup>

3- قوله تعالى { وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا }<sup>10</sup> ترجمه : موسی ( علیه السلام ) بدون این که اهالی شهر مطلع شوند وارد آنجا گردید ، و مردم همه در جشن و بازی و سرگرمی خود مشغول و مصروف بودند .<sup>11</sup>

#### مطلب سوم - کلمات مترادف و مشابه غفلت در قرآن کریم :

**الف - سمد :** بمعنای غافل و هوسران ، متکبر و سرگردان از غرور .<sup>12</sup> چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده { وَتَضَحَّكُونَ وَلَا تَبْكُونَ \* وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ }<sup>13</sup> ترجمه : و آیا می خندید یعنی همچون استهزا کنندگان می خندید و گریه نمی کنید یعنی چرا باید همچون متقیان از خوف خدا گریه نمی کنید \* و آیا پیوسته در غفلت و هوسرانی بسر می برید . درین آیات متبرکه حکایت از بعض عربهای می شود که ، آنها در وقت نزول قرآن عظیم

1 - ابن کثیر ، عماد الدین ابو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضوء بن کثیر بن ذرع دمشقی ، فقیه شافعی ، سنه تولد ( 700 هـ ) وفات ، ( 774 هـ ) ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 3 / 375 ) ، طبع اول ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، لبنان ، 1417 هـ - 1997 م .

2 - الاعراف : 146 .

3 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 217/2 ) .

4 - الانعام : 156 .

5 - کلی ، ابو القاسم محمد بن احمد بن محمد ابن جزی غرناطی ، ( ت ، 741 هـ ) ، التسهیل لعلوم التنزیل ، ( 2 / 27 ) ، طبع ، 1 ، دار الکتب العربی ، بیروت ، لبنان ، 1403 هـ - 1983 م .

6 - یوسف : 13 .

7 - ابن جوزی ، زاد المسیر فی علم التفسیر ، ( 188/4 ) .

8 - الاعراف : 205 .

9 - زمخشری ، ابو القاسم محمود بن عمر بن محمد بن عمر خوارزمی ، ( ت ، 538 هـ ) ، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل ، ( 2 / 182 ) ، تحقیق : عبد الرزاق المهدی ، طبع ، 1 ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، 1399 هـ - 1979 م .

10 - القصص : 15 .

11 - خازن ، علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم ، ( ت ، 741 هـ ) ، لباب التأویل فی معانی التنزیل ، ( 5 / 166 ) ، دار الفکر ، بیروت ، 1399 هـ - 1979 م .

12 - ابن منظور ، لسان العرب ، ( 3 / 219 ) .

13 - النجم : 60-61 .

الشان به غنا و موسیقی و لهو و لعب مشغول می شدند و از شنیدن و پذیرفتن قرآن مجید غفلت ورزیده اعراض می کردند.<sup>1</sup>

**ب - سکر :** بمعنای مستی و مدهوشی . و در اصطلاح " هو غفلة تعرض بغلبة السرور على العقل بمباشرة ما يوجبها من الاكل والشرب " <sup>2</sup> ترجمه : او غفلت هست که به انسان عارض می شود در وقت غلبه سرور سرور و خوشی بر عقل که موجب مدهوشی و مستی می شود ، در نتیجه دست به کارهای نامشروع و ناروا می زنند . چنانچه الله سبحانه و تعالی از قوم لوط حکایت نموده می فرماید { لَعْمُرْكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ } <sup>3</sup> ترجمه : ( ای پیغمبر! ) به جان تو سوگند! آنان در مستی ( شهوت و جهالت ) خود سرگردان بودند . الله سبحانه و تعالی به حیات حضرت محمد مصطفی ( صلی الله علیه و سلم ) قسم یاد می کند که آنها در غفلت و ضلالت و گمراهی خود متردد و سرگردان بودند ، خصوصاً هنگامیکه ملائک را در صورت جوانان زیباروی دیدند ، طمع شان نسبت به افعال بد که داشتند بیشتر شد ، و از بام ها خیز کرده خود را به آنان رسانیدند ، و پیامبرشان حضرت لوط علیه الصلاة والسلام برایشان پیشنهاد ازدواج دختران خود یا دختران اهل قریه را نمودند ، آنها رد کردند ، و از فرط مستی و مدهوشی و غفلت شان حیران و سرگردان بودند .<sup>4</sup>

**ج - نسیان و فراموشی :** معنای لغوی نسیان : ابن فارس : می گوید ( ماده نون ، سین و یا ) دو اصل دارد یکی آن دلالت می کند به معنای غفلت کردن در چیزی یا به فراموشی انداختن چیزی را و دوم آن دلالت می کند به معنای ترک نمودن چیزی را .<sup>5-6</sup> معنای اصطلاحی نسیان : امام راغب اصفهانی می گوید " هو ترک الانسان ضبط ما استودع اما لضعف قلبه و اما عن غفلة و اما عن قصد حتى ينحذف عن القلب ذكره " ترجمه : ترک نمودن انسان ضبط و نگهداری آنچه را که بدوش او ودیعت است بخاطر ضعیف بودن قلبش یا بخاطر غفلت و یا هم به قصد تا اینکه ذکر و حفظ آن از قلبش حذف گردد .<sup>7</sup> چنانچه الله ذوالجلال در قرآن عظیم الشان فرموده است { فَأَنَّى نَسِيْتُ الْخُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَدُكَّرَهُ } <sup>8</sup> ترجمه : صاحب موسی ( علیه السلام ) گفت یقیناً ماهی را فراموش کردم به فراموشی نه انداختن مرا مگر شیطان که آنرا به یاد بیاورم .

**د - سهو و خطا :** بمعنای غافل شدن و فراموشی است و این دو قسم می باشد :

1 - اگر از طرف شخصی با یک انگیزه و علت بوجود نه آید در آن مؤاخذة صورت نمی گیرد مانند یک شخصی مجنون کسی را دشنام میدهد در مقابل آن برخورد قانونی کرده نمی شود چونکه او غیر مکلف است و هیچ انگیزه در آن دیده نمی شود .

<sup>1</sup> - بغوی ، معالم التنزیل ، ( 4 / 257 ) .

<sup>2</sup> - جرجانی ، التعریفات ، ( ص ، 135 ) .

<sup>3</sup> - الحجر : 72 .

<sup>4</sup> - ابن عطیه ، ابو محمد عبدالحق ، ( ت ، 541 هـ ) ، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ، ( 3 / 369 - 370 ) .

<sup>5</sup> - ابن فارس ، معجم مقاییس اللغة ، ( 5 / 421 ) .

<sup>6</sup> - ابن منظور ، لسان العرب ، ( 15 / 322 ) .

<sup>7</sup> - اصفهانی ، راغب ، مفردات الفاظ القرآن ، ( ص ، 803 ) .

<sup>8</sup> - الکهف : 63 .

2 - اگر یک شخصی با یک انگیزه و علت یک کار را انجام میدهد مانند کسی که شراب می نوشد او مؤاخذه کرده می شود چرا که او عاقل و بالغ است و مکلفیت دارد خود را از این قسم اعمال زشت نگاه کند در غیر آن از نگاه شرع سخت مجازات می شود.<sup>1</sup> و همین قسم مردم را الله متعال مذمت کرده می فرماید { قَتِلَ الْخَرَّاصُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ }<sup>2</sup> ترجمه: مرگ بر دروغ گویان، آنانی که به گمان و تخمین سخن می گویند \* همان کسانی که در گرداب ضلالت و جهالت و غفلت حیران و سرگردان اند. درین آیات لعنت و نفرین شده بر دروغ گویان که درباره آخرت غافل هستند و در گرداب ضلالت و جهالت و غفلت بسر می برند.<sup>3</sup>

ه - **فرق بین غفلت، نسیان و سهو**: فرق هایشان با بیان معانی لغوی و اصطلاحی هر یک شان واضح شد، اما بخاطر وضاحت بیشتر فرق های ذیل بیان می شود:

1 - نسیان بمعنای زائل شدن صورت یک شیئی از قوه مدرکه همراهی بقاء آن در حافظه را گویند، سهو زوال هر دوی آن همزمان از قوه مدرکه را گویند، غفلت مفهوم هر دو را هم زمان شامل است، پس گویا غفلت عام شد و نسیان و سهو خاص.<sup>4</sup>

2 - غفلت، نسیان و سهو عبارات شان مختلف است ولیکن معنای شان با یک دیگر قریب می باشد، باوجود اینکه اجتماع شان باهم مستحیل است و هر کدام شان از نگاه علم ضد یک دیگر می باشد، بآنهم معانی شان یکی است با فرق اینکه غفلت عام است و سهو و نسیان خاص هر غفلت سهو و نسیان بوده می تواند اما هر سهو و نسیان غفلت بوده نمی تواند.<sup>5</sup>

3 - الغفلة ترک باختیار الغافل: غفلت ترک نمودن یک شیئی باختیار شخص را گویند. النسیان: ترک بغیر اختیار الانسان: اما سهو و نسیان ترک نمودن یک چیز بدون اختیار را گویند. واما الذکر: فهو التخلف من الغفلة والنسیان: اما ذکر خلاف غفلت و نسیان و فراموشی را گویند بهمین خاطر الله سبحانه و تعالی فرموده { وَلَا تَكُنْ مِّنَ الْغَافِلِينَ }<sup>6</sup> و از زمره غافلان مباش. و نفرموده ولا تکن من الناسین: و از زمره فرموش کاران مباش.<sup>7</sup>

4 - فرق اساسی که بین غفلت، سهو و نسیان وجود دارد عموم خصوص مطلق است، غفلت بمعنای غائب شدن یک چیز از توجه شخص و اهتمام نکردن به آن، اما سهو بمعنای علم نداشتن به چیزی همراهی

1 - بغوی، معالم التنزیل، (4 / 240).

2 - الذاریات: 10 - 11.

3 - محلی، جلال الدین محمد بن احمد، (ت، 864 هـ) و جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، (1 / 693)، ط، 1، دار الحدیث، قاهره.

4 - کفوی، ابو البقاء ایوب بن موسی حسینی، الکلیات معجم فی المصطلحات والفروق اللغویة، (ص، 506)، تحقیق عدنان درویش، محمد

مصری، ط، 1، مؤسسة الرسالة، بیروت، لبنان، 1419 هـ - 1999 م.

5 - تهانوی، محمد علی بن قاضی محمد حامد بن محمد صابر، (ت، 1158 هـ)، کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، (6 / 1337)، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت.

6 - الاعراف: 205.

7 - ابن قیم جوزیه، امام ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن ایوب، (ت، 751 هـ)، مدارج السالکین، (2 / 434)، ط، 2، مکتبه الایمان، منصوره، 1419 هـ - 1999 م.

بقاء صورت و معنای آن در ذهن ، اما نسیان بمعنای غائب شدن مکمل یک شیئی از ذهن همراه باصورت و معنای آن ، در بین صورت غفلت عام تر است .<sup>1</sup>

و - ارتباط غفلت ، سهو و نسیان با قلب : ارتباط هر سه اینها با قلب قرار ذیل می باشد :

1- ارتباط شان با قلب یکی است چونکه همه شان از امراض قلب می باشد و این نوع مرضها زمانی در قلب جای می گیرند که قلب ضعیف باشد و آمادگی خود را بخاطر مشغول شدن باین قسم مرضها نشان دهد .

2- ارتباط شان بایک دیگر طوری هست که بسیاری از اسباب و آثارشان مشترک می باشد .

3- در عین حال طریق علاج شان یکی است .

4- در بین غفلت ، سهو و نسیان تداخل وجود دارد ، بعضی آن با دیگرش ارتباط دارد طوری که هر کس غفلت کرد سهو می کند و هر کسی که سهو کرد نسیان و فراموشی می کند .

5- معنا و مفهوم هر سه شان ترک نمودن امور هست که ادا کردن و انجام دادن آنها حتمی و ضروری است مانند عمل کردن به اوامر الهی و باز ایستادن از نواهی پرور دگار .<sup>2</sup>

### مبحث دوم : ورود کلمه غفلت در آیات قرآنی

مطلب اول - بیان کلمه غفلت در آیات قرآن کریم : کلمه غفلت در قرآن مجید 35 بار در 35 آیه ذکر شده جمعاً این آیات در 21 سوره آمده که 17 سوره آن مکی و 4 سوره آن مدنی می باشد . در جدول ذیل به تصویر کشیده می شود:

شماره	آیات قرآن کریم	شماره آیه	اسم سوره	زمان نزول	صیغه استعمال شده
1	وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ	102	النساء	مدنی	تَغْفُلُونَ
2	وَلَا تَطْعَمَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا	28	الكهف	مکی	أَعْفَلْنَا
3	وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	74	البقرة	مدنی	بِغَافِلٍ
4	وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	85	البقرة	مدنی	بِغَافِلٍ

<sup>1</sup> - فیومی ، احمد بن محمد المقرئ ، ( ت ، 770 هـ ) ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير ، ( 2 / 449 ) ، ط ، 1 ، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان ، 1414 هـ - 1994 م .

<sup>2</sup> - عسکری ، ابو هلال حسن بن عبدالله بن سهل بن سعد بن یحیی بن مهران ، ( ت ، 395 هـ ) ، الفروق اللغویة ، ( 1 / 538 ) ، تحقیق : محمد ابراهیم سلیم ، دار العلم والثقافة للنشر والتوزیع ، قاهره ، مصر ، ط ، 1 ، 1406 هـ - 1986 م .

5	وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	140	البقرة	مدنى	بِغَافِلٍ
6	وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	144	البقرة	مدنى	بِغَافِلٍ
7	وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	149	البقرة	مدنى	بِغَافِلٍ
8	وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	99	آل عمران	مدنى	بِغَافِلٍ
9	وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	132	الانعام	مكى	بِغَافِلٍ
10	وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	123	هود	مكى	بِغَافِلٍ
11	وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	93	النمل	مكى	بِغَافِلٍ
12	وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ	42	ابراهيم	مكى	غَافِلًا
13	ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا غَافِلُونَ	131	الانعام	مكى	غَافِلُونَ
14	وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ	7	يونس	مكى	غَافِلُونَ
15	وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ	13	يوسف	مكى	غَافِلُونَ
16	وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ	7	الروم	مكى	غَافِلُونَ
17	لِتَنْذِرَ قَوْمًا مَّا أَنْذَرَ آبَاءَهُمْ هُمْ غَافِلُونَ	6	يسن	مكى	غَافِلُونَ
18	وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ	5	الاحقاف	مكى	غَافِلُونَ
19	أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ	179	الاعراف	مكى	الْغَافِلُونَ
20	وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ	108	النحل	مكى	الْغَافِلُونَ
21	وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ	92	يونس	مكى	لَغَافِلُونَ
22	بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ	136	الاعراف	مكى	غَافِلِينَ
23	ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ	146	الاعراف	مكى	غَافِلِينَ
24	إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ	172	الاعراف	مكى	غَافِلِينَ
25	وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ	17	المؤمنون	مكى	غَافِلِينَ
26	وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ	3	يوسف	مكى	الْغَافِلِينَ
27	وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ	205	الاعراف	مكى	الْغَافِلِينَ
28	وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ	156	الانعام	مكى	لَغَافِلِينَ

29	إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لِغَافِلِينَ	29	یونس	مکی	لَغَافِلِينَ
30	إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْسِنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ	23	النور	مدنی	الْغَافِلَاتِ
31	وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ	39	مریم	مکی	غَفْلَةٍ
32	وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرُضُونَ	1	الانبياء	مکی	غَفْلَةٍ
33	قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ	97	الانبياء	مکی	غَفْلَةٍ
34	وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا	15	القصص	مکی	غَفْلَةٍ
35	لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاتِكَ	22	ق	مکی	غَفْلَةٍ

قسمیکه در جدول مشاهده کردیم ، اکثراً لفظ غفلت در سوره های مکی بیان شده نسبت به سوره های مدنی ، چرا که اکثر مردم در عهد مکی در جاهلیت و کور دلی بسر می بردند و دنبال خواهشات نفسانی و حیوانی خود بودند ، و علاقه مندی شدید به دنیا داشتند ، و از اعمال که سبب رضا و خوشنودی پروردگار جهانیان بود فاصله می گرفتند ، و همیشه تلاش شان این بوده که از راه مستقیم منحرف شده و به راه ضلالت و گمراهی روان باشند ، در حالیکه الله سبحانه و تعالی ایشان را به راه راست و مستقیم دعوت نموده چنین می فرماید { وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَالِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : و این راه ( که من آنرا ترسیم و بیان کردم ) راه مستقیم من است ( و منتهی به سعادت هر دو جهان می گردد ) پس از آن پیروی کنید ، و از راه های ( باطل که شما را از آن نهی کرده ام ) پیروی نکنید ، شما را از خدا منحرف و پراکنده می سازد ، اینها چیز های است که خداوند شما را توصیه می کند تا پرهیزگار شوید ( و از مخالفت با آنها بپرهیزید ) .

پس ایشان بجای آنکه به راه راست و مستقیم روان باشند ، دنبال روی دنیایی فانی وزود گذر هستند ، چنانچه امام غزالی ( رحمه الله ) می فرماید :<sup>3</sup> مثال طلب کننده دنیا مانند تشنه هست که هر قدر از بحر آب می نوشد بهمان اندازه عطش و تشنگی اش زیاد می شود ، تا که او به سبب آن به قتل می رسد . و همچنان فرمودند : بدانید که مثال دنیا مانند برف هست که آب شده از بین می رود ، اما مثال آخرت مانند مروارید هست که همیشه باقی می ماند .<sup>4</sup> و برای افهام هر چه بهتر انسانها و دوری اختیار کردن آنها از شرک و غفلت ، اکثراً در سوره های مکی از توحید و اقامه اصول آن بر قلب های بشر بحث صورت گرفته ، و ذکر

<sup>1</sup> - عبد الباقي ، محمد فواد ، ( ت ، 1388 هـ ) ، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم ، ( ص ، 614 - 615 ) ، ط ، 1 ، دار الکتب المصریة ، مصر ، 1364 هـ ، 1944 .

<sup>2</sup> - الانعام : 153 .

<sup>3</sup> - حجت الاسلام زين الدين ابو حامد محمد بن محمد بن احمد طوسی ، در روستای طاهریان شهر طوس دیده به جهان گشود ، وی از بزرگترین متصوفین و علمای اسلام در قرن پنجم و ششم هجری می باشد ، ایشان آثار متعدد در فقه ، کلام ، فلسفه ، اخلاق ، تصوف و عرفان نوشت ، وی روز دوشنبه 14 جمادی الثانی سنه ( 505 هـ ) ، در سن 55 سالگی وفات نمود . ( سیر اعلام النبلاء ، ذهبی ، 19 / 346 ) .

<sup>4</sup> - غزالی ، امام ابو حامد محمد بن محمد ، بغیة الطالبین من احیاء علوم الدین ، ( ص ، 73 ) ، تحقیق : شیخ احمد بن محمد عساف ، ط ، 4 ، مکتبة دار احیاء العلوم ، بیروت ، لبنان ، 1408 هـ - 1988 م .

از مبدأ و معاد و سختی ها و هولناکی های آن ، و ضرورت بناء نفس انسانی بر اساس صحیح و سالم که تعلق می گیرد ، به اهمیت بیدار و بیدار گری انسان و بصیرت و بینش آن ، بخاطر هدف که آفریده شده است ، همانا تحقق عبودیت و بندگی برای پرور دگار جهانیان است .<sup>1</sup>

اما زمان مدنی زمان شگوفائی و درخشش اسلام عزیز بود ، و حقیقت ایمان را در قلب های درخشان شان مستحکم و جای گزین نمودند ، و استقامت و پای مردی بردین الله ذوالجلال را بطور همیش حفظ و نگهداری نمودند ، همان بود که غفلت بر قلب های ایشان راه پیدا کرده نتوانست ، و زندگی خویش را مطابق قرآن و سنت آراسته نمودند ، و قلب هایشان را از هوی و هوس دنیائی پاک و صاف نمودند ، از برکت ایشان بود که اسلام عزیز تا قرن های متمادی افتخارات خویش را حفظ نمود ، و مسلمانان سر بلند و باعزت و شرف بانشاطی و بیداری زندگی نمودند ، اما با تأسف مسلمانان به غفلت رو آوردند ، و از هر طرف مورد هجوم دشمن کینه توز و قسم خورده شان قرار گرفتند ، آنانیکه پست ترین و ذلیل ترین مردم روی زمین هستند ، چنانچه در سوره بقره در پنج مورد که لفظ غفلت ذکر شده در چار مورد آن و یک مورد که در سوره آل عمران ذکر گردیده در مذمت یهود بیان شده . 1 - چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید { وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : و در روز رستاخیز چنین کسانی ( یهود ) به سخت ترین شکنجه ها برگشت داده می شوند ، و خداوند از آنچه می کنید بی خبر نیست .

2 - قوله تعالى : { وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : و چه کسی ستمگر تر از آن کس ( یهود و نصاری ) است که گواهی و شهادت الهی را که نزد او است پنهان دارد ؟ و خدا از آنچه می کنید غافل و بی خبر نیست .

3 - قوله تعالى : { وَإِنَّ الدِّينَ أَوْثَرُ الْكِتَابِ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : کسانی که کتاب به ایشان داده شده است ( یعنی یهودیان و مسیحیان ) نیک میدانند که چنین گرایشی ( به جانب مسجد الحرام ) حق است و به فرمان پروردگارشان می باشد ( ولی باوجود این از فتنه انگیزی دست بر نمی دارند ) و خدا از آنچه می کنند بی خبر نیست .

4 - قوله تعالى { قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصَدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ }<sup>5</sup>

ترجمه : بگو : ای اهل کتاب ! چرا کسی را که ایمان آورده است از راه خدا باز میدارید و می خواهید این راه را کج نشان دهید و حال آن که شما ( از راستی و درستی این راه ) آگاهید ؟ و خدا آنچه را می کنید بی خبر نیست .

<sup>1</sup> - قطان ، دكتور مناع بن خليل ، ( ت ، 1420 هـ ) ، مباحث في علوم القرآن ، ( ص ، 73 ) ، ط ، 3 ، مؤسسة الرسالة ، بيروت ، لبنان ، 1421 هـ - 2000 م .

<sup>2</sup> - البقرة : 85 .

<sup>3</sup> - البقرة : 140 .

<sup>4</sup> - البقرة : 144 .

<sup>5</sup> - آل عمران : 99 .



## مطلب دوم : تصریفات و معانی ماده غفلت در قرآن کریم :

اول : فعل مضارع ( تَغْفُلُونَ ) یک بار بیان شده مانند قوله تعالی { وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ }<sup>1</sup> باین معنا که مشرکین آرزو داشتند شما از اسلحه و دیگر وسائل جنگی تان مکمل غافل باشید، و ایشان به مقصود شان نائل شوند همانا حمله غافل گیرانه بر مسلمانان بود ، نتوانستند به پلان و مقصد شوم شان برسند ،<sup>2</sup> و حرف ( لَوْ ) بخاطر امتناع و جلوگیری از یک کار استعمال می شود و این حرف اکثراً بر فعل ماضی استعمال می شود گاهی در فعل مضارع هم داخل میشود بغير وضاحت بیانی بیشتر و آن استمرار فعل است ، و منحصر نشدن آن بر زمان معین ، و عدول کردن آن از فعل ماضی بسوی فعل مضارع است ، چرا که کلام الهی است در اخبار آن هیچ نوع تخلف وجود ندارد به مثابه استحضار صورت آنست و آنرا به چشم یقین دیده باشد و این بر نفس انسانی بسیار تأثیر گذار است .<sup>3</sup>

دوم : فعل ماضی ( أَغْفَلْنَا ) یک بار بیان شده مانند قوله تعالی { وَلَا تَطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا }<sup>4</sup> باین معنا که قلب کسی را که ما از ذکر خود غافل سازیم دنبال خواهشات نفسانی اش میگردد سر انجام خوار و ذلیل می شود ، نکته ای که قابل بحث میباشد این است که کلمه ( أَغْفَلْنَا ) در سیاق نهی بیان شده ، و این دلالت می کند به نهی کردن از یک فعل بطریق استعلا .

سوم : اسم فاعل این کلمه در قرآن کریم بصورت اکثر بیان شده و 27 بار به صیغه های مختلف بیان شده است مانند ( بِغَافِلٍ ، غَافِلًا ، غَافِلُونَ ، غَافِلِينَ ، غَافِلَاتٍ ) .

1 - از کلمه ( غَافِلٍ ) شروع می نمایم که آن 9 بار بیان شده مانند قوله تعالی { وَإِنَّ مِنْهَا لَمَّا يَلْبُطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ }<sup>5</sup>

ترجمه : و پاره از آنها است که از ترس خدا فرو می ریزند و خدا از آنچه می کنید بی خبر نیست .  
بادقت کامل باین نظر انداخته شود واضح میشود در این آیه و عید شدید بر بنی اسرائیل است از جهت قساوت قلب شان ، اعمال بدی دیگری را که انجام میدادند مانند قتل انبیاء کرام ، کتمان شهادت ، کفر و عناد شان در مقابل حق ، و افتراء و دروغ پراگنی شان بر انبیاء علیهم السلام ، بآنهم الله سبحانه و تعالی مردمان طاعی و سرکش را با عجله مؤاخذه نکرده ، تا اینکه پیامبران علیهم السلام را با نشانه های واضح و روشن درین کائنات فرستاده ، و الله جلت عظمته از هیچ عمل انسان غافل و بی خبر نبوده بلکه از کوچک ترین تابزرگ ترین اعمال ایشان باخبر ، شاهد و گواه است .<sup>6</sup>

<sup>1</sup> - النساء: 102 .

<sup>2</sup> - شوکانی ، فتح القدير ، ( 1 / 509 )

<sup>3</sup> - عباس ، فضل ، ( ت ، 1432 هـ ) ، البلاغة فنونها وافنانها ، ( ص ، 154 ) ، ط ، 4 ، دار الفرقان للنشر والتوزيع ، اردن ، 1417 هـ -

1997 م .

<sup>4</sup> - الكهف : 28 .

<sup>5</sup> - البقرة : 74 .

<sup>6</sup> - بیضاوی ، ابوالخیر عبدالله بن عمر بن محمد شیرازی ، ( ت ، 685 هـ ) ، انوار التنزیل و اسرار التأویل ، ( 1 / 156 ) ، تحقیق : شیخ عبدالقادر عرفات حسون ، ط ، 1 ، دار الفكر ، بیروت ، لبنان ، 1416 هـ - 1996 .

2 - (عَافِلًا) یک بار بیان شده مانند قوله تعالى { وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ عَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ }<sup>1</sup> ترجمه: وگمان مبرکه خدا از کارهای که ستم گران می کنند بی خبر است. باید مشرکان و غافلان بدانند که تأخیر عذاب بر آنان بمعنای راضی بودن از افعال بدی آنان نبوده، بلکه سنت الهی طوری هست که برای عاصیان و نافرمانان تا یک مدتی مهلت داده می شود.<sup>2</sup>

3 - (عَافِلُونَ) این کلمه در 9 آیه به حالت های مختلف و معانی متفاوت بیان شده 1- در موضع رفع بطور خبر مبتدا آمده 2- در محل نصب بطور حال آمده 3- درباره ظلم کافران و بیان حال آنها بحث شده.<sup>3</sup> مانند قوله تعالى { أَوْلَيْكَ كَمَا الْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَيْكَ هُمُ الْعَافِلُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه: اینان همسان چهارپایان اند و بلکه سرگشته ترند اینان واقعا بی خبر هستند.

درین جا بطور خاص تشبیه قوم یهود به حیوانات شده چرا که آنها پست ترین و ذلیل ترین مردم درجهان هستند، نکته که قابل یاد آوری است، اینست که اسلوب جمع و تعریف درین جا بخاطر اظهار کردن کامل غفلت بکار برده شده است.<sup>5</sup>

4 - (عَافِلِينَ) 8 بار به حالت های مختلف و اهداف متفاوت بیان شده 1- در موضع نصب بطور خبر (کان) آمده 2- با (لام) فارقه یکجا بیان شده بخاطر واضح نمودن (ان) مخففه و (ان) نافیه در بعضی مواضع 3- بیان مهم ترین اسباب غفلت 4- متوجه ساختن مردم بسوی عبادت الله جلت عظمته.<sup>6</sup> مانند قوله تعالى (وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَا سَتِهِمْ لَعَافِلِينَ)<sup>7</sup>

ترجمه: و ما اصلاً از بحث و بر رسی آنها بی خبر بوده ایم.

5 - (عَافِلَاتٍ) یک بار بیان شده مانند قوله تعالى { إِنَّ الدِّينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ }<sup>8</sup> (الْعَافِلَاتِ) صفت (الْمُحْصَنَاتِ) واقع شده است، و این وعید شدید است بر کسانی که زنان زنان پاک دامن مؤمن را تهمت می زنند.<sup>9</sup>

چهارم: (عَفْلَةً) مصدر است 5 بار بیان شده مانند قوله تعالى { وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي عَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ }<sup>10</sup> بخش اعظمی تمرکز معانی این آیات در باره وقوع قیامت و غفلت انسانها ازین روز بزرگ و سرنوشت ساز است.<sup>11</sup>

<sup>1</sup> - ابراهیم: 42.

<sup>2</sup> - قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری، (ت، 671 هـ)، الجامع لاحکام القرآن، (376/9)، ط، 1، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1408 هـ - 1988 م.

<sup>3</sup> - درویش، محی الدین، (ت، 1403 هـ)، اعراب القرآن الکریم و بیانه، (3، 227)، ط، 3، دار الارشاد، دمشق، 1412 هـ - 1992 م.

<sup>4</sup> - الاعراف: 179.

<sup>5</sup> - آلوسی، علامه ابو الفضل شهاب الدین سید محمود بغدادی، (ت، 1270 هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، (14 / 239)، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1415 هـ - 1995 م.

<sup>6</sup> - درویش، محی الدین، اعراب القرآن و بیانه، (4 / 500).

<sup>7</sup> - الانعام: 156.

<sup>8</sup> - النور: 23.

<sup>9</sup> - ابن عطیة، ابو محمد عبد الحق، (ت، 541 هـ)، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، (2 / 446 - 454)، ط، 1، مؤسسة دار العلوم للطباعة والنشر، قطر، 1405 هـ - 1985 م.

<sup>10</sup> - مریم: 39.

<sup>11</sup> - سمرقندی، ابو الیث نصر بن محمد بن احمد، (ت، 373 هـ)، بحر العلوم، تحقیق: الشیخ علی معوض وآخرون، (2 / 375)، دار الکتب العلمیة، بیروت، لنان، 1413 هـ - 1993 م.

**مطلب سوم - نفی غفلت از ذات الله متعال :** الله ذوالجلال در آیات متعدد غفلت را از ذات خویش نفی نموده مانند قوله تعالی { **وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ** }<sup>1</sup>

ترجمه : ( آگاهی از ) غیب آسمانها وزمین ویژه خدا است وکارها یکسره باو برمی گردد ( وامور جهان به فرمان او می چرخد ) پس او را بپرست وبراو توکل کن و ( بدان که ) پروردگارت از چیزهای که می کنی بی خبر نیست . وقوله تعالی { **وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرْكُمُ أَيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ** }<sup>2</sup>

ترجمه : وبگو ای پیامبر (صلی الله علیه وسلم ) تمام حمد وثنا خاص برای الله متعال است او آیات خود را به شما نشان خواهد داد وشما آنها را خواهید شناخت وپروردگار تو از آنچه انجام می دهی غافل وبی خبر نیست .

وهمچنان الله جلت عظمته می فرماید ، { **وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ** }<sup>3</sup>

ترجمه : ما بر فراز شما هفت آسمان آفریده ایم و ( با وجود کرات وکواکب وسیارات بی شمار وبالآخره عالمهای بسیار ) ما از کار آفرینش ووضوح آفریدگان (خود ) غافل نبوده ونیستیم ( واز جمله خلقت انسان برای ما ساده وآگاهی از او آسان است . وهمچنان الله سبحانه وتعالی فرموده است { **وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ** }<sup>4</sup>

ترجمه : از هر مکانی که بیرون شدی ( وبه هرجا که رسیدی در سفر وحضر ودر هر زمانی ومکانی به هنگام نماز ) رویت را بسوی مسجد الحرام کن واین رو کردنت ( از همه نقاط زمین به سوی مسجد الحرام ) بی گمان حق ( ثابت وموافق مصلحت ) است واز جانب پروردگارت می باشد والله (ذوالجلال ) از آنچه که می کنی بی خبر نیست ( وپاداش پیروی مؤمنان از پیغمبر وجزای اعمال واخلص ایشان را خواهد داد )

درین آیات مبارکه واضح شد که در ذات الله (ذوالجلال ) جزء ترین غفلت وجود ندارد ، بلکه الله متعال از تمام جزئیات اعمال بنده گانش با خبر هست واز آن مراقبت نموده آنرا ثبت و نگهداری می نماید چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ** }<sup>5</sup>

ترجمه : پس هر کس به اندازه ذره غباری که کار نیکو کرده باشد آن را خواهد دید ( وپاداش اش را خواهد گرفت ) \* وهرکس به اندازه ذره غباری کار بد کرده باشد آنرا خواهد دید ( وسزایش را خواهد چشید ) . پس نفی نمودن غفلت از ذات الله متعال مستلزم اثبات صفات کمال است ، واین دلالت می کند بر کمال و وسعت علم الله جل شأنه وسرعت حساب وعقاب آن ذات کبریائی ، چنانچه شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمه الله ) فرموده است لازم است که بدانید ، یقیناً در نفی نه مدح ست ونه کمال مگر اینکه متضمن اثبات باشد ، وگرنه نفی محض نه در آن مدح ست ونه کمال ، چرا که نفی محض عدم محض است وعدم محض بر هیچ

<sup>1</sup> - هود : 123 .

<sup>2</sup> - النمل : 93 .

<sup>3</sup> - المؤمنون : 17 .

<sup>4</sup> - البقرة : 149 .

<sup>5</sup> - الزلزال : 7-8 .

چیزی اطلاق نمی شود ، چونکه از هیچ چیز ساخته نمی شود ، چرا که نفی محض به معدوم و ممتنع وصف کرده می شود و معدوم و ممتنع به مدح و کمال وصف کرده نمی شود.<sup>1</sup>

از همین خاطر الله ذوالجلال ذات کبریائی اش را به نفی صفت نموده که در آن اثبات مدح است مانند آیه الکرسی شریف { **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ** }<sup>2</sup> ترجمه : خدائی بجز الله وجود ندارد او زنده پایدار است او را نه چرتی و نه خوابی فرا می گیرد ، از آن او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ، کیست آنکه شفاعت کند مگر به اجازه او ؟ می داند آنچه که در پیش روی مردمان است و آنچه که در پشت سر آنان است ، چیزی از علم او را احاطه نمی کند جز آن مقداری را که وی خواهد ، اریکه فر مانروائی او آسمانها و زمین را دربر گرفته است ، و نگهداری آن دو وی را درمانده نمی سازد ، او ذات بلند مرتبه و بزرگی هست . « **لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ** » باین معنا که آن ذات پاک را نه چرتی و نه خوابی فرا می گیرد نفی هست که متضمن کمال حیاة و قیام است و صفت کمال آن ذات پاک « **الْحَيُّ الْقَيُّومُ** » واضح و روشن می گردد . و در « **وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا** » این معنا را افاده می کند که حفاظت و نگهداری آن دو آسمان و زمین برای او گران نیست و وی را درمانده نمی سازد ، در این جا بیان کمال قدرت آن ذات کبریائی است .<sup>3</sup> و همچنان ابن کثیر ( رحمه الله ) می فرماید : در تفسیر { **لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ** } بر آن ذات کبریائی نه نقص و عیب وجود دارد ، و نه هم از مخلوقاتش یک لحظه هم غافل بی خبر می باشد ، بلکه آن ذات پاک بر تمام مخلوقاتش شاهد و گواه است ، از تمام حالات و کوائف شان باخبر می باشد و هیچ چیزی بر او مخفی و پوشیده نیست ، و به اندازه یک برهم زدن چشم هم از اعمال بند گانش غافل و بی خبر نیست ،<sup>4</sup> چنانچه الله متعال فرموده است { **وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ** }<sup>5</sup>

ترجمه : و هیچ چیز در زمین و در آسمان از پروردگار تو پنهان نمی ماند چه ذره باشد و چه کوچکتر و چه بزرگتر از آن همه اینها در کتاب واضح و روشنی ( در نزد پروردگار تان به نام لوح محفوظ ) ثبت و ضبط می گردد .

از لابلای این مبحث واضح شد که لفظ غفلت چند بار در قرآن کریم ذکر شده و چند بار در سوره های مکی و سوره های مدنی بیان شده ، و همچنان الله جلت عظمته در بسیار جاهای قرآن عظیم الشأن غفلت را از ذات کبریائی اش بطور قطع نفی فرموده .

1 - ابن تیمیه ، شیخ الاسلام ابو العباس احمد بن عبد الحلیم حرانی ، (ت ، 728 هـ ) ، مجموع الفتاوی ، (3/ 35-36) ، تحقیق : عبدالرحمن بن قاسم وابنه محمد ، مطابع ریاض ، توزیع الرئاسة العامة لادارت البحوث العلمية للدعوة والافتاء والارشاد ، ریاض .

2 - البقرة : 255 .

3 - ابن تیمیه ، مجموع الفتاوی ، (3 / 36) .

4 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، (2 / 278) .

5 - یونس : 61 .

## مبحث سوم : اقسام غفلت

**مطلب اول - غفلت محموده :** غفلت محموده فقط در دو جای قرآن کریم ذکر شده ، اگر کسی سوال کند چگونه غفلت محموده شده می تواند در حالیکه در بسیار جاهای قرآن کریم غفلت و غافلان مذمت کرده شده، در جواب ایشان گفته می شود هر غفلت که در آن منافع دین یا دنیا نهفته باشد محموده هست و هر غفلت که غیر آن باشد مذمومه است .<sup>1</sup> غفلت محموده صورت نمی گیرد مگر به عزم راسخ و آن منع کننده گناهان است و این صفت انسانهای صالح و نیکو کارست ، چنانچه الله ذو الجلال فرموده است { **إِنَّ الدِّينَ يَرْتُمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ** }<sup>2</sup>

ترجمه : یقیناً کسانی که زنان پاکدامن بی خبر ( از هرگونه آلودگی ) وایماندار را به زنا متهم می سازند در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور و برای آنها عذاب بزرگ است ( و اگر توبه نکنند ) .

درین جا مراد از غفلت ، غفلت محموده است چرا که غفلت از فحشا و منکراست ، و این آیه مبارکه در برائت ام المؤمنین عائشه صدیقه (رضی الله عنها ) نازل شده ، مفسرین می گویند درین آیه لفظ ( **يَرْتُمُونَ** ) که بمعنای تهمت است عام ذکر شده و تمام مردان و زنان مؤمن را شامل می شود .

امام نحاس : در تفسیر این آیه مبارکه می گوید این کلمه چقدر زیبا است با صیغه مذکر بیان شده و تقدیر آن ( **يَرْتُمُونَ** ) می باشد که مذکر و مؤنث را در بر می گیرد .<sup>3</sup>

امام ابی السعود : این آیه را چنین تفسیر نموده است ( **الْمُحْصَنَاتُ** ) زنان پاکدامن که از تهمت که بر ایشان زده می شود خبر ندارند .<sup>4</sup> ( **الْعَافِلَاتُ** ) سینه ها و قلب های شان طوری پاک هست که ایشان از بدی ها غافل هستند بلکه در قلب هایشان نه فحشا و نه مقدمه آن خطور کرده .<sup>5</sup>

امام بغوی می گوید : ایشان از فحشا و بی حیائی غافل هستند باین معنی قلباً فعل فحشا را خوش ندارند .<sup>6</sup>

امام بقاعی : در تفسیر این آیه مبارکه بکلام لطیف اشاره نموده می گوید ( **الْمُحْصَنَاتُ** ) زنان با عفت که نفس های شان را مانند قلعه محکم محفوظ و استوار نگه میدارند ( **الْعَافِلَاتُ** ) مؤ کد ( **الْمُحْصَنَاتُ** ) می باشد زنایکه از ذکر فحشا و نام آن غافل هستند .<sup>7</sup>

و همچنان وقتیکه زنان مؤمن میخواستند با پیامبرگرامی ( **صلى الله عليه وسلم** ) بیعت کنند آیه مبارکه ذیل نازل شد ، و برای شان هدایت لازم داده شد ، چنانچه الله متعال فرموده است { **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ**

1 - سلمی ، عزالدین ابو عبد الرحمن عبد العزیز بن عبد السلام ، ( ت ، 660 ه ) ، شجرة المعارف والاحوال وصالح الاقوال والاعمال ، ( ص ، 145 ) ، ط ، 1 ، دار الصحابة للتراث ، مصر ، 1410 ه - 1990 م .

2 - النور : 23 .

3 - نحاس ، ابو جعفر احمد بن محمد بن اسماعیل ، ( ت ، 338 ه ) ، اعراب القرآن ، ( 2 / 436 ) ، ط ، 1 ، دار المعرفة ، بیروت ، لبنان ، 1427 ه - 2006 م .

4 - عمادی ، قاضی ابی السعود محمد بن محمد بن مصطفی حنفی ، ( ت ، 951 ه ) ، ارشاد العقل السليم الى مزايا الكتاب الكريم ، ( 4 / 448 ) ، ط ، 1 ، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان ، 1419 ه - 1999 م .

5 - ابن جزی ، التسهيل لعلوم التنزيل ، ( 3 / 63 ) .

6 - بغوی ، معالم التنزيل ، ( 6 / 27 ) .

7 - بقاعی ، برهان الدین ابی الحسن ابراهیم بن عمر ، ( ت ، 885 ه ) ، نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور ، ( 5 / 249 ) ، ط ، 3 ، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان ، 1415 ه - 1995 م .

الْمُؤْمِنَاتُ بِيَا بَعْنِكَ عَلَىٰ الْإِشْرَافِ بِإِذْنِ اللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعَصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ }<sup>1</sup>

ترجمه: ای پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) هنگامیکه زنان مؤمن پیش تو بیایند و بخواهند با تو بیعت کنند و پیمان ببنند براین که: چیزی را شریک الله متعال نسازند، و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندانشان را نکشند و به دروغ فرزندی را به خود و شوهر خود نسبت ندهند که زاده ایشان نیست، و درکار نیکی (که آنان را فرا می خوانی) از تو نافرمانی نکنند با ایشان بیعت کن و پیمان ببند، و برای شان از الله متعال آمرزش بخواه مسلماً الله متعال آمرز گار و مهربان است (و مغفرت و مرحمت خود را شامل چنین خانمها می گرداند). در همین موقع هند بنت عتبّه در جمع آن زنان بود با تعجب سوال کرد آیا زن آزاد هم زنا می کند؟ این دلالت به پاک دامن بودن شان می کند و شگفت زده می شوند که چطور یک زن آزاد مرتکب جرمه زنا میشود.<sup>2</sup> و چنانچه قصه پاکدامن ترین و باعفت ترین زن امت در حدیث بیان شده و برائت ایشان را الله سبحانه و تعالی از بالای هفت طبقه آسمان نازل فرمود **عَنْ عَائِشَةَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا) زَوْجِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) حِينَ قَالَ لَهَا أَهْلُ الْإِفْكِ مَا قَالُوا فَبَرَّأَهَا اللَّهُ..... فَلَمَّا سُرِيَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَهُوَ يَضْحَكُ فَكَانَ أَوَّلَ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا أَنْ قَالَ لِي " يَا عَائِشَةُ أَحْمَدِي اللَّهُ، فَقَدْ بَرَّأكَ اللَّهُ " فَقَالَتْ لِي أُمِّي: قَوْمِي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فَقُلْتُ: لَا وَاللَّهِ لَا أَقُومُ إِلَيْهِ وَلَا أَحْمَدُ إِلَّا اللَّهُ، فَنَزَلَ اللَّهُ تَعَالَى { إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ }<sup>3</sup> ترجمه: کسانی که این تهمت بزرگ را (درباره عائشه ام المؤمنین) پرداخته و سرهم کرده اند، گروهی از خود شما هستند. از حضرت عائشه (رضی الله عنها) روایت است و قتیکه بروی تهمت بزرگ زده شد، والله جلّت عظمته وی را ازین تهمت بزرگ برائت داد... و قتیکه حقائق به پیامبر گرامی روشن شد و به مسرت و خوشی تمام برای من اولین سخن که گفتند! ای عائشه حمد و ثنا و صفتی الله متعال را بیان کن، بتحقیق الله سبحانه و تعالی تو را ازین تهمت بزرگ برائت داد. مادرم گفت به حضور پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) ایستاده شو، گفتم قسم به الله ایستاده نمی شوم، فقط حمد و صفت الله سبحانه و تعالی را می گویم. همان بود که از آیات 11 - 22 سوره نور درباره واقعه افک نازل شد و صداقت و عفت ایشان را به بحث گرفته و برائت ایشان را الله ذوالجلال از بالای هفت طبقه آسمان نازل فرمود تا قیام قیامت در قرآن عظیم الشان تلاوت کرده می شود و این مقام و شرف برای مادر مؤمنان عائشه صدیقه بسنده است.<sup>4</sup> و این درحقیقت دلالت می کند به پاک دامن بودن و باعفت بودن زنان صدر اسلام که در رأس آنها ام المؤمنین عائشه صدیقه بنت الصدیق (رضی الله عنهما) قرار دارد. و همچنان لطف و احسان بزرگ الله ذوالجلال است که به تعقیب آن ذکر زنان پاک دامن باعفت مؤمنان بیان شده، و لعنت کرده شده در دنیا و آخرت به کسانی که باین قسم زنان تهمت می زنند، امام ابن جریر در تفسیرش نگاشته است درین آیه و عید عموم است بر همه، و حکم آن عام است بر تمام زنان مؤمن، بطور خاص بر کسانی که بر عائشه صدیقه تهمت زدند، و بطور عام بر کسانی که زنان عقیفه و پاک دامن مؤمن را**

<sup>1</sup> - الممتحنة: 12.

<sup>2</sup> - طبری، امام ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، (28 / 78)

<sup>3</sup> - النور: 11.

<sup>4</sup> - بخاری، امام ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، (ت، 256 هـ) صحیح البخاری، کتاب الشهادات، باب تعدیل النساء بعضهم بعضا، (ح، 2661)، (ص، 484)، ط، 5، 1428 هـ ق - 2007 م، دار الکتب العلمیة، بیروت، لبنان. امام ابی الحسین مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، کتاب التوبة، باب فی حدیث الافک و قبول التوبة، (ح، 2129)، طبع سوم، 1412 هـ - 1992 م، دار السلام للنشر و التوزیع، .

تهمت می زنند ،<sup>1</sup> اما رئیس مفسرین عبد الله بن عباس (رضی الله عنهما) می فرماید : این آیه بطور خاص به عائشه صدیقه (رضی الله عنها) و دیگر مادر مؤمنان شرف نزول یافته ، و درباره دیگر زنان مؤمن بطور خاص این آیه مبارکه نازل شده است { وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ }<sup>2</sup> ترجمه : کسانی که همسران خود را متهم (به عمل منافی عفت) می کنند و جز خودشان گواهی ندارند . و این تفسیر راجح است چراکه الله سبحانه و تعالی در آیه قبلی مستثنی منه را بیان فرموده است { إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ }<sup>3</sup>

ترجمه : مگر کسانی که (قبل از حد) تو به کنند (و پشمانی خود را اظهار نمایند و دیگر تهمت نزنند که خداوند از ایشان صرف نظر می فرماید) یقیناً الله متعال آمرزنده و مهربان است .

آیه دوم درباره غفلت محموده قوله تعالی { وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا }<sup>4</sup> ترجمه : موسی (از قصر فرعون رهسپار کوچه و بازار پایتخت و مملکت شد) و بدون این که اهالی شهر مطلع شوند وارد آنجا گردید . مراد از غفلت درین جا وقت خواب قیلوله است (وقت خواب چاشت) و در این وقت خواب نمودن طریقه سنت است<sup>5</sup> شیخ سعدی در تفسیرش می گوید مراد از غفلت وقت قیلوله یا هر وقتیکه انسان استراحت بگیرد شامل می شود .<sup>6</sup>

**مطلب دوم - غفلت مذمومه :** غفلت سبب بزرگ از اسباب ضلالت و گمراهی و منصرف شدن از هدایت و

روشنی است ، و عقوبت آن ذلت و رسوائی در دنیا و آخرت و ورود شخص غافل به آتش جهنم می باشد

چنانچه الله متعال فرموده است { إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَ نَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ \* أُولَئِكَ مَا وَالَهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ }<sup>7</sup>

ترجمه : یقیناً کسانی که (به روز رستاخیز و زندگی دوباره ایمان ندارند و) و دیدار ما را انتظار نمی کشند و به زندگی دنیوی بسنده می کنند (و گمان می برند که جهان دیگری پس از این جهان وجود ندارد) و به این جهان دل می بندند (و برای جهان دیگر تلاش نمی نمایند) و از آیات (قرآنی و نشانه های جهانی) ما غافل و بی توجه می مانند \* چنین کسانی جایگاه شان دوزخ است به سبب کارهایی که می کنند .

و همچنان الله جلت عظمت فرموده است { فَانْتَفَعْنَا مِنْهُمْ فَاعْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ }<sup>8</sup>

1 - طبری، امام ابو جعفر محمد بن جریر ، جامع البیان عن تأویل آی القرآن ، (ج 18 / 105 )

2 - النور : 6 .

3 - النور : 5 .

4 - القصص : 15 .

5 - قرطبی، امام ابو عبد الله محمد بن احمد انصاری ، (ت ، 721 هـ ) ، الجامع لاحکام القرآن ، ( 13 / 259 ) ، ط ، 1 ، 1408 هـ - 1988 م

دارالکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان .

6 - سعدی ، شیخ عبد الرحمن بن ناصر بن عبدالله ، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ، ( 1 / 613 ) ، ط ، 1 ، مؤسسه الرساله ، بیروت بیروت ، لبنان ، 1420 هـ - 2000 م .

7 - یونس : 7-8 .

8 - الاعراف : 136 .

ترجمه : تا ( سرانجام کار بدانجا رسید که ) از آنان انتقام گرفتیم ولذا ایشان را در دریا غرق نمودیم ، به سبب این که آنان آیات و معجزات ما را تکذیب می کردند و از ( ایمان و اقرار به ) آنها غافل می شدند ( و در حق آنها بی توجهی می نمودند ) .

و هم چنان الله ذوالجلال فرموده است { سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ }<sup>1</sup>

ترجمه : از ( اندیشیدن درباره نشانه‌های موجود در آفاق و انفس و از فهم کردن ) آیات خود کسانی را باز خواهم داشت که در زمین به ناحق تکبر می ورزند ( و خویشتن را بالاتر از آن می دانند که آیات ما را بپذیرند و راه انبیاء را در پیش گیرند ) و اگر هر نوع آیه ای ( از کتاب آسمانی و هرگونه معجزه ای از پیغمبران و هر قسم نشانه ای از نشانه‌های جهانی ) را ببینند بآن ایمان نمی آورند و اگر راه هدایت ( و رستگاری ) را ببینند آنرا راه خود نمی گیرند و چنان که راه گمراهی را ببینند آنرا راه خود می گیرند این ( انحراف از جاده شریعت خدا ) هم به آن سبب است که آیات ما را تکذیب کرده و آنها غافل و بی خبرگشته اند . یقیناً غفلت صفت ذمیه است که انسان مسلمان باید از آن پرهیز نموده و از عواقب بدی آن ترس داشته باشد ، و لازم بگیرد راه های جلو گیری آنرا ، قسمیکه در قرآن کریم با تفصیل بیان شده همراه با صفات ذمیه دیگر مانند کفر ، تکذیب ، انکار ، اعراض ، ضلالت و گمراهی ، لهو و لعب و محبت دنیا ، در حقیقت غفلت مرض بدی هست که توسط شیطان در قلب انسان جای گرفته ، هر وقتیکه غفلت کرد شیطان و سواس می کند و زمانیکه ذکر الله جل شأنه را بجا آورد پنهان می شود ، چنانچه امام طبری می گوید در تفسیر آیه { مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ } خناس شیطان که در وقت ذکر الله سبحانه و تعالی عقب زده پنهان می شود و در وقت غفلت و سواس می کند تا که انسان را به بیراهه بکشاند ،<sup>2</sup> چنانچه ابن عباس ( رضی الله عنهما ) : فرموده است « مَأْمِنُ مَوْلُودٍ إِلَّا عَلَى قَلْبِهِ الْوَسْوَاسُ ، فَأِذَا عَقَلَ فَذَكَرَ اللَّهَ حَنَّسَ ، وَإِذَا عَقَلَ وَسَّوَسَ »

از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت است فرمود با تولد شدن هر طفل شیطان بر قلب آن و سواس می کند اگر ذکر الله سبحانه و تعالی را بجا آورد عقب زده پنهان می شود و اگر غفلت کرد و سواس می کند .<sup>3</sup>

### مطلب سوم - اقسام غفلت مذمومه : 1 - غفلت عارضه : غفلتی هست که گاهی اوقات انسانهای صالح

و نیکو کار هم غافلگیر آن می شوند ، اما ایشان به اسرع وقت متوجه خود می شوند به ذکر الله سبحانه و تعالی و به یاد حساب و جزاء می روند ، به زودترین فرصت به الله رجوع کرده توبه می نمایند ، و از غفلتی که دامن گیر شان شده بود منصرف می شوند ، چنانچه الله جلت عظمته فرموده است { أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : آنان کسانی اند که کارهای خوب شان را می پذیریم و کلیه اعمال نیک شان را همسان نیک ترین آنها می گیریم و همچو سائر بهشتیان از بدیها و گناهان شان در می گذریم این وعده راستین است که پیوسته بایشان داده شده است . ایشان کسانی اند که مرتکب اشتباهات و خطاها و لغزشها شدند ، به شتاب بسوی الله

<sup>1</sup> - الاعراف : 146 .

<sup>2</sup> - طبری ، جامع البیان عن تأویل آی القرآن ، ( 355 / 30 ) .

<sup>3</sup> - قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ( 262 / 20 ) .

<sup>4</sup> - الاحقاف : 16 .



سبحانه و تعالی توبه و ندامت کشیده رجوع می نمایند ، و به کثرت استغفار طلب می کنند ، همین قسم مردم را الله جل مجده از گناهانشان درگذری فرموده ، و اعمال صالحه شان مورد قبول درگاه حق می گردد ، و ایشان از شر غفلت درپناه ذات کبریائی قرار می گیرند .<sup>1</sup>

**2 - غفلت متکرره :** غفلت هست که عموم مسلمانان دامنگیر آن می شود ، چه متقیان و پرهیزگاران باشند چه عاصیان و نافرمانان ، این گروه گاهی در غفلت بسر می برند و گاهی هم از غفلت بیدار می شوند ، و برای این گروه لازمی هست که متوجه خود باشند ، و راه راست و مستقیم را در پیش گیرند ، تا بتوانند خود را از شر غفلت نجات داده و به فلاح و رستگاری نائل شوند ، و این قسم مردم را الله متعال توصیه نموده می فرماید { **إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ** }<sup>2</sup> ترجمه : پرهیز گاران هنگامی که گرفتار و سوسه از شیطان می شوند به یاد ( عداوت و نیرنگ شیطان و عقاب و ثواب یزدان ) می افتند ( و در پرتو یاد خدا و به خاطر آوردن دشمنانگی اهریمن ) ناگهان بینا می گردند ( و آگاه می شوند که اشتباه کرده اند و از راه حق منحرف شده اند و لذا شتابان به سوی حق باز می گردند ) .

ابن کثیر (رحمه الله) : در تفسیر این آیه مبارکه می فرماید الله سبحانه و تعالی خبر میدهد در باره بندگان متقی و پرهیزگارش آنانیکه از اوامر الهی اطاعت نمودند و از آنچه که زجر و توبیخ شدند دوری اختیار کردند ، و در کلمه ( إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ ) دو قرائت روایت شده ، در بعضی روایت ( طَيْفٌ ) بیان شده ، هر دو قرائت مشهور است ، بعضی ها می گویند هر دو کلمه یک معنا دارد و بعضی ها می گویند فرق دارد ، مفسرین کرام این کلمه را تفاسیر زیاد نمودند : 1 - به معنای قهر و خشم 2 - به معنای مس (لمس) شیطان که به اثر آن برای انسان اختلالات و جنون و دیوانگی رخ میدهد 3 - به معنای کسی که قصد و اراده گناه و معصیت را می کند 4 - به معنای کسی که مرتکب گناه و معصیت و نافرمانی می شود . و در کلمه ( تَذَكَّرُوا ) تفاسیر زیاد بیان شده : 1 - از عذاب و وعید الله ترس و هراس دارند 2 - امید و ارثواب و ثمره فراوان و نوید و بشارت الهی هستند 3 - بزودی توبه و ندامت کشیده بسوی الله جلت عظمته رجوع می کنند . هرگاه خود را اصلاح نموده ثبات و استقامت را در دین اختیار نمودند ، همان ست که ایشان از شر شیطان و مرض خطرناک غفلت در حفظ و پناه الهی قرار می گیرند .<sup>3</sup>

**3 - غفلت تام :** این نوع غفلت به کفار اطلاق می شود ، که آنها از الله جلت عظمته و از آخرت و روز حساب و جزاء غافل هستند ، گویا که مانند چهارپایان هستند ، نمی فهمند بخاطر چه آفریده شدند و بخاطر چه زندگی می کنند چنانچه الله متعال فرموده است { **وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ** }<sup>4</sup> ترجمه : در حالیکه کافران ( چند روز از نعمتهای زود گذر جهان ) بهره و لذت می برند و همچون چهارپایان ( بی خبر و غافل از سر انجام کار ) می چرند و می خورند و آتش دوزخ جایگاه ایشان است . این گروه در یک غفلت تمام عیار و در مستی و مدهوشی بسر می برند ، برای دعوت گرای مسلمان ضروری است آنها را به اسلام عزیز و مزایای آن فرا خوانند ، تا که ایشان دین اسلام عزیز را قبول نموده و به راه راست و مستقیم هدایت شوند .

1 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 134 ) .

2 - الاعراف : 201 .

3 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 2 / 233 ) .

4 - محمد : 12 .

## فصل دوم

### علامات غفلت و اسباب و عقوبات آن

#### تمهید

قبل از اینکه به مباحث و مطالب مربوطه که علامات و اسباب غفلت است بپردازم، لازمی میدانم در باره علامات و اسباب غفلت بعضی نکات بیان شود. غفلت علامات و اسباب بی شماری دارد برای انسان مسلمان لازمی است خود را از آن برحذر داشته، از واقع شدن در آن جلوگیری نموده و از شر آن در امان باشد، تا بتواند خود را باین طریق از عذاب الله و از هولناکی ها و سختی های روز قیامت نجات دهد، و رضا و خوشنودی الله ذوالجلال را کمائی نماید، قسمیکه صحابه کرام همین عادت شان بود بویژه صحابی بزرگوار حضرت حذیفه بن یمان (رضی الله عنه) «عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ يَقُولُ «كَانَ النَّاسُ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) عَنِ الْخَيْرِ وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ الشَّرِّ مَخَافَةَ أَنْ يُدْرِكَنِي فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا كُنَّا فِي جَاهِلِيَّةٍ وَشَرٌّ فَجَاءَنَا اللَّهُ بِهَذَا الْخَيْرِ فَهَلْ بَعْدَ هَذَا الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ قَالَ نَعَمْ.....» ترجمه: مردم از رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) درباره خیر سوال مینمودند اما من از شر و بدی سوال می کردم از ترس این که مبدا مرا فراگیرد، گفتم یا رسول الله؟ ما در زمان جاهلیت در شر و بد بختی زندگی می کردیم پس الله متعال بالای ما رحم فرمود خیر را نصیب ما گردانید پس آیا بعد از این خیر، شری خواهد آمد فرمودند! بلی بعد از این خیر شر دامن گیری همه مردم می شود.<sup>1</sup>

ابن جوزی (رحمه الله):<sup>2</sup> در باره غفلت و کیفیت اجتناب آن فرموده بزرگترین علامات و اسباب غفلت دو چیز است: 1- معاشرت با انسانهای بد 2- پر بودن شکم ها هر قدر شکم انسان خالی باشد راحت می باشد، و از شر غفلت در امان می ماند. پس اگر اراده داری گردنت را از غفلت آزاد کنی دو کار مهم را انجام بده: 1- پرهیز کردن از کار های بیهوده 2- دوری اختیار کردن از سخنان بی فایده. برای انسان مضر ترین چیز ها دو چیز است: 1- غفلت از ذکر الله 2- مخالفت از اوامر الله.

غفلت عمل بدی هست که انسان را از تمام کار هایش محروم می گرداند، و به معصیت روی می آورد که آن سبب ذلت و خواری اش در دنیا و آخرت می گردد، غفلت آن قدر خطر ناک است که دروازه های جنت را بر روی انسان می بندد، و دروازه های دوزخ را باز می دارد، و این علامات و اسباب غفلت منشأ می گیرد از سه چیز:

- 1- مخالفت انسان به احکام شریعت.
- 2- عمل نه کردن به اوامر الهی.
- 3- پرهیز نه کردن از نواهی الهی.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - صحیح البخاری، کتاب المناقب، باب علامت النبوة فی الاسلام، (ح، 3606)، (ص، 658).  
<sup>2</sup> - جمال الدین ابو الفرج یا ابو الفضائل عبدالرحمن بن علی بن محمد بغدادی معروف به ابن جوزی، (سنه تولد 510 هـ - وفات 592 هـ)، سلسله نسب وی به ابوبکر صدیق اولین خلیفه مسلمانان می رسد، ایشان فقیه، محدث، متکلم و تاریخ نگار بود و حنبلی مذهب بود. سیر اعلام النبلاء، ذهبی، (21 / 365).  
<sup>3</sup> - ابن جوزی، التذکره فی الوعظ، (ص، 100 - 102). تحقیق: احمد عبدالوهاب فتیح، ط، 1، دار المعرفه، بیروت، 1406 هـ - 1986 م.

## مبحث اول علامات غفلت

**مطلب اول - تکذیب کردن آیات الله متعال :** یکی از علائم غفلت تکذیب کردن آیات الله ذوالجلال است ، واین تکذیب مساوی به کفر می باشد ، ونتیجه هردویشان یکی است ، همانا ضایع شدن و بربادشدن اعمال است ، چنانچه الله سبحانه وتعالی می فرماید { سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّآءَ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ \* وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ }<sup>1</sup>

ترجمه : از ( اندیشیدن درباره نشانه‌های موجود در آفاق و انفس و از فهم کردن ) آیات خود کسانی را باز خواهیم داشت که در زمین به ناحق تکبر می ورزند ( و خویشتن را بالاتر از ان می دانند که آیات ما را بپذیرند و راه انبیاء در پیش گیرند ) و اگر هر نوع آیه ( از کتاب آسمانی و هرگونه معجزه ای از پیغمبران و هر قسم نشانه از نشانه های جهانی ) را ببینند ایمان نمی آورند و اگر راه هدایت و رستگاری را ببینند آن را راه خود نمی گیرند و چنان که راه گمراهی را ببینند آن را راه خود می گیرند این ( انحراف از جاده شریعت خدا ) هم باین سبب است که آیات ما را تکذیب کرده و از آنها غافل و بی خبر گشته اند \* کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند و به ملاقات ( خدا در قیامت و به زنده شدن بعد از مرگ و حساب و کتاب ) آخرت ایمان نمی آورند اعمال ایشان ( یعنی کارهای نیکی که انجام داده اند برباد می رود و باطل ) بیهوده می شود مگر چنین کسانی جز در برابر کارهای که کرده اند پاداش داده می شوند . این روی گردانیدن ایشان بسبب تکذیب و عدم تدبیرشان به آیات الهی بوده ، و همچنان انکار نمودند از خانه آخرت و تمام وعده های که الله جلّت عظمته برای شان کرده بود ، و اعمالی نیکی را که انجام داده اند هیچ نفع برایشان نمی دهد ، و جزای اعمال بد شان را خواهد دید .<sup>2</sup> چنانچه الله سبحانه وتعالی فرموده است { أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا }<sup>3</sup> ترجمه : آنان کسانی هستند که به آیات ( قرآنی و دلائل قدرت ) پروردگارشان و ملاقات او ( در جهان دیگر برای حساب و کتاب ) بی باورند و در نتیجه اعمال شان باطل و هدر می رود و در روز رستاخیز ارزشی برای ایشان قائل نمی شویم ( و قدر و منزلت در پیشگاه ما نخواهد داشت .

<sup>1</sup> - الاعراف : 146 - 147 .

<sup>2</sup> - بیضاوی ، انوار التنزیل و اسرار التأویل ، ( 3 / 34 ) .

<sup>3</sup> - الکهف : 105 .

مطلب دوم - کسالت و کوتاهی کردن در اطاعت و عبادت الله متعالی : از علائم غفلت ، کسالت و تنبلی در اطاعت و عبادت می باشد ، چنانچه الله جلّت عظمته فرموده است { إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى }<sup>1</sup>

ترجمه : بی گمان منافقان ( نشانه های ایشان را می نمایانند و کفر خویش را پنهان می دارند و به خیال خام خود ) خدا را گول می زنند ! در حالیکه خداوند ( دماء و اموال ایشان را در دنیا محفوظ می دارد ، و در آخرت دوزخ را برای آنان مهیا می دارد و بدین وسیله ) ایشان را گول می زند . منافقان هنگامی که برای نماز بر می خیزند، سست و بی حال به نماز می ایستند. و همچنان الله متعال فرموده است { وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ }<sup>2</sup> ترجمه : و جز با ناراحتی و بی حالی و سستی و سنگینی به نماز نمی ایستند و جز از روی ناچاری و ناخوشنودی احسان و بخشش نمی کنند . و همچنان در حدیث آمده است عن ابی هریره ( رضی الله عنه ) قال قال النبی ( صلی الله علیه وسلم ) « لَیْسَ صَلَاةٌ أَتَقَلَّ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهَا لَأَتَوْهَا وَلَوْ حَبَوًّا ، لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمْرَ الْمُؤَدَّنِ فَيُقِيمَ ، ثُمَّ أَمْرَ رَجُلًا يَوْمَ النَّاسِ ، ثُمَّ أَخَذَ شِعْلًا مِنْ نَارٍ ، فَأَحْرَقَ عَلَيَّ مِنْ لَا يَخْرُجُ إِلَى الصَّلَاةِ بَعْدُ »<sup>3</sup> ترجمه : از حضرت ابوهریره روایت است ، نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: هیچ نمازی بر منافقین ثقیل تر و سنگین تر از نماز فجر و عشا نیست ، اگر آنان میدانستند که چه اجر و ثواب و چه برکاتی در آنها است ، در آن نمازها حاضر می شدند گرچه به صورت خزیدن هم باشد . سپس فرمودند : دلم می خواهد که به مؤذن بگویم تا برای نماز اقامه گوید و کسی را بجایم تعیین کنم تا نماز را اقامه کند، و خودم شعله آتش بدست گیرم و آنان را ( بعد از شنیدن اذان ) که برای شرکت در نماز جماعت از خانه ها بیرون نمی آیند آتش بزنم . درین حدیث مبارک و عید شدید است برکسانیکه در نمازهای شان غفلت و تنبلی می کنند و تارک جماعت هستند ، بسیار جای تأسف است بر ما مسلمانان عصر حاضر که اکثر مساجد ما از نماز گذار خالی است ، و اکثر مردم در یک غفلت تمام عیار بسر می برند .

در حالیکه هدف کلان و اساسی خلقت انسان عبادت خالصانه الله ذوالجلال و پیروی کردن از او امر الهی و اجتناب کردن از نواهی ذات کبریایی است چنانچه الله متعال فرموده است { وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ \* مَا أَرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أَرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ \* إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ }<sup>4</sup>

ترجمه : من جنها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده ام \* من از آنان نه درخواست هیچ گونه رزق و روزی می کنم و نه می خواهم من را خوراک دهند \* تنها الله متعال روزی رسان و صاحب و قدرت و نیرومند است و بس . حافظ ابن کثیر (رحمه الله) می فرماید : الله تبارک و تعالی بندگان را بخاطری آفریده که آن ذات پاک را به یکه و یگانگی و بدون هیچ نوع شریک مقرر کردن عبادت کنند ، پس هر کسی که اطاعت و عبادت الله جل مجده را انجام داد برایش پاداشت نیک داده میشود ، و هرکس نافرمانی او را کرد عذاب شدید و سخت داده میشود ، الله ذوالجلال به ایشان هیچ احتیاج و نیازی ندارد بلکه الله متعال ذات غنی و بی نیاز است ، همانا بنده گان فقیر و بیچاره هستند که در تمام حالات و کوائف شان محتاج پرور دگار عالم

<sup>1</sup> - النساء: 142 .

<sup>2</sup> - توبه : 54 .

<sup>3</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الاذان ، باب فضل صلاة العشاء فی الجماعة ، ( ح ، 657 ) ، ( ص ، 130 ) .

<sup>4</sup> - الذاریات : 56 - 57 .

هستند ، چرا که او خالق و رازق آنها است.<sup>1</sup> و همچنان الله متعال فرموده است { وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ }<sup>2</sup>

ترجمه : درحالیکه ایشان دستور داده نشدند بجز اینکه الله متعال را مخلصانه بپرستند و تنها شریعت او را آئین خود بدانند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و این است فقط آئین راستین و ارزشمند. اما آنانیکه فکر می کنند درین دنیا عبث و بی فایده آفریده شدند کور خواندند درک ندارند ،

چنانچه الله ذوالجلال در باره ایشان فرموده است { أَفَسَبِّئُكُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ \* فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ }<sup>3</sup>

ترجمه : آیا گمان برده اید که ما شمارا بیهوده آفریده ایم و به سوی ما بر گردانده نمی شوید \* برتری از آن ذات هست که فرمانروای راستین است و هیچ معبودی جز او نیست و صاحب عرش عظیم است . این کثیر ( رحمه الله ) می فرماید : درین آیات الله ذوالجلال بند گان را هشدار داده می فرماید، آیا شما درین دنیا عبث و بی فایده بدون مقصد و بدون اراده بدون حکمت آفریده شده اید ، تا اینکه بازی و سر گرمی و روز گذرانی کنید ، همچنانیکه حیوانات آفریده شده اند نه ثوابی هست بر آنها نه عذابی ، نه خیر! بلکه شما آفریده شدید برای عبادت و اقامه او امر الله عزوجل ، شما باین فکر هستید که بسوی آخرت باز گردانده نمی شوید ، اشتباه خواندید ، بلکه الله عزوجل منزله و پاک است بلند شأن و بلند مقام است ازینکه چیزی را عبث و بی فایده خلق کند ، خصوصاً انسان که اشرف مخلوقات است ، از همین جا دانسته می شود که ترک عبادت و اطاعت الله جلّت عظمته انسان را به غفلت می کشاند و عقوبتش ذلت و رسوائی دنیا و آخرت می گردد .<sup>4</sup>

**مطلب سوم – پرده گرفتن قلبها ، گوشها و چشم ها :** از علائم غفلت پرده گرفتن قلبها ، گوشها و چشم های غافلین است ، چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است { وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ }<sup>5</sup>

ترجمه : ما بسیاری از جنیان و آدمیان را آفریده و درجهان پراکنده کرده ایم که سر انجام اقامت آنان درجهنم است چرا که آنها دلهای دارند بآنها ( آیات رهنمون به کمالات را ) نمی فهمند و چشم های دارند به آنها ( نشانهای خداپرستی و یکتاپرستی را ) نمی بینند و گوش های دارند به آنها ( مواظ و اندرزهای زندگی ساز را ) نمی شنوند اینان ( چون ازین اعضا چنان که باید سود نمی جویند و منافع و مضار خود را از هم تشخیص نمی دهند ) همسان چهار پایان اند و بلکه سرگشته تر اند ( چرا که چهار پایان از سنن فطرت پا فراتر نمی گذارند ولی اینان راه افراط و تفریط را می پویند ) اینان واقعاً بی خبر ( از صلاح دنیا و آخرت خود ) هستند . پس ایشان از قلبهای بادرک و درایت که برای شان اعطا شده بود درست استفاده کرده نتوانستند ، با وجود که همه دلایل بطور واضح و روشن درقرآن کریم برای هدایت و رهنمای بشر بیان شده ، و آنرا تمام قلبهای بادرایت و گوش های شنوا و چشم های بینا درک می کنند ، اما مردمان غفلت پیشه نه چشم ها و نه گوش های

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 202 ) .

<sup>2</sup> - البینة : 5 .

<sup>3</sup> - المؤمنون : 115 - 116 .

<sup>4</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 3 / 230 ) .

<sup>5</sup> - الاعراف : 179 .

شان را باز کردند ، که ببینند و بشنوند آیات و نشان های قدرت پروردگار لایزال را ، و نه از تدبیر و تفکر کار گرفتند ، بتحقیق تعطیل کردن این نعمت های بزرگ الهی ، و بهره نگرفتن از آن سخت جفا است در حق خود ، درحقیقت ادامه دادن به زندگی ذلت بار و غفلت آمیز هست که ، همسان چهار پایان بلکه حالت این گروه از حیوانات هم بدتر است ، چرا حیوانات به استعداد های فطری که برایشان داده شده روان هستند ، و از خود و چوچه هایشان حفاظت می کنند ، و از دشمن که می ترسند برای شان ضرر می رساند فرار می کنند ، حیوانات طریقه و روش فطری زندگی شان را شناخته مطابق آن بانظم به پیش می روند ، اما انس و جن برای شان قلب مدبر و بافهم و درک ، چشم بینا و گوش شنوا به قسم تحفه و هدیه داده شده که از آن استفاده درست نمایند ، و از درایت و بصیرت کار بگیرند ، متأسفانه ایشان گمراهی و غفلت را بر هدایت و بیداری ترجیح دادند ، و از حیوانات که به استعداد های فطری شان زندگی می کنند بدتر هستند .<sup>1</sup>

و همچنان الله سبحانه و تعالی فرموده است { وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ دُكِّرَ آيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا }<sup>2</sup>

ترجمه : چه کسی ظالم تر است از او کسی که بآیات پروردگارش پند داده شود پس او روی بگرداند و آنچه را که با دستهای خود پیش فرستاده است فراموش کند ما بر دلها آنان پرده افکنده ایم تا آیات را نفهمند و به گوشهای شان سنگینی انداخته ایم تا ندای حق را نشوند و اگر آنان را بسوی هدایت بخوانی هرگز راهیاب نمی شوند .

و همچنان الله متعال فرموده است { أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ }<sup>3</sup>

ترجمه : آیا در زمین به سیر و سفر نپرداخته اند تا دل های داشته باشند بآن فهم کنند و گوشهای داشته باشند که بآن بشنوند چرا که این چشمها نیستند که کور می گردند ولیکن این دل های درون سینه هاستند که نا بینا می شوند . و همچنان الله فرموده متعال فرموده است { أَمْ تَحْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا }<sup>4</sup>

ترجمه : آیا گمان می بری که بیشتر آنان می شنوند یا می فهمند نیستند آنها مگر مانند چهار پایان بلکه از آنها کرده گمراه ترند . و همچنان الله متعال فرموده است { صُمُّ بَعْضُكُمْ عَمَى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ }<sup>5</sup> ترجمه : کرانند گنگانند و کورانند پس آنها نمی فهمند عقل ندارند .

و همچنان الله متعال فرموده است { وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَآبْصَارًا وَأَفْنَدَهُ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْنَدَتْهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ }<sup>6</sup>

ترجمه : به تحقیق ما قوم عاد را از امکاناتی بر خوردار کرده بودیم که چنین امکاناتی را برای شما نداده ایم ما به ایشان گوشها چشمها و دل های داده بودیم اما گوشها و چشمها و دل های شان به آنان هیچ سودی نبخشید چرا

1 - سیدقطب ، تفسیر فی ظلال القرآن ، ( 2 / 401 ) .

2 - الکهف : 57 .

3 - الحج : 46 .

4 - الفرقان : 44 .

5 - البقرة : 171 .

6 - الاحقاف : 26 .

که آیات الله ذوالجلال را تکذیب می کردند و چیزی ایشان را فرا گرفت که مسخره اش می دانستند (عذاب الله ذوالجلال) .

پس قلب در وجود انسان یک عضو حیاتی و روحانی و لطیفی هست که توسط آن تمام اعضای بدن رهبری می شود و از آن دستور کار روز مره خود را می گیرند ، اگر قلب صحیح و سالم بود همه اعضای بدن صحیح و سالم است و اگر قلب فاسد شد همه اعضای بدن فاسد می شود ، و فضیلت و برتری انسان بر دیگر مخلوقات بر قلب سالم و عقل سلیم وی می باشد که توسط آن نیکی را از بدی تفکیک می نماید ، <sup>1</sup> چنانچه در حدیث آمده است **عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ) يَقُولُ : « إِنَّ الْحَلَالَ بَيِّنٌ وَالْحَرَامَ بَيِّنٌ وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ اتَّقَى الْمُشْتَبِهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ كَرَّاعٍ يَرَعَى حَوْلَ الْحَمَى يُوشِكُ أَنْ يُوَاقِعَهُ الْآلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى إِلَّا إِنْ حِمَى اللَّهِ فِي أَرْضِهِ مَحَارِمَهُ الْآلَا وَإِنْ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةٌ إِذَا صَلَّحَتْ صَلَّحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ إِلَّا وَهِيَ الْقَلْبُ »** <sup>2</sup>

ترجمه : از حضرت نعمان بن بشیر روایت است گفت شنیدم از رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) فرمود یقیناً حلال و حرام هر کدام واضح و روشن بیان شده و در بین این هر دو امور هست که مشتبه است و آنرا بسیار از مردم نمی دانند پس هر کسی که خود را از این امور مشتبهات حفاظت کرد به تحقیق دین عزت و شرف خود را حفاظت نموده است ، و کسی که در آن واقع شد مانند چوپان هست که در اطراف قرغ ( چراگاه ممنوعه ) یک کسی گوسفندانش را می چراند نزدیک است که در آن واقع شود ، خبردار ! برای هر پادشاه یک جای ممنوعه هست ، خبر دار ! اشیاء ممنوعه الله سبحانه و تعالی در زمین محارم الهی است ، خبردار ! در جسم یک قطعه گوشت است و قتیکه او سالم باشد همه اعضای بدن صحیح و سالم است و قتیکه او فاسد شود همه اعضای بدن فاسد می شود ، خبردار که او قلب هر انسان است .

**مطلب چهارم - اعراض کردن از ذکر الله متعال : از علائم غفلت اعراض کردن و روی گردانیدن از ذکر الله جلّت عظمته است ، چنانچه الله متعال فرموده است { وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ \* وَإِنَّهُمْ لَيَصِدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ \* حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ } <sup>3</sup>**

ترجمه : هر کس از یاد الله متعال غافل و روی گردان شود شیطانی را برای او آماده می سازیم و چنین شیطانی همواره همدم و یاور و رفیق وی می گردد \* شیاطین این گروه را از ذکر الله جل شأنه باز می دارند و گمان می کنند ایشان هدایت یافتگان حقیقی هستند \* تا آنگاه که چنین کسی به پیش ما می آید می گوید کاشکی میان من و تو به اندازه مشرق و مغرب فاصله می بود پس چه همدم و همنشین بدی است .

و همچنان الله متعال فرموده است { وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى \* قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا \* قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى } <sup>4</sup>

1 - امام غزالی ، احیاء علوم الدین ، ( 3 / 4 ) ، المكتبة التجارية الكبرى ، مصر .

2 - صحیح البخاری ، کتاب الايمان ، باب فضل من استبرأ لدينه ، ( ح ، 52 ) ، ( ص ، 25 ) .

3 - الزخرف : 36 - 38 .

4 - طه : 124 - 126 .

ترجمه : و هر که از یاد من روی بگرداند ( و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند ) زندگی تنگ ( وسخت و گرفته ای ) خواهد داشت ( چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت ) و روز قیامت او را نابینا ( به عرصه قیامت گسیل و بادیگران در آنجا ) حشر خواهیم کرد \* گوید پرور دگا را چرا مرا نابینا ( بر انگخته ای و به عرصه قیامت گسیل داشته و در آنجا ) حشر کردی من که قبلاً ( در دنیا ) بینا بوده ام \* الله متعال می گوید : همین است ( نتیجه نافرمانی ) آیات ( کتابهای آسمانی و دلایل هدایت جهانی ) من بتو رسید ، و تو آنها را نادیده گرفتی ؛ همان گونه تو هم امروز نادیده گرفته می شوی ( و بی نام و نشان در آتش رها می گردی ) .

و همچنان الله متعال فرموده است { وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ }<sup>1</sup> ترجمه : چه کسی ستم گار تر از آن کسی است که به آیات پرور دگاارش پند داده می شود و او از آنها روی می گرداند یقیناً ما همه مجرمان را کیفر خواهیم داد .

و همچنان الله متعال فرموده است { وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالنَّوَى فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ }<sup>2</sup> ترجمه : کافران ( به همدیگر ) می گویند به این قرآن گوش فرا ندهید و در ( هنگام تلاوت آن ) یاهو سرائی و جار و جنجال کنید تا ( مردمان هم قرآن را نشنوند و مجال اندیشه درباره مفاهیم آن از ایشان گرفته شود و ) شما پیروز گردید .

**مطلب پنجم - فراموش کردن قیامت و خانه آخرت:** درین عصر و زمان یکی از علائم غفلت فراموش کردن قیامت و علامات آنست ، هر گاه که الله متعال گردانیده ظهور این علامات را دلیل واضح و روشن برای آمدن قیامت و محاسبه مخلوقات ، آن روز که هر کس مطابق عملش جزا داده می شود چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ }<sup>3</sup> ترجمه : زمان محاسبه مردم نزدیک است و آنها در غفلت شان حیران و سرگردانند .

و همچنان الله متعال فرموده است { فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ }<sup>4</sup>

ترجمه : خبردار آنها انتظار قیامت را ندارند که ناگهان برپا می شود هم اکنون علائم و نشانههای آن ظاهر شده است اما وقتی که قیامت فرا رسد دیگر باور داشتن و اندرز گرفتن چه سودی به حالشان دارد . امام ابن کثیر (رحمه الله) می فرماید ایشان از قیامت غافل هستند درحالیکه علامات و نشانیهای آن برای شان بطور واضح و روشن نشان داده شده است ، باز هم مردم بی عقل و نادان و غافل در کارهای نامشروع از قبیل ریا کاری ، شراب نوشی با جمله مسکرات آن ، رقص و پایکوبی و فحشا و منکر روان هستند ، پروای قیامت و هولناکی های آنرا ندارند ، با دیدن این علامات بزرگ قیامت هیچ نوع تغییر مثبت در وجود ایشان پدیدار نشد ، و برای ایشان فرصت توبه کردن و آماده شدن به خانه آخرت میسر نشد ، بلکه در همان غفلت و سستی

1 - السجدة : 22 .

2 - فصلت : 26 .

3 - الانبیاء : 1 .

4 - محمد : 18 .



وتنبلی بسر بردند تا اینکه مرگ به سراغ شان آمد .<sup>1</sup> و همچنان الله متعال فرموده است { إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ }<sup>2</sup>

ترجمه : رستاخیز بطور قطع خواهد آمد من می خواهم ( موعد ) آن را ( از بندگان ) پنهان دارم تا ( مردمان در حالت آماده باش دائم بوده و در ضمن به سبب مخفی بودن قیامت آزادی عمل داشته باشند و سر انجام ) هر کسی در برابر تلاش و کوشش خود جزا و سزا داده می شود . و همچنان الله متعال فرموده است { إِنَّ السَّاعَةَ لَا تِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : روز قیامت قطعاً فرا می رسد و شکی در آن نیست ولی بیشتر مردم تصدیق نمی کنند .  
و همچنان الله متعال فرموده است { يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لِيَوْمِهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : درباره قیامت از تو می پرسند و می گویند در چه زمانی ( دنیا به پایان می رسد و ) قیامت رخ میدهد ؟ بگو تنها پروردگارم از آن آگاه است و کسی جز او نمی تواند در وقت خود آن را پدیدار سازد ( و از پایان این جهان و سراغ آن جهان مردمان را آگاهی دهد ) ، برای ساکنان آسمانها و زمین سنگین و دشوار است ( و هرگز دانش ایشان به آن نمی رسد ) قیامت ناگهانی به وقوع می پیوندد و بر سر تان می تازد از تو می پرسند گویا تو از شروع قیامت باخبری ؟ بگو اطلاع آن خاص پروردگار یزدان است ولیکن بیشتر مردمان ( این مسأله و فلسفه آن را چنان که باید ) نمی دانند .

و همچنان الله متعال فرموده است { وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُمْ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ }<sup>5</sup> ترجمه : کافران همواره در باره آن ( یعنی آنچه پیغمبران به خود آورده اند بویژه قرآن عظیم الشأن ) در شک و تردید بسر خواهند برد تا اینکه وقت مرگ ایشان ناگهان فرا می رسد و یا عذاب روز عقیم ( نازا ) آنان را در بر می گیرد ( که قیامت است خیر و رحمتی و خوشی و نعمتی برای ایشان به همراه ندارد ) . روز آخرت روز دشوار و هولناکی هست که همه مردم از وحشت و دهشت آن در ترس و هراس می باشند ، برای نجات ازین روز دشوار برای هر مسلمان لازمی و ضروری است که امور دینی اش را از امور دنیوی اش مقدم بدارد ، سعی و تلاش بیشتر نماید که خود را از مرض خطرناک غفلت نجات داده و در انجام کارهای صالحه پیشگام و پیشقدم باشد تا که شامل حال رحمت الهی قرار گرفته و مورد عفو و بخشش پروردگار عالمیان قرار گیرد . و همچنان از علائم بزرگ غفلت فراموش کردن خانه ابدی اخروی است ، و میل کردن به محبت دنیا و زینت آن و غرق شدن در طلب آن ، و حاصل نمودن سامان و کالای فریبنده آن که به عجله حاصل می شود و به شتاب از بین میرود ، چنانچه الله متعال فرموده است { كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ

1 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 151 ) .

2 - طه : 15 .

3 - غافر : 59 .

4 - الاعراف : 187 .

5 - الحج : 55 .

**العاجلة \* وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ {** <sup>1</sup> ترجمه : نه چنین است اصلاً که شما دنیا زود گذر را دوست می دارید \* و آخرت را رها می سازید .

و همچنان الله متعال فرموده است { **إِنَّ هُنَالِكَ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا** }<sup>2</sup> ترجمه : این (کافران و مشرکان ) زندگی زود گذر دنیا را دوست می دارند و روز سخت و دشوار آخرت را پشت سر می افکنند . این علت نهی از اطاعت ایشان است که چند آیه قبل بیان شد چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { **وَلَا تَطْعَمُ مِنْهُمْ عَائِثًا أَوْ كَفُورًا** }<sup>3</sup> ترجمه : و از هیچ کدام از گنهکاران و بی دینانشان فرمانبرداری مکن . چرا که ایشان دنیا را بر آخرت ترجیح دادند ، و به زنده شدن بعد از مرگ ایمان نداشتند و آنرا دروغ و فریب پنداشتند ، تا که رمق حیات در بدن شان بود در غفلت طغیان و سرکشی بسر بردند .<sup>4</sup> و همچنان الله متعال فرموده است { **مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَدْمُومًا مَدْحُورًا \* وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا** }<sup>5</sup>

ترجمه : هر کس که دنیای زود گذر (این جهان ) را بخواهد ( و تنها برای زندگی آن کار کند ) آن اندازه خود می خواهیم و به هر کس که صلاح می دانیم هر چه زود تر در دنیا باو عطا خواهیم کرد به دنبال آن دوزخ را بهره او می کنیم که به آتش آن می سوزد در حالیکه ( به سبب کارهای که در دنیا کرده است ) مورد سرزنش است و ( از رحمت خدا ) رانده شده است \* و هر کس که آخرت را بخواهد و برای آن تلاش سزاوار را از خود نشان دهد در حالی که مؤمن باشد این چنین کسانی تلاش شان بی سپاس بی اجر نمی ماند . و همچنان الله متعال فرموده است { **بَلْ تُؤِثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى** }<sup>6</sup>

ترجمه : بلکه ( بنا دنیا به سرشت انسانی ) زندگی دنیا را ( که محسوس و نقد است بر زندگی آخرت که نا محسوس و نسبی است ) ترجیح می دهید و برمی گزینید \* در حالی که آخرت از دنیا بهتر و پاینده تر است ( عاقل چرا باید فانی و گذرا را بر باقی و پاینده ترجیح میدهد ) .

**مطلب ششم - ریا کاری :** ریا در لغت ظاهر سازی ، چشم دیدی و ساختگی ظاهری را گویند .<sup>7</sup> تظاهر به خوبی بدون آنکه حقیقت داشته باشد ، خود نمای چنانچه می گویند ( فعل ذالک رياء ) آن را از روی ریا انجام داد بخلاف آنچه که در دل داشت .<sup>8</sup> و در اصطلاح انجام دادن اعمال صالحه بغرض نشان دادن آن آن به مردم .<sup>9</sup> بدون شک ریا خطرناک ترین و بدترین مرضی هست که انسان مسلمان را در غفلت می اندازد ، و او را در دنیا و آخرت خوار و ذلیل می گرداند ، بهمین خاطر الله ذوالجلال بنده گان متقی و نیکو کارش را ازین مرض مهلک بر حذر داشته ، و از خطرات آن پیامبران را نیز تنبیه نموده است ، و از آن شریعت به نام شرک خفی یاد نموده است ، و مرتکب آن انسان های هستند ، که اعمال شان را برضای الله

1 - القيامة : 20 - 21 .

2 - الدهر : 27 .

3 - الدهر : 24 .

4 - ابن عاشور ، محمد بن طاهر ، ( ت ، 1284 ه ) ، التحرير والتنوير ، ( 407 / 12 ) ط ، 5 ، دار سحنون ، تونس ، 1417 ه - 1997 م .

5 - الاسراء : 18 - 19 .

6 - الاعلى : 16- 17 .

7 - دهخدا ، علی اکبر ، فرهنگ دهخدا ، چاپ دوم ، 1377 ه ش ، ناشر ، مؤسسه انتشارات ، مکان نشر ، چاپ دانشگاه تهران .

8 - معلوف ، لويس ، المنجد ، ( 475 / 1 ) ، مترجم ، مصطفى رحيمي نيا .

9 - ذهبی ، الکبائر ، ( 143 / 1 ) ، مؤسسه دار الندوة الجديده ، بيروت .

جل مجده انجام نمی دهند ، بلکه بخاطر رضایت مردم انجام میدهند . چنانچه الله متعال می فرماید { فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ \* الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَنَسُوا حَتَّىٰ هُمَ سَاهُونَ }<sup>1</sup> ترجمه : وای به حال حال نماز گزاران ! \* همان کسانی که نماز خود را به دست فراموشی می سپارند \* همان کسانی که ریا و خود نمایی می کنند \* واز دادن وسائل کمکی ناچیز ( منزل که معمولاً همسایگان به یک دیگر به عاریت وامانت می دهند ) خود داری می کنند و ( ازیاری و کمک به مردمان ) دریغ می ورزند. در تفسیر آیه مبارکه { الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ } دوقول است : 1 - آنانیکه نماز را به غفلت و سستی و تنبلی ترک می کنند یا از وقتش به تأخیر می اندازند

2 - آنانیکه تارک نماز هستند پروائی خواندن یا ناخواندش را ندارند .<sup>2</sup>

امام قرطبی ( رحمه الله ) در تفسر این آیات مبارکه می فرماید : بعض انسانها نماز می خوانند ، به نظر مردم چقدر نماز گذار و نیکو کار هستند ، و عبادت و اطاعت الله جل جلا له را بجای آورند ، درحالیکه آنها بغرض ریا کاری و نشان دادن خویش به مردم عبادت می کردند ، و حقیقت ریا طلب مقام و منزلت دنیائی در بین مردم ، بواسطه عبادت و اطاعت و فرمان برداری الله جلت عظمته می باشد ، همین جاست که همه اعمال صالحه که انجام داده ضایع و برباد می رود ، و هیچ نفع برایش در قیامت نمی رساند .<sup>3</sup> ریا از امراض خطرناکی هست که انسان را تباه و اعمال صالحه اش را برباد و ضایع می سازد ، در فردای قیامت بجای آنکه به او نفع رساند وبال او میشود .

چنانچه الله ذوالجلال می فرماید { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِءَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ }<sup>4</sup>

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید بذل و بخششهای خود را با منت و آزار پوچ و تباه نسازید ، همانند کسی که دارائی خود را برای نشان دادن به مردم ریا کارانه صرف می کنند ، و به خدا و روز رستاخیز ایمان ندارند ، مثل چنین کسی همچون مثل قطعه سنگ صاف و لغزنده ای است که بر آن (قشری از) خاک باشد ( و بذر افشانی شود) و باران شدید بر آن ببارد (و همه خاکها و بذرها را فرو پاشد ) و آن را به صورت سنگ صاف ( و خالی از هر چیز ) برجای گذارد ( چنین ریاکارانی ) از کار که انجام داده اند سود و بهرهای نمی گیرند و خداوند گروه کفر پیشه را ( به سوی خیر و صلاح ) رهنمود نمی نماید . و این بهترین مثال برای قلب ریا کار است که در آن ایمان وجود ندارد ، بلکه او سخت و خشن است نه نرم می شود و نه از الله جلت عظمته میترسد ، پس اعمال این قسم شخص نه اصل دارد و نه اساس و نه هدف و مقصد دارد که بآن متوصل شود ، بلکه ضایع و برباد است ، چرا که هدف او نشان دادن خود به مردم و تعریف و توصیف بود که بآن رسید .<sup>5</sup>

<sup>1</sup> - الماعون : 4 - 6 .

<sup>2</sup> - ابن عطیه ، ابومحمد عبدالحق ، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ، ( 5 / 527 ) .

<sup>3</sup> - قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ( 20 / 144 ) ، ط 1 ، دار الکتب العلمیة ، بیروت .

<sup>4</sup> - البقره : 264 .

<sup>5</sup> - سعدی ، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان ، ( ص ، 107 ) .

و همچنان الله متعال فرموده است { وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِءَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانَ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا - وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا }<sup>1</sup>

ترجمه : و آنان کسانی اند که اموال خود را ریا کارانه صرف می کنند و خود نمایانه می بخشند ( تا مردم ایشان را ببینند تعریف و تمجید شان کنند ) و نه به خدا ایمان و نه به آخرت باور دارند ، ( چرا که از شیطان پیروی کرده و شیطان ایشان را از راه بدر برده است ) و هر که شیطان همدم او باشد ( چه بد همدمی برگزیده است ) و شیطان بدترین همدم و رفیق است - چه می شد اگر آنان به خدا و به روز آخرت ایمان می آوردند و ( به انگیزه این ایمان خالصانه در راه خدا ) از آنچه خدا به ایشان داده است بذل و بخشش می کردند ( و اجر خود را از او دریافت می داشتند ) و خداوند از آنان آگاه است . درین آیه مبارکه الله جلت عظمته بوضاحت تمام بیان فرموده که ، آن ذات پاک از تمام اعمال بندگانش باخبر است ، و از آن ذات کبریائی هیچ چیز مخفی نیست ، آنچه را که ایشان قصد و اراده دارند به انفاق اموال شان ، که آن ریا کاری و سمعه و شنواندن و تعریف و صفت کردن مردم است که به آن رسیدند .<sup>2</sup> و همچنان در حدیث پیامبر گرامی ( صلی الله علیه و سلم ) می فرماید عن ابی هریره ( رضی الله عنه ) عن النبی ( صلی الله علیه و سلم ) أَنَّهُ قَالَ « إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْهِ رَجُلٌ أَسْتَشْهَدَ ، فَأَتَى بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا ، قَالَ : فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى أَسْتَشْهَدُ ، قَالَ كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَيَّ وَجْهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ ، وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ وَقَرَأَ الْقُرْآنَ فَأَتَى بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا ، قَالَ : فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا ، قَالَ تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْآنَ ، قَالَ كَذَبْتَ ، وَلَكِنَّكَ تَعَلَّمْتَ الْعِلْمَ لِيُقَالَ لِيُقَالَ هُوَ قَارِئٌ ، فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَيَّ وَجْهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ ، وَرَجُلٌ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ كُلِّهِ فَأَتَى بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا ، قَالَ : فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا ، قَالَ مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلٍ تُحِبُّ أَنْ يُنْفَقَ فِيهَا إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ ، قَالَ : كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ فَعَلْتَ لِيُقَالَ هُوَ جَوَادٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَيَّ وَجْهِ ثُمَّ أُلْقِيَ فِي النَّارِ »<sup>3</sup>

ترجمه و مفهوم حدیث : از حضرت ابوهریره روایت است که نبی کریم ( صلی الله علیه و سلم ) فرمود اولین کسانی که در روز قیامت در حق شان فیصله صورت می گیرد سه قسم اشخاص می باشد :

1 - شهید را آورده می شود ، از وی سوال می شود بخاطر چه جهاد کردی ؟ می گوید بخاطر رضای تو یا الله ، الله ذوالجلال می فرماید تو دروغ میگوئی ، بخاطر جهاد کردی تا مردم بگویند فلانی شجاع و دلاور است ، باز امر کرده میشود بر رویش در جهنم انداخته شود .

2 - شخص عالم یا قاری قرآن کریم را آورده می شود ، از وی سوال می شود تو به علمت چه کردی ، می گوید برای مردم علم را یا قرآن را آموختاندم ، الله ذوالجلال می فرماید تو دروغ می گوی ، بخاطر علم را یا قرآن را آموختی که مردم بگویند فلانی بسیار عالم جید است فلانی بسیار قاری نامور است ، باز امر کرده میشود بر رویش در جهنم انداخته شود .

1 - النساء : 39 .

2 - طبری ، جامع البیان ، ( 5 / 88 ) .

3 - نیسا بوری ، امام ابی الحسین مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری ، صحیح مسلم ، کتاب الامارة ، باب من قاتل للرياء والسمعة استحق النار ، ( 3 / 1513 ) ، ط ، 3 ، دارالسلام للنشر والتوزيع ، ر ياض ، 1421 هـ - 2000 م .

3 - شخص سخی و مال دار آورده می شود ، از وی سوال می شود به مال و دارائی که برایت داده شد چه کردی ؟ می گوید در راه تو انفاق کردم ، الله جلت عظمته می فرماید دروغ میگوی ، بخاطر خرچ کردی تا مردم بگویند فلانی بسار سخی و جوان مرد هست، باز امر کرده می شود بر رویش در جهنم انداخته شود . وجه استلال حدیث شریف وقتیکه ریا در نفس انسان ریشه می دواند قلب و ضمیر انسان را فاسد می گرداند ، و ضایع کننده اعمال صالحه و قطع کننده خیر و برکت از شخص مسلمان ست ، چرا که او به شرک خفی روی آورده ، هدف و مقصدش در عبادتی که می کند رضایت مردم ست ، نه خشنودی خالق یکتا اش میباشد.<sup>1</sup> انسان ریا کار در عملش صادق و پخته نیست ، چنانچه الله ذوالجلال می فرماید { إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يُذْكَرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا }<sup>2</sup>

ترجمه : بی گمان منافقان ( نشانهای ایشان را می نمایانند و کفر خویش را پنهان میدارند و به خیال خام خود) خدا را گول می زنند ! درحالیکه خداوند ( دماء و اموال ایشان را در دنیا محفوظ می نماید و در آخرت دوزخ را برای آنان مهیا می دارد و بدین وسیله ) ایشان را گول می زند . منافقان هنگامی که برای نماز بر می خیزند ، سست و بی حال به نماز می ایستند و با مردم ریا می کنند ( و نماز شان به خاطر مردم است ؛ نه به خاطر خدا ) و الله متعال را کمتر یاد می کنند و جز اندکی به عبادت او نمی پردازند . بخاطریکه قلب های انسانهای ریا کار مملو از ریا و سمعه و فساد است ، و هدف شان فریب دادن مردم است ، درحقیقت خود را تسلیم به قیادت و فرمان روی غیرش نموده ، و از الله ذوالجلال انکار نموده است .<sup>3</sup> همین جاست که الله متعال انسان های ریا کار و فساد پیشه را از اصل و ریشه شان هلاک نموده و نیست و نابود می گرداند ، چنانچه الله متعال می فرماید { وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ \* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ }<sup>4</sup>

ترجمه : درمیان مردم کسی یافته می شود که سخن او در ( باره امور و اسباب معاش ) زندگی دنیا تو را به شگفت می اندازد ( و فصاحت و حلاوت کلام او مایه اعجاب تو می شود ) و خدا را آنچه در دل خود دارد گواه می گیرد ( و ادعا دارد که آنچه می گوید موافق با چیزی است که در درون پنهان می دارد و گفتار و کردارش یکی است ) و حال آن که او سرسخت ترین دشمنان است \* و هنگامی که پشت می کند و می رود ( و یا به ریاست و حکومتی می رسد ) در زمین به تلاش می افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل ( انسانها و حیوانات ) را نابود کند ( و با فساد و تباهی خود ، اقوات و اموال و ارواح را از میان ببرد ) و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی دارد .

انسان ریا کار غافل خود را نزد مردم به مسخره گرفته ، چنانچه اصمعی صاحب<sup>5</sup> نقل می کند یک اعرابی نماز می خواند ، دید که مردم متوجه او شدند پس نمازش را طولانی کرد، و مردم گفتند چقدر نماز خوب و زیبا می خواند ، او گفت در عین حال من چقدر وقت میشود روزه هم دارم ،<sup>6</sup> و این مرض متأسفانه در بین

1 - سعدی ، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان ، ( ص ، 200).

2 - النساء: 142 .

3 - سعدی ، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان ، ( ص ، 204 ) .

4 - البقرة : 204 - 206 .

5 - امام الحافظ العلامة ، حجت الادب ، لسان العرب ، ابوسعید عبدالملک بن عاصم ( قریب ) اصمعی ، بصری ، ( تولد ، 123 هـ ، وفات ، 215 هـ )

، سیر اعلام النبلاء ، ( 10 / 181 ) .

6 - ذهبی ، امام شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد ، سیر اعلام النبلاء ، ( 10 / 181 ) ، طبع 2 ، 1424 هـ - 2003 م ، مکتبة الصفا ، قاهره .

مسلمانان عام ست ، و این یک مصیبت خطر ناک و زهر آگین است در بین جوامع ما ، بجای اینکه مسلمانان بنده گی و عبادت و ذکر ذات کبریائی را انجام دهند ، عبادت و بنده گی غیرش را بجا می آورند ، ذکر الله جلالت عظمته را فراموش کردند ، چرا که شیطان بر آنها مسلط شده و جلو ایشان در دستش است ، هر طرف که خواسته باشد لجام زده کشش می کند ، و آنها را در غفلت می اندازد همواره فریب آنها می خورند ، باین فکر هستند که اصل کار را انجام میدهند ، و بهترین مردم روی زمین هستند ، درحالیکه بدترین مخلوق شیاطین و متبعین و پیروان آنها هستند .<sup>1</sup>

## مبحث دوم اسباب غفلت

**مطلب اول - پیروی از شیطان :** شیطان از شطن گرفته شده است بمعنای دوری و شاطن کسی که از حق دوری اختیار کند ، و هر متمرّد و سرکش را شیطان گفته می شود برابر است که جن باشد یا انسان یا حیوان ،<sup>2</sup> یقیناً پیروی کردن شیطان از کلان ترین اموری هست که انسان را در غفلت می اندازد ، او شیطان که سرسخت ترین دشمن آدم (علیه السلام) و فرزندان وی است ، او کسی که از ابتدای خلقت آدم (علیه السلام) با وی دشمنی کرد و از فرمان الهی سرپیچی کرد ، به وی امر کرده شد به آدم (علیه السلام) سجده کند ، او سجده نه کرد ، همان بود که از رحمت الهی دور کرده شد و به غضب الهی گرفتار شد ، او شیطان به خود عهد بست و به عزة و جلال الله قسم خورد که به هیچ عنوان فرزندان آدم را نخواهم گذاشت و ایشان را گمراه خواهم کرد تا روز قیامت ، مگر بنده گان مخلص تو از ایشان را .<sup>3</sup> چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { **إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ \* قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ \* قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ \* قَالَ فَأَخْرَجْ مِنْهَا فَاتَكَ رَجِيمٌ \* وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ \* قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ \* قَالَ فَاتَكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ \* قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ \* }** }<sup>4</sup>

ترجمه : جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران گردید \* فرمود ای ابلیس چه چیز تو را باز داشت از این که سجده ببری برای چیزی که من آن را مستقیماً با قدرت خود آفریده ام آیا تکبر ورزیده ای یا که اصلاً از متکبران بوده ای \* گفت من بهتر از او هستم تو مرا از آتش آفریده ای و وی را از گل \* گفت از میان آن فرشتگان بیرون شو چرا که تو مطرود و رانده شده هستی \* قطعاً نفرین من تا روز جزا بر تو خواهد بود \* گفت پروردگارا حالا که چنین است پس مرا مهلت بده تا روزی که مردمان دوباره زنده می گردند و رستاخیز شروع می شود \* فرمود تو از مهلت داده شدگانی \* تا روز زمان معین که پایان عمر جهان

<sup>1</sup> - قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ( 11 ، 48 ) .

<sup>2</sup> - ابن منظور ، لسان العرب ، ( 13 / 238 ) .

<sup>3</sup> - رضا ، محمد رشید ، ( ت ، 1354 هـ ) ، تفسیر القرآن الحکیم مشهور به تفسیر منار ، ( 5 / 427 ) ، ط ، 2 ، دار المعرفه ، بیروت ،

1366 هـ - 1947 م .

<sup>4</sup> - ص : 74 - 83 .

وسر آغاز قیامت است \* گفت به عزت و عظمتت سوگند که همه آنان را گمراه خواهم کرد \* مگر بنده گان مخلص تو از ایشان را \* . ازین آیات متبرکه دانسته شد که شیطان دشمن ابدی انسان است از هیچ نوع عدوات و دشمنی دریغ نمی کند و از هر راهی ممکن بتواند ، انسانها را گمراه می سازد ، بهمین خاطر الله ذوالجلال انسانها را از پیروی او و منهج کفری اش منع فرموده چنین می فرماید { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ }<sup>1</sup>

ترجمه : ای مؤمنان گام به گام شیطان راه مروید و به دنبال او راه نیفتید چون هرکس گام به گام شیطان راه برود و به دنبال او راه بیفتد چرا که شیطان فرا می خواند مردم را به زشتیها و بدیها اگر فضل و مرحمت الهی شامل شما نمی شد هرگز فرد از شما پاک نمی گردید ولی خداوند هر که را بخواهد پاک می گرداند و الله متعال شنوای هر سخنی و آگاه از هر عملی است.

و همچنان الله متعال فرموده است { يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ \* إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و گام به گام شیطان راه مروید بی گمان او دشمن آشکار شما است \* او تنها شما را به سوی زشتکاری و گناهکاری فرمان می دهد و این که شما آنچه را که نمی دانید به الله ذوالجلال نسبت دهید . با وجود این همه بیم و انداز بعض انسانهای جاهل و نادان خوشی خود را بجز در پیروی شیطان در هیچ چیز دیگر نمی دانند چنانچه الله متعال فرموده است { وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ }<sup>3</sup> ترجمه: گروهی از مردم بدون هیچ علم و دانشی ( بلکه تنها از تقلید و هواپرستی ) درباره شناخت الله جلت عظمت ( و مسأله توحید خداوند منان ، و احیاء مردگان ، و رستاخیز همگان به فرمان خالق جهان ) به مجادله برمی خیزند ( درین امر طبیعی است نه از دانش و منطق بلکه ) از هر گونه شیطان ( انس و جن ) سرکشی پیروی می نما یند ( و برابر نقشه و برنامه و حيله و دام همه شیاطین و شیطان صفتان عمل می کنند ) . و همچنان الله متعال فرموده است { وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ إِطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ }<sup>4</sup>

ترجمه : بعضی از مردم هم خدا را در حاشیه و کناره می پرستند ( و دارای عقیده سستی هستند ایمان شان بر پایه مصالحشان استوار است و لذا ) اگر خیر و خوبی بایشان برسد به سبب آن شاد و آسوده خاطر و بر دین شان استوار و ماندگار می شوند و اگر بلا و مصیبتی بایشان برسد ( به سوی کفر برمی گردند ) و عقب گرد می کنند باین ترتیب هم ( آرامش ایمان به قضا و قدر و مدد و یاری خداوند را در ) دنیا و هم نعمت و سعادت آخرت را از دست میدهند و مسلماً این زیان روشن و آشکاری است ( که انسان هم دنیا و هم آخرتش بر باد فنا رود . آن انسان که مردم را به ضلالت و گمراهی دعوت می کند سر کرده کفر و بدعت است ، اصلاً هیچ عقل و منطق ندارد بلکه دنباله روی هوا و هوس و خواهشات نفسانی اش میباشد ، هر کسی که از

<sup>1</sup> - النور : 21 .

<sup>2</sup> - البقرة : 168 - 169 .

<sup>3</sup> - الحج : 3 .

<sup>4</sup> - الحج : 11 .

اوامر و نواهی الهی سرپیچی کرده و از گامهای شیطان پیروی می کند به تحقیق او انسان غافل ، خوار و ذلیل دنیا و آخرت می گردد ، <sup>1</sup> در مقابل ابلیس تمام توان و قدرت خود را به خرچ میدهد که انسان را گمراه کرده به قهقرا بکشاند چنانچه الله ذوالجلال می فرماید { قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا }<sup>2</sup>

ترجمه : شیطان گفت به من بگو که آیا این همان کسی است که او را بر من ترجیح و گرامی داشته ای اگر مرا تا روز قیامت زنده بداری همه ایشان را جز اندکی شان باگمراهی نابود می گردانم . البته تسلط و غلبه میابم بر اکثر آنها و ایشان را گمراه خواهم کرد .<sup>3</sup>

با آنهم ابلیس به خود عهد کرده باتمام وسائل و وعده های دورغین اش از هر راهی ممکن بتواند بنده گان الله متعال را از راه هدایت و طریق حق اغوا کرده گمراه سازد .<sup>4</sup>

چنانچه الله ذوالجلال می فرماید { وَلَا ضَلَّ اللَّهُ سَبِيلَهُمْ وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِّيَهُمْ وَلَا مَنِّيَهُمْ فَلْيُبَيِّتْكُنَّ آدَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَنِّيَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا \* يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا }<sup>5</sup>

ترجمه : حتماً آنان را گمراه می کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روان شان می گردانم و هرچه را خواستم بایشان دستور میدهم و آنان اعمال خرافی انجام میدهند از جمله گوشهای چارپایان شان را قطع می کنند و به ایشان دستور میدهم آفرینش الله متعال را دگرگون می کنند( حتی دین الله متعال را تغییر می دهند و فطرت توحید را به شرک می آیند) و هرکه شیطان را به جای الله ذوالجلال دوست و یاور خود بگیرد به راستی زیان آشکاری کرده است \* شیطان به آنان وعده ها می دهد و به آرزوها سرگرم شان می کند و شیطان جز وعده های فریب کارانه به ایشان نمی دهد .

شیطان میگوید البته اولاد آدم را گمراه می کنم از راه حق ، و مزین میسازم برای شان ترک توبه را و آرزوهای زیاد را برای شان وعده میدهم و نفس هایشان زیر سلطه خود میآورم ، هر امر را دستور دادم بصورت فوری بدون کدام تأخیر انجام میدهند ، و گوش های حیوانات شان را به رسم جاهلیت قطع می کنند ، و علامه و نشانه حیوانات دور جاهلیت را مانند بحیره <sup>6</sup> سائبه <sup>7</sup> و صیله <sup>8</sup> را در دستور العمل کار خویش خویش قرار میدهند ، و کوشش میکنند در دین برحق الله جلت عظمته تغییر بیاورند ، <sup>9</sup> چنانچه در حدیث آمده است عن ابی هریره (رضی الله عنه ) قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وسلم ) « كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ كَمَثَلِ الْبَهِيمَةِ تَنْتَجِ الْبَهِيمَةَ هَل تَرَى فِيهَا جَدْعَاءُ »<sup>10</sup>

1 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 3 / 186 ) .

2 - الاسراء : 62 .

3 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 3 / 47 ) .

4 - شعراوی ، محمد متولی ، ( ت ، 1418 هـ ) ، المختصر المنار من تفسیر الشعراوی ، ( 5 / 643 ) ، ط ، 1 ، دار الروضة .

5 - النساء : 119 - 120 .

6 - ناقه که در جاهلیت هرگاه پنج بطن می زاد پنجم آنرا می دیدند اگر نر می بود گوشت آنرا مردان می خوردند و بر زنان حرام بود و اگر ماده می بود گوشت آنرا شگفته سر می دادند هر جا که خواهد رود و بچرد .

7 - شتر ماده که ده چوپه ماده آورده باشد در زمان جاهلیت به نذر و مانند آن سر بخود رها می کردند و به نام بتها می گذاشتند و شیر آنرا آنرا جز مهمان کسی دیگر نمی خورد .

8 - ماده شتر که ده شکم پی یک دیگر زاده باشد و از شیر آن مردان می نوشیدند نه زنان و آنرا به نام بتها ذبح می کردند . تفسیر ابن کثیر

کثیر ( 2 / 98 ) .

9 - بیضاوی ، انوار التنزیل و اسرار التأویل ، ( 2 / 225 ) .

10 - صحیح البخاری ، کتاب الجنائز ، باب ما قبل فی اولاد المشرکین ، ( ح ، 1385 ) ، ( ص ، 256 ) .



ترجمه : از حضرت ابوهریره روایت است رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) فرمود تمام اطفال به دین فطرت که همانا دین اسلام عزیز است تولد میشوند پس والدین هست که دین طفل خود را به دین یهودیت و نصرانیت و مجوسیت تبدیل میکنند ، مانند حیوان که صحیح و سالم از حیوان زاده می شود آیا در آن کدام بریده گی دیده می شود ؟ نه خیر انسان های مال دار هستند گوشه های حیوانات شان را می برند و به زعم شان نشان می کنند و خود را خوار و ذلیل دنیا و آخرت می گردانند ، و ایشان به اندازه پست فطرت و غافل شدند که مغلوب شیطان قرار گرفتند چنانچه الله ذوالجلال می فرماید { **اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَأَهُمُ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ** }<sup>1</sup>

ترجمه : شیطان بر آنان چیره گشته است (باوسوسه های خود ایشان را از جاده حق بدر کرده است) و یاد الله جل مجده را از خاطرشان برده است اینان در حزب شیطان هستند ، هان ! قطعاً حزب اهریمن زیانکار و زیانبارند .

در تفسیر این آیه مبارکه امام قرطبی می گوید در قلبهای این قسم مردم شیطان غلبه و تسلط یافته ، تا اینکه ایشان از ذکر الله جل شأنه فراموش کردند ، همین گروه در بیع شان زیان کردند ، چرا که ایشان جنت را در مقابل جهنم و هدایت را در مقابل ضلالت و گمراهی فروختند ، و همچنان الله جل جلاله و پیامبرش را تکذیب کردند ، و نعمت ها مؤبدی و همیشه گی را در مقابل نعمت های موقتی از دست دادند ، و خویشتن را به عذاب جهنم حواله کردند .<sup>2</sup>

یقیناً خطرناک ترین امر در زنده گی انسان فرو رفتن آن در گمراهی ، و دور ماندن آن از هدایت و پیروی کردن آن از شیطان است که صاحبش را به هلاکت می اندازد ، پس برای انسان لازمی است از هر آنچه که برایش از علم ، حلم و برد باری ، حکمت ، و عقل و منطق داده شده استفاده نماید ، از راه غفلت و ضلالت و گمراهی به توفیق و کمک ذات منان خود را نجات دهد ، همراهی کسی که توفیق الله جلت عظمته باشد هیچ گاهی شیطان او را گمراه کرده نمی تواند بلکه از سر راه او فرار می کند چنانکه از سر راه عمر فاروق (رضی الله عنه) فرار می کرد ، چنانچه درباره ایشان پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) می فرماید عن محمد بن سعد بن ابی وقاص عن ابیه قال ... « **وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا لَقَيْكَ الشَّيْطَانُ سَالِكاً فَجَأاً قَطُّ إِلَّا سَلَكَ فَجَأاً غَيْرَ فَجَعٍ** »<sup>3</sup>

ترجمه : قسم بآن ذات که جان من بدست و قبضه اوست ای عمر ، در هیچ راه و کوچه شیطان باتو روبرو نمی شود ، مگر اینکه از ترس و هیبت تو راهی خود را تغیر داده فرار می کند . و کسی که بر شیطان غلبه یافت ، در جمله متقیان و پرهیزگاران شامل شده کامیاب دنیا و آخرت می گردد. چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده { **إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ \* إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ** }<sup>4</sup>

1 - المجادلة: 19 .

7 - قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ( 17 / 193 ) .

3 - بخاری ، امام محمد بن اسماعیل بن ابراهیم ، صحیح البخاری ، کتاب فضائل اصحاب النبی (صلی الله علیه وسلم) ، باب مناقب عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) ، (ص، 671) ، ( ح ، 3683) ، ط ، 5 ، دارالکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان ، 1428 هـ - 2007 م .

4 - النحل : 99 - 100 .

ترجمه : بی گمان شیطان هیچ گونه تسلطی بر کسانی ندارد که ایمان دارند و به پروردگارشان توکل می نمایند \* بلکه تنها تسلط شیطان بر کسانی است که او را به دوستی می گیرند و به واسطه او شرک می ورزند ( و خدایان و بتانی را در عبادت شریک خدا می سازند ) .

در تفسیر این آیه مبارکه امام ثوری ( رحمه الله ) می گوید : شیطان هیچ نوع تسلط و غلبه بر انسان مؤمن نمی داشته باشد ، چرا که توکل ایشان به پروردگار عالم است ، هرکسی که خود را به رب کائنات تسلیم کرد ، او در پناه عصمت الهی بسر می برد ، هیچ شیطان انسی و جنی به او ضرر رسانیده نمی تواند .<sup>1</sup>

**مطلب دوم - الفت و محبت گناه و معصیت :** یکی از اسباب عمده غفلت الفت و محبت گناه و معصیت است چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است { **إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ** }<sup>2</sup> ترجمه : بی گمان کسانی که دوست می دارند گناهان بزرگی (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد ، ایشان در دنیا و آخرت ، شکنجه و عذاب درناکی دارند . و همچنان الله متعال می فرماید { **كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ** }<sup>3</sup> ترجمه : هرگز! هرگز! اصلاً کردار و تلاش ایشان دلهایشان را زنگ زده کرده است . و ایشان آن قدر غافل هستند که اصلاً سر گناه و طغیان و سرکشی خبری نیستند ، چنانچه رسول گرامی ( صلی الله علیه و سلم ) فرموده است « **إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَرَى ذُنُوبَهُ كَأَنَّهُ قَاعِدٌ تَحْتَ جَبَلٍ يَخَافُ أَنْ يَقَعَ عَلَيْهِ وَإِنَّ الْفَاجِرَ يَرَى ذُنُوبَهُ كَذُبَابٍ مَرَعَى أَنفِهِ** »<sup>4</sup> ترجمه : یقیناً انسان مؤمن گناهانش را طور می بیند ، گویا که در زیرکوه نشسته است و ترس دارد که بر وی می افتد ، و اما انسان فاسق فاجر گناهانش را طور می پندارد ، که گویا مگسی بر سر بینی او تیر شده باشد . و همچنان پیامبر گرامی فرمودند « **كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمَجَاهِرِينَ ، وَإِنَّ مِنَ الْمَجَاهِرَةِ أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا ، ثُمَّ يُصْبِحُ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ ، فَيَقُولُ : يَا فَلَانُ ، عَمَلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا ، وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ ، وَيُصْبِحُ يَكْشِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ** »<sup>5</sup> ترجمه : از حضرت ابوهریره روایت است گفت شنیدم از رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم) فرمودند : تمام امت من در خیر و عافیت هستند مگر کسی که گناهانش را برملا می سازد و واقعاً از دیوانگی است که کسی در شب کاری کرده باشد و الله متعال آنرا بروی پوشیده نگه داشته است ، و باز خودش آمده و می گوید یا فلان من دیشب چنین و چنان کردم ، الله پاک عیبش را می پوشد ، و او انسان پست و فرومایه پرده خدا را از خود دور می اندازد . درین حدیث مبارکه تأکید شده انسانها باید به نیکی و ستر و حیا الفت و عادت بگیرند و از گناه و معصیت و بی ستری و بی حیایی دوری اختیار کنند ، چرا که نیکی روشنی می آورد و گناه تاریکی ها را با خود جمع می کند ، چنانچه ابن عباس (رضی الله عنهما) می فرماید : یقیناً نیکی در چهره انسان روشنی و در قلبش نور می افکند ، و در رزق و روزی اش فراخی و در بدنش قوت می بخشد ، و انسان نیکو کار را همه مردم دوست دارند . اما بدی در چهره انسان سیاهی و در

1 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 2 / 505 ) .

2 - النور : 19 .

3 - مطففین : 14 .

4 - امام ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بخاری ، صحیح البخاری ، کتاب الدعوات ، باب التوبة ، ( ح ، 6308 ) ، ( ص ، 1154 ) .

5 - صحیح البخاری ، کتاب الادب ، باب ستر المؤمن علی نفسه ، ( ح ، 6069 ) ، ( ص ، 1115 ) .

قلبش تاریکی می افگند ، و در رزق و روزی اش نقصان و بدنش را ضعیف و سست می سازد ، و انسان بد کردار را همه مردم بد می گویند و قلباً خوش ندارند .<sup>1</sup>

با نهم انسان ها از گناه و معصیت اجتناب و رزق بسوی الله جلت عظمته رجوع کنند ، پروردگار عالم از گناه و بدی های شان درگذری نموده و ایشان را جایگاه ارزش مندی عطا می فرماید چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است { **إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا** }<sup>2</sup>

ترجمه : اگر از گناهان کبیره ای بپرهیزید که از آن نهی شده اید گناهان صغیره شما را ( بافضل و رحمت خود ) از شما می زداییم و ( به شرط استغفار از کبائر و عدم اصرار بر صغائر ) شما را به جایگاه ارزشمندی ( که بهترین بهشت برین است ) وارد می گردانیم .

**مطلب سوم - کفر ورزیدن به الله جل مجده :** کفر در لغت ناسپاسی کردن ، انکار کردن و پوشانیدن نعمت خداوند ، ستر و پوشانیدن را گویند مانند ( کفر الشئی ) آن چیز را پوشانید .<sup>3</sup> و در اصطلاح ناگرویدن به نعمت منعم حقیقی به جود و انکار یا به عمل مشابه آن مانند مخالفت به اوامر الهی .<sup>4</sup> بزرگترین سبب غفلت انسان کفر ورزیدن آن به ذات کبریائی است که ، او را تباه و قلبش را غافل می سازد ، و هر عقوبت که بر سر اومی آید بسبب آنست ، پس هر قلب که پرده بگیرد و پوشانیده شود بصیرت و بینش خود را از دست میدهد و درک و احساس نمی داشته باشد ، چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { **فَأَخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ \* أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُ تَوْنًا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ \* وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ** }<sup>5</sup>

ترجمه : سپس ( با وجود این همه تأکید عیسی علیه الصلاة والسلام بر توحید و یکتا پرستی و روشنی کار او ) گروه ها ( و دسته های یهود و نصرانیان ) در میان خود راه های مختلف را در پیش گرفتند ( و عقائد گوناگون را در باره مسیح علیه السلام ابراز داشتند ) و ای بر حال کافران ( چون ایشان ) در هنگامه روز بزرگ ( قیامت چه خواهند دید و چه خواهند کشید ) \* ( کافران در این جهان کور کراند ولی ) در آن روز که به پیش ما می آیند چه گوش شنوا و چشم بینای پیدا می کنند ( اما چه فایده که آن روز کار از کار گذشته است و وقت حساب و کتاب فرا رسیده است ) ولیکن ستم گاران امروز ( که جهان کسب و عمل و اندوختن است ) در گمراهی آشکار بسر می برند \* ( ای پیغمبر ) ظالمان را از روز حسرت ( که رستاخیز است بترسان ) آن هنگامی که کار از کار می گذرد و ( همه چیز دنیا پایان می گیرد و وقت حساب و کتاب فرا می رسد و ستم کاران می بینند که ) ایشان در غفلت عمر گرانمایه را بسر برده اند و ( به قیامت ، بهشت و دوزخ ) ایمان نداشته اند .

<sup>1</sup> - ابن القیم الجوزی ، الجواب الکافی لمن سأل عن الدواء الشافی ، ( ص ، 106 ) .

<sup>2</sup> - النساء : 31 .

<sup>3</sup> - معلوف ، لویس ، المنجد ، ( 2 / 1355 ) ، مترجم : مصطفی رحیمی نیا .

<sup>4</sup> - ابن فارس ، معجم مقاییس اللغة ، ( 5 / 191 ) .

<sup>5</sup> - مریم : 37-39 .

وهمچنان الله سبحانه و تعالی می فرماید { فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمُ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولُنَا يُتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا آيِنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ }<sup>1</sup>

ترجمه : آخر چه کسی ستمگارتتر از کسانی است که بر خدا دروغ می بندند یا این که آیات او را تکذیب می نمایند نصیب مقدرشان به ایشان می رسد ( و در جهان روزگار معین خود را بسر می برند و روزی مشخص خود را می خورند ) تا آنگاه که فرستاده گان ما ( یعنی فرشتگان قبض ارواح ) به سر آغ شان می آیند تاجان شان را بگیرند در این هنگام به ایشان می گویند معبود هائی که جز الله می پرستیدید کجایند ؟ می گویند از ما نهان و ناپیدا شده اند و به ما ترک گفته اند ( و امید نفع و خیری از آنان نداریم در اینجا است که ) آنان علیه خود گواهی می دهند و اعتراف می کنند که کافر بوده اند .

پس از لابلای این آیات چنین دانسته می شود که کفر ورزیدن انسان ها ، سبب ضلالت و گمراهی و ظلم آنها گردید ، و نتیجه آن غفلت و عدم ایمان شان بود و از شدت غفلت و کفر و طغیان و سرکشی شان محو و نابود شدند .

و همچنان الله متعال فرموده است { يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : می شناسند نعمت الله را باز از آن انکار می کنند و اکثر آنان کافران هستند .

الله متعال به وضاحت بیان می فرماید علت و سبب ذلت و رسوائی این کافران ، ناشناسی و ناسپاسی از نعمت های الله سبحانه و تعالی می باشد . و همچنان الله متعال می فرماید { قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : بگو همین بس که خدا میان من و شما گواه است ( و می داند که من فرمان او را به شما رسانیده ام و وظیفه خود را انجام داده ام ) او می داند آنچه در آسمانها و زمین است ( و لذا کار کسی بر او پنهان نمی ماند ) کسانی که ( معبود های ) باطل را باور می دارند ( و آنها را پرستش می کنند ) و به خد اعتقاد ندارند آنان واقعاً زیانکارند ( و سرمایه وجود شان را در برابر هیچ از دست میدهند ) .

و هم چنان الله ذو الجلال می فرماید { هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا }<sup>4</sup>

ترجمه : خدا ذاتی است که شما را جانشین ( گذشتگان ) روی زمین کرده است پس هر کس از شما کافر گردد به زیان خود کافر می گردد و کفر کافران در پیشگاه خدا جز برخشم نمی افزاید و جز زیان چیزی نصیب کافران نمی نماید .

درین آیه مبارکه عتاب شدید آمده بر کسانی که وجبیه و مسئولیت خویش را نادیده می گیرند و در سهل انگاری و غفلت بسر می برند و خاتمه شان بهمین حالت صورت می گیرد و مورد قهر و خشم الهی قرار می گیرند و واصل جهنم می شوند .<sup>5</sup>

<sup>1</sup> - الاعراف : 37 .

<sup>2</sup> - النحل : 83 .

<sup>3</sup> - العنكبوت : 52 .

<sup>4</sup> - فاطر : 39 .

<sup>5</sup> - شوکانی ، فتح القدير ، ( 4 / 406 ) .

**مطلب چهارم - محبت دنیا و سبب ترجیح دادن آن:** قرآن کریم تمام حقائق و اسباب را که انسان را از عمل کردن برای آخرت منع می کند یا ضعیف و غافل می سازد با تفصیل بیان نموده و قرار ذیل است :

**الف - طلب دنیا :** یک انسان کافر به آخرت که محل ثواب و عقاب است ایمان ندارد ، بلکه انتهای علمش و بزرگترین مقصدش دنیا است چنانچه الله متعال فرموده است { فَأَعْرِضْ عَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* دَالِكَ مَبْلُغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّٰ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَن اهْتَدَىٰ }<sup>1</sup> ترجمه : پس روی بگردان از کسی که به قرآن ما پشت می کند و جز زندگی دنیوی نمی خواهد \* منتهای دانش ایشان همین است پروردگار تو کسی را که از راه خدا منحرف شده باشد و همچنین کسی را که راهیاب بوده باشد به خوبی می شناسد . و کافران زندگی خویش را خلاصه کردن بر دنیا و هلاکت و مرگ شان را به گردش زمانه نسبت دادند ، چنانچه الله متعال فرموده است { وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِدَالِكِ مِنْ عِلْمٍ إِنَّ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ }<sup>2</sup> ترجمه : منکران رستاخیز می گویند حیاتی جز همین زندگی دنیایی که در آن بسر می بریم درکار نیست گروهی از ما می میرند و گروهی جان ایشان را می گیرند و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی سازد آنان چنین سخنی را از روی یقین و آگاهی نمی گویند بلکه تنها گمان می برند و تخمین می زنند .

**ب - طلب غنیمت :** در حقیقت غنیمت حق مسلم مؤمنان و مسلمانان مجاهدی است که بخاطر اعلاى کلمة الله می رزمند ، اما غنیمتی که سبب ضعف ایمان و طلب دنیا شود قابل قبول نیست چنانچه مسلمانان در غزوه احد بهمین ماجرا مواجه شدند و الله ذوالجلال ایشان را مورد ابتلا و آزمایش قرار داد .

چنانچه الله متعال فرموده است { وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِأِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّن بَعْدَ مَا آرَأَكُمْ مَاتِحِبُونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ }<sup>3</sup>

ترجمه : و در آن هنگامیکه آنان را باخواست و فرمان او از پا در می آوردید خداوند به وعده خود با شما وفا کرد تا آنگاه که سستی کردید و در امر به کشمکش پرداختید و اختلاف ورزیدید و پس از آن که آنچه را که دوست میداشتید به شما نشان داد نافرمانی کردید دسته ای از شما خواهان کالای دنیا و دسته ای خواستار آخرت گردید پس شما را از آنان باز داشت و از ایشان منصرف تان گردانید تا شما را بیازماید و شما را بخشید و خداوند دارای لطف و فضل بزرگی بر مؤمنان است .

درین آیه مبارکه بزرگترین احسان الله متعال بر مؤمنان بیان شده که آن عبارت از مورد عفو قرار گرفتن ایشان است ، مؤمنان به طلب دنیا در غزوه احد روی آوردند از خاطر ضعف بشری و فطرت انسانی بوده ، قصد و نیت شان محبت دنیا نبود ، همین جاست که الله ذوالجلال ایشان را شامل فضل و احسان خویش گردانیده معاف می فرماید .<sup>4</sup>

1 - النجم : 29 - 30 .

2 - الجاثية : 24 .

3 - آل عمران : 152 .

4 - سید قطب ، تفسیر فی ظلال القرآن ، ( 1 / 494 ) .

ج : چشم دوختن به ثروت اغنیاء : مثال آنرا قرآن کریم در باره قارون حکایت نموده چنین می فرماید { فُخِّرَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ \* وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ }<sup>1</sup>

ترجمه : پس باتمام زینت خود در برابر قوم خویش نمایان گردید آنان که طالب زندگی دنیا بودند گفتند ای کاش همان چیزهای که به قارون داده شده است ما هم می داشتیم واقعاً او دارای بهره بزرگی و شانس سترگی است \* و کسانی که دانش و آگاهی داشتند گفتند وای بر شما ( چه می گوئید و سعادت را در چه می جوئید ) اجر و پاداش الله منان بسی والاتر و بهتر است برای کسانی که ایمان داشته باشند و کارهای شایسته انجام دهند و این جز به شکیبایان داده نمی شود .

درین آیات مبارکه مردم به دو گروه تقسیم شدند گروه اول : تمنا و آرزوی ثروت و مال و دارائی قارون را کردند آنهم زمانیکه او باتمام مال و دارائی و زیب و زینتش در بین مردم تکبر کنان ظاهر شد .

گروه دوم : اهل علم و فهم و دانش بودند و یقین کامل داشتند که اجر و ثواب شان نزد الله جلت عظمت ازین متاع و سامان زود گذر دنیائی به مراتب بهتر است .

وبهترین درس که ازین آیه مبارکه گرفته می شود اینست که علم و دانش سبب هدایت و وقایه می گردد ، برای انسان مسلمان در مقابل مرض مهلك غفلت که بزرگترین عامل آن دنیا طلبی و غرق شدن به مال و متاع دنیا است .<sup>2</sup>

د - علاقه داشتن به چیزهایی که مذمت کرده شده : در حالیکه علاقه داشتن و مشغول شدن به چیزهای که از طرف شریعت مدح کرده شده و رضا و خوشنودی الله جل مجده و نصرت دین مبین اسلام در آن نهفته باشد نه تنها هیچ ممانعت وجود ندارد ، بلکه به آن تشویق و ترغیب کرده شده است مانند مذاکره و مطالعه علم شرعی ، تشویق به اعمال صالحه و نیک و سبقت جوی در کارهای خیر و مغفرت و بخشش الهی چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است { وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ }<sup>3</sup> ترجمه : مسابقه دهندگان باید برای بدست آوردن این ( چنین شراب و سایر نعمت های دیگر بهشت ) بایک دیگر مسابقه بدهند و بریک دیگر پیشی بگیرند . و همچنان الله متعال فرموده است { سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ }<sup>4</sup>

ترجمه : بر یک دیگر پیشی بگیرید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن همسان پهنای آسمان و زمین است برای کسانی آماده شده است که به خدا و پیغمبرانش ایمان داشته باشند این عطای خداوند است و به هر کس که بخواهد آنرا میدهد و خداوند دارای عطای فراوان و بزرگی است .

اما مشغول شدن و علاقه داشتن به مال و متاع دنیا و یک دیگر را تشویق کردن به آن و بایک دیگر فخر کردن چیزهایی است که مذمت کرده شده چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید { أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ \* حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ }<sup>5</sup> ترجمه : مسابقه افزون طلبی ( به مال و منال و خدم و قدرت ) شما را به خود مشغول و سرگرم میدارد \*

<sup>1</sup> - القصص : 79-80 .

<sup>2</sup> - سید قطب ، تفسیر فی ظلال القرآن ، ( 5 / 2713 ) .

<sup>3</sup> - المطففين : 26 .

<sup>4</sup> - الحديد : 21 .

<sup>5</sup> - التكاثر : 1-2 .

تا به آنجائی که به گورستانها می روید . درین آیات الله ذوالجلال برای انسانها بوضاحت کامل بیان فرموده دنیائی را که به آن دل بسته کرده اید ، بایک دیگر فخر فروشی می کنید و آخرت را فراموش کردید ، بسیار متاع وسامان ناچیز و حقیری است که ارزش آنرا ندارد تو فریفته آن شوی ، و شب و روز دنبال آن بگردی گاهی بدست تو چیزی بیاید و گاهی نییاید، قابل یاد آوری است که با فرا رسیدن مرگ زندگی انسان خاتمه پیدا نمی کند بلکه از یک حالت به حالت دیگر انتقال می یابد ، درحقیقت زندگی دنیا وسیله رسیدن به نعمت های دائمی و همیشه گی آخرت است .<sup>1</sup> و همچنان کسانی که بخاطر اهل و اولاد شان پشت دنیا می گردند و وقت گرانبهایشان را ضایع می کنند و از ذکر الله جلّت عظمته غافل می شوند در حقیقت ایشان زیان کارانند ، چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : ای مؤمنان اموال تان و اولاد تان شما را از یاد الله متعال غافل نکند کسانی که چنین کنند ایشان زیان کاراند . درین آیه مبارکه برای مؤمنان هشدار داده شده است که متحمل چیزهایی نشوند که سبب زیان و خسران ایشان گردد مانند دنیا و نعمت های زود گذر آن در مقابل آخرت و نعمت های آن که قائم و ثابت و پایدار است .<sup>3</sup>

**مطلب پنجم – کبر و غرور:** کبر در لغت بمعانی متعدد آمده : خود را بر دیگران برتر نشان دادن ، غرور و خود بینی کردن ، گردن کشی و گستاخی کردن ، مردم را در مقابل خود ناچیز و بیمقدار پنداشتن.<sup>4</sup> تکبر و بزرگی کردن .<sup>5</sup> تکبر در اصطلاح : پامال کردن حق و مردم را حقیر شمردن ، تکبر و خود نمائی و خود پسندی از امراض قلب است ، و شرعاً قبیح و مذموم شمرده شده است ، و انسان غافل و متکبر مورد قهر و خشم الهی قرار می گیرد ،<sup>6</sup> و اولین کسی که به مرض تکبر گرفتار شد ابلیس بود و بطور همیشه از رحمت رحمت الهی رانده شد چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ }<sup>7</sup>

ترجمه : و هنگامی را یاد آوری کن که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده ببرید همگی سجده بردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و به خاطر نافرمانی و تکبر از زمره کافران شد . درین آیه مبارکه کرامت و شرافت و عظمت و بزرگی آدم علیه الصلاة والسلام و ذریه ایشان بیان می شود که الله سبحانه و تعالی بدست بلاکیف خود او را آفرید و از روحش در او دمید و ملائک را به سجده نمودن به وی امر نمود ، همان بود که ملائک امر پروردگارش را بجا آوردند ، اما ابلیس تکبر کرد و ابا و ورزید و بطور همیشه از رحمت الهی رانده شد و مورد قهر و خشم و غضب الهی قرار گرفت ، ابن عباس ( رضی الله عنهما ) می فرماید : او درحالی که

<sup>1</sup> - ابن عاشور ، محمد بن طاهر ، التحرير و التتویر ، ( 30 / 522 ) ، ط ، 5 ، دار سنحون للنشر و التوزیع ، تونس ،

1417 هـ - 1997 م .

<sup>2</sup> - المنافقون : 9 .

<sup>3</sup> - سعدی ، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان ، ( ص ، 864 ) .

<sup>4</sup> - ذهبی ، امام شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد ، ( ت ، 748 هـ ) ، الکبائر ، ( ص ، 78 ) ، دار الندوة الجديدة ، بیروت . علی اکبر ، فرهنگ دهخدا ، ناشر ، مؤسسه انتشارات ، تهران .

<sup>5</sup> - معلوف ، لويس ، المنجد ، ( 2 / 1314 ) ، مترجم : مصطفی رحیمی نیا .

<sup>6</sup> - صنعانی ، محمد بن اسماعیل بن صلاح بن محمد حسنی ، ( ت ، 1182 هـ ) ( سبل السلام ، ( 4 / 200 - 201 ) ، ط ، 1 ، دار الحدیث ، مصر ،

1416 هـ - 1996 م .

<sup>7</sup> - البقره : 34 .

نزد پروردگار عالم از جایگاه و منزلت خاص برخوردار بود ، چرا که او بسیار عبادت گزار و عالم برجسته بود ، والله ذوالجلال او را بخاطر مقاتله باجنها به زمین فرستاد، و او جنها را به جزیرها و اطراف کوه ها فرار داد ، و بانفوسش غرور کرده گفت کار را که من انجام داده ام هیچ کسی انجام نداده است ، بخاطر همین صفات و ویژگی هایش به تکبر روی آورد و پیش خود فکر نمود ، من از آتش آفریده شدم و دارای این صفات می باشم ، چطور به آدم که از گل بدبودار آفریده شده سجده کنم، این قیاس و استدلال بی موردش بود که او را بطور همیشه از درگاه الهی محروم ساخت ، <sup>1</sup> بناءً برای هرانسان ضروری است که ازین قسم خود کامگی خود را نجات داده و از عواقب بدی آن ترس و حذر داشته باشد ، از همین خاطر بوده که الله جلّت عظمته انسانها را از مرض مهلک تکبر منع فرمود، چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید { وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا } <sup>2</sup> ترجمه : و در زمین به خرامان و تکبر راه مرو یقیناً هرگز تونه زمین را پاره و شکاف کرده می توانی و نه هم به بلندی کوه ها رسیده می توانی .

ابن کثیر ( رحمه الله ) : در تفسیر این آیه مبارکه می فرماید الله جلّت عظمته بنده گانش را از تکبر و خود نمای منع فرموده و راه رفتن به قسم طاغیان و سرکشان ، و خود را بطرف راست و چپ میل کردن و دور دادن به قصد خود پسندی ، این قسم مردم به عذاب سخت الهی گرفتار خواهند شد قسمیکه در حدیث صحیح آمده است عن ابی هریره ( رضی الله عنه ) قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ) « بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي فِي حُلَّةٍ تُعَجِبُهُ نَفْسُهُ مُرَجَّلٌ جُمَّتَهُ إِذْ حَسَفَ اللَّهُ بِهِ فَهُوَ يَتَجَلَّجَلُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ » ترجمه : در زمان قبل از شما مردی بود که جامه ای مجلل و زیبایی خود را به تن کرده بود و موهایش را بقسم جمه (موهای دراز که تا برابر تکه گوش باشد ) افشان کرده و با تکبر و خرامان راه می رفت که ناگهان در زمین فرو رفت پس او شخص تا روز قیامت در زمین فروبرده می شود . « حلة » بمعنای جامه ای نو یا جامه ای که همه بدن را بپوشاند . « جمه » بمعنای بیشترین هر چیز ، مجتمع موی سر . اینست جزای متکبران و فخر فروشان که در روی زمین به قصد فساد و تکبر راه می روند . <sup>3</sup> و همچنان در حدیث آمده است عن عبد الله بن مسعود (رضی الله عنه ) عن النبي ( صلى الله عليه وسلم ) قال « لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ قَالَ رَجُلٌ إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا وَنَعْلُهُ حَسَنَةً قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبَرُ بَطْرٌ الْحَقُّ وَغَمَطُ النَّاسِ » <sup>4</sup> ترجمه : از عبد الله بن مسعود (رضی الله عنه) روایت است نبی کریم ( صلى الله عليه وسلم ) فرمود هر کسی که در قلبش به مانند ذره کبر داشته باشد داخل جنت نمی شود ، مردی از رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم ) سوال نمود یک کسی هست که لباس خوب و پاپوش زیبا را دوست دارد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود یقیناً الله متعال ذات حسین و جمیل و زیبا ست حسن زیبائی را در همه امور خیردوست میدارد، کبر بمعنای نپذیرفتن حق و حقیر شمردن مردم است . در شریعت اسلامی نظیف بودن و نظافت را در محیط و منطقه خود مراعات کردن و زیبا پوشیدن که عاری از تکبر باشد نه تنها اشکال ندارد ، بلکه موجب رضا و خوشنودی پروردگار عالم می گردد .

امام شوکانی (رحمه الله ) در شرح این حدیث می فرماید : کبر مانع رفتن به جنت می گردد گرچه انسان متکبر برای رسیدن به هدف خویش به قله ای کوه بالا شده باشد ، باین معنا که یگانه راه رسیدن به جنت پاک

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 1 / 82 - 83 ) .

<sup>2</sup> - اسراء : 37 .

<sup>3</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الباس ، باب من جر ثوبه خیلاء ، ( ح ، 5789 ) ، ( ص ، 1075 ) .

<sup>4</sup> - نیسابوری ، امام ابوالحسین مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری ، صحیح مسلم ، کتاب الایمان ، باب تحریم الکبر و بیانه ، ( ح ، 147 ) ، ( 1 / 93 ) ط ( 3 ، 1421 هـ ق - 2000 م ، دارالسلام للنشر والتوزیع .



بودن قلب از کبر است .<sup>1</sup> از همین خاطر تهدید و توبیخ شدید در قرآن کریم درباره متکبرین در آیات متعدد بیان شده چنانچه الله ذوالجلال می فرماید { وَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ }<sup>2</sup> ترجمه : و کسانی که آیات مرا تکذیب کنند و از ( پیروی آیات و دریافت رهنمود از ) آنها خویشتن را فراتر گیرند و سرپیچی کنند آنان دوزخیانند و جاویدانه و همیشه در آن می مانند .

و هم چنان الله سبحانه و تعالی می فرماید { الَّذِيْنَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَالِكَ يُطَبِّعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَارًا }<sup>3</sup>

ترجمه : آنان کسانی اند که بدون هیچ دلیلی که (از عقل یا نقل) داشته باشند در برابر آیات الهی ( موضوعگیری می کنند و ) به ستیز و کشمکش می پردازند ( چنین جدال بی اساس و نادرستی با آیات الهی ) موجب خشم عظیم خدا و کسانی خواهد شد که ایمان آورده باشند این گونه خداوند بر هر دلی که خود بزرگ بین و زورگو باشد مهر می نهد ( وحس تشخیص را از آن می گیرد ) .

درین آیات و عید سخت و زجر و توبیخ شدید است بر کسانی که تکبر می کنند ، و تکبر باعث می شود انسان بر کفر اصرار ورزد و احکام شریعت را خفیف و سبک شمرده مطابق آن عمل نکند .<sup>4</sup>

و بعضی سلف می گویند ( لاینال العلم حیی و لا مستکبر ) ترجمه : دوقسم شخص علم را آموخته نمی تواند 1 – کسی که شرم و حیای بی جای داشت 2 – شخص متکبر .<sup>5</sup>

و همچنان الله متعال فرموده است { وَ كَآيِنٌ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَ عَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا \* فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا }<sup>6</sup>

ترجمه : چه بسا مردمان شهرها و آبادنی های که از فرمان پروردگار شان و دستور پیغمبران او سرپیچی و سرکشی کرده اند و در نتیجه ما سخت به حساب شان رسیده ایم و به مجازات ناگوار و کيفرناخوشایند شان رسانیده ایم \* و عقوبت اعمال شان را چشیده اند و عاقبت کار و بار شان زیان و خسران بوده است . درین آیه مبارکه الله ذوالجلال از عذاب شدید و سخت که بر مردمان متکبر و طاعی و سرکش امت های گذشته فرود آورد و در آخرت عذاب شدید تر خواهند شد حکایت نموده ، درین آیه صیغه های ماضی به مستقبل تعبیر شده بخاطر تحقق بیشتر آن ،<sup>7</sup> باز الله متعال بیان فرموده جزا می بینند مطابق آنچه که به دست هایشان کمائی کردند ، میوه آنچه را به دست خود غرس کردند جمع می کنند ، اگر شیرین باشد شیرین می چشند و اگر تلخ باشد تلخ می چشند ، قسمی که ضرب المثل است از خار انگور چیده نمی شود بلکه از تاک انگور گرفته می شود ، پس عاقبة انسانهای طاعی و سرکش و غافل خواری و ذلت و رسوائی دارین است .<sup>8</sup>

1 - شوکانی ، نیل الاوطار ، ( 109 / 2 - 110 ) ، ط ، 1 ، دارالحدیث ، مصر ، 1413 هـ - 1993 م .

2 - الاعراف : 36 .

3 - غافر : 35 .

4 - بقاعی ، نظم الدرر فی تناسب آیات السور ، ( 112 / 3 ) .

5 - ابن کثیر ، تفسر القرآن العظیم ، ( 248 / 2 ) .

6 - الطلاق : 8 - 9 .

7 - مراغی ، محمد مصطفی ، ( ت ، 1364 هـ ) ، تفسیر المراغی ، ( 149 / 28 ) ، ط ، 1 ، مطبعة مصطفى حلی ، مصر 1365 هـ - 1946 م .

8 - زمخشری ، المستقصى فی امثال العرب ، ( 416 / 1 ) ، ط ، 2 ، دارالکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان ، 1407 هـ - 1987 م .

امام ابن قیم (رحمه الله) <sup>1</sup> به این آفت اشاره نموده می فرماید: از انسان متکبر در زمین بجز آثار بد و عواقب ناگوار هیچ چیزی باقی نمی ماند، بر قلب انسان متکبر الله ذوالجلال مهر نهاده که او تفکیک بین حق و باطل کرده نمی تواند، و همیشه برترجوی و خود خواهی کرده خود را به پرتگاه هلاکت می رساند. و اهل غفلت آنقدر احسان فراموش هستند که بمجرد یک لغزش همه نیکی ها از یاد شان می رود، و دنبال نقص و عیب می گردند. تأثیر این همه بدبختی در این نهفته است که پروردگارش را به حق معرفتش نشناخته، اگر او می خواهد پروردگارش را به حقانیت بشناسد، برای او نگرستن به آثار قدرت و عجائب صنعت او تعالی بسنده است، برای او عظمت و بزرگی ذات کبریائی هویدا می گردد، و او درک می کند که براه ناپسند روان بوده، همین جاست که بسوی مولای حقیقی اش رجوع کرده توبه می نماید بجای تکبر و بلند نمائی عاجزی و انکساری را به خود عادت می دهد و ان شاء الله مورد عفو و بخشش پروردگار لایزال قرار می گیرد. <sup>2</sup> رابطه و علاقه تکبر با غفلت در این هست که قسمیکه متکبرین در باره حق تدبیر و تأمل ندارند، همین قسم غافلین هم تدبیر و تأمل نمی کنند، و عین جزائی که برای متکبرین است عین جزا برای غافلین می باشد. <sup>3</sup>

**مطلب ششم - جهل و نادانی: جهل - جهلاً و جهالة: احمق و بدخوی شد، خود را نادان نشان داد، تظاهر به نادانی کرد.** <sup>4</sup> بزرگترین سبب غفلت جهالت و نادانی و فرو رفتن در معیشت زنده گی دنیا است، تا اندازه که انسانهای غافل به احکام ابتدای و ضروری دینی علم ندارند، چنانچه الله جلالت عظمت می فرماید { **يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ - أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ** } <sup>5</sup>

ترجمه: وسائل و اسباب زنده گی دنیا را خوب میدانند اما از آخرت شان آنها غافل هستند - آیا با خود نمی اندیشند که خداوند آسمانها و زمین و چیزهای که در میان آن دو است، جز به حق و برای مدت زمان معینی نیافریده است؟ (بلی! آفرینش کائنات برای حکمت عالیه است و پایان مشخصی دارد، و هر کس آن درود عاقبت کار که کشت) بسیاری از مردم به ملاقات با خدا (در روز قیامت، برای حساب و کتاب و سزا و جزا) باور ندارند. در تفسیر این آیه مبارکه ابن کثیر می گوید: انسانها در کار و بار دنیا، از تمامی حالات و کوائف آن معلومات کافی دارند، اما از آخرت و حساب و کتاب خبری ندارند و گاهی اوقات نماز می خوانند روزه می گیرند تزکیه نفس می کنند، و ادعای انجام بسیار کارهای نیک دیگر را دارند، اما در واقعیت امر ایشان غافل و بی پروا هستند، هیچ توجه و باورمندی و اخلاص در اعمال شان وجود ندارد. بلکه همیشه در فکر و غم دنیا هستند که چگونه از کدام طریق کمائی کنند، و در دنیا طور مشغول هستند، که گویا که به آخرت مشغول باشند، و این کار شان کفرآمیز است، چرا که مطلوب و مقصد یک مسلمان آخرت است نه

<sup>1</sup> - ابو عبد الله شمس الدین محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد الزرعی، (سنه تولد 691 هـ ق - وفات 751 هـ ق)، معروف به ابن قیم جوزیه یا ابن قیم جوزی، ایشان فقیه، محدث، مفسر، مجتهد بود، در نصف قرن 8 هجری، و یکی از شاگردان خاص امام ابن تیمیه بود که تقریباً 17 سال در ملازمت ایشان قرار داشت، طبقات الحنابلة، ابن رجب (2/447).

<sup>2</sup> - ابن قیم جوزی، مدارج السالکین، (1/360)، ط 1، مکتبه الایمان، منصوره، 1419 هـ - 1999 م.

<sup>3</sup> - قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، (7/342).

<sup>4</sup> - لویس، معلوف، المنجد، (205/1)، مترجم: مصطفی رحیمی نیا.

<sup>5</sup> - الروم: 6-7.

دنیا ، بلکه زنده گی دنیا وسیله و سبب است به هدف آخرت .<sup>1</sup> و همچنان در تفسیر این آیه مبارکه حضرت ابن عباس (رضی الله عنه ) عکرمه و قتاده ( رحمهما الله ) می فرمایند : اکثر مردم در باره امور دینی و آخروی شان نه تنها اندک ترین معلومات ندارند ، بلکه در غفلت همه جا نبه بسر می برند ، اما در باره دنیا و کسب و کمائی آن بسیار مهارت دارند . وحسن بصری ( رحمه الله ) می فرماید : قسم به الله هر یکی آنها در باره دنیائی شان آنقدر مهارت دارند ، که به ناخن شان درهم را پست و بالا کرده برایت خبر می دهند ، اصل است یا بدل چقدر وزن دارد ، اما طریقه نماز خواندش را صحیح یاد ندارد ،<sup>2</sup> قسمیکه درین عصر و زمان از این قسم مردم زیاد حکایت می شود ، خصوصاً اکثر کسانیکه در رأس دولتهای اسلامی قرار دارند .

**مطلب هفتم – مشغول شدن به لهو و لعب :** در زندگی امروز معاصر ما اکثر مردم از طریق لهو و لعب در غفلت و بی پروائی بسر می برند ، چنانچه الله متعال فرموده است { وَدَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا }<sup>3</sup>

ترجمه : کسانی را ترک کن که دین خود را به بازی و شوخی گرفته اند و زندگی دنیا آنان را فریب داده است . چنانچه رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) از بعضی مشغولیت هائی که سبب غفلت انسان مسلمان می گردد بر حذر داشته منع فرموده است **عن ابن عباس (رضی الله عنهما) عن النبی (صلی الله علیه وسلم) قال « من سكن البادية جفاً ومن اتبع الصيد غفلٌ ومن آتى أبواب السلطان أفتتن »**<sup>4</sup> ترجمه : از ابن عباس روایت است از نبی کریم (صلی الله علیه وسلم ) روایت نموده فرمود کسی که در کوه و دهات زندگی می کند قلب سخت و درشت میداشته باشد و کسی که دنبال شکار میرود در غفلت است و کسی که به دروازه های بادشاهان میرود گرفتار فتنه می شود .

حافظ ابن حجر ( رحمه الله ) می فرماید: در صورتی که به این عملها مواظبت شود انسان را از تمام مصالح دینی اش خارج می کند ، و کسی که همیشه در فکر و هوش آن لهو و لعب از جمله ورزش باشد زود است که قلب آن غلاف و پرده می گیرد از نماز ، روزه ، ذکر الله جل مجده ، اطاعت و فرمان برداری و لزوم جماعت و غیره کارهای نیک غافل می شود ، و قتیکه شکار کردن با وجود فوائد زیاد که دارد از جمله جسم و بدن انسان را چست و قوی می سازد ، انسان را هوشیار و بیدار می سازد و بر جهاد علیه کفر او را کمک می کند به غفلت می کشاند ، پس درباره مشغولیت های مانند قمار و شطرنج که آنها را الله متعال حرام گردانیده ، بطریق اولی انسان را از ذکر الله جل مجده محروم می سازد و بغض و عداوت و دشمنی را در بین مردم عام می کند ،<sup>5</sup> و همچنان بازی های الکترونیک مانند انترنت و امثال آن که اکثر مردم در عصر ما ازین طریق در غفلت بسر می برند ، چرا که کلان ترین مصروفیت اکثر مردم در انترنت است و قلب ایشان را بطور همیشه در گرو خود قرار داده و شب و روزش تیر است اصلاً هیچ خسته و مانده نمی شود ، در حالیکه عمر

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 3 / 375 ) .

<sup>2</sup> - قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ( 14 / 9 ) .

<sup>3</sup> - الانعام : 70 .

<sup>4</sup> - سنن ابی داود ، کتاب الصيد ، باب فی اتباع الصيد ، ( ح ، 2859 ) ، ( ص ، 507 ) ، این حدیث را امام البانی صحیح گفته .

<sup>5</sup> - عسقلانی ، امام حافظ ابو الفضل احمد بن علی ابن حجر ، ( ت ، 852 ) ، فتح الباری ، ( 662 / 9 ) ، ط ، 3 ، دار المنار ، قاهره ، مصر ، 1419 هـ - 1999 م .

عزیزش و وقت گرانبهایه اش به هدر می رود اما خبر ندارد درک نمی کند ، و همچنان سریال های خان مان سوز درهرخانه مسلمان توسط چینل های مختلف به اذهان عامه رسانیده می شود ، قسمی بالای مردم تأثیر نموده که هرفرد از خانواده سریال علاحده میداشته باشند تا ناوقت های شب به این قسم مبتذلیات ساعات خود را تیر می کنند ، همین جاست که از نماز جماعت محروم می شوند ، خیر وبرکت خانه شان از بین میرود .

**مطلب هشتم - ظلم و ستم :** ظلم در لغت وضع شیئی در غیر جای آن وقراردادن چیزی در غیر جای خودش را گویند<sup>1</sup> ودر اصطلاح تعدی وتجاوز کردن از حق بسوی باطل می باشد .<sup>2</sup> ظلم مرض بد وعاقبت دشواری دارد وآن منبع همه بد بختها وشرارتهای است ، چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { ذَالِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقَرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ \* وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : این ( ارسال رسل ) به خاطر آنست که پروردگارت هیچ گاه مردمان شهرها وآبادیها را بسبب ستم هایشان هلاک نمی کند درحالیکه اهل آنجا غافل وبی خبر باشند \* وهریک از نیکوکاران وبدکاران دارای درجاتی ( ودرکاتی ازپاداش وعزت وذلت درجهان دیگر ) برطبق اعمال خود هستند وپروردگارت هیچ گاه از کارهای که مردمان می کنند غافل وبی خبر نیست . وسبب هلاکت وتباهی ایشان غفلت وبی تفاوتی دربرابر فرامین الهی بوده است . هر گاه ظلم درامت عام شود ، و دامن گیر قریه ها وشهرها شود آنها را هلاک ونیست ونابود می گر داند ، چنانچه الله سبحانه وتعالی می فرماید{ وَكَذَٰلِكَ أَخَذْنَا مِنَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ }<sup>4</sup> ترجمه : عقاب پروردگار تو این چنین است ( که درباره قوم نوح وعاد وثمود ومدین وغیره گذشت ) هرگاه که ( بر اثر کفر وفساد اهالی ) شهرها وآبادیهای را عقاب کند که ستمکار باشند به راستی عقاب خدا دردناک وسخت است . ظلم وفساد هر دو مستلزم یک دیگر است ، هر دو عامل تباهی وبربادی خانه ها وکاشانه ها می شود ، ظلم مرض خطر ناک هست که با بسیاری از خصلت های ناپسند وکارهای نامشروع همخوانی وسازگاری دارد ، وهمه کارهای ممنوعه وقبیح وبد از ظلم سرچشمه می گیرد ، وبزرگترین سبب آن غفلت است .<sup>5</sup> وظلم به طرق مختلف صورت می گیرد:

1- خوردن مال مردم بطریقه باطل .

2- ضرب وشتم مردم بدون موجب .

3 - ظلم تجاوز برضعیفان .<sup>6</sup>

چنانچه در بسیار آیات قرآن عظیم الشأن الله جلت عظمته ظالمان را نکوهش نموده می فرماید{ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ }<sup>7</sup>

1 - معلوف ، لويس ، المنجد ، ( 1 / 938 ) مترجم : مصطفى رحيمي نيا.

2 - جرجانی ، التعريفات ، ( ص ، 148 )

3 - الانعام : 131-132 .

4 - هود : 102 .

5 - طبری ، جامع البيان ، ( 8 / 37 )

6 - ابن الجوزی ، زاد المسیر ، ( 3 / 126 )

7 - ابراهيم : 42 .

ترجمه : مپندار الله ذوالجلال را از آنچه که ظالمان انجام میدهند غافل بی خبر جز اینست که آنها را مهلت میدهد بروزی که در آن نمایان می شود چشم ها .

و همچنان الله متعال فرموده است { **وَاقْتَرَبِ الْوَعْدَ الْحَقِّ فَادَاهِي شَاخِصَةً أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ** }<sup>1</sup>

ترجمه : قریب و نزدیک است وعده ذات حق پس ناگهان چشم های آنانیکه کافر شدند از حیرانی باز می ماند بر حال خود افسوس می کنند که ازین وعده حق غافل بودیم . بلکه در ظلم وستم بسر می بردیم ، باین معنی که ظالمان به مشاهده کردن میدان محشر، و هولناکی ها و سختی ها و زلزله های آن افسوس و حسرت می کشند ، که ما در دنیا در غفلت و بی پروائی بسر می بردیم ، اما هیچ سود برای شان نمی دهد .<sup>2</sup>

و همچنان الله متعال می فرماید { **قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْتُمُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ** }<sup>3</sup> ترجمه : ( ای پیغمبر ) ما می دانیم که آنچه ( کفار مکه ) می گویند تو را غمگین می سازد سازد ( ناراحت مباش ) چرا که آنان ( از ته دل به صدق تو ایمان دارند و درحقیقت ) تو را تکذیب نمی کنند بلکه ستمکاران ( چون ایشان از روی عناد ) آیات خدا را انکار می نمایند .

در حدیث پیامبر گرامی ( صل الله علیه وسلم ) امت را از ظلم کردن منع فرموده است ، **عن جابر بن عبد الله (رضی الله عنه ) قال قال رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) « اتقوا الظلم فإن الظلم ظلومات یوم القیامة واتقوا الشح فإن الشح اهلك من كان قبلكم حملهم على ان سفكوا دمائهم واستحلوا محارمهم »**<sup>4</sup>

ترجمه : از حضرت جابر بن عبد الله روایت است نبی کریم ( صلی الله علیه وسلم ) فرمود از ظلم کردن بترسید ، یقیناً ظلم تاریکها در روز قیامت است ، و از بخل بپرهیزید یقیناً بخل ، مردمان قبل از شما را هلاک نمود ، و واداشت آنها را به ریزاندن خون های شان ، و حلال شمردن محارم شان .

**مطلب نهم : هوا پرستی : هوی ، ( ج ، اهوء ) در لغت بمعنای ( میل النفس الی ماتشتیهه )** گرایش نفس بسوی چیزی که لذت بخش باشد ، مراد و خواهش خواه پسندیده یا ناپسند باشد و بیشتر در مورد خواسته ناپسند بکار می رود و می گویند ( فلان اتبع هواه ) فلانی متابعت خواهش نفسش را کرد.<sup>5</sup> و در اصطلاح ( میلان النفس الی ما تستلذذ من الشهوات من غیر داعیه الشرع )<sup>6</sup> میل کردن و پیروی نمودن نفس بانچه که خواهشات نفسانی لذت میبرد بدون آنکه مورد قبول و پذیرش شریعت بوده باشد . و یکی از اسباب غفلت همین خواهشات نفسانی و شهوانی است که شامل لهو و لعب ، و هر آنچه که نفس به آن میل می کند و خوشش می آید و لذت می برد میباشد ، تأثیر این همه غفلت و بی پروائی و فراموشی از ذکر الله جل شأنه و حساب و کتاب است . چنانچه الله جلت عظمته می فرماید { **اقْتَرَبَ لِنَاسٍ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ \* مَا يَأْتِي**

1 - الانبیاء : 97 .

2 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 3 / 176 ) .

3 - الانعام : 33 .

4 - نیسابوری ، امام ابوالحسین مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری ، صحیح مسلم ، کتاب البر والصلة والادب ، باب تحریم الظلم ، ( ص ، 1129 ) ، ( ج ، 6576 ) .

5 - معلوف ، لویس ، المنجد ، ( 2 / 1738 ) ، مترجم : مصطفی رحیمی نیا .

6 - قلجی ، محمد رواسی ، معجم لغة الفقهاء ، ( ص ، 467 ) ، ط ، 2 ، دار النفائس ، عمان ، 1416 هـ - 1996 م .

تِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ \* لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ <sup>1</sup>

ترجمه : زمان محاسبه مردمان نزدیک است درحالیکه آنان غافل و روی گردان میباشند \* هیچ بخش تازه از قرآن و اندرز جدیدی از سوی پروردگارشان به ایشان نمی رسد مگر اینکه آن را به شوخی می شنوند و به بازی می گیرند \* آنان در حالیکه دلهای شان غافل است از اندیشیدن درباره آن چنین ستم پیشگانی گفتگوهای در گوشی خود را که برای توطئه علیه پیغمبر و قرآن انجام می دادند پنهان می داشتند و به همدیگر می گفتند مگر این شخص که ادعای پیغمبری می کند انسانی همچون شما نیست ؟ آیا به سراغ جادو می روید و آن را می پذیرید گرچه می بینید که جادو است .

ابن کثیر ( رحمه الله ) : در تفسیر این آیات مبارکه می فرماید که الله عز وجل تنبیه شدید فرموده از قریب بودن قیامت که بسیار نزدیک است ، اما مردم از آن آنقدر غافل هستند که هیچ نوع آماده گی ندارند ، بلکه در دنیا مشغول هستند از آخرت کاملاً فراموش کردند ، در حالیکه الله متعال در آیات متعدد درباره قریب بودن قیامت ارشادات فرموده چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است { آتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ } <sup>2</sup>

ترجمه : آنچه خدا به شما در روز قیامت وعده داده است چون حتمی و قریب الوقوع است هم اینک برای وقوع آن فرمان خدا رسیده است پس مسخره کنان آنرا به شتاب مخواهید .

و همچنان الله متعال فرموده است { أَفْتَرَبْتِ السَّاعَةَ وَالنَّشْقَ الْقَمَرَ \* وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا ... } <sup>3</sup>

ترجمه : قیامت هرچه زودتر فرامی رسد و در آن مهتاب به دو نیم گردید \* و اگر مشرکان معجزه بزرگی را ببینند از آن روی گردان می گردند و به آن ایمان نمی آورند . با آنها اکثر مردمان در غفلت و تنبلی و کاهلی بسر می برند ، هیچ اعتنای به آخرت ندارند . <sup>4</sup>

و همچنان الله متعال پیامبرش را مخاطب قرار داده از اتباع و پیروی غافلان منع کرده فرموده است { وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ دِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا } <sup>5</sup> ترجمه : پیروی نه کن از کسیکه قلب او از ذکر ما غافل است و دنباله روی خواهشاتش است و در تمام کارهایش کوتاهی کرده است . درین آیه مبارکه بیم و حذر داده شده که به هیچ وجه انسان دنبال خواهشات نفسانی اش نرود ، بخاطریکه هوا و هوس تأثیری بسزائی دارد بالای نفس ، همینجاست که باطل را بر حق و شرک را بر توحید ترجیح میدهد و از آن پیروی می نماید ، و خوار و ذلیل دنیا و آخرت می گردد ، چرا که الله ذوالجلال در قلب هایشان مهر نهاده و آن قلب ها در غلاف و پرده است هیچ حرکت ندارد و حیران و پریشان است ، و کسی که دنبال خواهشاتش می رود در حقیقت اوتابع و غلام خواهشات نفسانی اش گردیده است . <sup>6</sup> چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید { فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ } <sup>7</sup>

1 - الانبياء : 1-3 .

2 - النحل : 1 .

3 - القمر : 1-2 .

4 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظيم ، ( 3 / 154 ) .

5 - الكهف : 28 .

6 - قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ( 10 / 392 ) . شوکانی ، فتح القدیر ، ( 2 / 282 ) .

7 - القصص : 50 .

ترجمه : پس اگر پاسخت نگفتند بدان که ایشان فقط از هواها و هوسهای خود پیروی میکنند آخر چه کسی گمراه تر و سرگشته تر از آن کسی است که در دین از هوی و هوس خود پیروی کند بدون اینکه رهنمودی از جانب خدا به آن شده باشد مسلماً خداوند مردمان ستم پیشه را هدایت نمی نماید ( چرا کسی که به دنبال باطل رود به حق راهیاب نمی شود ) .

در تفسیر این آیه مبارکه ابن عاشور (رحمه الله) می فرماید: اتباع و پیروی از خواهشات نه تنها تمام راه های خیر و فلاح و رستگاری را بر روی انسان می بندد ، بلکه در پرتگاه ضلالت و گمراهی عمیق می افکند .<sup>1</sup> هوی و هوس آن قدر خطرناک است که انسان را به شیوه های مختلف به بیراهه می کشاند او را تباه و برباد می سازد ، چنانچه حضرت ابودرداء ( رضی الله عنه )<sup>2</sup> می فرماید : وقتیکه انسان صبح می کند خواهشات و عملش نزد او جمع می شود پس اگر عملش تابع خواهشانش باشد پس آنروز چه روز بدی بر وی خواهد بود و اگر خواهشانش تابع عملش باشد پس آنروز چه روز نیکی بر وی خواهد بود .  
ابن عطا می گوید : هر انسان که خواهشات وی بر عقلش و بی صبری آن بر صبر و شکیبائی وی غالب شد آن انسان رسوای دنیا و آخرت می گردد .<sup>3</sup>

انسان هواپرست همیشه در فکر منافع شخصی اش می باشد ، و به خاطر رسیدن به آن هدف هر نوع بدعت را که خواسته باشد انجام میدهد ، چنانچه رسول گرامی ( صلی الله علیه و سلم ) در تمام خطبه های جمعه مردم را از این مرض خطرناک بر حذر داشته می فرمود امام بعد : **عَنْ جَابِرِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ... « فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَخَيْرُ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ »**<sup>4</sup> : یقیناً بهترین سخن کتاب الله ( قرآن عظیم الشان ) است و بهترین هدیه و تحفه هدیه و تحفه حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و سلم) حدیث نبوی است ، و بدترین امور نوپیدا و جدید است و هر چیز نوپیدا سبب ضلالت و گمراهی است و ضلالت و گمراهی سبب دخول در جهنم است . زمانیکه یک شخص دنبال خواهشات نفسانی اش می رود هر آنچه که از دستش بیاید انجام میدهد تا آنجای که هوی و هوس خود را معبودش قرار میدهد چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید { **أَفْرَعَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ** }<sup>5</sup> ترجمه : هیچ دیده ای کسی را که هوی و هوس خود را به خدای خود گرفته است ، و با وجود آگاهی ( از حق و باطل ، آرزو پرستی کرده است و ) خدا او را گمراه ساخته است ، و برگوش و دل او مهر گذاشته است و بر چشمش پرده ای انداخته است ؟ پس چه کسی جز خدا ( و خدا هم از وی رویگردان است ) می تواند او را رهنمای کند ؟ آیا پند نمی گیرید و بیدار نمی شوید ؟ .

<sup>1</sup> - ابن عاشور ، محمد بن طاهر ، التحرير والتنوير ، ( ت ، 1284 هـ ) ، ( 20 / 141 ) ، ط ، 5 ، دار سحنون للنشر والتوزيع ، تونس ، 1417 هـ - 1997 م .

<sup>2</sup> - ابودرداء عويمر بن زيد بن قيس ، صحابي رسول ، امام پیشوا ، حکيم امت وقاضی دمشق ، از رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم) چند احادیث روایت نموده ، در غزوة بدر به اسلام مشرف شد و در غزوة احد از خود قهرمانی بی نظیر نشان داد ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) او را امر نمود مشرکین را که در سر کوه قرار دارند عقب زده شوند ایشان به تنهای عقب شان زد ، در سنه ( 31 هـ ق وفات نمود . سير الاعلام النبلاء ، ذهبي ، ( 2 / 338 ) .

<sup>3</sup> - ابن الجوزی ، ذم الهوى ، ( ص ، 25 ) ، ط ، دارالكتاب العربي ، بيروت ، 1424 هـ - 2004 م .

<sup>4</sup> - صحيح مسلم ، كتاب الجمعة ، باب تخفيف الصلاة والخطبة ، ( ح ، 867 ) ، ( 3 / 593 ) .

<sup>5</sup> - الجاثية : 23 .

**مطلب دهم - تقلید کور کورانه از کفار:** یکی از عوامل درد آور و خطرناک غفلت تقلید کور کورانه از کفار و مشرکین است قسمیکه اکثر دیده می شود مسلمانان در قضاوتها ، فیصله ها ، سیاستها و معاملات شان پیروی از دولت های کفری و الحادی می کنند ، و همچنان در لباسها و قیافه و رنگ و صورت شان ، یک کسی خود را به قسم مخنت جور می کند ، دیگری ریش خود را به قسم فرانسوی و استایل های رنگارنگ دیگر می سازد ، یک مرد هست که شباهت به زن می کند وزن هست که شباهت به مرد می کند ، حتا در فکر و اندیشه و اخلاق شان کوشش می کنند از آنها پیروی کنند ، و همیشه تلاش دارند به یک طریق از یک انسان بی دین و ملحد شرقی و یا هم از یک انسان مکار فریب باز غربی تقلید نمایند ، همین جاست که ذلت و خواری دامن گیرشان می شود و رسوای دنیا و آخرت می شوند ، این درحالیست که الله ذوالجلال به صراحت از دوستی و رفاقت با آنها بر حذر داشته منع فرموده است ، چنانچه الله متعال فرموده است { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ }<sup>1</sup> ترجمه : ای مؤمنان یهود یان و مسیحیان را به دوستی نگیرید ایشان برخی دوست برخی دیگرند هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد بی گمان او از زمره ایشان است و شک نیست که خداوند افراد ستمگر را هدایت نمی کند . و چنانچه در حدیث آمده است **عن ابی سعید الخدری (رضی الله عنه) ان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قال « لَتَتَّبِعَنَّ سُنَنَ مِنْ قَبْلِكُمْ شَبْرًا بِشَبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ حَتَّىٰ لَوْ دَخَلُوا جُحْرَضَبًا لَتَبَعْتُمُوهُمْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ قَالَ فَمَنْ ؟ »**<sup>2</sup> ترجمه : از حضرت ابوسعید خدری (رضی الله عنه) روایت است که رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) می فرماید البته شما پیروی می کنید طرق و روش های مردمان قبل از خود تان را بلست بلست و گز گز حتا اگر آنها داخل سوراخ سوسمار شده باشند شما هم داخل آن می شوید گفته شد ای پیامبر الله هدف تان یهود و نصاری است فرمود دیگر کی بوده می تواند ؟ .

**مطلب یازدهم - ترک نماز جمعه و خفیف شمردن آن :** یکی از عوامل غفلت ترک نمودن نماز جمعه و خفیف شمردن آن است ، چنانچه پیامبر گرامی در حدیث می فرماید **عن عبد الله بن عمر و ابی هریره (رضی الله عنهما) انهما سمعا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) يقول .. « لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ عَنْ وَدَعِهِمُ الْجُمُعَاتِ أَوْ لَيَخْتِمَنَّ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ ثُمَّ لَيَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ »**<sup>3</sup> ترجمه : از حضرت عبد الله بن عمر و حضرت ابوهریره روایت است ، هر دوی آنها شنیدند از رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) فرمودند : البته که مردم از ترک نمودن پیاپی نماز جمعه بپرهیزند ، یا اینکه الله ذوالجلال بر قلبهای شان مهر می نهد ، سپس ایشان از جمله غافلان می شوند . و همچنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در حدیث فرمودند **عن ابی جعد الضمری (رضی الله عنه) ان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قال : « مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ تَهَاوُنًا بِهَا**

1 - المائدة : 51 .

2 - صحيح البخاری ، كتاب الاعتصام ، باب قول النبي (صلی الله علیه وسلم) ، لتتبعن سنن من كان قبلكم ، ( ح ، 7319 ) ، ( ص ، 1325 ) .

3 - صحيح مسلم ، كتاب الجمعة ، باب التغليظ في ترك الجمعة ، ( ح ، 865 ) ، ( 4 / 355 ) .



طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ»<sup>1</sup> ترجمه: کسی که سه نماز جمعه را به غفلت و سستی و تنبلی ترک می کند، الله جل شأنه بر قلب او مهر می نهد.

این در حالیست که الله جلّت عظمته مؤمنان را به نماز جمعه تشویق نموده می فرماید { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ - فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ - وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ }<sup>2</sup> ترجمه: ای مؤمنان! هنگامی که روز جمعه برای نماز جمعه اذان گفته شد، به سوی ذکر و عبادت خدا بشتابید و داد و ستد را رها سازید. این (چیزی که بآن دستور داده می شوید) برای شما بهتر و سودمندتر است اگر بدانید و متوجه شوید - آن گاه که نماز خوانده شد در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خدای را (بادل و زبان) بسیار یاد کنید تا اینکه رستگار شوید - (برخی از اصحاب، در یکی از جمعه ها) هنگامیکه تجارت و یا سرگرمی ای را دیدند از پیرامون تو پراکنده شدند، و تو را ایستاده (بر منبر در حال خطبه) رها کردند! بگو: آنچه در پیش خدا (از فضل و ثواب) است، بهتر از سرگرمی و بازارگانی است، و خدا بهترین روزی رسان است.

**مطلب دوازدهم: توجه به مظاهر زندگی:** بزرگترین عامل غفلت محبت دنیا و توجه به مظاهر آن است، خصوصاً زمانیکه محبت دنیا در قلب انسان داخل شود، و متاع و سامان آن در فکرش جای گزین شود، پس هیچ چاره ندارد که او انسان در لهو و لعب و طلب دنیا واقع می شود، و از هیچ نوع تلاش بخاطر بدست آوردن آن دریغ نمی ورزد، چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { ذَلِكِ بَانَئُهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَىٰ الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ \* أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَهُمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ }<sup>3</sup> ترجمه: این (خشم خدا و عذاب بزرگ) بآن خاطر است که آنان زندگی دنیا را بر زندگی آخرت ترجیح میدهند و گرامی ترش می دارند و خداوند گروه کافران را (به سوی بهشت) رهنمود نمی گرداند \* آنان کسانی اند که الله متعال بر دلها و گوش و چشمانشان مهر نهاده است (و به سبب زشتیهاشان دریچه عقلشان را به روی همه حقایق بسته است و حس تشخیص و قدرت تمیز را از ایشان گرفته است) و چنین افرادی (با آویزان بودن پرده های غفلت و بی خبری به دل و چشم و گوششان که ابزار شناخت انسانند) غافلان واقعی می باشند. در تفسیر این آیات مبارکه مفسرین کرام در رأس شان امام ابن جریر (رحمه الله) می فرمایند: مطلق خوش داشتن دنیا و میل داشتن به آن سبب غفلت از آیات الله متعال می گردد، اما محبت دنیا و ترجیح دادن آن به آخرت کفر است،<sup>4</sup> باز در آنوقت است که چه از راه ظلم باشد یا تکبر یا انکار حق به تلاش خود ادامه میدهد، قسمیکه امت های سابقه هم بهمین مرض گرفتار بودند و به انواع عذاب الهی گرفتار شده نیست و نابود و هلاک و برباد شدند.<sup>5</sup> چنانچه الله

<sup>1</sup> - سنن ابوداود، کتاب الصلاة، باب التشديد في ترك الجمعة، (ح، 1054)، (1/470)، شيخ الباني این حدیث را حسن و صحیح گفته.

<sup>2</sup> - الجمعة: 9-11.

<sup>3</sup> - النحل: 107-108.

<sup>4</sup> - طبری، جامع البيان، (14/488).

<sup>5</sup> - ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (3/202).

ذوالجلال فرموده است { فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِنُرْمَعَطَلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ }<sup>1</sup>

ترجمه : چه بسیار شهرها و آبادیهائی که آنها را نابود کرده ایم و به سبب ستم گری ساکنانشان فروتنیده و برهم ریخته است و چاهائی که بی استفاده رها گشته است و کاخهای برافراشته و استواری که بی صاحب متروک مانده اند .

و هم چنان الله متعال فرموده است { إِعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوْزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهَيِّجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ }<sup>2</sup>

ترجمه : بدانید که زندگی دنیا تنها بازی ، سرگرمی ، آرایش و پیرایش ، نازش در میان همدیگر و مسابقه در افزایش اموال و اولاد است و بس . دنیا همچون بارانی است که گیاهان آن کشاورزان را به شگفت می آورد سپس گیاهان رشد و نمو می کنند و بعد گیاهان را زرد و پژمرده خواهی دید و آن گاه خرد و پریز می گردند در آخرت عذاب شدیدی ( برای دنیا پرستان ) و آمرزش و خوشنودی خدا ( برای خدا پرستان ) است . اصلاً زنده گی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست . پس چگونه انسان مسلمان زنده گی دنیای فانی و زود گذر را به زنده گانی جاویدان و پایدار ، و پر از ناز و نعمت آخرت ترجیح میدهد ، و شب و روز در طلب دنیا ست و از آخرت غافل است ، باوجود آنکه می داند تلاش شبانه روزی اش عبث و بی فایده است ، و آینده ندارد مانند کسی که خواب می بیند بسیار چیز هارا دوست داشتنی و زیبا ئی را که چقدر خوشش می آید در همین وقت است که بیدار کرده می شود می بیند که موت به سراغش آمده اما هیچ آماده گی ندارد ،<sup>3</sup> پس باید انسان مسلمان ازین دنیای که پر از خدعه و فریب است و خوشی های آن آمیخته باغم هاست و روشنی آن آمیخته باتاریکی است ، آن قدر بی ارزش می باشد که نزد الله ذوالجلال باندازه بال پشه اهمیت ندارد اما انسان مغرور غافل فکر می کند که این دنیا برای همیشه باقی است ، اگر پرور دگار عالم ازان خبر ندهد و مثال برای آن بیان نکند همه در خواب غفلت بسر می برند .

**مطلب سیزدهم - هم نشینی با انسانهای بد :** یکی از اسباب مهم غفلت رفاقت و اندیوالی کردن با انسانهای غافل و بیکار است ، هم صحبت شدن با انسانهای غافل و بد کار نه تنها خیر را ببار نمی آورد بلکه انسان صادق و راستکار را تابع و پیرو خود می سازد ، امام بستنی می فرماید طبیعت انسانی طوری هست که با انسان خوب نشست نیکو کار می شود ، با انسان بد نشست بد کار می شود ، پس مثال دوست و رفاقت مانند ابری هست که سایه آن فرا گیرست ، بناءً اگر هم صحبت انسانهای غافل بودی مثل آن غافل میشوی .<sup>4</sup> چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا \* يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا \* لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا }<sup>5</sup>

1 - الحج : 45 .

2 - الحديد : 20 .

3 - ابن القيم الجوزی ، عدة الصابرين وذخيرة الشاكرين ، ( ص ، 190 ) ، ط ، 1 ، مكتبة الايمان ، منصوره ، 1415 هـ - 1994 م .

4 - بستنی ، ابو سليمان حمد بن محمد بن ابراهيم خطابی ، ( ت ، 388 هـ ) ، العزلة ، ( 1 / 47 ) ، ط ، 2 ، المطبعة السلفية ، قاهره ، 1399 هـ - 1979 م .

5 - الفرقان : 27 - 29 .

ترجمه : ودر آن روز ستمکار کفر پیشه هر دو دست خویش را (از شدت حسرت و ندامت ) به دندان می گزد و می گوید ای کاش با رسول خدا راه را برمی گزیدیم \* ای وای برمن کاش فلانی را به دوستی نمی گرفتم \* بعد از آن که قرآن ( برای بیداری و آگاهی ) به دستم رسیده بود مرا گمراه کرد آری اینچنین شیطان انسان را به رسوائی می کشد و خوار و ذلیلش می گرداند .

در آیات متعدد الله جلّت عظمته پیامبر گرامی ( صلی الله علیه وسلم ) را از صحبت با انسانهای غافل منع فرموده چنین می فرماید { **وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا** }<sup>1</sup>

ترجمه : با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان پروردگار خود را می پرستند و تنها رضای ذات او را می طلبند و چشمانت از ایشان برای جستن زینت حیات دنیوی برنگردد و از کسی فرمان مبر که دل او را از یاد خود غافل ساخته ایم و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است و کار و بارش همه افراط و تفریط بوده است . و همچنان الله متعال فرموده است { **وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ** }<sup>2</sup>

ترجمه : و مانند کسانی نباشید که الله متعال را از یاد بردند و الله ذوالجلال هم خود شان را از یاد خود شان برد آنان بیرون روندگان از حدود شرائع الهی و خارج شوندگان از دایره ایمان هستند . چنانچه سعدی صاحب در تفسیر این آیه مبارکه می فرماید این یک محرومیت همه جانبه است که یک انسان مسلمان در غفلت باشد و مشابعت اختیار کند با قومی که الله متعال را فراموش کردند و از ذکر الله جلّت عظمته غافل شدند و متوجه خواهشات نفسانی شان گشتند و حق را نپذیرفتند ، این گروه فاسقان و فاجران هستند ، در مقابل کسانی که تقوی و پرهیزگاری را اختیار نمودند و زندگی شان را مطابق شریعت عیار کردند ایشان کامیابان و رستگاران هستند ،<sup>3</sup>

و همچنان الله ذوالجلال پیامبرش را وادار ساخته که هیچ گاهی بخاطر سرداران و بزرگان قریش اصحاب فقیر شان را از نزد خویش دور نسازد چنانچه می فرماید { **وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ** }<sup>4</sup>

ترجمه : کسانی را از پیش خود مران که سحرگاهان و شامگاهان الله متعال را پرستش می کنند و منظور شان تنها رضایت او است نه حساب ایشان بر تو است و نه حساب تو بر آنان است و هر کس در گروه عمل خویش است چه شاه باشد چه درویش اگر به حرف مشرکان گوش دهی و آنان را از خود برانی از زمره ستمگران خواهی بود . از حضرت عبد الله بن مسعود (رضی الله عنه ) روایت است ، گروهی از سرداران قریش از نزد رسول کریم (صلی الله علیه وسلم ) تیر شدند و متوجه شدند که گروهی از ضعفا مسلمانان از جمله صهیب ، بلال ، عمار ، خباب و غیره در اطراف پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم ) نشسته هستند ، ایشان گفتند ای محمد آیا با اینها راضی هستی نسبت به قوم خود ؟ آیا اینها کسانی هستند که الله متعال از بین ما برایشان احسان نموده ؟ آیا ما ازین گروه اتباع و پیروی کنیم ؟ پس ایشان را از اطراف دور کن شاید بادور کردن آنها از پهلویت ما از تو پیروی کنیم ، در همین موقع این آیه مبارکه شرف نزول می یابد

4- الکهف : 28 .

2- الحشر : 19 .

3 - سعدی ، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ، ( ص ، 853 ) .

4 - الانعام : 52 .

وپیامبرگرمی (صلی الله علیه وسلم) از همنشینی و پیروی از کفار منع می شود. <sup>1</sup> چنانچه در حدیث آمده است **عَنْ أَبِي مُوسَى (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالْجَلِيسِ السُّوءِ كَمَثَلِ الْمَسْكِ وَنَافِخِ الْكَيْبْرِ فَحَامِلُ الْمَسْكِ إِمَّا أَنْ يُحْدِثَكَ وَإِمَّا أَنْ تُبْنَاعَ مِنْهُ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً وَنَافِخِ الْكَيْبْرِ إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا خَبِيثَةً»** <sup>2</sup>

ترجمه: از ابوموسی (رضی الله عنه) روایت است رسول گرمی (صلی الله علیه وسلم) فرمود مثال وداستان همنشین خوب و همنشین بد مانند بردارنده مشک (عطر فروش) و پف کننده کوره آهنگری است پس مثال عطر فروش طوری هست که یا از برابر او تیر می شوی یا از او خریداری می کنی یا اینکه خوشبوئی آن به مشام تو می رسد وداستان دمئه آهنگری قسمی هست که یا لباست را حریق می کند یا اینکه بوی بدی او به مشام تو خواهد رسید. و همچنان در حدیث دیگری آمده است **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يُخَالِلُ»** <sup>3</sup>

ترجمه: از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است رسول الله علیه الصلاة والسلام فرمود مردم بردین وروش دوست ورفیق خود می باشد پس باید فکر کند هر یک از شما باچه کسی دوستی می کند، همچنان برای انسانهای نیکوکار لازمی و ضروری است که سر زمین و منطقه که در آن مردمان بدکار و فاسق و فاجر و غافل زندگی می کنند آنجا را ترک کنند مبدا که این شخص صالح و نیکو کار از آنها متأثر شود و به فسق و فجور و غفلت رو آورده آینده خویش را خراب کند. <sup>4</sup>

چنانچه حضرت علی کرم الله وجهه مردی را نصیحت کرده در قالب شعر چنین می فرماید:  
لا تصحب ابا الجهل وایاک وایاه

ترجمه: ای مرد هیچ گاهی با انسان جاهل و نادان دوستی و رفاقت نداشته باش خود را از او دور دار و او را از خود دور کن.

فکم من رجل اردی حلیمًا حین آخاه

چقدر مردمان حلیم و بردبار با برادری و دوستی با این قسم مردم خود را در مشقت و هلاکت انداختند.

یُقاس المرء بالمرء اذا ما المرء ما شاء

مرد با دوست و رفیقش قیاس کرده میشود اگرچه آن چیز را که او بخواهد این نخواسته باشد.

والشئ من الشئ مقایس و اشباه

چرا که یک چیز را با چیز دیگر همسان و قیاس کرده می شود.

والقلب من القلب دلیل حین یلقاه

قلب که با قلب ملاقات داشت دلالت محبت آنرا می کند. <sup>5</sup>

<sup>1</sup> - ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (2 / 121).

<sup>2</sup> - صحیح البخاری، کتاب البیوع، باب فی العطار وبيع المسک، (ح، 2101)، (ص، 396).

<sup>3</sup> - سنن ابی داود، کتاب الادب، باب من یؤمر ان یجالس، (ح، 4833)، (ص، 876)، محمد ناصر الدین البانی، این حدیث را حسن گفته، مکتبة المعارف للنشر والتوزیع، ریاض.

<sup>4</sup> - بستی، ابوسلیمان حمد بن محمد بن ابراهیم خطابی (ت، 388 هـ)، العزلة، (1 / 50)، ط، 2، المطبعة السلفية، قاهره، 1399 هـ - 1979 م.

<sup>5</sup> - سلمی، ابو عبد الرحمن، آداب الصحبة، (ص، 43)، ط، 1، دار الصحابة للتراث، مصر، 1410 هـ ق - 1990 م.

**مطلب چهاردهم : آرزوهای طولانی -** یکی از عوامل عمده غفلت انسان آرزوهای دور و دراز و طولانی اش میباشد ، و همیشه در فکر و تلاش دنیا و چوکی و قدرت است که از کدام طریق بتواند دنیا را حاصل کند، و چگونه به چوکی و قدرت دست یابد ، این درحالی است که بسیار از مردم به آرزوهایشان نخواهد رسید ، و آرمان هایشان را به گور خواهند برد ، بهتر است که انسان در فکر آخرتش باشد چرا که دنیا خانه فریب و زود گذر است و آخرت خانه همیشه گی و پایدار می باشد ، دنیا خانه عمل است و آخرت خانه جزا و پاداش می باشد ، هست اکثر مردمان جاهل که دنیا را بر آخرت ترجیح میدهند، چرا که نعمت های دنیا ملموس است و نفس انسانی به آن آرام می گیرد، اما آخرت از امور غیبی است و حالات و کوائف و نعمتهای آن پوشیده و پنهان می باشد تا وقت ظاهر شدن آن .<sup>1</sup> چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید { **دُرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ** }<sup>2</sup> ترجمه : آنان را بگذار تا بخورند و بهره ور شوند و آرزو آنان را غافل سازد . بلاخره خواهند دانست ( که چه کاری بدی کرده اند این که تنها به دنیا پرداخته اند و آخرت را فراموش نموده اند ) . چنانچه حضرت علی کرم الله وجهه چه خوب و زیبا می فرماید : ارتحلت الدنيا مدبرة ، و ارتحلت الآخرة مقبلة ، ولكل واحد منهما بنون ، فكونوا من ابناء الآخرة ، ولا تكونوا من ابناء الدنيا ، فان اليوم عمل ولاحساب ، وغداً حساب و لا عمل .<sup>3</sup> ترجمه : کوچ کرد دنیا پشت کرده به سرعت میگذرد و آخرت به عجله و شتاب آینده است ، و برای هر کدام شان فرزندان است ، پس شما فرزندان آخرت شوید نه فرزندان دنیا ، چرا که امروز وقت عمل است نه حساب ، فردا روز حساب است نه عمل .

امام ابن قیم (رحمه الله) می فرماید : بزرگترین انسان جفا کار در حق خود کسی است که فریب مال و متاع ناچیز دنیا را میخورد و به نعمت های زود گذر آن دل می بندد ، و به سر و سامان و زندگی آن در عوض آخرت راضی می شود ، حتا بعضی انسانهای جاهل و احمق باین نظر هستند که نعمت ها و خوش گذرانی های دنیوی واقعی و دائمی و همیشه ماندگار است ، و نعمت های آخرت مشکوک و غیر واقعی می باشد ، بناءً به زعم خودشان می گویند ما شک را که آخرت است در مقابل یقین که دنیا می باشد ترک می کنیم ، امام ابن قیم (رحمه الله) : در جواب این قسم مردمان ابله و نادان می فرماید چطور امکان دارد مردمان اهل فهم و دانش به دنیای فانی و زود گذر یقین و باور داشته باشند ، در حالیکه هر لحظه امکان فروپاشی آن و قطع شدن نعمت های آن می رود ، به آن دل بسته و علاقمند آن بوده باشند ، در مقابل آخرت را که خانه همیشه گی و پر از نعمت های جاویدان است فراموش کرد ، باز هم اگر کسی شک دارد به آیات و نشان های پروردگارش تأمل و تفکر کند که همه دلالت کننده است ، بر وجود وحدانیت و یگانگی آن ذات پاک ، و به قدرت و مشیئة او تعالی همه عالم باتمام عجائب و مناظرش برای رهنمائی و خدمت بشر آفریده شدند ، و انسانها ! صاحب اختیار گذاشته شدند که خانه آخرت شان را آباد می کنند یا دنیائی شان را ، اگر اولی را انتخاب کردند فیها و نعم چقدر خوب و زیبا ، ایشان کامیابان و رستگاران واقعی هستند ،<sup>4</sup> اگر زندگی دنیا را ترجیح دادند الله ذوالجلال در باره ایشان می فرماید { **إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ - أُولَئِكَ مَا وَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ** }<sup>5</sup>

<sup>1</sup> - ابن القيم الجوزی ، الجواب الکافی ، ( 1 / 21 ) ، ط ، 1 ، دار المعرفة ، المغرب ، 1418 هـ ق - 1997 م .

<sup>2</sup> - الحجر : 3 .

<sup>3</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الرقاق ، باب فی الامل و طوله ، ( ص ، 1172 ) .

<sup>4</sup> - ابن القيم الجوزی ، الجواب الکافی ، ( 1 / 22 - 23 ) ،

<sup>5</sup> - یونس : 7 - 8 .

ترجمه : یقیناً کسانی که (به روز رستاخیز و زندگی دوباره ایمان ندارند) و دیدار ما را انتظار نمی کشند و به زندگی دنیوی بسنده گی می کنند (و گمان می برند که جهان دیگری پس از این جهان وجود ندارد ) و به این جهان دل می بندند و برای جهان دیگری تلاش نمی نمایند و از آیات قرآنی و نشانه های جهانی ما غافل و بی توجه می مانند - چنین کسانی جایگاه شان دوزخ است به سبب کارهای که می کنند . و همچنان الله سبحانه و تعالی می فرماید { **زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَآءِ** }<sup>1</sup>

ترجمه : برای انسان محبت شهوات و دل بستگی به امور مادی مزین کرده شده است از قبیل عشق به زنان و فرزندان و ثروت هنگفت از طلا و نقره و اسب های نشاندار و چار پایان و کشت و زرع و اینها همه کالای پستی دنیائی است و سر انجام خوب کارهای نیک در پیشگاه الله جلت عظمته است . در عین حال الله ذوالجلال دنیا را بسیار زیبا و شیرین آفریده است ، و آنرا با شهوات و خواهشات آراسته نموده است ، چنانچه لفظ ( زُيِّنَ ) به صیغه مجهول ذکر شده بیان گر آنست که داخل شدن شهوات در نفس ها و جای گرفتن آن در قلب ها یک امر مطلوب بشری است ، اما اهتمام کردن شخص مسلمان به دنیا از نگاه شرعی هیچ ممانعت ندارد ، در صورت قبیح و بد است که انسان مسلمان آخرت را فراموش کرده به دنیا حرص می ورزد و آن را به آخرت ترجیح میدهد ،<sup>2</sup> این در حالی است که هیچ گاهی دنیا به آخرت قیاس کرده نمی شود ، چرا که دنیا باتمام متاع و سامانش نزد الله ذوالجلال هیچ ارزش ندارد . چنانچه الله متعال فرموده است { **قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا** }<sup>3</sup>

ترجمه : بگو کالای دنیا اندک است و آخرت برای کسی که پرهیزگار باشد بهتر است ( و جزا و پاداش شما داده شود ) و کم ترین ستم برای شما نمی شود .

و همچنان پیامبر گرامی ( صلی الله علیه و سلم ) در حدیث فرموده است **عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ ( رَضِيَ اللهُ عَنْهُ ) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وسلم) « لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَاسَقَى كَافِرًا مِنْهَا شُرْبَةً مَاءٍ »**<sup>4</sup> ترجمه : اگر دنیا نزد الله ذوالجلال به اندازه یک بال پشه اهمیت و ارزش میداشت هیچ گاهی کافر را از آن یک شرب ( جرعه ) آب نمی داد .

و همچنان فرمودند **عَنْ أَنَسٍ ( رَضِيَ اللهُ عَنْهُ ) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ( صلی الله علیه و سلم ) « يَهْرُمُ ابْنُ آدَمَ وَتَشِبُّ مِنْهُ اثْنَتَانِ الْحِرْصُ عَلَى الْمَالِ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعُمْرِ »**<sup>5</sup> ترجمه : رسول گرامی ( صلی الله علیه و سلم ) فرمودند و قتی که فرزند آدم پیر می شود دو چیز در آن جوان می شود اول حرص به مال دوم حرص به عمر زیاد . این دو خصلت حیثیت گرگ درنده را دارد و صاحبش را چیره و پاره کرده نیست و نابودش می کند که در حقیقت این دو خصلت سبب غفلت انسان می گردد و او را به بیراهه می کشاند و سر انجام تباه و بربادش می سازد . از همین جا دانسته می شود که محبت دنیا آرزوهای طولانی را در نفس انسان می کارد و به این باور می شود که دنیا همیشه باقی و پاینده است ، برای حاصل نمودن آن تلاش شبانه روزی اش را

<sup>1</sup> - آل عمران : 14 .

<sup>2</sup> - مرغینی ، محمد صالح ، عبد الله ، الابتلاء و اثره فی حیاة المؤمن ، ( ص ، 64 ) ، دار الاعتصام ، ریاض .

<sup>3</sup> - النساء : 77 .

<sup>4</sup> - ترمذی ، امام ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره بن موسی ، ( ت ، 279 هـ ) ، سنن ترمذی ، کتاب الزهد ، باب ماجاء فی هوان الدنیا علی الله عز وجل ، ( ح ، 2320 ) ، ( ط ، 3 ، 1421 هـ - 2000 م ، دار السلام للنشر و التوزیع ، ابو عیسی گفت این حدیث صحیح و غریب است ازین وجه .

<sup>5</sup> - صحیح مسلم ، کتاب الزکاة ، باب کراهیة الحرص علی الدنیا ، ( ح ، 1047 ) ، ( 2 / 724 ) .

ادامه میدهد و آخرت را کاملاً فراموش می کند ، و بزرگترین سبب آرزوهای طولانی در دوچیز نهفته است : اول - محبت دنیا و انس گرفتن و دل بستن به آن و دوم - فراموش کردن مرگ و کراهیت داشتن آن . از همین رو محبت دنیا در رأس همه بلاها قرار دارد .<sup>1</sup>

چنانچه امام بستنی می گوید :

زيادة المرء في دنياه نقصان و ربحه غير محض الخير خسران  
ترجمه : به هر اندازه ايکه انسان در دنيا زياد تلاش کند به همان اندازه نقصان می کند و فايده که در غير کار خير باشد ذلت و رسوائی را به بار می آورد .

يا عامرا لخراب الدار مجتهدا با لله هل لخراب العمر عمران

ای آباد کننده خانه مخروبه دنيا تو را به الله سوگند آيا برای خرابی عمر آبادی هست .<sup>2</sup>

برای یک شخص مؤمن و مسلمان بهترين و مؤثرترين علاج غفلت قطع کردن محبت دنيا از قلبش است ، و قتيکه اين کار را انجام داد ترک دنيا برایش آسان می گردد و شوق و علاقه مندی اش به خانه آخرت زياد می شود ، و هميشه سعی و تلاش می کند رضا و خوشنودی رب کائنات را حاصل نماید ، ترک کردن محبت دنيا آسان نيست مگر به شروط ذيل :

1 - آباد کردن قلب با اخلاص و تقوی و پرهيز گاری .

2- به کثرت توبه کردن و صلاح و پاکی را اختيار نمودن .

3 - تکبر و غرور را ترک نمودن و به عاجزی و انكساری عادت گرفتن .

4 - قطع کردن آرزوهای طولانی و دور و دراز .

با عملی نمودن این شروط کامياب و رستگار دنيا و آخرت می گردد ، و از غفلت سستی و تنبلی و کاهلی نجات پيدا می کند .<sup>3</sup>

چنانچه ابن قيم ( رحمه الله ) : دنيا و غفلت را به معرفی گرفته در قالب شعر چنین سروده است .

حكم المنية في البرية جاری ماهذه الدنيا بدار قرار

ترجمه : حکم مرگ بر تمام مخلوقات جاری و فرمان روا است اين دنيا خانه بود و باش هميشه گی نيست که تو به آن دل بسته کرده ای .

اقضوا مآربكم سراعاً انما اعماركم سفر من الاسفار

بسيار باعجله و شتاب نیازمندی هایتان را ادا کنید به انجام برسانید يقيناً عمرهای شما یک سفری از سفرها است .

وتركضوا خيل السباق وبادروا ان تسترد فانهن عواری

با یک ديگر در مسابقه اسب دوانی بتازيد وپيشی گيريد اگرچه آن پياپی هم باشد باز هم عاريت است بطور هميش نيست .

ودعوا اقامة ظل زائل انتم على سفر بهذا الدار

<sup>1</sup> - حلاق ، محمد جمال الدين بن محمد سعيد بن قاسم ، ( ت ، 1332 ه ) ، موعظة المومنين من احياء علوم الدين ، ( 1 / 473 ) ، دار الكتب العلمية ، بيروت ، 1415 ه - 1995 م .

<sup>2</sup> - بستنی ، ابو سليمان حمد بن محمد بن ابراهيم ، ( ت ، 388 ه ) ، قصيدة عنوان الحكم ، ( 35/1 ) ، تحقيق : عبدالفتاح ابو غدة ، ط ، 1 ، مكتبة مطبوعات الاسلامية ، حلب ، سوریه ، 1404 ه - 1984 م .

<sup>3</sup> - محاسبی ، ابو عبد الله حارث بن اسيد ، ( ت ، 243 ه ) ، آداب النفوس ، ( 1 / 163 ) ، تحقيق : عبد القادر احمد عطا ، ط ، 1 ، دار الجليل ، بيروت .

بگذارید اقامت و بود باش کردن را در سایه که رو به زوال است چرا که شما در این دنیا به قسم مسافر هستید .

من یرجوطیب العیش فیها فانما بینی الرجاء علی شفیر هار  
کسی که درین دنیا امیدوار عیش و نوش خوب است بدون شک امید و آرزو اش را بر کنار از دوزخ قرار داده است ( ومنتظر افتادن در آن است ) .

والعیش کل العیش بعد فراغها فی دار اهل السبق اکرم دار  
عیش و عشرت واقعی و پایدار بعد از فراق و جدائی دنیا حاصل می گردد در خانه آخرت که برای سبقت کننده گان کار خیر داده می شود و باعزت و شرف در خانه های ابدی شان که عبارت از جنت است خوش و خندان زندگی می نمایند .<sup>1</sup>

وآن ویژه مؤمنان نیکوکار و راه یافتگان به جهان انسانیت است چنانچه الله جلّت عظمته فرموده است  
{ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ }<sup>2</sup>  
ترجمه : هرکس از مرد یا زن کار شائسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را بازندگی پاکیزه ای حیات حقیقی بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد .

قرآن بامقایسه این دوزندگی یکی را بازیچه و سرگرمی زود گذر خوانده که مقدمه است و دیگری را حیات واقعی و پایدار که هدف نهائی است چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : زندگی این دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی سرای آخرت زندگی است اگر فهم و شعور داشته باشند ( چرا که به دنبال زندگی جهان مرگ است ولی آخرت جاودانگی است ) .

<sup>1</sup> - ابن قیم الجوزیه ، عدة الصابرين و ذخيرة الشاکرين ، ( 1 / 206 ) ، تحقیق : زکریا علی یوسف ، دار الکتب العلمیة ، بیروت .

<sup>2</sup> - النحل : 97 .

<sup>3</sup> - العنکبوت : 64 .



## مبحث سوم : عقوبات غفلت

**مطلب اول - عقوبت شدید الله متعال برکسانیکه غافل هستند :** درین شک نیست امت ها به انواع گوناگون مورد ابتلاء و آزمایش قرار می گیرند بعضی ها از طریق مال و ثروت و قدرت و چوکی که برای شان داده می شود چه در سطح کشورها ، دولت ها و عام مردم بوده باشد مورد امتحان الهی قرار دارند ، در مقابل این نعمت ها شکر الله را بجا آورده ادای مسئولیت می کنند یا در خواب غفلت بسر می برند ، با تأسف اکثر این قسم مردم در غفلت هستند ، و بعض مردم های دیگر از طریق مصیبت ، نا امنی ، فقر و بیکاری و قتل و قتال مورد ابتلاء و آزمایش الهی قرار می گیرند ، درین نوع آزمایش اکثر جوامع اسلامی شامل هستند ، و این خالی از حکمت نبوده ، و علت این همه نابسامنهای و مشکلات در داخل خود مسلمانان یکی پیهم وجود دارد در حالیکه الله جلت عظمته باز نمودن گری همه این مشکلات را در قرآن عظیم الشان بوضاحت کامل بیان فرموده ، و بطور صریح مردم را از غفلت و بی پروائی بیم و انداز فرموده است ، فقط تأمل و تفکر و عقل سلیم کار است که خود را متوجه آن ساخته مدیریت نماییم ، چنانچه الله سبحانه و تعالی میفرماید { لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ ءَابَاءَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ \* لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰی أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ }<sup>1</sup>

ترجمه : (آن را برای تو فرستاده است ) تا قومی را بیم بدهی که پداران و نیکان ( نزدیک ) ایشان (توسط پیامبران) بیم داده نشده اند ، و بهمین علت است که غافل و بی خبر (از قانون آسمانی نسبت به الله متعال و خود و مردمان) هستند \* (ایشان مستحق عذاب گشته اند و) سخن(خدایم)ی برپرکردن جهنم از چنین افرادی) درباره بیشتر آنان به حقیقت پیوسته است ، و آنان دیگر ایمان نمی آورند .  
درین آیات مبارکه بطور واضح و روشن از غفلت بر حذر داده شده است ، و مشکلات که امروز امت مسلمه بآن دست به گریبان استند ، از خاطر غفلت بوده که قرار ذیل بیان می گردد :

1 - به حقائق و مزایای اسلام عزیز نخواستیم آشنا شویم که چگونه یک دین مهربان با نظم و سلیقه است و همه مسائل و احکام آن به قسم آفتاب روشن می باشد .

2 - غفلت و سستی و تنبلی را بجای بیداری و نشاطی و هوشیاری عادت خویش قرار دادیم و این ظلم نا بخشودنی را در حق خود روا دانستیم .

3 - اختلاف و انشقاق و بغض و عداوت و دشمنی را بجای اتحاد و اتفاق و دوستی و محبت و صمیمیت عوض کردیم همین جاست که آله دشمنان لجام گسیخته خویش قرار گرفتیم .

در رأس این همه نا هنجاریها و نابسامینها مرض کشنده غفلت است که صاحبش را به پرتگاه هلاکت می رساند و هر قدر پیشمانی بکشد جائی را نخواهد گرفت ، با تأسف این مرض از قرون متمادی بر قلبهای امت اسلامی جای گرفته ، و این باعث شده که مسلمانان پیشرفت نداشته باشند و وسائل جنگی قوی نداشته باشند و همیشه محتاج کفار باشند ، و آن قدر بی تفاوت شدند که وجیه و مسئولیت شان را فراموش کردند تا آنجائی که در یک سردر گومی تمام عیار بسر می برند .

و همچنان الله متعال فرموده است { اِنَّ الدِّينَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَاءَ نَا وَرَضُوْا بِاَحْيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنُوْا بِهَا وَالدِّينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ \* اُولٰٓئِكَ مَا وَاَهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ }<sup>2</sup>

<sup>1</sup> - یاسین : 6-7 .

<sup>2</sup> - یونس : 7-8 .

ترجمه : یقیناً کسانی که ملاقات و دیدار ما را انتظار نمی کشند و به زندگی دنیوی بسنده گی می کنند و به این جهان دل می بندند و از آیات ما غافل و بی توجه می مانند\* چنین کسانی جایگاه شان دوزخ است به سبب کارهایی که می کنند .

در تفسیر این آیات متبرکه که ابن کثیر ( رحمه الله ) می فرماید : الله ذوالجلال از حالت شقی ترین و بدبختترین انسانها خبر داده می فرماید آنانیکه کفر ورزیدن از ملاقات و دیدار الله جلت عظمته در روز قیامت محروم هستند ، و تمامی امید و آرزوی شان زندگی دنیا بود که راضی شدند و به آن دل بستند علت این همه بدبختی غفلت ایشان از آیات الله ذوالجلال است ، حسن بصری ( رحمه الله ) می فرماید : قسم به الله ایشان زمانی به دنیا رو آوردن که به زیب و زینت مؤقتی آن دل بستند و این نعمت ها را مؤبدی فکر کردند ، سرانجام از آیات واضح و روشن الله جلت عظمته غافل شدند و به نشانهها و منظرهای قدرت الهی فکر نکردند و آنچه را که شریعت امر نمود مطابق آن عمل نکردند ، جای این قسم مردم جهنم است که برای شان وعده داده شده بود بسبب آنچه که کمائی کردند از اعمال زشت و قبیح و ناپسند.<sup>1</sup>

و همچنان الله سبحانه و تعالی عقوبت شدید را بر کسانی که از آیات الله ذوالجلال غافل هستند بیان فرموده و لاشه سرکش ترین و شقی ترین انسان ( فرعون را ) از امواج دریا نجات داد ، بخاطریکه پند و عبرت شود برای طاغیان و سرکشان فرعون صفقان که امروز هم در گوشه و کنار زمین ، بالای هم نوعان خود ظلم و ستم و بیدادگری را روا میدارند ، چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { فَأَلْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : ما امروز لاشه تو را ( از امواج دریا و یورش ماهیها ) می رهانیم ( و آن را به ساحل می رسانیم و به پیش کسانی گسیل می داریم که تورا خدا می دانستند ) تا برای کسانی که اینجا نیستند و برای آیندگان درس عبرتی باشی ، بی گمان بسیار از مردمان از آیات ( خواندنی قرآن و دیدنی جهان ) ما غافل و بی خبرند ( و بآنها چنان که باید و شاید نمی نگرند ) .

**مطلب دوم – غفلت دروازه های خیر را بر انسان می بندد :** غفلت باندازه مرض خطرناک است که انسان را از کارهای خیر باز میدارد چنانچه الله فرموده است { مَنْ كَفَرَ بِاِلهِهِ مِنْ بَعْدِ اِيْمَانِهِ اِلَّا مَنْ اُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْاِيْمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللّٰهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ \* ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوْا الْحَيٰةَ الدُّنْيَا عَلٰى الْاٰخِرَةِ وَاِنَّ اللّٰهَ لَآيَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ \* اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ طَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَاَبْصَارِهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ \* لَا جَرَمَ اَنَّهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ }<sup>3</sup>

ترجمه : کسانی که پس از ایمان آوردن شان کافر می شوند به جز آنانیکه تحت فشار و اجبار و ادار به اظهار کفر می گردند و در همان حال دلهايشان ثابت بر ایمان است آری چنین کسانی که سینه خود را برای پذیرش مجدد کفر گشاده می دارند قهر و خشم الهی در دنیا گریبان گیر شان می شود و در آخرت عذاب بزرگی برای شان می باشد \* این خشم الله متعال و عذاب بزرگ باین خاطر است که آنان زندگی دنیا را بر زندگی آخرت ترجیح میدهند و گرامی ترش می دارند و یقیناً الله ذوالجلال هدایت نمی کند گروه کافران را \* آنان کسانی

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظيم ، ( 350 / 2 ) .

<sup>2</sup> - یونس : 92 .

<sup>3</sup> - النحل : 106 – 109 .

هستند که الله متعال بر دلها و گوشها و چشمانشان مهر نهاده است و چنین افرادی غافلان واقعی می باشند \* بدون شک در آخرت تنها آنان زیان کار اند \* در تفسیر این آیات مبارکه ابن کثیر (رحمه الله) می فرماید: الله ذوالجلال خبر داده در باره کسیکه بعد از نعمت ایمان و بصیرت سینه ای خود را به کفر گشاده نموده و آنرا پسندیده به تحقیق آن انسان به قهر و خشم الهی در دنیا گرفتار شده و در آخرت مستحق عذاب بزرگ خواهد شد چرا که آنها زندگی فانی دنیا را به زندگی جاویدان آخرت ترجیح دادند و هر آن عمل زشت که از دست شان آمد در دنیا انجام دادند ، به فکر اینکه حساب و کتاب نخواهد بود و از ایشان سوال و پرسش نخواهد شد ، سر انجام هدایت را نپذیرفتند و الله ذوالجلال بر قلبها و گوشها و چشمان شان مهر نهاد که نه چیزی را درک کرده می توانند که از آن نفع برند و نه هم از عذاب الهی خود را نجات داده می توانند بلکه ایشان در مصیبت کلان غفلت گیر ماندند که هیچ راه بیرون رفت ندارند .<sup>1</sup>

چنانچه امام ابن قیم (رحمه الله) می فرماید : (الغفلة تتولد عن المعصية كما يتولد الزرع عن الماء والحرارة عن النار وجلاءه بالذكر ، وان القلب سيمرض كما يمرض البدن ويعرى كما يعرى الجسم وزينته التقوى ، ويجوع ويظماً كما يجوع البدن وطعامه وشرابه المعرفة والمحبة والتوكل والانابة). ترجمه : ابن قیم می فرماید : غفلت از عصیان و نافرمانی بوجود می آید قسمیکه زراعت از آب و حرارت و گرمی از آتش بوجود می آید و روشن کردن آن توسط ذکر الله جل شأنه است ، و یقیناً قلب مریض می شود قسمیکه بدن مریض می شود و شفا آن به توبه نمودن و اصلاح کردن آنست ، و زنگ می گیرد قسمیکه شیشه زنگ می گیرد و پاک نمودن آن توسط ذکر الله جل شأنه است ، و برهنه می شود قسمیکه جسم برهنه می شود و زینت آن تقوی است ، و گرسنه و تشنه می شود قسمیکه بدن گرسنه و تشنه می شود و خوردن و نوشیدن آن معرفت و محبت و توکل و رجوع و التجا کردن بسوی الله جلّت عظمته است . (وایضاً قال خراب القلب من الامن والغفلة و عمارته من الخشية والذكر) ترجمه : و همچنان فرموده خرابی و فساد قلب در بیکاری و غفلت آنست و آبادی آن در خشیت و ترس و ذکر الله جلّت عظمته می باشد .<sup>2</sup>

**مطلب سوم - تهدید و توبیخ غافلان :** غفلت در نوع خود مرض المناک و دردناک هست که الله ذوالجلال انسان را از واقع شدن در آن تهدید و توبیخ نموده ، از زمانیکه سر به دنیا می گذارد تادم مرگ از آن بر حذر باشد چنانچه الله متعال فرموده است { وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ \* وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ \* وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ \* لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ }<sup>3</sup>

ترجمه : سر انجام به انسان غافل و تکذیب کننده آیات الله متعال و سكرات مرگ فرا می رسد و واقعیت را به همراه می آورد ( ودریچه قیامت را بر روی تان باز می کند و حوادث و صحنه های دنیا جدید را کم و بیش نشان تان خواهد داد در این هنگام انسان را فریاد می زنند که ) این همان چیزی است که از آن کناره می گرفتی و می گریختی \* و سر انجام برای دومین بار در صور دمیده می شود آن روز روز تحقق و پیاده شدن

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 2 / 506 ) .

<sup>2</sup> - ابن قیم الجوزی ، الفوائد ، ( ص ، 98 - 99 ) ط ، 2 ، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، 1393 هـ - 1973 م .

<sup>3</sup> - ق : 19 - 22

بیم دادن الهی به کافران است \* در آن روز هر انسان ( اعم از نیکوکار و بدکار به میدان محشر) می آید همراه با رهنمای ( که او را رهبری و رهنمود می کند ) و همراه با گواهی ( که به پندار و گفتار کردار او شهادت می دهد ) \* ( سپس به انسان بی باور خطاب می شود ) تو ازین ( دادگاه بزرگ و چیزهای که می بینی و خواهی دید ) غافل بودی و ما پرده را از جلو چشمان تو به کنار زده ایم و امروز چشمانت کاملاً تیزبین شده اند .

و همچنان انسانهای غافل آنقدر پست و ذلیل هستند که الله ذوالجلال دعای قلب غافل را نمی پذیرد چنانچه در حدیث آمده است عن ابی هریره ( رضی الله عنه ) قال قال رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) « ادعوا الله وانتم موقنون بالاجابة واعلموا ان الله لا يستجيب دعاء من قلب غافل لاه »<sup>1</sup>

ترجمه : از حضرت ابوهریره ( رضی الله عنه ) روایت است رسول گرامی ( صلی الله علیه وسلم ) فرمود بسوی الله جلت عظمته دعا کنید درحالیکه شما به اجابت و قبولیت آن یقین کامل داشته باشید ، بدانید که الله سبحانه و تعالی هیچ دعای را از قلب غافل و بی پروا نمی پذیرد .

و همچنان انسانهای غافل و بی پروا از فضل و رحمت الله جلت عظمته محروم هستند چنانچه در حدیث آمده است عن یسیره<sup>2</sup> ( رضی الله عنها ) قالت قال لنا رسول الله ( صلی الله علیه وسلم ) « علیکن بالتسبیح والتهلل والتقدیس واعقدن بالانامل فانهن مسؤلات مستطقات ولا تغفلن فتتسین الرحمة »<sup>3</sup>

ترجمه : از حضرت یسیره ( رضی الله عنها ) روایت است گفت پیامبر گرامی ( صلی الله علیه وسلم ) برای ما گروه زنان ارشاد فرمودند که لازم بگیرید تسبیح ( سبحان الله ) گفتن و تهلیل ( لا اله الا الله ) گفتن و تقدیس ( سبوح و قدوس ) گفتن را ، و با سران انگشت تان ذکر کنید چرا که در روز قیامت از اینها باز جوی می شود ، و آنها پاسخگو هستند ، و هیچ گاهی غفلت مکنید که از رحمت الله جلت عظمته محروم می شوید ، و رسوای دنیا و آخرت می گردید .

**مطلب چهارم - اهل غفلت در روز قیامت پشیمان می شوند :** اهل غفلت مردمانی هستند که به نعمت های الله متعال فهم و شعور ندارند ، و رضا و خوشنودی آن ذات کبریائی را حاصل نکردند همین جاست که پشیمانی می کشند اما هیچ سودی برای شان نمی دهد ، چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : ( ای پیغمبر ) ظالمان را از روز حسرت ( که رستاخیز است بترسان ) آن هنگامیکه کار از کار می گذرد و ( همه چیز دنیا پایان می گیرد و وقت حساب و کتاب فرا می رسد و ستم کاران می بینند که ) ایشان در غفلت عمر گرانمایه شان را بسر برده اند و ( قیامت ، جنت و دوزخ ) ایمان نداشته اند .

الانذار) بمعنای بیم دادن همراه باترس و رعب از روز حسرت را گویند ، و آن هول ناکترین و خطرناک ترین

1 - سنن ترمذی ، کتاب الدعوات ، باب ماجاء فی فضل التسبیح والتکبیر والتهلل والتحمید ، ( ح ، 3479 ) ، ( 571/5 ) ، امام ابو عیسی این حدیث را حسن گفته است .

2 - وی یکی از صحابیات مهاجر بودوایشان با پیامبر گرامی ( صلی الله علیه وسلم ) بیعت کرد ، و همین یک حدیث را روایت نموده است ، الطبقات الکبری ( 8 / 310 ) .

3 - سنن ترمذی ، کتاب الدعوات ، باب ماجاء فی فضل التسبیح والتهلل والتقدیس ، ( ح ، 3583 ) ، ( 517/5 ) شیخ البانی این حدیث را حسن گفته

4 - مریم: 39

روز برای بنده گان است ، آن روز که سرنوشت انسانها تعیین می گردد ، و همه مردم در میدان محشر جمع کرده می شوند و از ایشان حساب و کتاب گرفته می شود ، و هرکسی که به الله واحد و لاشریک ایمان داشت و از پیامبران شان اتباع و پیروی کرده بودند ، و عمل نامه به دست راست شان داده شد ، خوشبخت ترین مردم هستند هیچ گاهی بدبختی به سراغ شان نخواهد آمد ، و هر کسی که بدبخت شد هیچ گاهی خوشبختی نصیب شان نخواهد شد ، همین جاست که ذلت و رسوای دائمی دامن گیر شان می شود ، و هر قدر حسرت و پشیمانی هم بکشند سود شان نخواهد داد ، ازین کرده کدام حسرت و پشیمانی درد ناکتر است ، برای یک انسان که نتواند رضا و خوشنودی الله جل شأنه و جنتش را حاصل نماید ، و مستحق دوزخ و ناخوشنودی پروردگار بزرگ قرار گیرد ، آنها در صورتیکه تمام شانسان ها پیش را از دست داده و امکان بازگشت دوباره به دنیا و عمل کردن به آخرت را نداشته باشد .<sup>1</sup>

و همچنان در صحیحین حدیث آمده است عن ابن عمر ( رضی الله عنهما ) عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وسلم) أَنَّهُ قَالَ « إِذَا صَارَ أَهْلُ الْجَنَّةِ إِلَى الْجَنَّةِ وَأَهْلُ النَّارِ إِلَى النَّارِ جِيءَ بِالمَوْتِ حَتَّى يُجْعَلَ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ثُمَّ يُذْبَحُ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ يَا أَهْلَ الْجَنَّةِ لَأَمُوتَ وَيَا أَهْلَ النَّارِ لَا مَوْتَ فَيَزِدَادُ أَهْلَ الْجَنَّةِ فَرَحاً وَيَزِدَادُ أَهْلَ النَّارِ حُزْناً إِلَى حُزْنِهِمْ»<sup>2</sup>

ترجمه : از ابن عمر ( رضی الله عنهما ) روایت است نبی اکرم ( صلی الله علیه وسلم ) فرمود وقتیکه اهل جنت به جنت و اهل دوزخ به دوزخ برده شود ، موت آورده می شود در بین جنت و دوزخ ذبح کرده می شود ، باز فریاد زننده فریاد می زند ای اهل جنت همیشه در جنت باشید دیگر موت به سراغ شما نمی آید ، و ای اهل دوزخ بطور همیشه در دوزخ باشید دیگر موت به سراغ شما نمی آید ، همان است که به خوشی ها و خوشبختی های اهل جنت افزوده می شود ، و اهل دوزخ را غم ها و پریشانی های فروان دامن گیر شان می شود . در همین جاست که اهل غفلت پشیمانی می کشند اما هیچ سود برای شان نمی دهد .

امام ابن قیم ( رحمه الله ) بعض ضررهای غفلت را به تصویر کشیده می فرماید :

- 1 - اهل غفلت پروردگار رحمان را ناراض ناخوشنود نموده ، جلب و حمایت شیطان را بدست میآورند .
- 2 - قلب های شان پر از غم و اندوه است ، و مسرت ها و خوشی ها ازیشان رخت سفر می بندد .
- 3 - بغض و عدوات را به میراث می گیرند ، حیا و وقارشان از بین می رود .
- 4 - ذهن های شان خسته و درمانده است ، و دروازه معرفت بر روی شان بسته می شود .
- 5 - بطور مداوم در وسوسه و شک بسر می برد .
- 6 - از رحمت الله متعال دور می شوند ، و به معصیت و طغیان و سرکشی روی می آورند .<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - سعدی ، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان ، ( ص ، 493 ) .

<sup>2</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الرقاق ، باب صفة الجنة والنار ، ( ح ، 6548 ) ، ( ص ، 1192 ) . صحیح مسلم ، کتاب الجنة ، باب النار یدخلها الجبارون والجنة یدخلها الضعفاء ( ح ، 2849 ) ، ( / 2188 ) .

<sup>3</sup> - ابن قیم الجوزیه ، الوابل الصیب من الکلم الصیب ، ( ص ، 65 ) ، ط ، 1 ، دار ابن رجب ، منصوره ، 1423 هـ - 2003 م .

## فصل سوم

### وقایه و علاج غفلت

#### مبحث اول : وقایه از غفلت

**مطلب اول – ایمان به الله متعال و دیگر مؤمن بها :** بعد ازین که از بیان علامات و اسباب غفلت باشرح و توضیح آن فارغ شدم ، شروع می نمایم بر راه ها و روش های وقایه غفلت ، چگونه بتوانیم ازین مرض مهلک و خطرناک نجات یابیم ، و سبب فلاح و رستگاری مامسلمانان در دنیا و آخرت گردد، بهترین و مؤثرترین راه وقایه از غفلت ایمان به الله جلّت عظمته و غیره مؤمن بها است ، بدون شک الله جل شأنه بر بنده گانش بسیار زیاد مهربانی کرده ایشان را به راه حق هدایت نموده واضح ساخته که حق روشنی می آورد و باطل تاریکی ها را دور خود جمع می کند ، اینجاست که انسان عقلمند و هوشیار میان حق و باطل تفکیک قائل میشود حق را می پذیرد و باطل را رها می کند ، و ایشان را به راه توحید رهنمائی نموده فقط ذاتی که لایق عبادت و پرستش است الله واحد لا شریک می باشد ، و همچنان ایمان به پیامبران علیهم الصلاة والسلام که ایشان بندگان خاص و برگزیده الله جل شأنه هستند بخاطر دعوت و تبلیغ دین الله جلّت عظمته فرستاده شدند ، چنانچه الله متعال فرموده است { يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ }<sup>1</sup>

ترجمه : ای پیامبر (صلی الله علیه وسلم) هر آنچه از سوی پروردگارت بسوی تونازل شده است به مردم برسان و اگر چنین نکنی رسالت الله جل شأنه را نرسانیده ای و خداوند تو را از مردمان محفوظ می دارد و خداوند گروه کافران را هدایت نمی نماید . ایمان به الله ذوالجلال راه نجات انسان از غفلت و از دشواری ها و هولناکی ها و سختی های قیامت است ، مانند قوله تعالی { إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِقُونَ وَالنَّصَرَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : بی گمان کسانی از مسلمانان و یهودیان و بی دینان و مسیحیان خوف و هراسی و غم اندوهی ندارند آنان که به الله جلّت عظمته و قیامت ایمان داشته باشند و کار شایسته انجام دهند .  
وقوله تعالی { ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ }<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - المائدة : 67 .

<sup>2</sup> - المائدة : 69 .

<sup>3</sup> - یونس : 103 .

ترجمه : پس از آن پیغمبران خود و مؤمنان را می رهانیم همین طور ایمان آوردگان را نجات خواهیم داد و این حقی است بر ما . در تفسیر این آیه مبارکه سعدی صاحب می فرماید الله ذوالجلال پیامبران و مؤمنان را از سختی ها و مشکلات دنیا و آخرت در پناه عصمت خود نگهدارند و ایشان به حسب ایمان و اعمال شان از مشقت ها نجات داده می شود ، و این وعده الهی حق و ثابت و قابل اجرا است بر پیامبران و مؤمنان ، قسمیکه در بسیار اوقات شامل حال شان گردیده است ، و چنانچه فرموده ما ایشان را نجات دادیم از شدائد و سختیهای آن ما بر نفس خود واجب گردانیدیم ، و این را از مؤمنان دفع کردیم ، یقیناً الله متعال دفع می کند تکالیف و مشقت را از بندگان مؤمنش ، <sup>1</sup> مؤمن حقیقی کسی هست که بدعت پروردگارش لبیک می گوید و بسوی او می شتابد و ایمان و دین خویش را مخلصانه برای آن ذات پاک فدا می کند ، مانند قوله تعالی { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : ای مؤمنان فرمان الله ذوالجلال را بپذیرید و دستور پیغمبر او را قبول کنید هنگامیکه شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی بخشد و بدانید که خداوند میان انسان و دل او جدای می اندازد و بدانید که همه گی در پیشگاه خداوند سبحان گرد آورده می شوید .

و همچنان الله متعال فرموده است { وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ }<sup>3</sup>

ترجمه : ودعا و درخواست کسانی را اجابت می کند که ایمان آورده اند و کار های شایسته کرده اند و از فضل خود به ایشان بیشتر عطا می کند اما کافران عذاب شدید و سختی دارند .

چرا که او درک می کند ایمان به الله متعال وسیله نجات او از عذاب الهی در دنیا و آخرت است ، و وسیله فلاح و رستگاری وی در روز قیامت می باشد ، و قوله تعالی { لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا فُتَدُوا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ }<sup>4</sup>

ترجمه : کسانی که به دعوت پروردگار خود پاسخ می گویند سر انجام نیک دارند و کسانی که دعوت پروردگار خود را پاسخ نمی گویند عاقبت بسیار بد و دردناکی دارند اگر همه چیز های که در زمین است و همانند آن از ایشان باشد و همه گی را برای رهای خود از عذاب دوزخ پرداخت کنند پذیرفته نمی شود آنان حساب بد حال کننده ای دارند و جایگاه ایشان دوزخ است و چه بد جایگاهی است .

و همچنان الله متعال فرموده است { آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ }<sup>5</sup>

ترجمه : فرستاده الله متعال معتقد است بآنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است و مؤمنان نیز بآن باور دارند همگی به الله جلالت عظمت و فرشتگان او و کتابهای وی و پیغمبرانش ایمان داشته و میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی گذاریم و می گویند شنیدیم و اطاعت کردیم پروردگارا آمرزش تو را خواهانیم و باز

<sup>1</sup> - سعدی ، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان ، ( ص ، 374 ) .

<sup>2</sup> - الانفال : 24 .

<sup>3</sup> - الشوری : 26 .

<sup>4</sup> - الرعد : 18 .

<sup>5</sup> - البقرة : 285 .

گشت بسوی تو است . درین آیه مبارکه الله جل شأنه با نص صریح بر عظمت وصحت ایمان پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) تاکید نموده می فرماید که ایشان در کارهای دعوت خویش موفق بوده و با قاطعیت عمل نمودند ، و هیچ نوع شک و تردیدی را در راستای دعوت شان نشان ندادند ، از همین رو ایشان توانستند بسیار در وقت کم تحول بسیار عظیمی را در روی کره خاکی بوجود آورند که همه بشر ممنون احسان وی قرار گرفتند ، و امت را طوری تعلیم و تربیه نمودند که ایشان به اوامر الهی به سر و جان مطیع و فرمان بردار شدند .<sup>1</sup> مراد از ایمان در اینجا ایمان تفصیلی است تعلق می گیرد به تمام آنچه که در شرائع و احکام مربوط میشود ، نکته که قابل بحث است بیان زیادت شرف ایمان مؤمنان است که با پیامبر شان یکجا از طرف الله جل شأنه مورد مدح قرار گرفتند ، آنانیکه به الله واحد لاشریک ایمان دارند ، با تغییر نظم و سبک گرامی و زیبایی که به ماقبلش دارد بیان گر این است که ایمان ایشان بمانند ایمان پیامبر شان استوار بر اساس حجت و برهان و بطور مشاهده و عیانی واضح و روشن بوده ، ایمان به ملائک ، ایشان از نور آفریده شده اند و بندگان مکرم و مطهر پاک الله سبحانه و تعالی هستند ، هیچ گاه نافرمانی وی را نمی کنند و همیشه در اطاعت و عبادت الله جل شأنه بسر می برند<sup>2</sup> چنانچه الله متعال فرموده است { لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : از طرف الله جلّت عظمته در آنچه بایشان دستور داده است نافرمانی نمی کنند و همان چیزی را انجام میدهند که بآن مأمور شده اند .

وایمان به کتابها و پیامبران الله متعال و آنچه که برای ایشان مشروع شده از جانب شریعت ، به اوامر و نواهی ، بخاطر ارشاد و رهنمای بشر فرستاده شدند ، و قوله تعالی { وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا } این آیه حکایه می کند به امتثال عمل کرد ایشان بعد از ایمان آوردن شان به تمام انبیاء کرام علیهم الصلاة والسلام پس گفتند شنیدیم به گوشهای قلب مان و دانستیم صحت آنرا و یقین کردیم هر حکم که بواسطه پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) از جانب الله ذوالجلال بما رسیده حق است ، و اطاعت کردیم امر و فرمان تو را و آنرا باخوشی تمام پذیرفتیم ، و از نواهی تو اجتناب نموده پرهیز کردیم ، ما از تو طلب عفو و بخشش می خواهیم ، باز گشت همه ما بعد از مرگ بسوی توست نه بسوی غیر تو یا الله مهربان .<sup>4</sup> و قوله تعالی { فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيَدْخُلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ }<sup>5</sup>

ترجمه : پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پروردگارشان ایشان را غرق نعمت خویش می گرداند این است رستگاری و کامیابی آشکار .

درین آیه مبارکه الله متعال از حکم و فیصله خویش در باره مخلوقات در روز قیامت خبر میدهد یعنی کسانی که به الله جلّت عظمته قلباً ایمان آوردند و اعمال صالحه را مطابق شریعت انجام دادند ، پس ایشان را الله جل شأنه به رحمت خویش به جنت داخل می نماید ، درحقیقت این یک کامیابی واضح و روشن است ، هر کسی را الله جلّت عظمته خواسته باشد به رحمت خویش معاف می کند او خوشحال می گردد همراهی انسان

<sup>1</sup> - المنصوری ، علامه مصطفی الخیری ، المقتطف من عیون التفسیر ، ( 1 / 295 ) ، تحقیق : محمد علی صابونی ، ط ، 1 ، دار السلام ، قاهره ،

1417 هـ - 1996 م .

<sup>2</sup> - عمادی ، ابو السعود ، ارشاد العقل السلیم الی مزایا الكتاب الکریم ، ( 1 / 478 )

<sup>3</sup> - التحریم : 6 .

<sup>4</sup> - المنصوری ، المقتطف من عیون التفسیر ، ( 1 / 296 )

<sup>5</sup> - الجاثیه : 30 :



های پاک حشر میشود وچهره های شان مانند مهتاب شب چهارده پر از نور درخشان می گردد .<sup>1</sup> چنانچه در حدیث آمده است **عن ابی هریره (رضی الله عنه ) قال قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم).... « فَقَالَ لِلنَّارِ أَنْتَ عَذَابِي أَنْتَقِمُ بِكَ مِمَّنْ شِئْتُ وَقَالَ لِلْجَنَّةِ أَنْتِ رَحْمَتِي أَرْحَمُ بِكَ مِمَّنْ شِئْتُ »**<sup>2</sup>

ترجمه : از حضرت ابو هریره روایت است که گفت رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود الله ذوالجلال برای دوزخ تو عذاب من هستی هر کسی را خواسته باشم توسط تو او را عذاب می کنم و فرمود برای جنت تو رحمت من هستی هر کی را خواسته باشم توسط تو بر او رحم می نمایم .

وقوله تعالى { إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ آمِنٍ \* فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ \* يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ \* كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ \* يُدْعَوْنَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ \* لَا يُذَوِّفُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ \* فَضلاً مِّن رَّبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ }<sup>3</sup>

ترجمه : پرهیزگاران در جایگاه امن وامانی هستند \* در میان باغها وچشمه سارها \* آنان لباسهای از حریر و ابریشم نازک و ضخیم می پوشند و در مقابل یک دیگر می نشینند \* بهشتیان این چنین هستند و زنان بهشتی سیاه چشم باچشمان درشت را نیز به همسری آنان در می آوریم \* آنان هر میوه ای را که بخواهند می طلبند و از هر نظر درامانند \* آنان هرگز در آنجا مرگی جز همان مرگ نخستین نخواهند چشید و خداوند آنان را از عذاب دوزخ به دور و محفوظ داشته است \* همه ای اینها فضل و بخششی از سوی پروردگار توست \* . الله جلّت عظمته اعمال بندگانش را به فضل و کرم و مهربانی اش مورد رضا و قبولش قرار میدهد، و ایشان را بدون هیچ نوع کمی و کوتاهی اجر و پاداش شان را پوره پوره عطا می فرماید ، و به بلند ترین آرزوی شان که فلاح و رستگاری و نائل شدن به بهشت برین است می رساند ، مانند قوله تعالى { إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ

**صَالِحاً فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئاً }<sup>4</sup>**

ترجمه : مگر آن کسانی که توبه کنند و ایمان بیاورند و کارهای شایسته کنند اینچنین کسانی وارد بهشت می شوند و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد .

و همچنان الله متعال فرموده است: { **تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ دَالِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* يُعْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينٌ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ }<sup>5</sup>**

ترجمه : به الله و پیامبرش ایمان می آورید و در راه خدا با مال و جان تلاش و جهاد می کنید اگر بدانید این برای شما بهتر است \* گناهانتان را می بخشاید و شما را به باغهای بهشتی داخل می گرداند که از زیر آن جویبارها روان است و شما را در منازل و خانه های خوبی جای میدهد که در باغ های بهشت جاویدان ماندگار واقع شده اند این است کامیابی و رستگاری بزرگ .

در این دو آیه مبارکه الله جلّت عظمته برای مؤمنان تجارت پر منفعت را نوید و بشارت میدهد که آن عبارت اند از ایمان به الله جل شأنه و پیامبر گرامی (صلى الله عليه وسلم) و جهاد بامال و جان شان در راه الله جل

1 - کلی ، التسهيل لعلوم التنزيل ، ( 1 / 133 ) .

2 - سنن ترمذی ، کتاب صفة الجنة عن رسول الله ، باب ما جاء في احتجاج الجنة والنار ، ( ح ، 2561 ) ( ص ، 1909 ) ، ابو عیسی گفت این حدیث حسن صحیح است .

3 - الدخان : 52 - 57 .

4 - مریم : 60 .

5 - الصف : 11 - 12 .

ذکره ، و برای ایشان در مرحله اول گناهان شان بخشیده میشود و داخل جنات میشوند و جای بود باش شان قصرهای بلند و مجلل و زیبا می باشد ، اینست سعادت و خوشبختی و کامیابی بزرگ به اسرع وقت به انسان های نیکو کار داده می شود .<sup>1</sup>

مانند قوله تعالی { وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ }<sup>2</sup>

ترجمه : و کسانی که به الله ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند خداوند بدیهای ایشان را می زداید و آنان را به باغ های بهشتی داخل می گرداند که از زیر آن رود بارها جاری است و در آنجا برای همیشه جاودانه می مانند این است رستگاری سترگ و کامیابی بزرگ .

از مادر مؤمنان حضرت ام سلمه ( رضی الله عنها ) روایت است ، گفت من از رسول گرامی ( صلی الله علیه وسلم ) سوال کردم کدام آیتی درباره هجرت ما گروه زنان مسلمان نازل نشده ، همان بود که آیه مبارکه { فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ }<sup>3</sup> شرف نزول یافت ،

و زنان انصار گفتند ایشان اولین زن هودج نشین ( کجاوه نشین ) بود که نزد ما هجرت نمود .<sup>4</sup> ترجمه : آن گاه پرور دگار شان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخ شان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار نیک پرداخته باشد خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد پاره از شما از پاره دیگر هستنید) و همگی هم نوع و همجنس و همانند یک دیگرید ( آنان که هجرت کردند و از خانه های خود رانده شدند و در راه من اذیت و آزار شان رساندند و جنگیدند و کشته شدند هر آینه گناهانشان را می بخشم و به بهشت شان در می آورم بهشتی که رود خانه ها در زیر درختان آن روان است این پاداشی از سوی خدا برای ایشان است و پاداش نیکو تنها نزد خدا است .

و همچنان الله متعال فرموده است { لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا }<sup>5</sup>

ترجمه : مردان و زنان مؤمن را به باغهای بهشتی در آوریم که در زیر آن رود بارها روان است و جاودانه در آن بسر می برند و تا اینکه گناهان و بدیهایشان را بزداید و ببخشاید و این در پیشگاه الله ذوالجلال رستگاری بزرگی است .

از همین جا دانسته میشود کامیابان و رستگاران واقعی در دنیا و آخرت کسان هستند که به الله متعال و آنچه که نازل شده به پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) ایمان دارند و از حق اطاعت و پیروی می کنند و دنباله روی راه روش طریقه هدایت هستند ، این گروه بآنچه که از جانب پروردگارشان امر شدند عمل می کنند و از آنچه

<sup>1</sup> - سید قطب ، تفسیر فی ظلال القرآن ، ( 6 / 3559 ) .

<sup>2</sup> - التغبان : 9 .

<sup>3</sup> - آل عمران : 195 .

<sup>4</sup> - ابن کثیر ، تفسیر قرآن العظیم ، ( 1 / 389 ) .

<sup>5</sup> - الفتح : 5 .

که نهی کرده شدند منع میشوند چنانچه الله متعال فرموده است { وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ \* أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* }<sup>1</sup>.

ترجمه : آن کسانی که باور می دارند به آنچه به تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرود آمده و به روز رستاخیز اطمینان دارند \* اینچنین کسانی هدایت و رهنمودی پروردگار خویش را دریافت کرده و حتما رستگارانند .

درین آیات مبارکه بیان مؤمنان است کسانی که به پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) به قرآن کریم به کتب آسمانی قبل از آن و به خانه آخرت ایمان دارند ، و همچنان به تمام آنچه که به نص صریح و به طور متواتر بیان شده مانند ایمان به حساب و کتاب ، میزان و جنت و دوزخ ..... ایمان دارند ،<sup>2</sup> ذکر حرف (علی) در کلمه (عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ) دلالت می کند به متمکن شدن و جای گرفتن و استقرار یافتن ایمان در قلوب ایشان ، تشبیه داده شده حال ایشان با حال کسانی که تمسک جویند بر یک چیزی ، و آنرا با تمام معنا قبول نموده پذیرند ، و مطابق احکام آن خود را آماده سازند ، و ایشان رستگار شدند بآنچه که ایمان و باور داشتند و مطابق آن عمل نمودند ، (فلاح) بمعنای درک نمودن هدف ، مراد از (الْمُفْلِحُونَ) کسانی هستند که بعد از سعی و تلاش فروان به فلاح و کامیابی بفضل و احسان الهی نائل شدند .<sup>3</sup> و همچنان الله متعال فرموده است { فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ }<sup>4</sup>

ترجمه : پس اما کسانی که توبه کرده و ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده باشند امید است که از زمره ای رستگاران گردند . درین آیه مبارکه الله متعال در باره کسی خبر میدهد که توبه می کند و به الله جلت عظمته ایمان می آورد و به کثرت اعمال صالحه را انجام میدهد و منتظر و امیدوار فلاح و رستگاری فردای محشر می باشد .<sup>5</sup>

**مطلب دوم - تحقق و تثبیت ایمان :** یکی از راه های وقایه از غفلت دورتحقق و تثبیت ایمان می چرخد، و این درحقیقت حیثیت یک اصول و قاعده کامل را دارد که در نظام اجتماعی برای مسلمانان حیات بخش است، به تحقیق الله جلت عظمته ظاهر و باطن ایمان را منحصر کرده به التزام و عمل کردن آن چنانچه الله متعال می فرماید { إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ \* الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ \* أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ }<sup>6</sup>

ترجمه : مؤمنان تنها کسانی هستند که هر وقت نام الله متعال برده شود دلهايشان هراسان می گردد (و در انجام نیکیها و خوبیها بیشتر می کوشند) و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می افزاید و بر پروردگار خود توکل می کنند ( و خویشتن را در پناه او می دارند و هستی خویش را باو میسپارند \* آنان کسانی اند که نماز را چنانی که باید بخوانند برپا می دارند و از آنچه بایشان عطا کرده ایم انفاق می کنند \* آنان واقعا مؤمن هستند و دارای درجات عالی مغفرت الهی و روزی پاک و فراوان در پیشگاه پروردگار شان می باشند . پس ایمان چیزی است که زیبا و دلنشین بوده و احکام آن با طبیعت بشر سازگاری و همخوانی دارد،

1 - البقرة : 4 - 5 .

2 - تفسیر المراعی ، ( 1 / 67 ) .

3 - حوی ، سعید ، الأساس فی التفسیر ، ( 1 / 68 ) ، ط ، 1 ، دارالسلام ، قاهره ، 1405 هـ - 1985 م .

4 - القصص : 67 .

5 - سید قطب ، تفسیر فی ظلال القرآن ، ( 5 / 2706 ) .

6 - الانفال : 2 - 4 .

از همین رو پروردگار منان بنده گانش را به التزام و امتثال آن امر نموده است ، تا که مسلمانان در زندگی خود ایمان را تحقق و ثبات بخشیده و سبب فلاح و رستگاری شان در فردای قیامت و عامل نجات همه ما از آتش جهنم گردد .<sup>1</sup>

و همچنان الله متعال مؤمنان را صفت نموده فرموده است { إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ \* تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ \* فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : تنها کسانی به آیات ما ایمان دارند که هر وقت به آنها پند داده شود به سجده می افتند و ستایش گرانه به تسبیح پروردگارشان می پردازند و تکبر نمی ورزند \* پهلوهایشان از بسترهایشان دور میشود پروردگار خود را با بیم و امید به فریاد می خوانند و از چیزهای که به ایشان داده ایم انفاق می کنند \* هیچ کس نمی داند در برابر کارهای که انجام می دهند چه چیزهای شادی آفرین و مسرت بخشی برای ایشان پنهان شده است ایمان کامل ایمان را گویند که شامل تمام مؤمن بها باشد ، ایمان به الله جلت عظمته ، ملائک ها ، کتب آسمانی ، پیامبران ، روز آخرت ، قضاء و قدر ، ایمان به غیب ، زنده شدن بعد از مرگ و حساب و کتاب ..... ) . چنانچه در حدیث صحیح بیان شده است عن ابن عباس (رضی الله عنه ) قال إن وفد عبد القیس .... « أَمَرَهُمُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وسلم) بِأَرْبَعٍ وَنَهَاهُمْ عَنْ أَرْبَعٍ أَمَرَهُمْ بِالْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَحَدَهُ قَالَ أَتَدْرُونَ مَا الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامَةُ الصَّلَاةِ وَإِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَصِيَامِ رَمَضَانَ وَأَنْ تُعْطُوا مِنَ الْمَعْتَمِ الْخُمْسَ »<sup>3</sup> ترجمه : از ابن عباس (رضی الله عنه ) روایت است گفت زمانیکه وفد عبد القیس آمد پیامبر گرامی (صلى الله عليه وسلم) آنها را به چهارچیز امر نمود و از چهار چیز منع فرمود ، ایشان را امر فرمود به ایمان آوردن به الله واحد و یگانه ، باز فرمود آیا شما می دانید ایمان به الله واحد لا شریک است ؟ گفتند الله و رسولش بهتر می داند ، باز فرمود گواهی دادن به اینکه نیست هیچ معبودی برحق بجز الله ذوالجلال و اینکه حضرت محمد (صلى الله عليه وسلم) فرستاده الله جل شأنه است و پریاداشتن نماز و دادن زکات و روزه گرفتن ماه مبارک رمضان و عطا کردن خمس غنیمت .

و همچنان الله متعال فرموده است { لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : نیکی تنها این نیست که به هنگام نماز خواندن چهره هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید بلکه نیک کردار کسی است که به الله متعال و روز واپسین و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده باشد و مال خود را با وجود علاقه که بآن دارد به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و مسافران و گدایان دهد و در راه آزاد سازی بردگان صرف کند و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و وفاکنندگان به پیمان خود بوده

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 402 / 3 ) .

<sup>2</sup> - السجدة : 15 - 17 .

<sup>3</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الایمان ، باب اداء الخمس من الایمان ، ( ح ، 53 ) ، ( ص ، 6 ) .

<sup>4</sup> - البقرة : 177 .

هنگامی که پیمان ببندند و در برابر فقر و بیماری و به هنگام نبرد شکیبایند و اینان کسانی هستند که راست می گویند و به راستی ایشان پرهیز گار اند .

بس ایمان از خود فرائض و شرائع دارد هرکس آنرا تکمیل کرد ایمانش مکمل است و هرکسی که تکمیل نکرد ایمانش ناقص است ، <sup>1</sup> و تمام اعمال صالحه به قسم میوه های رنگا رنگ خوش طعم و خوش ذائقه برای توحید است ، و توحید بدو معنا آمده : 1- بمعنای عقدی که سبب فلاح و رستگاری، سعادت همیشگی ، اساس قبول اعمال صالحه و وسیله مغفرت گناهان است .

2- بمعنای عام است که شرط اساسی پیشرفت و کامیابی یک انسان مسلمان در عقیده توحید است و این دلالت به نظم دهی و اهمیت ویژه دارد ، بطور مثال یک پرنده که در هوا پرواز می کند اگر هر دو بال و هر دو پای خود را یکی باز و بسته نکند خطر افتادن و سقوط آنست ، <sup>2</sup>

همین قسم در آسمان و زمین بجز معبود حقیقی واحد و لاشریک معبود دیگری باشد خطر سقوط آن و در هم بر هم شدن و بی نظم شدن همه کائنات است ، چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ } <sup>3</sup> ترجمه : اگر در آسمانها و زمین غیر از الله ذوالجلال معبودها و خدایانی می بودند قطعاً آسمانها و زمین تباہ می گردید لذا تنها الله جلت عظمته صاحب سلطنت جهان است پاک و منزّه است از آن چیزهایی که ایشان بر زبان می رانند . هرکسی را که ایمان در قلبش تحقق و ثبات پیدا کرد شوق و علاقه مندی آن به اعمال صالحه بیشتر می شود در نتیجه اجر و ثواب آن برایش بطور کامل داده میشود ، چنانچه الله متعال فرموده است { إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ } <sup>4</sup> ترجمه : کسانی که ایمان داشتند و یهودیان و مسیحیان و بی دینان هر که به الله متعال و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد چنین افرادی پاداش شان در پیشگاه الله ذوالجلال محفوظ بوده و ترسی بر آنان نیست و غم و اندوهی به ایشان دست نخواهد داد .

از حضرت انس بن مالک ( رضی الله عنه ) روایت است گفت زمانیکه پیامبر گرامی ( صلی الله علیه و سلم ) از حدیبیه بسوی مدینه منوره درحال بازگشت بودند آیه مبارکه { لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ } <sup>5</sup> ترجمه : هدف این بود که خداوند گناهان پیشین و پسین تو را ببخشد . شرف نزول یافت ، پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و سلم ) فرمود امشب بر من آیه مبارکه نازل شده که برایم از آنچه که در روی زمین است محبوب تر و زیباتر می باشد ، باز این مبارکه را بر اصحاب شان تلاوت نمودند ، همه به یک صدا گفتند گوارا و خوشحالی باد به شما ای پیامبر گرامی ( صلی الله علیه و سلم ) ، الله ذوالجلال برای شما لطف و کرم نموده واضح و روشن ساخت باشما چه می کند ! اما با ما چه خواهد شد ؟ همان بود که آیه مبارکه { لِيُدْخِلَ

<sup>1</sup> - حافظ حکمی بن احمد بن علی ، معارج القبول بشرح سلم الوصول الی علم الاصول ، (ت ، 1377 هـ ق ) ، ( 597 / 2 - 600 ) ، ط ، 1 ، دار ابن القیم ، الدمام

، 1410 هـ - 1990 م .

<sup>2</sup> - تتان ، عبد الکریم و محمد کیلانی ، شرح جوهره التوحید فی عقیده اهل السنة والجماعت ، ( 1 / 121 ) ، ط ، 1 ، دار البشائر ، دمشق ، 1415 هـ - 1994 م .

<sup>3</sup> - الانبیاء : 22 .

<sup>4</sup> - البقرة : 62 .

<sup>5</sup> - الفتح : 3 .

الْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزاً عَظِيماً {<sup>1</sup> شرف نزول یافت .<sup>2</sup>

ترجمه : تا مردان و زنان مؤمن را به باغ های بهشتی در آورد که در زیر آن رود بارها روان است و جاودانه در آن بسر می برند و تا اینکه گناهان و بدی هایشان را بزدايد و ببخشاید و این در پیشگاه الله جلت عظمته رستگاری بزرگی است .

و همچنان الله متعال فرموده است { وَيَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقاً قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهاً وَلَهُمْ فِيهَا أَنْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : مزده بده به کسانی که ایمان آورده اند و کردار نیکو انجام داده اند این که ایشان را است باغهای در زیر درختان آن رود ها روان است هرگاه بعضی از میوه های آن به ایشان عطا شود گویند بیشتر این نصیب مان گشته بود و مشابه و همسان آنرا آورده اند و در آنجا همسران پاک و بی عیبی داشته و در آنجا جاویدان خواهند ماند .

**مطلب سوم - مداومت بر اعمال صالحه :** انسانهایی که در روی زمین زندگی می کنند بطور عموم دو نوع اعمال را انجام می دهند : 1 - اعمال صالحه 2 - اعمال سیئه ، انسان در روز قیامت از این دو نوع اعمال محاسبه میشوند ، چنانچه الله متعال فرموده است { مَنْ عَمِلَ صَالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ }<sup>4</sup> ترجمه : هرکس که کار نیک بکند به نفع خود می کند و هرکس که کار بد کند به زیان خود می کند و پروردگار تو کم ترین ستم به بندگان نمی کند . یقیناً نفع و سود آن بسوی شخصی که عمل نیک را مطابق شریعت با اخلاص کامل و بانشاطی و بیداری انجام داده باز می گردد نه به کسی دیگر ، و همچنان کسی که عمل زشت و بد را از روی غفلت و بی پروائی انجام میدهد و وبال و ضررش بر خود اوست ، الله ذوالجلال هیچ کسی را عقاب و عذاب نمی دهد مگر بعد از ارسال رسل و اتمام حجت بر بنده گاناش البته که عذاب او بسیار سخت و شدید است .<sup>5</sup>

وقوله تعالى { مَنْ عَمِلَ صَالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ }<sup>6</sup>

ترجمه : هرکس که کار نیک بکند به سود خود اوست و هرکس کار بد بکند به زیان خود اوست سپس همه ای شما به سوی پروردگارتان باز گردانده می شوید .

هیچ گاه برابر نیست کسانی که اعمال صالحه و نیک را انجام میدهند با کسانی که بزهدکار و بدکار هستند ، چنانچه الله متعال فرموده است { أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ }<sup>1</sup>

1 - الفتح : 5 .

2 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 156 ) .

3 - البقرة : 25 .

4 - فصلت : 46 .

5 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 88 ) .

6 - الجاثية : 15 .

ترجمه : آیا کسانی که مرتکب گناهان و بدیها می شوند گمان می برند که ما آنان را همچون کسانی به شمار می آوریم که ایمان می آورند و کارهای پسندیده و خوب انجام می دهند و حیات و ممات و دنیا و آخرت شان یکسان می باشد چه بد قضاوت و داوری می کنند .

برای هر مسلمان ضروری است و قتیکه میخواید کار نیک را انجام دهد هدف و مقصدش رضا و خوشنودی الله جلّت عظمته باشد ، در غیر آن عمل نیک وی قبول درگاه حق نمی شود چنانچه در حدیث آمده است **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ( رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ) « مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا يَبْتَغِي بِهِ وَجْهَ اللَّهِ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرْضًا مِّنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عُرْفَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَعْنِي رِيحَهَا »** <sup>2</sup> ترجمه : رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) می فرماید کسی که می آموزد علمی را که بخاطر رضا الله جل شأنه آموخته میشود ، نمی آموزد آنرا مگر بخاطر اینکه حاصل شود برایش عرض و متاع دنیا هرگز نمی یابد در روز قیامت بوی جنت را . البته انسان متقی و پرهیزگار سعی و تلاش و هدف و مقصد وی رضا و خوشنودی الله جل مجده است ، برابر است که عبادات باشد یا معاملات یا اخلاقیات یا افعال که وسیله ای قرب الهی باشد ، و این کار سبب فلاح و رستگاری انسان مؤمن میشود در دنیا و آخرت .

چنانچه الله متعال فرموده است { **فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ** } <sup>3</sup>

ترجمه : پس اما کسانی که ایمان می آورند و کارهای شایسته می کنند پروردگارشان ایشان را غرق نعمت خویش می گرداند رستگاری و کامیابی آشکار همین است .

وقوله تعالی { **فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّنْ فَضْلِهِ** } <sup>4</sup> ترجمه : پس اما کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند خداوند پاداش ایشان را به تمام و کمال خواهد داد و از فضل خود بر پاداش آنان خواهد افزود .

وقوله تعالی { **فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا** } <sup>5</sup>

ترجمه : کسانی که به الله ایمان بیاورند و به آن (قرآن) چنگ زنند ایشان را به رحمت و فضل عظیم خود وارد بهشت خواهد ساخت و در راه راستی به سوی خود رهنمود شان خواهد کرد .

وقوله تعالی { **وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الظَّالِمِينَ** } <sup>6</sup>  
ترجمه : و اما کسانی که ایمان می آورند و کارهای شایسته انجام می دهند خداوند پاداش آنان را به طور کامل خواهد داد و خداوند ستمکاران را دوست نمی دارد .

1 - الجاثية: 21

2 - سنن ابی داود ، کتاب العلم ، باب فی طلب العلم لغیر الله تعالی ، ( ح ، 3664 ) ، ( ص ، 554 ) ، امام البانی این حدیث را صحیح گفته است .

3 - الجاثية: 30 .

4 - النساء: 173 .

5 - النساء: 175 .

6 - آل عمران: 57 .

**مطلب چهارم - خلوص قلب و نیت پاک :** نزد الله متعال ایمان معتبر است که در اطاعت و عبادت و گفتار و کردار آن اخلاص تحقق یابد ، چنانچه الله متعال فرموده است { وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ }<sup>1</sup> ترجمه : در حالیکه جز این به ایشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حق گرایانه الله جلّت عظمته را بپرستند و تنها شریعت او را آئین خود بدانند .

و همچنان در چندین آیات سوره زمر تأکید به اخلاص در گفتار و کردار بیان شده است چنانچه الله متعال فرموده است { فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ }<sup>2</sup> ترجمه : پس الله را عبادت کن و پرستش خود را خاصه او بگردان .

وقوله تعالى { قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ }<sup>3</sup> ترجمه : بگو به من فرمان داده شده است که الله را عبادت کنم و پرستش را خاص او نمایم .

وقوله تعالى { قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي }<sup>4</sup> ترجمه : بگو تنها الله را می پرستم و بس و طاعتم را خاص او می کنم . الله جلّت عظمته بندگان را بطور متداوم به اخلاص امر فرموده که عمل بدون اخلاص و نیت پاک مورد قبول درگاه حق نمی باشد ، نیت در حقیقت رکن اساسی هر عمل هست چنانچه در حدیث آمده است **عن عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) قال سمعت رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يقول « إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ »**<sup>5</sup> ترجمه : از حضرت عمر بن خطاب روایت است گفت شنیدم از رسول گرامی (صلى الله عليه وسلم) فرمودند جز این نیست که دار و مدار اعمال به نیت است . پس هر کسی که نیت خود را پاک و صاف کرد رستگار و کامیاب است او در حفظ و پناه الله ذوالجلال قرار می گیرد ، شیطان بر او غالب شده نمی تواند چنانچه الله متعال فرموده است { إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا }<sup>6</sup> ترجمه : بی گمان تو سلطه ای بر بندگان مخلص و مؤمن من نخواهی داشت و همین کافی است که پروردگارت حافظ و پشتیبان اینچنین بندگان است .

و اعتراف شیطان به این امر که او از هیچ نوع عداوت و دشمنی با فرزندان آدم عقب نشین نخواهد کرد چنانچه الله متعال از شیطان حکایت کرده فرموده است { قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ }<sup>7</sup> ترجمه : گفت به عزت و عظمتت سوگند که همه ای آنان را گمراه خواهم کرد \* مگر بندگان مخلص تو از ایشان را .

و همچنان الله متعال فرموده است { إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا }<sup>8</sup>

ترجمه : مگر کسانی که توبه کنند و برگردند و به اصلاح پردازند و به الله متوسل شوند و آئین خویش را خالصانه از آن الله کنند پس آنان را از زمره ای مؤمنان خواهد بود و خداوند به مؤمنان پاداش بزرگی خواهد بود . باوجود این قدر تأکید در باب اخلاص شائبه های مکرر و مختل کننده از طرق متفاوت در کار است

1 - البينة : 5 .

2 - الزمر : 2 .

3 - الزمر : 11 .

4 - الزمر : 14 .

5 - صحیح البخاری ، کتاب بدء الوحی ، باب بدء الوحی ، ( ح ، 1 ) ، ( ص ، 1 )

6 - الاسراء : 65 .

7 - ص : 81 - 82 .

8 - النساء : 146 .



از قبیل ریا کاری و غیره که نفس اماره بالسوء در عملی کردن آن نقش بسزائی دارد ، در این صورت بسیار دشوار است نجات قلب از این قسم مرضهای مهلک و خطرناک ، با آنهم هدف هر انسان مسلمان مخلص تقرب جستن بسوی الله سبحانه و تعالی است ، و هر مسلمان که در عمر خود یک لحظه هم خالصانه عمل را بخاطر رضای الله جلت عظمته انجام داده باشد او شامل رحمت الهی قرار می گیرد ، و هر کسی که اخلاص کامل و نیت پاک نداشت او انسان خوار و ذلیل دنیا و آخرت است ،<sup>1</sup> برای هرانسان لازمی و ضروری است در امور زنده گی شان هر کار خیر را که انجام میدهند با اخلاص کامل و نیت پاک انجام دهند ، تا اینکه به فلاح و رستگاری حقیقی نائل شوند و مستحق اجر و ثواب عظیمی گردند ، چنانچه الله متعال فرموده است { فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَالِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ }<sup>2</sup> ترجمه : پس حق نزدیکان و حق مستمندان و واماندگان در راه را بده این برای کسانی که ذات الله را می جویند بهتر و آنان که قطعاً رستگارند .

خطاب در این آیه مبارکه پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) است اما حکم آن برای امت عام است ، چنانچه الله متعال امر فرموده پیامبر گرامی اسلام را و کسانی را که از ایشان تابع داری و پیروی می کنند به خویشاوندان و اقارب شان صله رحم ، عطوفت و مهربانی داشته باشند با ایشان مساعدت و همکاری نمایند و همچنان با مساکین و مسافرین کمک و همدردی نموده با ایشان عطوفت و مهر بانی داشته باشند ، این است اخلاق اسلامی و تأکید اسلام عزیز به پیروانش که مواخات و برادری و همدیگر پذیری داشته باشند ، تا بتوانند مسلمانان یک جامعه مرفه و توانمند با عزت و باشرف باشند ، همه اقشار جامعه در زیر چتر آن با آبرو با عزت با سلامتی در امن و امان دور از هر نوع خشونت و عداوت و دشمنی زندگی کنند ، و این خیر و فلاح و رستگاری با اخلاص کامل و نیت پاک و تقرب جستن به رضا و خوشنودی الله جلت عظمته حاصل می گردد .<sup>3</sup>

### مطلب پنجم - ثبات و استقامت در دین : استقامت در دین مبین اسلام دارای دو جزء می باشد :

1 - جانب نظری که عبارت از ایمان به الله و احد لا شریک است هر گاه در قلب انسان مسلمان استقرار یابد ، دنیا و آنچه را که در آن است در مقابل ایمان به الله جلت عظمته هیچ میدانند .

2 - جانب عملی که عبارت از تنفیذ احکام الهی می باشد . استقامت و ثبات در دین به معنا انجام دادن هر نوع اعمال صالحه با اخلاص کامل و با منهج روش که الله جلت عظمته در قرآن عظیم الشان بیان فرموده ، مثال جانب نظری چنانچه الله متعال فرموده است { إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ \* نَحْنُ أَوْلِيَاءُ كُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُنَّ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ \* نَزَّلْنَا مِنْ عَفْوَ رٍ رَحِيمٍ }<sup>4</sup>

ترجمه : کسانی که می گویند تنها پرور دگار ما الله است و سپس پا بر جا و ماندگار می مانند فرشتگان به پیش ایشان می آیند و به آنان مژده می دهند که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشت که به شما

1 - مراد ، د . مصطفی ، منهاج المومن ، (ص ، 350 ) ، ط ، 2 ، دار الفجر للتراث ، قاهره ، 1425 هـ - 2004 م .

2 - الروم : 38 .

3 - نیسابوری ، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین ، ( ت ، 728 هـ ) ، غرائب القرآن و رغائب الفرقان علی مصحف التهجد ، ( 2691/ 21 ) ، ط ، 1 ، دار الصفوة ، 1416 هـ - 1995 م .

4 - فصلت : 30 - 32 .

و عده داده شده بود \* مایاران ویاوران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم و در آخرت برای شما هرچه آرزو کنید هست و هرچه بخواهید برای تان در آنجا فراهم است .

وقوله تعالى { إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ \* }<sup>1</sup>

ترجمه : کسانی که می گویند پروردگار ما تنها الله است سپس ماندگار می مانند نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می گردند \* آنان به پاداش کارهایی که می کنند ساکنان بهشت بوده و جاودانه در آن می مانند . درین آیات مبارکه بوضاحت کامل استقامت و پای مردی مؤمنان با تمام حالات خوب و زیبایی شان در دنیا و آخرت و جزا و پاداش آنچه را که انجام دادند به بحث گرفته شده .

و مفسرین کرام استقامت را به په پنج وجه تفسیر نمودند :

1 - قول ابوبکر صدیق (رضی الله عنه ) و امام مجاهد : استقامت به وحدانیت الله واحد و لا شریک، نه تنها شرک نکردن بلکه اندک ترین توجه به معبودان باطله نداشتند مراد است .

2 - قول عمر فاروق ، ابن عباس (رضی الله عنهما ) و حسن و قتاده : استقامت به اطاعت و عبادت ذات اقدس الهی و ثبات و پای مردی به فرائض الهی .

3 - قول ابوالعالیه و سدی: با اخلاص کامل ثابت قدم ماندن به دین اسلام عزیز و عمل کردن به آن تا دم مرگ .

4 - قول ابن عباس و عکرمه : استقامت به کلمه توحید ، ثابت قدم ماندن در افعال شان قسمیکه استقامت کردن در احوال شان .

5 - قول حسن و علی بن ابی طلحة : ثابت قدم ماندن در حالت پنهانی و پوشیده قسمیکه استقامت کردن در حالت ظاهر و آشکار<sup>2</sup> .

برای این قسم مردم الله جلّت عظمته اجر و پاداش فروان عطا می فرماید ، امام مجاهد و زید بن اسلم می گویند ملائک به استقبال گرم شان فرود می آیند و ایشان را در انجام کارهای نیک و پسندیده کمک و همکاری می نمایند ، و در امور دینی و دنیوی شان که ضیق و تنگی باشد وسعت و فراخی می آورند ، و از ایشان بطریق الهام خوف و ترس و غم و اندوه شان دفع میشود ، و برای شان گفته میشود درباره آنچه که پیش روی تان است و آنچه که پشت سرتان است غم مخورید ، الله متعال از ایشان خوف و ترس غم و اندوه را دور می کند ، و برای شان بشارت داده می شود به جنت که و عده داده شده بودند ، و ملائک از در کرامت و شرافت با ایشان روبرو می شوند ، و برای شان هر آنچه را که خوش دارند و آرزو می کنند آماده هست ، و ایشان بطور جاویدان در نعمت ها و خوشی ها در جنت ها بسر می برند .<sup>3</sup> و همچنان عمل نمودن به طریقه و روش سنت مطهر و معطر پیامبر گرامی (صلی الله علیه و سلم ) که بطور واضح و روشن بیان نموده اند ، چنانچه یکی از اصحاب از رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم ) سوال نمود عن ابی عمره ( سفیان بن عبد الله ) رضی الله عنه قال قلت يا رسول الله « قُلْ لِي قَوْلًا فِي الْإِسْلَامِ لَا أَسْأَلُ عَنْهُ غَيْرَكَ فَيَقُولُ قُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ ثُمَّ اسْتَقِم »<sup>4</sup>

ترجمه : ای پیامبر گرامی (صلی الله علیه و سلم ) برای من در باب اسلام عزیز سخن را ایراد فرمایید که

1 - الاحقاف : 13- 14 .

2 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 84 ) . ماوردی ، النکت والعیون ، ( 5 / 179 ) .

3 - آلوسی ، روح المعانی ، ( 13 / 186 ) . ماوردی ، النکت والعیون ، ( 5 / 180 ) .

4 - ابن حنبل ، امام ابو عبدالله احمد بن حنبل ، ( ت ، 241 هـ ) ، مسند احمد ، ( ح ، 1541 ) ، ( ص ، 24 / 142 ) ، امام شعبان بن وهب گفت اسناد این حدیث صحیح است .

غیر از شما از کسی دیگر سوال نکنم پیامبر(صلی الله علیه وسلم) فرمود بگو ایمان آوردن به الله جلّت عظمته باز استقامت و پای مردی را اختیار کن .

مثال جانب عملی استقامت فی الدین چنانچه الله متعال در آیات متعدد مسلمانان رابه ثبات واستقامت فی الدین امر نموده چنین می فرماید { فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ }<sup>1</sup>

ترجمه : بنا برین همان گونه که فرمان یافته ای استقامت کن همراهی کسانی که باتو برگشته اند و تجاوز نکنید چرا که الله ذوالجلال می بیند چیزی را که می کنید .

وقوله تعالى { قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ \* الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ \* إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌوَا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مُمْنُونٍ \* }<sup>2</sup>

ترجمه : بگو من فقط و فقط انسانی مثل شما هستم و به من وحی میشود که معبود شما معبودی یکه و یگانه می باشد پس راست و مستقیم بسوی او روید و اعمال خود را محض به رضای الله انجام دهید و از او آمرزش بخواهید و ای به حال مشرکان \* مشرکانی که به پاکسازی خود نمی پردازند و آنان به آخرت هم ایمان نمی آورند \* مسلماً کسانی که ایمان می آورند و کارهای شایسته و بایسته انجام می دهند اجر و پاداش ناکسیختنی دارند .

وقوله تعالى { فُلْدَالِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَاحِجَةٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ }<sup>3</sup>

ترجمه : تو نیز مردمان را به سوی آن ( انین الهی دعوت کن که اسلام است ) و آن گونه که به تو فرمان داده شده است ( بردعوت مردمان به دین یزدان ماندگار باش و دراین راه ) ایستادگی کن و از خواستها و هوسهای ایشان پیروی مکن و بگو من به هر کتابی که از سوی الله جلّت عظمته نازل شده باشد ایمان دارم ، و به من دستور داده شده است در میان شما عدالت کنم الله پروردگار ما و پروردگار شما است اعمال ما از آن ما است ( نه از آن شما ) و اعمال شما از آن شما است ( نه از آن ما و هر جسی در مقابل کارهایش مسئول است ) میان ما و شما خصومت و مجادله ای نیست ( چرا که حق را بیان و آشکار کردم و ازین به بعد نیازی به جدال و استدلال نمی باشد ) خداوند ( سر انجام در قیامت دریکجا ) ما را جمع خواهد کرد و باز گشت ( همه در آن روز برای داوری و کساب و کتاب ) بسوی او است ( و هرکسی درود عقوبت کار که کشت .

پس بر مؤمنان لازمی هست که از فرامین الله ذوالجلال اطاعت و فرمان برداری نموده استقامت و پای مردی را در دین شان استوار بخشند تا اینکه به اجر و ثواب و فلاح و رستگاری ابدی دنیا و آخرت نائل شوند .

1 - هود : 112 .

2 - فصلت : 6 - 8 .

3 - الشوری : 15 .

مطلب ششم - اطاعت الله متعال و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) : الله ذوالجلال بنده گانش را امر فرموده به اطاعت و عبادتش که عبارت از التزام اوامر آن ذات پاک و اجتناب از نواهی آن ذات کبریائی میباشد، و همچنان امر نموده به اطاعت پیامبرش بلکه ملزم گردانیده اطاعت خودش را به اطاعت پیامبرش چرا که پیامبران بودند که رسالت و پیام الله جلّت عظمته را به بندگانش رسانیدند ، چنانچه الله متعال می فرماید { وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا }<sup>1</sup>

ترجمه : و کسی که از الله جل ذکره و پیامبر اطاعت کند همنشین کسانی خواهد بود که خداوند به ایشان نعمت داده است از پیغمبران و راستگویان و شهیدان و نیکوکاران و آنان چه اندازه دوستان خوبی هستند .

وقوله تعالی { مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا }<sup>2</sup>

ترجمه : هر که از پیغمبر اطاعت کند درحقیقت از الله جل شأنه اطاعت کرده است و هر که پشت کند ما شما را به عنوان مراقب و نگهبانان آنان نفرستاده ایم .

وقوله تعالی { وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا }<sup>3</sup>

ترجمه : چیزهایی را که پیغمبر برای شما آورده است اجرا کنید و از چیزهای که شمارا باز داشته است دست بکشید .

وقوله تعالی { وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا }<sup>4</sup>

ترجمه : اصلاً هر که از الله جلّت عظمته و پیامبرش فرمان برداری کند قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می یابد .

وقوله تعالی { تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ }<sup>5</sup>

ترجمه : این حدود خداوند است هر کس از الله جل ذکره و پیغمبرش اطاعت کند خداوند او را به باغهای وارد می کند که در آن رود بارها روان است و جاویدانه در آن می مانند و این پیروزی بزرگی است . درین آیه مبارکه اشاره شده به احکامی که در آیات قبلی ذکر شده آن تعلق می گیرد به احوال یتیمان ، زنان ، وصیت و میراث که این همه شرائع حدود است برای کسانی که مکلف می باشد و از حد آن تعدی و تجاوز کرده نمی توانند ، بلکه مطابق آنچه الله جل جلاله و پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) امر نمود خود را عیار می سازند ، و این امر باعث میشود که ایشان داخل بهشت شوند و از نعمت های فروان و زیبایی آن بهره مند شوند ،<sup>6</sup> اینست کامیابی و رستگاری واقعی و همیشه گی که نصیب شان گردید .<sup>7</sup>

<sup>1</sup> - النساء: 69 .

<sup>2</sup> - النساء: 80 .

<sup>3</sup> - الحشر : 7 .

<sup>4</sup> - الاحزاب : 71 .

<sup>5</sup> - النساء : 13 .

<sup>6</sup> - اندلسی ، ابوحنیان محمد بن یوسف ، (ت ، 745 هـ ) ، البحر المحيط فی التفسیر ، ( 3 / 550 ) ، تحقیق : شیخ زهیر جعید ، طبع جدید ، دار الفکر ، بیروت ، لبنان ، 1412 هـ - 1992 م .

<sup>7</sup> - مراغی ، محمد مصطفی ، تفسیر المراغی ، ( 2 / 2031 ) ، ط ، 1 ، مطبعة مصطفى طیبی ، مصر ، 1365 هـ - 1946 .

وقوله تعالى { إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ } \* وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ }<sup>1</sup>

ترجمه : مؤمنان هنگامی که به سوی الله جل و علا و پیغمبرش فرا خوانده شود تا میان آنان داوری کند سخنشان تنها این است که می گویند شنیدیم و اطاعت کردیم و رستگاران واقعی ایشانند \* و هر کس از الله جلّت عظمته و پیغمبرش اطاعت کند و از الله جل شأنه بترسد و از او بپرهیزد این چنین کسانی به مقصود خود رسیدگانند .

**مطلب هفتم - تقوی و پرهیزگاری :** اَلتَّقْوَى بِمَعْنَى پرهیزگاری ، ترس از خدا و عمل به فرامین او .<sup>2</sup>

تقوی آنقدر مرتبه بلند دارد که انسان مسلمان را به اوامر الله جل جلاله و نواهی آن ملزم می سازد ، و در تمام افعال و گفتار شان ذات اقدس الهی را مراقب و محافظ اعمال خویش می دانند ، این تقوی درحقیقت کشتی نجات هست که حاملین اش را در دنیا به فلاح و رستگاری سوق میدهد و در آخرت از خیر عظیم و گرامی برخوردار میشوند ، و این باعث میشود که انسان مؤمن و مسلمان از تمام گناهان و بدیها محفوظ و مصئون بمانند ، و ضامن سعادت و خوشبختی کامل و همه جانبه در دنیا و آخرت گردد ، در واقعیت امر تقوی حیثیت تکت سبز رنگ هست که صاحبش را به رضا و خوشنودی الله جل مجدده و جنت آن ذات کبریای می رساند ،<sup>3</sup>

<sup>3</sup> چنانچه الله متعال فرموده { أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخْوَفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ } \* الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ \* لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ }<sup>4</sup>

ترجمه : هان بی گمان دوستان خداوند سبحان ترسی برآنان (از خواری دردنا و عذاب در آخرت ) نیست و غمگین نمی گردند \* آنان کسانی اند که ایمان آورده اند و تقوا پیشه کرده اند \* برای آنان در دنیا به هنگام مرگ و در آخرت به هنگام رستاخیز بشارت است سخنان خداوند ( یعنی وعده هائی که خدا به پیغمبرانش مبنی بر پیروزی و سعادت دوجهان داده است ) تخلف ناپذیر است این رستگاری و کامیابی بزرگی است . الله ذوالجلال بندگان متقی و محبوب خویش را از هرنوع مصائب و مشکلات در پناه عصمت خود نگه میدارد ، و ایشان را در مقابل دشمنان و مخالفان شان کمک و همکاری می نماید ،<sup>5</sup> و اسباب فلاح و رستگاری را برای شان آسان می گرداند و ایشان را از وسائل نزدیک به لغزشها و گناهان محفوظ و مصئون میدارد چنانچه الله متعال فرموده { إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ }<sup>6</sup> ترجمه : بی گمان مرحمت و معونت خداوند همراه کسانی است که تقوا پیشه کنند (با دوری از نواهی خود را از خشم خدا به دور دارند ) و با کسانی است که نیکو کار باشند .

و مقربترین و مکرم ترین مردم نزد الله ذوالجلال با تقوی ترین ایشان است چنانچه الله متعال فرموده است { إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ }<sup>7</sup> ترجمه : بی گمان گرامی ترین شما نزد الله جلّت عظمته متقی ترین شما است

<sup>1</sup> - النور : 51 - 52 .

<sup>2</sup> - معلوف، لويس، المنجد، (2 / 1813)، مترجم: مصطفى رحيمي نيا.

<sup>3</sup> - عفيفي، طه، مفاتيح الجنة من الكتاب والسنة، (ص، 30) دار الاعتصام، قاهره .

<sup>4</sup> - يونس : 62 - 64 .

<sup>5</sup> - ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، (2 / 363).

<sup>6</sup> - النحل : 128 .

<sup>7</sup> - الحجرات : 13 .

است . پس برای هرانسان مؤمن و مسلمان لازمی است در تنفیذ اوامر الله جلّت عظمته مسارعت و عجله نماید ، در رأس همه کار های شان تقوی را قرار دهند که نور و روشنای می آورد ، و ایشان را به جنات که وعده داده شده اند می رساند ، <sup>1</sup> چنانچه الله جلّت عظمته فرموده { وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ \* وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْ يَبْلُغَ أَجَلَ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَرْتَدِفُونَ \* أُولَٰئِكَ جَزَاءُ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ }<sup>2</sup>

ترجمه : وبه سوی آمرزش پروردگارتان و بهشت بشتابید و بر همدیگر پیشی گیرید بهای آن همچون آسمانها و زمین است و چنین چیزی با ارزشی برای پرهیزگاران تهیه داده شده است \* آن کسانی که در حال خوشی و ناخوشی و ثروت مندی و تنگدستی به احسان و بذل و بخشش انفاق می نمایند و خشم خود را فرو می خورند و از مردم گذشت می کنند و الله جل شانه نیکو کاران دوست میدارد \* و کسانی که چون دچار گناه شدند یا بر خویشتن ستم کردند به یاد الله سبحانه و تعالی می افتند و آمرزش گناهانشان را خواستار می شوند - و بجز خدا کیست که گناهان را بیامرزد ؟ - و با علم و آگاهی بر چیزی که انجام داده اند پا فشاری نمی کنند \* آن چنان پرهیز گارانی که پادشایشان و آمرزش گناهان شان از سوی پروردگارشان است و باغهای بهشتی است که در زیر درختان آن جوی بارها روان است و جاودانه در آنجاها ماندگارند و این چه پاداشی نیک است که بهره ای کسانی می گردد که اهل عملند .

وقوله تعالی { لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ }<sup>3</sup>

ترجمه : ولی آنان که از (خشم) پروردگارشان (با انجام طاعات و ترک منهیات) می پرهیزند بهشت از آن ایشان است که در زیر درختان آن رودخانه ها روان است و جاودانه در آن می مانند و این به عنوان مهمانی و پذیرائی نخستین از جانب الله جلّت عظمته است و آنچه (از لذائذ روحانی و الطاف بیکران صمدانی) در پیشگاه الله جل جلاله برای نیکوکاران است .

از خلال این نصوص قرآنی دانسته می شود بعد ازین که دروازه های جنت باز می شود اولین کسانی که داخل جنت می شوند متقیان هستند .

1 - عقیفی ، طه ، مفاتیح الجنة من الكتاب والسنة ، (ص ، 33) دار الاعتصام ، قاهره .

2 - آل عمران : 133 - 136 .

3 - آل عمران : 198 .

**مطلب هشتم - صبر و شکیبایی : الصَّبْر (مص) بمعنای پایداری و بردباری .<sup>1</sup> الله سبحانه و تعالی در باب**

صابران می فرماید { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ }<sup>2</sup>

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید از شکیبایی و نماز کمک بگیرید یقیناً الله متعال با صبر کننده گان است (ویار و یاور ایشان است) . الله جلّت عظمته ایشان را کمک می نماید در انجام کارهای خیر و به آنچه که در امور زندگی شان مواجه میشوند و پوره پوره میدهد ایشان را جزا و پاداش شان را ، چنانچه الله متعال فرموده است { وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : و ما پاداش زیباترین اعمال شکیبایان را می دهیم (که ایستادگی برپیمان و وفای به عهد است) . شخص مؤمن و مسلمان اوامر الله جل شأنه را قبول دارد و مطابق آن عمل می نماید ، در مقابل هر آنچه که باو می رسد صبر و شکیبایی را اختیار می کند ، الله جلّت عظمته برای ایشان اجر و پاداش بزرگ عنایت می فرماید ، و ایشان مستحق نوید و بشارت قرار می گیرند از جانب پروردگارشان چنانچه می فرماید { وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ }<sup>4</sup> ترجمه : و مرزده بده به صبر کننده گان .

وقوله تعالی { وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهَوْ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ }<sup>5</sup> ترجمه : و اگر شکیبایی پیشه ساختید حتما صبر و شکیبایی برای صبرکننده گان بهتر خواهد بود .

و همچنان الله سبحانه و تعالی صابران دوست میدارد چنانچه فرموده است { وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ }<sup>6</sup>

ترجمه : و خداوند شکیبایان را دوست میدارد . الله جلّت عظمته برای ایشان اجر و پاداش چندین برابر را وعده نموده چنین می فرماید { أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا }<sup>7</sup>

ترجمه : آنان کسانی اند که دوبار اجر و پاداش شان داده میشود .

و همچنان الله جل نکره بوضاحت تمام بیان فرموده که اجر و پاداشی که برای صابران عطا میشود حد و اندازه ندارد و غیر محدود است ، بلکه آن موكول به فضل و احسان الهی است که هیچ حدود قیود ندارد ، چنانچه الله متعال فرموده است { إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ }<sup>8</sup>

ترجمه : قطعاً به شکیبایان اجر و پاداششان به تمام و کمال و بدون حساب داده می شود .

وقوله تعالی { إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ }<sup>9</sup>

ترجمه : من امروز بخاطر صبری که کرده اند و پایداری و استقامتی که نشان داده اند و پاداششان داده ام و آنان به مقصود رسیدگان و رستگارانند .

<sup>1</sup> - معلوف ، لويس ، المنجد ، ( 1 / 807 ) مترجم : مصطفى رحيمي نيا .

<sup>2</sup> - البقرة : 153 .

<sup>3</sup> - النحل : 96 .

<sup>4</sup> - البقرة : 155 .

<sup>5</sup> - النحل : 126 .

<sup>6</sup> - آل عمران : 146 .

<sup>7</sup> - القصص : 54 .

<sup>8</sup> - الزمر : 10 .

<sup>9</sup> - المؤمنون : 111 .

وقوله تعالى { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ }<sup>1</sup>  
 ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید شکیبایی ورزید و استقامت و پایداری کنید و مراقبت به عمل آورید و از  
 الله بترسید تا اینکه رستگار شوید .

الله سبحانه و تعالی درین آیات مبارکه مؤمنان را تشویق می نماید به کلمه { وَصَابِرُوا } آنچه که ایشان را به  
 فلاح و رستگاری و کامیابی و سعادت می رساند که آن عبارت از لزوم صبر است در تمام ادوار زندگی ، صبر  
 بمعنای حبس و کنترل کردن نفس از چیزهایی که کراهت دارد و خوشش نمی آید مانند ترک کردن معاصی  
 و نافرمانی ، صبر بر مصیبتها و تکالیف ، صبر بر اطاعت و عبادت الله جل مجده ، و عمل کردن به این اوامر  
 بر نفس انسانی بسیار ثقیل و سنگین است ، و طبیعت انسانی سهولت ها و سرگرمی ها را زیاد خوش دارد ،  
 و در عین زمان برای کسانی که حقیقت امور معلوم شود دنباله روی نفس ( أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ ) خویش نخواهد  
 رفت ، بلکه خود را مطابق امر الله جلت عظمته آماده می سازد و از صبر و شکیبایی تمام کار می گیرد ، در  
 نتیجه سعادت و شرافت و کرامت نصیب این قسم مردم نشیط و بیدار و با صبر و باحوصله می شود، از همه مهم  
 تر ایشان به رضا و خوشنودی الله جلت عظمته نائل می شوند.<sup>2</sup>

**مطلب نهم : امر بالمعروف ونهی عن المنکر :** المعروف بمعنای خیر ، احسان ، رزق و روزی . منکر (ج  
 منکرات و مناکر) بمعنای چیزی که رضای خدا در آن نباشد .<sup>3</sup> از همین خاطر الله ذوالجلال امت مسلمه را با  
 تمام قوت و حکمت امر فرموده به هر اسلوب که می توانند مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند ،  
 چنانچه تمام انبیاء کرام صلوات الله و سلامه علیهم امت شان را با کلام نیکو و نرم و ملایم دعوت و تبلیغ نمودند  
 و با اسلوب نیک امر بالمعروف و نهی عن المنکر کردند ، تا که تأثیری به سزائی داشته باشد و در قلبهای  
 ایشان تأثیرگذار باشد ،<sup>4</sup> چنانچه الله متعال فرموده است { الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ  
 مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا مَرْهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ  
 الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ  
 الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ }<sup>5</sup>

ترجمه : به ویژه رحمت الله سبحانه و تعالی اختصاص می یابد به کسانی که پیروی می کنند از فرستاده ای  
 خدا محمد مصطفی پیغمبر امی که در تورات و انجیل نگاشته می یابند او آنان را به کار نیک دستور میدهد  
 و از کار زشت باز میدارد و پاکیزه ها را برایشان حلال می کند و ناپاک ها را بر آنان حرام می گرداند و از  
 ایشان بار گران تکالیف دشوار شان را فرو می اندازد و زنجیر ها و بندها و یوغ ها را از (دست و پا و گردن)  
 ایشان به در می آورد که به آنها گرفتار بوده اند پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی  
 را یاری دهند و از نوری پیروی کنند که به همراه او نازل شده است بی گمان آنان کامیاب و رستگارند.

<sup>1</sup> - آل عمران : 200 .

<sup>2</sup> - اندلسی ، ابو حیان محمد بن یوسف ، البحر المحیط ، ( 3 / 485 ) .

<sup>3</sup> - معلوف ، لويس ، المنجد ، ( 2 / 1651 ) ، مترجم : مصطفی رحیمی نیا .

<sup>4</sup> - حجازی ، دكتور محمد محمود ، ( ت ، 1413 هـ ) ، التفسیر الواضح ، ( 4 / 41 ) ، ط ، 3 ، مطبعة الاستقلال الكبرى ، مصر ، 1396 هـ -  
 1979 م .

<sup>5</sup> - الاعراف : 157 .



الله ذوالجلال امت محمدی را یک امت بیدار گر توصیف نموده چنین می فرماید { كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ }<sup>1</sup>

ترجمه : شما بهترین امتی هستید که به سود انسان ها پدیدار شده اید مادامیکه امر به معروف ونهی از منکر می نمایید وبه الله سبحانه وتعالی ایمان دارید واگر اهل کتاب ایمان بیاورند برای ایشان بهتر است بعض از آنان با ایمانند وبیشتر ایشان فاسق هستند .

پس باید مؤمنان به این امر بسیار نشیط وبیدار باشند وباشوق وعلاقه این مسئولیت بزرگ را ادا نمایند تا اینکه یک اصلاحات عمومی درسرتاسر جهان اسلام قائم ودائم وثابت شود ، ومسلمانان با فکر آرام عبادت واطاعت پروردگارشان را بجا آورده وبه تمام احکام شرعی بوجه احسن عمل نمایند . چنانچه الله متعال فرموده است { وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ }<sup>2</sup>

ترجمه : مردان وزنان مؤمن برخی دوستان ویاوران برخی دیگرند همدیگر را به کار نیک می خوانند واز کار بد باز میدارند ونماز را چنان که باید می گزارند وزکات را می پردازند واز خدا وبیغمبرش فرمانبرداری می کنند ایشان کسانی اند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند یقینا الله جلت عظمته غالب باحکمت است .

پس هرکسی که شاهد یک منکر باشد وآن را منع نکند یا سکوت اختیار کند در حقیقت او شخص شریک همان منکر است ، بناءً بخاطر نجات از هرنوع بلاها ومصیبت ها ومشکلات باید ما مسلمانان به این فریضه ای مهم عمل نمائیم ، وبه اجر وثواب که در آخرت برای ما وعده داده شده نائل شویم وبه فلاح ورسنگاری همیشه گی برسیم ،<sup>3</sup> چنانچه الله فرموده است { وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند وامر به معروف ونهی از منکر نمایند وآنان خود رستگارانند .

مفسرین کرام این آیه مبارکه را دو تفسیر نمودند :

1 - بعض مفسرین می گویند حرف ( مِنْ ) که درین آیه بیان شده بمعنای بیان است واین امر شامل میشود تمام امت مسلمه را که امر به معروف ونهی از منکر کنند .

2 - جمهور مفسرین باین نظر هستند که حرف ( مِنْ ) تبعیضیه است ، اگر بعض افراد امت امر به معروف ونهی از منکر کنند از ذمه ای دیگران ساقط میشود ، واین مسأله تعلق می گیرد به فرض کفائی ، الله ذوالجلال امت مسلمه را به اسلوب صریح مخاطب قرار داده فرموده شما یک امت بانظم باوقار ، بامحبت و صمیمی ، ومتحد ومتفق باشید از هیچ کسی هراس نداشته باشید واز هیچ چیزی نترسید .<sup>5</sup> واین قسم مردم

1 - آل عمران : 110 .

2 - التوبة: 71 .

3 - حوی ، سعید ، الأساس فی التفسیر ، ( 2 / 848 ) .

4 - آل عمران : 104 .

5 - حوی ، سعید ، الأساس فی التفسیر ، ( 2 / 849 ) .

می تواند دعوت الی الخیر و امر به معروف و نهی از منکر کنند ، و درد ورنج امت را مداوا نمایند و بیرق حق و عدالت را به اهتزاز در آورند ، دعوت الی الخیر دعوت بسوی کتاب و سنت نمایند .  
 دکتر حجازی معروف و منکر را چه خوب تفسیر نموده : معروف چیزی هست که شریعت آنرا خوب و زیبا و مستحسن بداند ، یا آنچه که موافق کتاب و سنت باشد ، یا اطاعت و فرمانبرداری از احکام الهی ، یا عمل کردن بآنچه که فرض ، واجب ، سنت ، مندوب و مباح است .  
 منکر آنچه که از دید گاه شریعت قبیح و بد باشد ، یا آنچه که مخالف کتاب و سنت باشد ، یا آنچه که مکروه و حرام باشد ، کسانی که به این صفات ذمیمه و رذیله مبتلا شد خود را خوار و ذلیل دنیا و آخرت می گرداند ، اما کسانی که از این صفات قبیح و بد دوری اختیار کردند ، پس این گروه در دنیا و آخرت از زمره ای کامیابان و رستگاران هستند و سعادت و نیک بختی همیشه گی نصیب ایشان خواهد شد .<sup>1</sup>

**مطلب دهم- اجتناب از شرک :** شرک فزیع ترین و بدترین عمل هست که بشر به آن گرفتاری باشد ، شرک بمعنای دادن حق خالق حقیقی را به غیرش و اعطای حق ربوبیت را به کسی که مستحق آن نیست و تقدیم انواع عبادات را به چیزهایی که اهلیت آنرا ندارند ، باین طریق بپیروی کردن از مجتمع حلقات انحرافی گمراه کن قلب خویش را پریشان کرده و به هر طرف بخاطر معبودش روان است و در تلاش انواع معبودان می باشد مانند سنگ ، درخت ، انسان و غیره ، نه به آنها نفع می رساند و نه زیان ،<sup>2</sup> روی این فجایع هست که الله نوالجلال انسانها را شدیداً از واقع شدن در شرک منع فرموده و ایشان را تشویق به توحید و یکتا پرستی نموده چنین می فرماید { **وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا** }<sup>3</sup>

ترجمه : تنها الله جل شأنه را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او مکنید و نیکی کنید به والدین خویشاوندان ، یتیمان ، درماندگان ، همسایگان خویشاوند ، همسایگان بی گانه ، مسافران ، غلامان و کنیزان یقیناً الله متعال دوست نمی دارد کسی را که خودخواه و فخر فروش باشد .

وقوله تعالی { **فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ** }<sup>4</sup>

ترجمه : پس شرکاء و همانندهایی برای الله جلّت عظمته به وجود نیاورید درحالی که شما می دانید .

وقوله تعالی { **قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبٌ** }<sup>5</sup>

ترجمه : بگو من تنها و تنها مامورم که الله سبحانه و تعالی را بپرستم و شریکی برای او نسازم من مردم را بسوی او می خوانم و باز گشت من بسوی اوست .

و کسی که به الله جلّت عظمته شریک مقرر می کند به تحقیق گمراه شده دور و دراز چنانچه الله متعال می فرماید { **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا** }<sup>1</sup>

<sup>1</sup> - حجازی ، التفسیر الواضح ، ( 4 / 11 ) .

<sup>2</sup> - حوی ، سعید ، المستخلص فی تذکرة النفوس ، ( ص ، 188 ) ط ، 1 ، دار الارقم ، عمان ، 1403 هـ - 1983 م .

<sup>3</sup> - النساء : 36 .

<sup>4</sup> - البقرة : 22 .

<sup>5</sup> - الرعد : 36 .

ترجمه : بی گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی آمرزد بلکه پایین تر از آن را از هر کسی که خواهد می بخشد هرکه برای خداوند انباز بگیرد به راستی گمراه دور دراز گشته است .

وقوله تعالی { إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ }<sup>2</sup>

ترجمه : بی گمان هرکس به الله جل جلاله شریک قرار دهد الله جلالت عظمت بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاه او آتش دوزخ است و ستمکاران یار و یاور ندارند .

وصیت لقمان حکیم درباره شرک به پسرش و قتیکه او را اندرز می داد . قوله تعالی { يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ }<sup>3</sup>

ترجمه : پسر عزیزم به الله جل شأنه شریک مقرر مکن واقعا شرک ستم بزرگی است .  
وقوله تعالی { وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : چه کسی گمراه تر از کسی است که افرادی را به فریاد بخواند و پرستش کند که تا روز قیامت پاسخش نمی گوید و اصلاً آنان از پرستش گران و به فریاد کننده گان غافل و بی خبرند .

و در فردای قیامت از عبادت ایشان کاملاً برائت بیزاری می جویند چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است { فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ غَافِلِينَ }<sup>5</sup>

ترجمه : همین بس که خدا میان ما و شما گواه است که ما بدون شک از عبادت شما بی خبر بوده ایم .  
و هم چنان الله متعال فرموده است { قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ }<sup>6</sup>

ترجمه : بگو من باز داشته شده ام از این که معبود های را به جز الله بپرستم که شما آنها را به فریاد می خوانید از آن زمانی که آیات روشن و دلایل آشکاری از جانب پروردگار برآید آمده است و به من فرمان داده شده است که خاشعانه و خاضعانه تسلیم پروردگار جهانیان گردم .

و همچنان پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) امت را از شرک بر حذر داشته می فرماید عن ابی موسی الاشعری (رضی الله عنه) ( قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) «إِتَّقُوا هَذَا الشِّرْكَ فَإِنَّهُ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ فَيُقِيلُ لَهُ كَيْفَ نَتَّقِيهِ وَهُوَ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ قَوْلُوا أَلَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئاً نَعْلَمُهُ وَنَسْتَعْفِرُكَ لِمَا لَا نَعْلَمُهُ »<sup>7</sup>

ترجمه : پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) می فرماید بترسید از شرک که او مخفی تر و پوشیده تر است از مورچه کوچک که در تاریکی شب راه می رود ، گفته شد چگونه از او نجات پیدا کنیم ، و قتیکه او این قدر مخفی بوده باشد یا رسول الله فرمودند این دعا را بخوانید ،

یا الله ما پناه می بریم به کمک تو و طلب آمرزش می خواهیم از تو اینکه چیزی را به تو دانسته یاندانسته شریک مقرر کنیم . و همچنان شرک از بزرگترین گناهان کبیره است چنانچه در حدیث آمده است

1 - النساء : 116 .

2 - المائدة : 72 .

3 - لقمان : 13 .

4 - الاحقاف : 5 .

5 - یونس : 29 .

6 - غافر : 66 .

7 - مسند احمد ، ( ح ، 16606 ) ، ( 383 / 3 ) ، امام شعبان ارنوط گفت این حدیث صحیح است .

عن عبدالرحمن بن ابی بکره عن ابیه رضی الله عنه قال قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) « أَلَا أُنبئُکم بِأكْبَرِ الکبائرِ ؟ قُلْنَا بَلَى یارسولَ الله قال الإِشْرَاکُ بِاللَّهِ ، وَعُقُوقُ الوَالِدِینِ ...»<sup>1</sup> ترجمه : از حضرت عبد الرحمن بن ابی بکره روایت است از پدرش روایت کرده که رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) فرمود آیا شما را خبر ندهم به بزرگترین گناهان ؟ گفتیم چرا نه ! فرمود بزرگترین گناه شرک نمودن به الله جل شأنه ، ونافرمانی والدین است . نبی اکرم (صلی الله علیه وسلم) شرک را از کلان ترین گناهان کبیره شمرده چرا که شرک عواقب خطرناک و ترسناک و تاریکی های متراکم و پرده های متلاطم دارد که بعضی آن بالای بعضش قرار دارد ، وبنده را مخلوق بنده می سازد وحتا بعضی اشیاء را معبود خود قرار میدهند که انسان از گرفتن نام آن شرم و حیا اش می آید چه جای که آنها را معبود خود قرار بدهند ،

این همه بدبختیها و نابسامانیها سرچشمه می گیرد از غفلت که مادر همه مرضها می باشد ، وانسان را از داشتن عقیده راسخ به پرور دگارش واز انجام اعمال صالحه باز میدارد ،<sup>2</sup> چنانچه الله متعال فرموده است { فَمَنْ كَانَ یَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا یُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا }<sup>3</sup>

ترجمه : پس هرکس که خواهان دیدار پرور دگارخویش است باید که کار شایسته کند ودرپرستش پروردگارش هیچ کسی را شریک نسازد .

مفسرین کرام در شأن نزول این آیه مبارکه روایات متعدد را بیان فرمودند .

1 – ابن عباس (رضی الله عنهما) فرمودند: این آیه مبارکه در باره جندب بن زهیر عامری نازل شده ، او نزد رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) آمد و عرض کرد من بخاطر رضای الله جل ذکره کارهای خیر را انجام میدهم ، اما وقتیکه مردم ازان باخبر شوند مرا تعریف نمایند من را بسیار خوشحال می سازد، در جوابش رسول معظم اسلام فرمود ند « إِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی لَا یَقْبَلُ إِلَّا طَیِّبًا وَلَا یَقْبَلُ مَا رُوئِیَ فِیهِ »<sup>4</sup>

ترجمه : یقینا الله متعال ذات پاک است قبول نمی کند مگر عمل پاک را و هرگز قبول نمی کند عمل را که در آن ریا و سمعه وجود داشته باشد .

2 – طاوس بن کیسان (رحمه الله) می فرماید :<sup>5</sup> مردی نزد رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) آمد عرض کرد ، من جهاد در راه الله جل و علا را دوست دارم اما خوش دارم مردم من را صفت کنند و مکان و منزلت من در دنیا یی برایم داده شود ، آیه مبارکه فوق درباره آن شخص نازل شد .

3 – مجاهد بن جبر (رحمه الله) می فرماید : شخصی نزد رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) آمد وگفت من صدقه و خیرات می کنم و با خویش و اقارب خود از راه نیکو وصله رحم پیش می آیم همه این کار ها را بخاطر رضای الله جلت عظمته انجام میدهم ، اما وقتیکه در سر زبان ها از من یاد کرده میشود بسیار خوشحال میشوم و شگفت زده می گردم ، پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) سکوت را اختیار نمودند تا اینکه این آیه مبارکه فوق شرف نزول یافت .<sup>6</sup>

<sup>1</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الادب ، باب عقوق الوالدین من الکبائر ( ح ، 5976 ) ، ( ص ، 1102 ) .

<sup>2</sup> - الحاج ، شیخ خالد محمدعلی ، مصرع الشکر والخرافات ، ( ص ، 174 ) ، ط ، 1 ، مطبوعات ادارة الشؤون الدینیة ، قطر ، 1398 هـ - 1978

<sup>3</sup> - الکهف : 110 .

<sup>4</sup> - سنن ترمذی ، ( ح ، 2989 ) ، ( 5 / 220 ) ، شیخ البانی این حدیث را حسن گفته .

<sup>5</sup> - ابو عبد الرحمن طاوس بن کیسان یمانی ، حمیری ، فارسی ، واسم پدر شان ذکوان هم گفته شده ، یکی از موالی بود، وایشان فقیه، فاضل بود ودر سنه 106 وفات نموده است ، تقریب التهذیب ، ( ص ، 281 ) .

<sup>6</sup> - سیوطی ، لباب النقول فی اسباب النزول ، ( ص ، 287 ) ، . نیسابوری ، اسباب النزول ، ( ص ، 230 ) .

درین آیه مبارکه الله جلّت عظمته پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) را امر نموده برای مردم بگوید بعد ازین که واضح شد که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بشر بوده و ادعای احاطه کلمات الله جل شأنه را ندارد ، بلکه ازین کلمات الهی بسوی ایشان وحی کرده میشود توسط جبرئیل امین ، و این درحقیقت جواب دندان شکن بر کسانی هست که می گویند پیامبر از نور آفریده شده و از علم غیب آگاهی دارد ، این درحالیست که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) دستور داده شده اند به مردم خبر دهد که یگانه ذات که لایق عبادت و پرستش است الله جلّت عظمته می باشد ، آن ذات که درتمام اوامر و احکام الوهیت خویش هیچ شریک و هم مثل و هم مانند ندارد ، پس هرکسی که امیدوار ملاقات و دیدار رحمت پروردگارش است ، پس با اخلاص کامل اعمال صالحه ای را انجام دهد که از هر نوع شرکیات دور بوده باشد ، چنانچه سعید بن جبیر می فرماید هرکسی که امید اجر و ثواب دارد پس به الله جل شأنه هیچ چیز را شریک مقرر نکند برابر است که شرک جلی باشد یا شرک خفی .<sup>1</sup>

**مطلب یازدهم - اجتناب از ظلم :** ظلم سبب تاریکی های روز قیامت است ، بهمین خاطر الله ذوالجلال ظلم را حرام گردانیده و مسلمانان را از واقع شدن در آن بطور قطع و جزم منع فرموده و انسان ظالم و ستم گار را به عذاب شدید در دنیا و آخرت وعید نموده است ، چنانچه الله متعال می فرماید: { وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ \* مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْنَدْتَهُمْ هَوَاءً \* وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا آخِرْنَا إِلَىٰ آجَلٍ قَرِيبٍ نَحْبُ دَعْوَتِكَ وَتَنَبُّعِ الرَّسُولِ أَوْلَمَ تَكُونُوا أَفْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ \* }<sup>2</sup>

ترجمه : (ای پیغمبر) گمان مبر که خداوند از کارهایی که ستمگران می کنند بی خبر است (نه ، بلکه مجازات آنان را به روزی مهلت میدهد که چشمها در آن ( از خوف هراس چیزهای که می بینند ) باز می ماند \* ) ستم گران همچون اسیران از هراس ( سرهای خود را بالا گرفته و یک راست ( به سوی ندا دهنده ) می شتابند وچشمانشان ( از مشاهده این همه عذاب هراسناک ) فرو بسته نمی شود و دلپایشان (فرومی تپد و از عقل و فهم اندیشه ) تهی می گردد \* و مردمان را بترسان از روزی که عذاب به سراغ شان می آید و ستم کاران ( و ظالمانی که با کفر و معصیت به خود و دیگران ظلم نموده اند ) می گویند پروردگارا ! ( ما را به دنیا بر گردان و اندک ) روز گاری به ما مهلت ده تا دعوت (به یکتا پرستی ) تو را پاسخ گفته و از پیغمبرانت پیروی نمائیم ) و جبران ما فات بنماییم اما کار از کار گذشته و دیگر برگشتی به دنیا نیست و پاسخ می شنوند که ( مگر شما قبلاً در جهان سوگند نخوردید که ( دنیا را پایانی و ) شما را زوالی نیست .

وقوله تعالى { وَلَمَنِ اتَّصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ \* إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ }<sup>3</sup>

ترجمه : بر کسانی که پس از ستمی که بر آنان شده است انتقام می گیرند عتاب و عقاب نیست \* بلکه عتاب و عقاب متوجه کسانی است که به مردم ستم می کنند و در زمین به ناحق سرکشی می نمایند چنین کسانی دارای عذاب در آور و دردناکی هستند .

1 - سمر قندی ، بحر العلوم ، ( 2 / 315 ) . منصورى ، المقطف من عيون التفسير ، ( 3 / 287 ) .

2 - ابراهيم : 42- 44 .

3 - الشورى : 41- 42 .

وقوله تعالى { ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ }<sup>1</sup>

ترجمه : سپس به ستمکاران میگویند عذاب جاوید و همیشه گی را بچشید آیا جز در برابر چیزهایی که کرده اید کیفر داده می شوید .

و همچنان رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) در حدیثی مردم را از دعای مظلوم بر حذر داشته می فرماید عن ابن عباس (رضی الله عنهما) أَنَّ النَّبِيَّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) بَعَثَ مُعَاذًا إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ «إِتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ»<sup>2</sup>

ترجمه : از ابن عباس روایت است که نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) معاذ (رضی الله عنه) را به یمن فرستاد و برایش توصیه فرمود که از دعای شخص مظلوم ترس و هراس داشته باشد چرا که بین اجابت دعای او و بین الله ذوالجلال هیچ پرده و مانع وجود ندارد .

همه ای این آیات و احادیث دلالت می کند به وخیم بودن عاقبت ظلم و آثار خراب کارانه ای آن ، پس باید هر انسان مؤمن و مسلمان در برابر ظلم ایستاده شود و خود را از آن محفوظ بدارد ، اگر شخص مرتکب ظلم و ستم گردد باز به الله جلّت عظمته رجوع می کند الله جل شأنه ذات مهربان است توبه ای بنده اش را می پذیرد چنانچه الله متعال فرموده است { فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ }<sup>3</sup> ترجمه : اما کسی که پس از ارتکاب ستم پشیمان شود و توبه کند و به اصلاح پردازد خداوند توبه او را می پذیرد بی گمان خداوند بس آمرزنده و مهربان است .

و همچنان الله جلّت عظمته وعده ای دفاع و کمک نموده برای کسانی که مورد ظلم و ستم قرار گرفتند و مظلوم واقع شدند و ایشان از صبر و شکیبایی کار گرفتند چنانچه می فرماید { إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ حَوَّانٍ كَفُورٍ \* أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ }<sup>4</sup> ترجمه : خداوند دفاع می کند از مؤمنان چرا که مسلماً خداوند خیانت پیشگان کافر را دوست نمی دارد \* اجازه به کسانی داده میشود که به آنان جنگ تحمیل می گردد چرا که به ایشان ستم شده است و خداوند توانا است بر این که ایشان را پیروز گرداند .

وقوله تعالى { وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآجِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ }<sup>5</sup>

ترجمه : کسانی که برای الله جل شأنه هجرت کردند پس از آن که مورد ظلم و ستم قرار گرفتند در این دنیا جایگاه و پایگاه خوبی به آنان میدهم و پاداش اخروی شان بزرگتر است اگر بدانند .

الله سبحانه و تعالی درین آیه مبارکه خبر میدهد از فضل و مقام مؤمنان که در راه الله جل شأنه هجرت کردند و مورد ابتلا و آزمایش قرار گرفتند چنانچه فرموده است { مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا } بعد از اینکه ایشان از طرف قوم شان مورد ظلم و ستم و شکنجه قرار گرفتند بخاطریکه دین مبین اسلام را رها کرده به شرک و کفر باز گردند ، اما ایشان بخاطر حفاظت از دین شان وطن و خانه و کاشانه خویش را ترک نمودند ، تا که رضا و خوشنودی

1 - یونس : 52 .

2 - صحیح البخاری ، کتاب المظالم والغصب ، باب الاتقاء والحذر من دعوة المظلوم ، ( ح ، 2448 ) ، ( ص ، 442 ) .

3 - المائدة : 39 .

4 - الحج : 38 - 39 .

5 - النحل : 41 .

پروردگار شان را حاصل نمایند ، <sup>1</sup> همین جاست که الله جلّت عظمته برای ایشان دو اجر و ثواب وعده فرموده است : 1 - اجر و ثواب عاجل که در دنیا برای شان داده میشود چنانچه الله متعال فرموده است { لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً } اجر و پاداش نیکوی که برای مؤمنان مهاجر داده میشود عیش و زندگی خوب و مرفه است و غنائم بی شمار نصیب شان می گردد، و همچنان ایشان کمک کرده میشوند بر علیه مشرکان و باطل پرستان و کسانی که بخاطر تضعیف دین کار می کنند . 2 - اجر و ثواب که در آخرت برای شان داده میشود چنانچه فرموده است { وَلَا جُرْأُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ } البته اجر و پاداش آخرت کلانتر و بزرگتر است چراکه برای ایشان انواع نعمت ها و خوشیها داده میشود که بطور مؤبدی و همیشه گی است ، از بوستانها شروع تا دیدار ذات اقدس الهی ، و این همه دلالت می کند به فضیلت و جایگاه عظیم و بزرگ که نزد پروردگار شان دارند .<sup>2</sup>

**مطلب دوازدهم - اجتناب از فساد :** یقیناً فساد جرم عظیم و بزرگ و خطرناکی هست که الله ذوالجلال انسان را بطور قاطع ازان منع فرموده چنین می فرماید { وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ }<sup>3</sup>

ترجمه : در زمین بعد از اصلاح آن فساد و تباهی مکنید و الله جل مجده را بیمناکانه و امیدوارانه به فریاد بخوانید بی گمان رحمت الله جل مجده به نیکو کاران نزدیک است .

وقوله تعالی { وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ \* الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : و از فرمان اسراف کننده گان فرمان برداری مکنید \* آن کسانی که در زمین تباهی می نمایند و اصلاح نمی کنند . فساد در حقیقت صفات منافقین است کسانی که در ظاهر خود را اصلاح کننده می دانند اما در باطن فساد پیشه گان واقعی ایشان هستند ، چنانچه الله متعال فرموده است { وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ \* أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ }<sup>5</sup>

ترجمه : هنگامیکه به ایشان گفته شود در زمین فساد و تباهی نکنید گویند ما اصلاحگران بیش نیستیم \* هان ایشان بی گمان فسادکنندگان و تباهی پیشگانند و لیکن پی نمی برند .

وقوله تعالی { كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ }<sup>6</sup>

ترجمه : آنان هر زمانیکه آتش جنگی افروخته باشند خداوند آنها را خاموش ساخته است آنان بخاطر ایجاد فساد در زمین می کوشند و خداوند مفسدان و تباهکاران را دوست نمی دارد .

وقوله تعالی { وَلَا تَتَّبِعِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ }<sup>7</sup>

ترجمه : و در زمین تباهی مجوی که خداوند تباهکاران را دوست نمی دارد .

وقوله تعالی { تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ }<sup>8</sup>

1 - سعدی ، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر الکلام المنان ، ( ص ، 419 ) .

2 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 2 / 491 ) .

3 - الاعراف : 56 .

4 - الشعراء : 151 - 152 .

5 - البقرة : 11 - 12 .

6 - المائدة : 64 .

7 - القصص : 77 .

8 - القصص : 83 .

ترجمه : ما آن سرای آخرت را تنها بهره کسانی می گردانیم که در زمین خواهان تکبر و استکبار نیستند و فساد و تباهی نمی جویند و عاقبت از آن پرهیزگاران است .

این آیه مبارکه را حضرت علی (رضی الله عنه) تفسیر عملی نمودند ، که ایشان به تنهای به بازار می رفتند گمشده ای را رهنمایی می کردند و ضعفا را کمک می نمودند ، و به دست فروشان و دکان داران مرور می کردند و قرآن کریم را باز نموده به ایشان این آیه مبارکه را قرائت می نمودند ، و می گفتند این آیه مبارکه در باره ای کسانی نازل شده که اصل عدل و انصاف و تواضع و عاجزی را با زیر دست شان با وجود قدرت و توانائی که دارند مراعات می نمایند ،<sup>1</sup> و همچنان حضرت علی کرم الله وجهه می فرماید : در تحت فساد و تکبر شامل است کسانی که به قصد تکبر و غرور در مقابل برادرش لباس های زیبا و بوت های قیمتی می پوشد ، اما انسانهای متقی و پرهیز گار خود را ازین قسم صفات ذمیمه نگه میدارند و ایشان از هر قسم تکبر و فساد اجتناب می ورزند ، و از هر نوع اعمال که سبب ناخوشنودی الله جلت عظمته می شود پرهیز می نمایند .<sup>2</sup>

این بود اسباب وقایه از غفلت که بطور مفصل ، واضح و روشن بیان شد امید است که برای همه سودمند و نفع مند واقع شود .

## مبحث دوم : علاج غفلت

**مطلب اول - تلاوت قرآن عظیم الشان با تدبر :** نزول قرآن مجید بخاطر هدایت و بیان و رحمت و شفا برای قلبهای مردم است ، و همچنان رهنمایی می کند به طرق و راه هایی که نور و روشنائی می آورد برای علاج غفلت ، چنانچه الله متعال فرموده است { **قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ** } .<sup>3</sup> ترجمه : بگو قرآن برای مؤمنان مایه ای رهنمای و بهبودی و شفا است .

وقوله تعالی { **يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ** }<sup>4</sup> ترجمه : ای مردمان از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی و درمانی برای چیزهایی که در سینه ها است آمده است و هدایت و رحمت برای مؤمنان است .

وقوله تعالی { **وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ** }<sup>5</sup>

ترجمه : ما آیاتی از قرآن را فرو می فرستیم که مایه بهبودی و رحمت برای مؤمنان است .  
امام ابن کثیر (رحمه الله) و جمهور مفسرین می گویند که حرف ( مِنْ ) درین آیه مبارکه برای بیان جنس آمده ، باین معنا که قرآن کریم شفا است برای تمام امراض چه مرض روحی باشد یا مرض جسمی ، قسمیکه

1 - سیوطی ، امام جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر ، ( ت ، 911 هـ ) ، الدرر المنثور فی التفسیر المأثور ، ( 6 / 444 ) ، ط ، 2 ، دارالفکر ، بیروت ، لبنان ، 1414 هـ - 1993 م .

2 - خلوتی ، شیخ اسماعیل بن حقی بن مصطفی ، ( ت ، 1127 هـ ) ، روح البیان فی تفسیر القرآن ، ( 6 / 467 ) ، ط ، 1 ، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، لبنان ، 1424 هـ - 2003 م .

3 - فصلت : 44 .

4 - یونس : 57 .

5 - الاسراء : 82 .



در آیات قبلی هم بیان شد ، قرآن کریم کتاب مبارکی هست که بر تمام انواع مرضها شفا است چه مرض شک و تردید باشد چه مرض جهل و نادانی باشد چه مرض شقاق و نفاق و کفروریا و غفلت بوده باشد ، الله سبحانه و تعالی کتاب مقدس و بابرکت را برای هدایت و رهنمائی بشر از آسمان نازل فرموده که برای علاج غفلت بسیار مؤثر بوده و بشر را ازین مرض مهلک و خطرناک نجات داده ، و راه و طریق سعادت و بیداری را برایش هموار می سازد ، تا بتواند ازین گودال بدبختی صحیح و سالم بدر آید ، <sup>1</sup> اولین مرحله که انسان به غفلت روی می آورد از طریق نسیان و فراموشی هست ، بدون اینکه آگاه شود از آن عبور می کند و گام اولی خود را در بام غفلت می گذارد و در پرتگاه هلاکت خود را می اندازد ، <sup>2</sup> و بهترین و مؤثرترین علاج آن تلاوت قرآن عظیم الشان با تدبیر است چنانچه الله متعال فرموده است { كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ }<sup>3</sup>

ترجمه : کتاب پر خیر و برکتی است که آنرا برای تو فرو فرستاده ایم تا در باره آیه هایش بیندیشند و خرد مندانه پند گیرند . درین آیه مبارکه کلمه ( لِيَدَّبَّرُوا ) بیان شده ، از ماده (دبر) گرفته شده است بمعنای انتها و آخر و حقیقت یک شی را گویند ، تدبیر و قصد نمودن به عواقب امور محوله که بدوش انسان گذاشته شده است ، <sup>4</sup> در قرآن کریم ( تَدَبَّر ) افاده دو معنی را می کند :

1 - تأمل کردن دلالت تفصیلی آیات بر مقاصد و ارشادات آن .

2 - تأمل نمودن به بلاغت قرآن کریم که او از نزد الله جلّت عظمته می باشد .<sup>5</sup>

و قوله تعالی { أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا }<sup>6</sup>

ترجمه : آیا درباره قرآن نمی اندیشند و اگر از سوی غیر خدا می بود در آن تناقضات و اختلافات فروانی پیدا می کردند .

و قوله تعالی { أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا }<sup>7</sup>

ترجمه : آیا در باره قرآن نمی اندیشند ( و مطالب و نکات آنرا بر رسی و واری نمی کنند ) یا اینکه بردلهای ایشان قفلهای ویژه زده شده است . درین آیه مبارکه الله جلّت عظمته بنده گانش را به تدبیر و فهم قرآن کریم امر و دستور مید هد و از اعراض کردن آن منع می فرماید ، چرا که قلبهای که قفل زده شده باشد بر آن هیچ تأثیری ندارد ، در حالیکه معانی قرآن عظیم الشان آن قدر سلیس و آسان و شیرین هست که بمانند ابری که بارانش همه جا را فرا گرفته باشد ، چنانچه از حضرت هشام بن عروه عن ابیه ( رضی الله عنهما ) روایت است یک روز رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم ) آیه مبارکه { أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا }<sup>8</sup> را تلاوت نمودند ، یک نوجوان از اهل یمن گفت ! بلکه آنان کسانی هستند که بر قلبهایشان قفل زده شده با شد ، تا اینکه الله ذوالجلال بر آن قبلها فراخی آورده و آنها را بگشاید ، و این نوجوان همیشه در قلب سیدنا عمر

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 3 / 56 ) .

<sup>2</sup> - ابن القیم الجوزی ، الجواب الکافی ، ( ص ، 21 ) .

<sup>3</sup> - ص : 29 .

<sup>4</sup> - فیروز آبادی ، القاموس المحیط ، ( ص ، 351 ) .

<sup>5</sup> - ابن عاشور ، التحریر و التتویر ، ( 5 / 137 ) .

<sup>6</sup> - النساء : 82 .

<sup>7</sup> - محمد : 24 .

<sup>8</sup> - محمد : 24 .

فاروق (رضی الله عنه) قرار داشت، تا اینکه در زمان خلافت شان وی را یکی از والیان خویش تعیین کردند و از خدمات و کارنامه‌ها پیش راضی بودند.<sup>1</sup>

**مطلب دوم - علم و معرفت :** علم در لغت ضد جهل است بمعنای درک نمودن و معرفت حاصل کردن به یک چیز بطور قطع و جزم<sup>2</sup> و در اصطلاح صفتی هست که مطلوب بطور کامل انکشاف می نماید، و مقصود آن معرفت الله جل شأنه و پیامبران و شناخت دین مبین اسلام با دلایل واضح و روشن است، اهمیت علم و جایگاه آن در راستای اصلاح قلبها و زدودن غفلت بسیار مهم و ضروری است، هرگاه الله ذوالجلال پیامبر گرامی (صلی الله علیه و سلم) را مخاطب قرار داده فرموده بگو برای کسانی که اهل علم و خرد هستند و در اطاعت و عبادت پروردگار شان و در طلب علم بسر می برند، نزد الله ذوالجلال دارای درجات رفیع و بلندی هستند و اما کسانی که عصیان و نافرمانی می کنند سخت عذاب می شوند، البته به آیات و نشانه‌های الله جلت عظمته کسانی پند و اندرز می گیرند که دارای علم و عقل و فهم و درک هستند نه آنانیک جاهل و غافل هستند،<sup>3</sup> چنانچه الله متعال فرموده است { قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ }<sup>4</sup> ترجمه: بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابر و یکسانند؟ هرگز. تنها خردمندان پند و اندرز می گیرند. این آیه مبارکه دلالت می کند به پند گرفتن آن کسی که شرک را از توحید و جهالت را از درایت و غفلت را از نشاطی و بیداری تفکیک می نماید و صاحب عقل سلیم و درک سالم است،<sup>5</sup> قابل ذکر است الفاظ (تَذَكَّرْ وَذَكَرْ) هر دو نقیض و ضد نسیان و فراموشی و غفلت می باشد، و بمعنای ضبط و حفظ امور می آید که برای انسان انجام دادن آن واجبی و ضروری است، مراد از علم درین آیه مبارکه علوم شرعی و جزائی می باشد با اسرار و حکمت های که در آن نهفته است، با صراحت تمام الله ذوالجلال فرموده کسانی که جاهل و غافل هستند هیچ گاهی با اهل علم و خرد برابر نیستند چنانچه که شب و روز، روشنی و تاریکی، آب و آتش برابر نیستند.<sup>6</sup> و همچنان الله ذوالجلال انسان جاهل و غافل را با کور تشبیه داده است چنین فرموده است { أَفَمَنْ يَعْلَمُ إِنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ }<sup>7</sup> ترجمه: پس آیا کسی که می داند که آنچه از طرف پروردگارت نازل شده است حق است همانند کسی خواهد بود که نابینا است؟ تنها خردمندان درک می کنند.

و همچنان الله متعال بلند کرده درجات آن مؤمنان را که علم داده شدند چنانچه فرموده است { يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ }<sup>8</sup> ترجمه: اگر چنین کنید خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و بهره از علم دارند درجات بزرگی می بخشد خداوند از آنچه می کنید بس آگاه و باخبر است.

1 - ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (4 / 153).

2 - معلوف، لويس، المنجد، (1 / 1031)، مترجم: مصطفى رحیمی نیا.

3 - الجزائری، ابوبکر جابر، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، ط 2، المكتبة العصرية، بیروت، 1422 هـ - 2001 م.

4 - الزمر: 9.

5 - ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (4 / 42).

6 - سعدی، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، (1 / 720).

7 - الرعد: 19.

8 - المجادلة: 11.

و همچنان الله متعال خیر کثیر را نصیب آنان می گرداند که فقاہت در دین حاصل نمایند چنانچه در حدیث آمده است عن معاویة (رضی الله عنه) عن النبی (صلی الله علیه وسلم) «أَنَّ قَالَ «مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ»<sup>1</sup> ترجمه: از حضرت معاویه روایت است از نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده که فرمود برای کسی که الله سبحانه و تعالی خیر را بخواهد او را فقیه در دین می گرداند. و همچنان درباره فضیلت علم و اهمیت آن آثار زیاد بیان شده چنانچه در حدیث پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) فرموده است عن ابی الدرداء (رضی الله عنه) قال «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لَطَالِبِ الْعِلْمِ وَإِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لِعَالِمٍ مِّنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَتَّىٰ الْحَيْثَانِ فِي الْمَاءِ وَفَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ هُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ أَمْ يَرِثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا وَإِنَّمَا وَرِثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ فَمَنْ أَخَذَهُ بِحِظِّ وَافِرٍ»<sup>2</sup>

ترجمه: از حضرت ابودرداء روایت است رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) فرمود کسی که به راه و طریق می رود که علم را طلب می نماید الله ذوالجلال راه و طریق جنت را برای او آسان می گرداند و ملائک بالاهاى خود را در زیر قدم های طالب علم هموار می کنند و برای طالب علم تمام مخلوقات که در آسمان ها و زمین است استغفار طلب می کنند حتا ماهی ها در داخل آب و فضیلت عالم دین بر عابد مانند فضیلت مهتاب بر تمام ستاره گان است و یقینا علماء وارثین انبیاء هستند و ایشان کدام دینار و درهم به میراث نگذاشتند بلکه علم را به میراث ماندند پس آنرا به شوق و علاقه تمام حاصل نمایند.

اهمیت علم آنقدر بلند هست که صاحبش را به سعادت دنیا و آخرت و فلاح و رستگاری می رساند، و وسیله بلندی درجات و قرب الهی می گردد، هرگاه فضیلت و شرف و شرفی هر چیز به شرف و شرفی ثمره و میوه آنست، آنگاه که دانستی ثمره علم سبب قرب و نزدیکی پروردگار جهانیان است و نائل شدن به درجه ملائک و ملاً اعلی هست،<sup>3</sup> برای هر انسان لازمی هست که این را درک نماید علم فقط دانستن شیء مجهول نیست بلکه هدف معرفت بلند و عالی هست که انسان را به مراتب ملکوتی و رضا و خوشنودی الله جل مجده می رساند،<sup>4</sup> و این را باید بداند که علوم شرعی حیثیت مروارید های قیمتی را دارد، و حاصل نمودن آن با اخلاص کامل، با شوق و محبت، و کوشش فروان و عمل کردن به آن بدست می آید، چنانچه سلف الصالحین به درجات بلند و مقام عالی نائل شدند از برکت اخلاص و تقوی و عمل شان بوده،<sup>5</sup> اگر علم بدون عمل مفید واقع میشد هیچ گاه الله ذوالجلال احبار یهود را لعنت و مذمت نمی کرد، و اگر علم بدون اخلاص سودمند واقع می شد هیچ گاه منافقین مذمت کرده نمی شدند، بناءً برای هر متعلم علوم دینی لازمی هست که تفکیک نماید، علم را بخاطر شهرت و منافع دنیوی حاصل می کند، یا به خاطر رضای الله جل شأنه،<sup>6</sup> و همچنان الله سبحانه و تعالی علمائی را صفت نموده که ایشان از الله جلّت عظمته خوف و هراس و ترس دارند چنانچه فرموده است { إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ }<sup>7</sup> ترجمه: تنها بندگان دانا و دانشمند از خدا ترس آمیخته

1 - صحيح البخارى، كتاب العلم، باب من يرد الله به خيرا يفقهه في الدين، (ح، 71)، (ص، 39).

2 - مسند احمد، (26/3)، (ح، 21763)، شعيب ارنؤوط گفت اين حديث حسن لغيره است و اسناد آن ضعيف می باشد.

3 - غزالي، ابوحامد، احياء علوم الدين، (26/3)، المكتبة التجارية الكبرى، مصر.

4 - عسکری، ابوهلال، الحث على طلب العلم والاجتهاد في جمعه، (ص، 47).

5 - ابن القيم، الفوائد، (31/1).

6 - بغدادی، احمد بن ثابت خطیب، (ت، 463)، اقتضاء العلم والعمل، (1/15-16)، تحقیق محمد ناصر الدین البانی، ط، 4، المكتب الاسلامی، بیروت، لبنان، 1397 هـ - 1977.

7 - الفاطر: 28.

با تعظیم دارند . و همچنان الله سبحانه و تعالی علماء و احبار یهود را که به علم شان عمل ندارند به مرکب تشبیه داده فرموده است { مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا }<sup>1</sup> ترجمه : کسانی که تورات به ایشان واگذار گردید ولی به آن عمل نکردند وحق آنرا ادا ننمودند به دراز گوشه (خر) می مانند که کتاب های را بر میدارند . گرچه در این آیه مبارکه این مثال برای علماء یهود است ، اما تمام علماء سوء را شامل می شود ، آنائیکه به علم شان عمل ندارند و قاریان که قرآن مجید را حفظ نمودند وحق آنرا ادا نکردند مطابق آن عمل ننمودند حلال آنرا حلال و حرام آنرا حرام ندانستند .<sup>2</sup>

**مطلب سوم - اهتمام به وقت :** یکی از مؤثرترین علاج غفلت مبذول داشتن توجه انسانی به وقت از مسئولیت های بزرگی ایمانی و وجدانی یک شخص مسلمان است ، از طرف دیگر تأکید پروردگار عالم به اهمیت وقت موضوع را برجسته تر می سازد ، چنانچه الله متعال فرموده است { وَالْعَصْرُ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ }<sup>3</sup>

ترجمه : سوگند به زمانه ( که سرمایه زندگی انسان و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دوجهان است ) \*بتحقیق انسانها همه زیان مندند ( آنان که با عمر طلای خود با شیطان معامله می کنند ) \* مگر کسانی که ایمان می آورند و کارهای شایسته و بایسته انجام می دهند و همدیگر را به تمسک به حق ( در عقیده و قول و عمل ) سفارش می کنند و یک دیگر را به شکیبائی ( در تحمل سختیها و دشواریها و دردها ورنجهایی ) توصیه می نمایند ( که موجب رضای خدا می گردد )

درین آیه مبارکه الله ذوالجلال به زمانه قسم یاد کرده واضح فرموده که یقیناً انسان در زیان و خوار و ذلت است ، صرف کردن عمر شان در کارهای بی هوده و بی معنا که در امور اخروی شان هیچ سود و فایده ندارد ،<sup>4</sup> پس برای هرانسان لازمی هست که قدر و شرف وقت و زمان را بداند ، و یک ساعت و یک دقیقه و یک لحظه آنرا بدون اطاعت و عبادت و قرب الهی سپری ننماید ،<sup>5</sup> چرا که وقت حیثیت شمشیر تیز را دارد ، اگر از آن استفاده صحیح و خوب کردی بخیر و منفعت تو خواهد بود ، گویا که آن را قطع کرده باشی در غیر آن تو را قطع خواهد کرد و تو را خواهد برید درحقیقت ضیاع وقت از مرگ کرده شدید تر و سخت تر و اندوهگین تر است ،<sup>6</sup> و ضیاع وقت باعث می شود که انسان از ذکر الله جل مجده و یاد خانه آخرت قطع رابطه کند ، قسمیکه موت ارتباط یک شخص را با دنیا و اهل آن و خویش و اقارب و خانواده اش قطع می کند ، از همین خاطرست که اسلام عزیز به اهمیت وقت تأکید زیادی نموده ، و این را باید هرانسان مسلمان درک نماید که از هر ساعت و هر دقیقه و هر ثانیه عمر آن محاسبه میشود ، و در اکثر محافل و مجالس ما سخن که سر زبانها جاری می باشد عبارت از وقت کشی است .

چنانچه ابن جوزی در قالب شعر چنین سروده است

ایها السکران بالآمال قد حان الرحیل

ترجمه : ای مست و مدهوش غرق در آرزوها طولانی - وقت کوچ کردن نزدیک است

1 - الجمعة : 5 .

2 - ابن القيم الجوزی ، اعلام الموقعین عن رب العالمین ، ( 1 / 287 ) .

3 - العصر : 1-2 .

4 - آلوسی ، روح المعانی ، ( 30 / 228 ) .

5 - ابن جوزی ، صیدالخواطر ، ( ص ، 24 ) ، تحقیق : حامد احمد طاهر ، ط ، 1 ، دارالفجر ، قاهره ، 1424 هـ - 2003 م .

6 - ابن القيم الجوزی ، الفوائد ، ( 1 / 31 ) .

ومشيب الرأس والفودين للموت دليل

درحاليکه شق وکناره پيشانی و سرش سفید گشته - دلالت می کند به موت و مرگ وی

فانتبه من رقدة الغفلة فالعمر قليل

پس بیدار شو از خواب غفلت - که عمر و زمان وقت بسیار اندک است .

وا طرح سوف وحتى فهما داء دخيل

بگذار حرف های زود است که انجام خواهیم داد و تا اینکه انجام می دهیم را - و این دو سخن مرموز

و خطرناکی هست که پای انسان را به خواب غفلت می کشاند .<sup>1</sup>

و همچنان وزیر یحیی بن هبیره شعر سروده<sup>2</sup>

الوقت انفس ماعنيت بحفظه واره اسهل ما عليك يضيع

ترجمه : وقت بسیار قیمتی و با ارزش هست که تو برای حفاظت و نگهداری آن توجه و اعتنای نداری -

درحالیکه ضایع کردن آن برای تو بسیار آسان و معمولی است .

پس برای هر انسان مسلمان لازمی هست که علم نافع و عمل صالح را از هر فرصتی وقت که دارد کمائی

نماید ، چرا وقت و زمان زود گذر است و چیزی که آمدنی هست به اسرع وقت بسر می رسد ، باید کار امروز

به فردا گذاشته نشود ممکن فردا کاری مهم تری از دیروز پیدا شود ، و انجام چند کار برای انسان مشکل

و سنگین تمام می شود ، پس امروز کشت و زراعت کن تا فردایش درو کنی در غیر آن سخت پشیمان می شوی

حسرت و پشیمانی ات هیچ سود و فایده برایت نخواهد داشت ، بناً ضیاع وقت و به تأخیر انداختن کارها از وقت

و زمان آن بعضی آفات را در قبال دارد که قرار ذیل است :

1 - تا فردا کسی ضامن و حافظ زندگی خود نیست .

2 - اگر تا فردا زندگی نصیبش بود از حوادث و بلاها در امان نخواهد ماند یا مریضی عائد حالش میشود یا

مصروفیت دیگری پیدا میشود .

3 - از همه مهم تر برای هر روز کاری به انجام دادن می باشد ، و برای هر وقت و زمان وجبیه و مسئولیت

هست که باید انجام داده شود . پس از همین لحاظ هست که انسان مسلمان هیچ وقت و فرصت ندارد که به

کارهای بیهوده مصروف باشد ، و قتی که از یک کار فارغ شد شروع میکند به کار دیگر ،<sup>3</sup> و قتی که عملی را

بخاطر دینش انجام داد شروع میکند به کار و بار دنیا ، و قتی که از کار و بار دنیا فارغ شد شروع میکند به

عمل آخرت ، و قتی حاجت و ضرورت جسم و بدنی خویش را پوره کرد شروع میکند به ضرورت و غذای

عقل و روحی خویش ، و قتی که فارغ شد از کار شخصی خود شروع میکند به خدمت خانواده اش بهمین ترتیب

مشغول می باشد به خدمت عام مردم چه بطور انفرادی باشد یا بطور اجتماعی ، همان است که هیچ وقت

و فرصت باقی نمی ماند که وقت انسان ضایع شود ،<sup>4</sup> از همه مهم تر وقت گرانبها ترین اشیا و از اهمیت

و ارزش خاص برخوردار می باشد چنانچه در حدیث آمده است **عن ابی هریره (رضی الله عنه) قَالَ قَالَ**

<sup>1</sup> - ابن الجوزی ، التبصرة ، ( 96 / 1 ) تحقیق : د . مصطفى عبد الواحد ، ط ، 1 ، دار الکتاب المصری ، مصر ، 1390 هـ - 1970 م .

<sup>2</sup> - ابو المظفر عون الدین یحیی بن هبیره بن محمد بن هبیره ذهل شیبانی ، در سنة 499 هـ ق تولد شدند و در 560 هـ ق وفات نمود ، یکی از

وزیران ارشد دور عباسی ، عالم ، فقیه ، مؤدب ، او یکی از شعراء دور فاطمی بود . اعلام ، زرکلی ، ( 8 / 175 ) .

<sup>3</sup> - قرضاوی ، دکتر یوسف ، الوقت فی حیات المسلم ، ( ص ، 66 ) ، ط ، 4 ، مکتبة وهبة ، قاهره ، 1424 هـ - 2004 م .

<sup>4</sup> - دراز ، محمد عبد الله ، ( ت ، 1958 هـ ) ، زاد المسلم للدين والحیات ، ( ص ، 198 - 199 ) ، ط ، 2 ، دار القلم ، قاهره ، 1429 هـ -

2008 م .

رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) « مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ وَمَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْنِيهِ اِسْتَعْلَ بِمَا يَعْنِيهِ »<sup>1</sup>

ترجمه: بهترین مسلمان کسی هست که چیزهای بی معنا و بی مفهوم را ترک می کند و کسیکه چیزهای بی معنا و بیهوده را ترک نمود او انجام میدهد کارهای درست و پسندیده را، این قسم شخص مورد الطاف الهی قرار می گیرد.

و همچنان پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) امت خویش را تشویق و ترغیب نموده اند به غنیمت شمردن وقت در حدیث فرمودند **عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) « لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عَمَلِهِ فِيمَ أَفْنَاهُ وَعَنْ عَمَلِهِ فِيمَ فَعَلَ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَ أَنْفَقَهُ وَعَنْ جِسْمِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ »**<sup>2</sup>

ترجمه: هیچ بنده در روز قیامت توان حرکت کردن و قدم زدن را ندارد تا که این سوالات را پاسخ و جواب دهد.

1- از عمر عزیزش و از وقت گرانبها یش سوال کرده می شود در کجا سپری کرده بود.

2- از علم که آموخته چقدر خودش عمل کرده و چقدر ادای مسئولیت نموده بود.

3- مال را از کدام طریق کمائی نموده و در کجا به مصرف رسانیده.

4- از جسم اش چگونه عمل کرده آیا کارهای نیک را انجام داده یا کارهای بد را اگر کارهای خوب را انجام داده باشد فبها و نعم چقدر خوب و زیبا و اگر کارهای بد را کرده باشد ذلت و رسوائی دامن گیرش می شود تا ابد دلیل و رسوا خواهد ماند.

و این تشویق و ترغیب و ترهیب باعث می شود که انسانهای غافل و سست و تنبل به اطاعت و عبادت پروردگارشان روی آورده، مورد الطاف و رحمت الهی قرار گیرند، مطلوب این نیست که انسان هیچ فراغت و تفریح نداشته باشد، بلکه از اوقات و فرصت های فارغ که دارد استفاده درست و معقول صورت گیرد تا در آینده باعث حسرت و پشیمان وی نگردد.

**مطلب چهارم - پایبندی به عبادات:** هدف خلقت انسان عبادت پروردگار عالم بوده چنانچه الله متعال فرموده است { وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ }<sup>3</sup> ترجمه: من جن ها و انسانها را جز برای پرستش خود نیا فریده ام. در تفسیر این آیه مبارکه ابن عباس (رضی الله عنهما) می فرماید: به عبادت پروردگار شان اقرار می نمایند چه با اختیار و خوشی باشد یا به اکراه و جبر، بناءً آفرینش انسان و جن بخاطر عبادت و بندگی و معرفت پروردگار بوده، نه بخاطر احتیاجت و ضرورت ذات کبریائی.

وقوله تعالى { يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ }<sup>4</sup>

1- قزوینی، امام ابو عبدالله محمد بن بزید، (ت، 273 هـ)، سنن ابن ماجه، كتاب الفتن، باب كف اللسان، (ح، 3976)، (2/315)،

(ط، 1، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، رياض، شيخ الباني گفت، این حدیث صحیح است.  
2- سنن ترمذی، كتاب القيامة والرقائق والورع، باب في شأن الحساب والقصاص، (ح، 2417)، (4/612). امام ترمذی گفت این حدیث حسن صحیح است.

3- الذاریات: 56.

4- البقرة: 21.

ترجمه : ای مردم خدای خود را بپرستید آن که شما را و کسانی را آفریده است که پیش از شما بوده اند تا ( خود را باین وسیله پاک سازید ) و راه پرهیزگاری پیش گیرید .

**الف : ادای نماز باحضور قلب :** نماز بزرگترین عبادت بدنی و کلان ترین شعائر الله جل مجده است ، نماز ستون دین است ، در دین که نماز نباشد هیچ خیری وجود ندارد ، از همین خاطر الله ذوالجلال در بسیار جاهای قرآن عظیم الشأن تأکید به ادای نماز باحضور قلب نموده چنانچه فرموده است { الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ }<sup>1</sup>

ترجمه : آن کسانی که به دنیای نادیده باور می دارند و نماز را به گونه شایسته می خوانند و از آنچه بهره آنان ساخته ایم می بخشند . ابن عباس ( رضی الله عنه ) می فرماید مؤمنان برپا میدارند نماز را باتمام فرائضش باخشوع و خضوع کامل و اتمام رکوع و سجود و تلاوت آن .<sup>2</sup>

وقوله تعالى { وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ \* الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : واز شکیبائی ( وواداشتن نفس بر آنچه دوست ندارد از جمله روزه ) و نماز ( که دل را پاکیزه و انسان را از گناهان و پلیدها بدور میدارد ) یاری جوید و نماز سخت دشوار و گران است مگر برای فروتنان ( دوست دار طاعت و عبادت ) .

نماز که با اخلاص و باحضور قلب خوانده شود انسان را از بی حیائی و فحشا و منکر باز میدارد چنانچه الله متعال فرموده است { وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ }<sup>4</sup>

ترجمه : و نماز را چنان که باید برپا دارمسلمان نماز انسان را از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند باز میدارد .

**ب - مداومت به نمازهای باجماعت :** خواندن نمازهای پنج وقت باجماعت فوائد زیاد دارد من جمله وحدت و یکپارچگی مسلمانان را نشان میدهد ، و مسلمانان از احوال یک دیگر باخبر می شوند، و کسانیکه به کمک ضرورت داشتند با آنها همکاری می کنند ، و کسانیکه مریض باشند از آنها عیادت می نمایند..... و از همه مهم تر انسان مسلمان با پایبندی به نمازهای جماعت از خطر غفلت که اکثر مسلمانان به آن مشغول هستند رهایی می یابد ، و به حیث یک شخص نشیط و چابک و بیدار در جامعه اسلامی تقدیم میشود خیر و منفعت او به خودش و به جامعه اسلامی می رسد ، و جامعه امروزی ما بهمین قسم اشخاص بیدار و بیدار گر اشد ضرورت دارد ، بناءً در قدم نخست شخص مسلمان نظم و اصلاحات را از خود شروع کند چرا که مصلح خود تأثیری فوق العاده در اجتماع دارد ، برای هر چه نظم و قانون و اصلاح بیشتر به نماز جماعت مداومت نماید ، همان است که جامعه اسلامی ازین گودال بدبختی که روان است ، در رأس همه اینها بی نظمی و بی قانونی و اختلاف و انشقاق است نجات پیدا می کند ، بزرگترین رمز جماعت تغییر مثبت زود هنگام در طبیعت انسانی و دقت عمل هست که در یک شبانه و روز پنج بار با پروردگارش تجدید پیمان میکند و این سبب میشود

1 - البقرة : 3 .

2 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 1 / 55 ) .

3 - البقرة : 45 - 46 .

4 - العنكبوت : 45 .

که شخص مسلمان در دینش استوار و ثابت قدم می ماند .<sup>1</sup> چنانچه الله متعال فرموده است { وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّا كِعِينَ }<sup>2</sup> ترجمه : و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و با نماز گزاران ( به صورت جماعت ) نماز بخوانید . در تفسیر این آیه ابن کثیر (رحمه الله ) می فرماید نماز با اخلاص کامل و با جماعت ادا گردد .<sup>3</sup>

وقوله تعالى { فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا }<sup>4</sup> ترجمه : نماز را ( به تمام و کمال و در وقت مشخص ) برپا دارید بی گمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است .

پیامبر بزرگ اسلام درباره فواید نمازهای جماعت در حدیث فرموده است عن ابی هریره (رضی الله عنه) قال قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) «مَنْ حَافَظَ عَلَى هَؤُلَاءِ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ»<sup>5</sup> ترجمه : از حضرت ابوهریره روایت است رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) فرمود کسیکه به نمازهای پنج گانه محافظت و مداومت می کند او از جمله غافلین نوشته نمی شود . و همچنان در حدیث فرموده است وعن عبد الله بن عمر (رضی الله عنه) عن النبي (صلى الله عليه وسلم) «أَنَّ ذِكْرَ الصَّلَاةِ يَوْمًا فَقَالَ مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ لَمْ يُحَافَظْ عَلَيْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نُورٌ وَبُرْهَانٌ وَلَا نَجَاةٌ وَكَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ قَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَأَبِي بَن خَلْف»<sup>6</sup> ترجمه : از حضرت عبدالله پسر عمر روایت است از نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) روایت نموده که یک روز در نزد پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) از نماز یاد شد رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند کسیکه به نمازهای پنج وقت با جماعت محافظت و مداومت می کند در حقیقت آن نمازها برای او در روز قیامت نور و روشنائی می آورد و دلیل و برهان و سبب نجات او از آتش جهنم و از سختی های میدان محشر می شود و کسیکه پایبندی نمی کند به نمازهای پنج وقت در روز قیامت نه برای او نور و روشنی هست نه حجت و دلیل دارد و نه وسیله و اسباب دارد که او را از آتش دوزخ نجات دهد بلکه سرمایه داران غافل با قارون و بادشاهان غافل با فرعون و وزیران غافل با هامان و انسان های متکبر و طاغی و سرکش با ابی بن خلف حشر می شوند .

<sup>1</sup> - ابن القيم ، الفوائد ، ( ص ، 90 )

<sup>2</sup> - البقرة : 43 .

<sup>3</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 1 / 90 ) .

<sup>4</sup> - النساء : 103 .

<sup>5</sup> - ابن خزیمه ، امام ابوبکر محمد بن اسحاق ، ( ت ، 311 هـ ) ، صحیح ابن خزیمه ، باب ذکر فضیله مائة آیه فی صلاة ، ( ح ، 1142 ) ، ( ص ، 566 ) ، ط ، مکتب الاسلامی ، بیروت ، این حدیث را شیخ البانی صحیح گفته .

<sup>6</sup> - مسند احمد ، ( ح ، 6576 ) ، ( 11 / 141 ) ، این حدیث را امام احمد به اسناد جید روایت نموده است . منذری ، ترغیب و ترهیب ، ( 1 / 440 ) .



ج - خواندن نماز تهجد : الله ذوالجلال کسانی را که نماز تهجد می خواند صفت نموده فرموده است { وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا }<sup>1</sup> ترجمه : و کسانی اند که ( بخش قابل ملاحظه ای از شب و گاهی تمام ) شب را با سجده و قیام به حضور پروردگارشان سپری می نمایند .

وقوله تعالی { تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ \* فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ }<sup>2</sup>

ترجمه : پهلو هایش از بسترها به دور می شود ( و خواب شرین را ترک گفته و به عبادت پروردگارشان می پردازند ) و پروردگار خود را با بیم و امید به فریاد می خوانند و از چیزهایی که به ایشان داده ایم می بخشند\* هیچ کس نمی داند در برابر کارهای که انجام میدهند چه چیزهای شادی آفرین و مسرت بخشی برای ایشان پنهان شده است .

و همچنان الله متعال متقیان را صفت نموده فرموده است { إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ \* آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ \* كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ \* وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ }<sup>3</sup>

ترجمه : پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و چشمه ساران خواهند بود \* دریافت می دارند چیزهای راکه پروردگار شان به ایشان مرحمت فرموده باشد چرا که آنان پیش از آن از زمره نیکوکاران بوده اند\* آنان اندکی از شب می خفتند \* و آنان در سحرگاهان درخواست آمرزش می کنند .

و همچنان پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) در حدیث فرموده است عن عبدالله بن عمرو بن العاص (رضی الله عنهما) عن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) أَنَّهُ قَالَ « مَن قَامَ بَعَثَرِ آيَاتٍ لَّمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَمَنْ قَامَ بِمِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَامَ بِأَلْفِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُقْتَرِينَ »<sup>4</sup>

ترجمه : از حضرت عبدالله بن عمرو روایت است از رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده که رسول اکرم فرمودند کسیکه به ده آیت قرآن عظیم الشان قیام اللیل (نماز شب) می خواند او از جمله غافلین محسوب نمی شود ، و کسیکه به صد آیت قیام اللیل می کند او از زمره بندگان فرمان بردار الله جلّت عظمته محسوب می شود و کسیکه به هزار آیت نماز تهجد می خواند او از جمله کسانی هست که اجر و ثواب فراوانی را در صحیفه اعمالش ذخیره نموده است .

1 - الفرقان : 64 .

2 - السجدة : 16 - 17 .

3 - الذاریات : 15 - 17 .

4 - سنن ابو داود ، کتاب الصوم ، باب تحزیب القرآن ، ( ح ، 1398 ) ، ( ص ، 241 ) . این حدیث را امام البانی صحیح گفته .

د - روزه گرفتن : روزه بزرگترین وقایه و سپهر در برابر شیطان و بهترین علاج برای زدودن غفلت است ، روزه درحقیقت حیثیت قلعه مستحکم را دارد که در مقابل همه دشمنان قرار دارد ، شهوات غرائز انسانی را میشکند و تحرکات نفس (أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ) را می کاهد و شیاطین را از وسوسه کردن باز میدارد ، <sup>1</sup> و انسان را متقی و پرهیز گار می سازد ، چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } <sup>2</sup>

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما روزه واجب شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند واجب بوده است تا باشد که پرهیزگار شوید . رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم) اکثر اوقات روزه می گرفتند و اصحاب را به روزه گرفتن تشویق می نمودند چنانچه در حدیث آمده است عن عائشة (رضی الله عنها) قَالَتْ « لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) يَصُومُ شَهْرًا أَكْثَرَ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ شَعْبَانَ كُلَّهُ ... » <sup>3</sup>

ترجمه : از حضرت عائشه روایت است گفت در هیچ ماهی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) از ماهی شعبان کرده بیشتر روزه نمی گرفت بتحقیق بودند تمام شعبان را روزه می گرفتند .

و عن اسامة بن زيد (رضی الله عنه) قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) لَمْ أَرَكَ تَصُومُ شَهْرًا مِنْ الشُّهُورِ مَا تَصُومُ مِنْ شَعْبَانَ قَالَ « ذَاكَ شَهْرٌ يَعْفُلُ النَّاسُ عَنْهُ بَيْنَ رَجَبٍ وَرَمَضَانَ وَهُوَ شَهْرٌ تَرَفُّعُ فِيهِ الْأَعْمَالُ إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ فَأَحَبُّ أَنْ يُرْفَعَ عَمَلِي وَأَنَا صَائِمٌ » <sup>4</sup>

ترجمه : از حضرت اسامه روایت است گفت گفتم ای رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم) من اکثراً شما را می بینم به اندازه که در ماه شعبان روزه می گیرید در دیگر ماه های روزه نمی گیرید فرمودند این ماه در مابین ماه رجب و رمضان قرار دارد و اکثر مردم از آن غافل هستند ، و این ماهی است که اعمال انسان ها به حضور پروردگار عالمیان پیش کرده می شود پس من دوست دارم اعمالم به حضور پروردگارم به حالت روزه پیش کرده شود .

و همچنان پیامبر گرامی (صلی الله علیه و سلم) در حدیث درباره روزه عرفه فرمودند عن ابی قتادة (رضی الله عنه) قَالَ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ ؟ « قَالَ يُكْفَرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ » <sup>5</sup>

ترجمه : از ابو قتاده روایت است گفت از رسول گرامی (صلی الله علیه و سلم) در باره روزه روز عرفه سوال کرده شد فرمود یک سال قبل و یک سال آینده گناهان را محو می کند .

در باره روزه عاشورا در حدیث فرمودند و عن ابی قتادة (رضی الله عنه) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) سَأَلَ عَنْ صِيَامِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ « فَقَالَ يُكْفَرُ السَّنَةَ الْمَاضِيَةَ » <sup>6</sup>

ترجمه : از ابو قتاده روایت است که از رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) در باره روزه عاشورا (دهم محرم) سوال کرده شد فرمود یک سال گناهان گذشته را محو می کند .

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 2 / 197 ) .

<sup>2</sup> - البقرة : 184 .

<sup>3</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الصوم ، باب صوم شعبان ، ( ح ، 1970 ) ، ( ص ، 356 ) .

<sup>4</sup> - سنن نسائی ، کتاب الصیام ، باب صوم النبی ، ( ح ، 2360 ) ، ( 4 / 202 ) این حدیث را امام البانی حسن گفته .

<sup>5</sup> - صحیح مسلم ، کتاب الصوم ، باب استحباب صوم یوم عرفه ، ( ح ، 1977 ) ، ( 6 / 56 ) .

<sup>6</sup> - صحیح مسلم ، کتاب الصوم ، باب استحباب صوم عاشوراء ، ( ح ، 1978 ) ، ( 6 / 56 ) .

و همچنان مستحب است روزه گرفتن شش روز ماه شوال ، روزهای دوشنبه و پنجشنبه و در هر ماه سه روز بیض (روشن) آن ، چنانچه پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) درباره روزه شش روز شوال در حدیث فرموده است **عَنْ أَبِي أَيُّوبَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَالَ « مَنْ صَامَ رَمَضَانَ تَمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ »**<sup>1</sup>

ترجمه : از حضرت ابی ایوب روایت است که رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمود هرکسی که ماه مبارک رمضان را روزه می گیرد به تعقیب آن شش روز شوال را گویا که مکمل زمانه را روزه گرفته . درباره روزه روزهای دوشنبه و پنجشنبه فرمودند **وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) عَنِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَالَ « تَعَرَّضَ الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَأَحْبَبُ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيَّ وَأَنَا صَائِمٌ »**<sup>2</sup>

از حضرت ابوهریره روایت است رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمود تمام اعمالی که انسان انجام میدهد در طول هفته در روزهای دوشنبه و پنجشنبه به حضور پروردگار عالم پیش کرده می شود پس من دوست دارم که اعمال من به حالت روزه بحضور پروردگارم تقدیم کرده شود .

درباره روزه ایام بیض در حدیث فرمودند **وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) « صَوْمٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهِ »**<sup>3</sup>

ترجمه : از حضرت عبدالله بن عمرو روایت است گفت فرمود رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) سه روز روزه گرفتن در هر ماه برابر روزه گرفتن مکمل زمانه است . روزه عبادت بلند مقام و بلند درجه هست که و ثواب آن بی حد و بی اندازه است . چنانچه در حدیث قدسی پیامبر بزرگ اسلام فرمودند **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ « كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ وَإِذَا كَانَ يَوْمٌ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثُ وَلَا يَصْحَبُ فَإِنْ سَابَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ . وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ . لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ »**<sup>4</sup>

ترجمه : از ابوهریره روایت است رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمود الله عزوجل می فرماید هر عملی را که پسر آدم علیه السلام انجام میدهد برای اوست از خود یک نام و نشانی دارد مگر روزه که برای من است و اجر و پاداش آنرا خودم می دهم چرا که آن بسیار پوشیده و خالصانه می باشد و دور از ریا و سمعه است و روزه در حقیقت سپهر آهنین و محکمی است در مقابل گناهان پس وقتیکه یکی از شما روزه داشته باشد کارهای بد و سخنان بیهوده نگوید اگر کسی او را دشنام بدهد یا با او جنگ کند پس بگوید من روزه دار هستم قسم به ذات که جان محمد (صلی الله علیه وسلم) بدست و قبضه اوست شخص روزه دار نزد الله متعال آن قدر مقام و منزلت دارد که خوشبوئی دهن آن از خوشبوئی مشک کرده نزد الله متعال خوشبوتر و زیباتر است برای شخص روزه دار دو خوشی نصیب می گردد یکی آن در وقت روزه افطار نمودن و دیگری آن در وقت ملاقات با پروردگارش .

ازین آیات و احادیث شریف دانسته شد که روزه آسان ترین وسیله نجات از غفلت و سستی و تنبلی و کاهلی است و بهترین وسیله تقوی ، اخلاص ، تزکیه نفس و بیدار و بیدارگری یک شخص مسلمان میباشد .

<sup>1</sup> - صحیح مسلم ، کتاب الصوم ، باب استحباب صوم ستة ایام من شوال اتباعا لرمضان ، ( ح ، 1984 ) ، ( 6 / 66 ) .

<sup>2</sup> - سنن ترمذی ، کتاب الصوم ، باب صوم يوم الاثنين والخميس ، ( ح ، 7472 ) ، ( 3 / 122 ) . شیخ البانی این حدیث را حسن و صحیح گفته است .

<sup>3</sup> - صحیح مسلم ، کتاب الصوم ، باب استحباب صيام ثلاثة ایام من كل شهر ، ( ح ، 1982 ) ، ( 6 / 52 ) .

<sup>4</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الصوم ، باب هل يقول اني صائم اذا شتم ، ( ح ، 1904 ) ، ( ص ، 345 ) .

**مطلب پنجم - دعا وتضرع :** دعا در لغت بمعنای کمک خواستن، فریاد کشیدن و صدا زدن، و طلب کردن .<sup>1</sup> و در اصطلاح عبارت از تضرع و زاری کردن به پیشگاه الله تبارک و تعالی با سوال و رغبت و علاقه نشان دادن به نعمت ها و خوبی های که نزد او تعالی است و تضرع و حرکت کردن به سوی آن ذات پاک مقدس جهت تحقق بخشیدن هدف و رسیدن به امر مطلوب و به دست آوردن آنچه آرزو و خواسته ای انسانی است .<sup>2</sup> همین جاست که یکی از مؤثرترین وسیله علاج غفلت دعا و تضرع است ، درحقیقت دعا سلاح انسان مؤمن می باشد در مقابل منکرات و وسواس شیطان و زدودن غفلت که به قسم یک مرض خطرناک مزمن در قلبهای مسلمانان جای گرفته ،<sup>3</sup> و ازه دعا در قرآن کریم بمعنای متعددی بیان شده است از جمله عبادت و پرستش چنانچه الله عزوجل فرموده است { **وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ** }<sup>4</sup> ترجمه : و به جای خدا کسی و چیزی را پرستش مکن و به فریاد مخوان که به تو نه سودی می رساند و نه زیانی . و همچنان بمعنای مسئلت کردن آمده ، چنانچه الله جلّت عظمته فرموده است { **أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ** }<sup>5</sup> ترجمه : مرا به فریاد خوانید تا بپذیریم . و دعا عبادتی هست که انسان مسلمان را به پروردگار عالم نزدیک می سازد چنانچه الله متعال فرموده است { **وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ** }<sup>6</sup>

ترجمه : و هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند (که من نزدیکم یا دور . بگو ) من نزدیکم و دعای دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می گویم ( و نیاز او را بر آورده می سازم ) پس آنان هم دعوت مرا (با ایمان و عباداتی همچون نماز و روزه و زکات) بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند (و با نور ایمان به مقصد برسند)

وقوله تعالی { **وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ** }<sup>7</sup> ترجمه : پروردگار شما می گوید . مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم کسانی که خود را بزرگتر از آن می دانند که مرا به فریاد خوانند خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت .

سفیان ثوری ( رحمه الله ) می فرماید : محبوب ترین بنده گان الله سبحانه و تعالی کسانی هست که او را به کثرت سؤال می کنند و الله جلّت عظمته از سؤال ایشان خوشنود می شود . و بدترین و مبعوض ترین بنده گان کسانی هست که از الله ذوالجلال سؤال نمی کنند بلکه از غیرش سؤال می کنند . چنانچه شاعری چه خوب زیبا می فرماید : الله یغضب ان ترکت سؤاله و بنی آدم حین یسأل یغضب ترجمه : اگر از الله سبحانه و تعالی سؤال نکنی ناراض و ناخوشنود می شود . و اگر از انسانها سؤال کرده شود قهر و ناراض می شود .<sup>8</sup>

وقوله تعالی { **أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ** }<sup>9</sup>

1 - معلوف ، لويس ، المنجد ، ( 1 / 73 ) ، مترجم : مصطفی رحیمی نیا .

2 - ابن قیم الجوزیه ، بدائع الفوائد ، ( 3 / 2 ) ، دارالکتب العربی ، بیروت ، لبنان .

3 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 73 ) .

4 - یونس : 106 .

5 - غافر : 60 .

6 - البقرة : 186 .

7 - غافر : 60 .

8 - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 73 ) .

9 - الاعراف : 55 .

ترجمه : پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی به کمک بخواهید ( و در دعا با بلند گردانیدن صداها درخواست چیزی نا روا از حد اعتدال تجاوز نکنید که ) او تجاوزکاران را دوست نمی دارد .

وقوله تعالى { أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ }<sup>1</sup>

ترجمه : ( آیا بتها بهترند ) یا کسی که به فریاد در مانده می رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می کند هرگاه او را به کمک طلبد .

وعن عبادة بن صامت (رضی الله عنه ) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم ) قَالَ « مَا عَلَى مُسْلِمٍ يَدْعُو اللَّهَ بِدَعْوَةٍ إِلَّا أَعْطَاهُ بِهَا أَحَدَى ثَلَاثٍ إِمَّا آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ أَوْ صَرَفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا مَا لَمْ يَدْعَ بِإِثْمٍ أَوْ قَطَعَهُ رَحِمٌ فَقَالَ رَجُلٌ مِّنَ الْقَوْمِ إِذَا تَكَثَّرَ قَالَ اللَّهُ أَكْثَرُ »<sup>2</sup>

ترجمه : از حضرت عباده بن صامت روایت است که رسول کریم (صلى الله عليه وسلم ) فرمود نیست مسلمانی دعا می کند به دعای که در آن گناه و قطع صلۀ رحم نباشد مگر اینکه الله جلت عظمته دعای او را قبول می فرماید یا مصیبت و تکلیف و مشقت را از او دفع می کند .

مردی از صحابه گفت درین صورت ماهم زیاد دعا می کنیم پیامبر (صلى الله عليه وسلم ) فرمود الله جل شأنه بیشتر و بیشتر میدهد . لذا بنده باید به روح بندگی که همانا دعا است ادامه بدهد و یقین کند که پروردگار مصلحت او را از خود او بهتر میداند ، در طول تاریخ بشری بندگان خاص خداوند به دعا و تضرع اهمیت زیاد قایل بوده اند خداوند متعال در قرآن مجید در باره انبیا علیهم السلام می فرماید { إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَعَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ }<sup>3</sup>

ترجمه : آنان در انجام کارهای نیک بریک دیگر سرعت می گرفتند و درحالی که چیزی می خواستند یا از چیزی می ترسیدند ما را به فریاد می خواندند ( و در وقت نیازمندی و بی نیازی و بیماری و سلامت و خوشی و ناخوشی رو به آستانه ما می کردند و میان خوف و رجا می زیستند ) و همواره خاشع و خاضع ما بودند . به همین دلیل خداوند دوستان و مقربان خود را امتحان می کند تا آنها بیشتر شکسته شوند و بسوی خداوند متوجه گردند ، بهترین راه مبارزه با مشکلات و مصائب دعا و تضرع به درگاه حق است . هرگاه توفیق دعا یافتیم بدانیم که کمک و یاری پروردگار حتماً شامل حال ما خواهد گشت و ازین مرض مزمن و خطرناک غفلت که تقریباً اکثر مردم ما به آن دچار هستند رهائی خواهیم یافت .

**مطلب ششم - طلب استغفار :** یکی از مهم ترین راه های علاج غفلت به کثرت استغفار نمودن است

چنانچه الله متعال فرموده است { وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا }<sup>4</sup>

ترجمه : هرکسی که کار بدی بکند یا ( با ارتکاب معاصی ) بر خود ستم کند سپس ( دست دعا به سوی خدا بردارد و ) از الله جل مجده آمرزش بطلبد ( از آنجا که درگاه توبه همیشه باز است ) الله جل شأنه را آمرزنده ( گناهان خویش ) و مهربان ( در حق خود ) خواهد یافت . هرکسی که مرتکب گناهی می شود یا بر نفس خود ظلم می کند باز به حضور الله جل شأنه رجوع نموده طلب استغفار می کند و کار نیک را انجام میدهد که سبب

<sup>1</sup> - النمل : 62 .

<sup>2</sup> - سنن ترمذی ، کتاب الدعوات ، باب فی انتظار الفرج و غیر ذالک ، (ح، 3573) ، (566/5) . شیخ البانی این حدیث را صحیح گفته است .

<sup>3</sup> - الانبیاء : 90 .

<sup>4</sup> - النساء : 110 .

رضا و خوشنودی الله جل مجده می شود هماناست که الله جلت عظمته تمام گناهان وی را معاف می کند و او را از عذاب دوزخ نجات میدهد .<sup>1</sup> و همچنان تمام پیامبران الهی امتیانشان را به طلب مغفرت تشویق نمودند چنانچه نوح علیه الصلاة والسلام برای قومش فرمود ، قوله تعالى { فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا }<sup>2</sup> ترجمه : به ایشان گفته ام از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید او بسیار آمرزنده است .

و همچنان هود علیه الصلاة والسلام برای قوم خود فرمود ، قوله تعالى { وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ }<sup>3</sup> ترجمه : ای قوم من از پروردگار تان آمرزش را بطلبید و به سوی او بر گردید . و صالح علیه الصلاة والسلام برای قوم خود فرمود ، قوله تعالى { فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ }<sup>4</sup> ترجمه : پس از او طلب آمرزش را بنمائید و به سوی او بر گردید بی گمان پروردگار من نزدیک و پذیرنده دعای کسانی است که او را مخلصانه به زاری می خوانند . و شعيب علیه الصلاة والسلام برای قوم خویش فرمود قوله تعالى { وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ }<sup>5</sup> ترجمه : از پروردگار تان آمرزش بخواهید و بعد ( از هر گناه و لغزشی که در زندگی مرتکب می شوید پشیمان شوید و ) به سوی او بر گردید بی گمان پروردگار من بسیار مهربان و دوست دار ( مؤمنان توبه کار ) است .

و همچنان الله متعال پیامبر گرامی (صلی الله علیه وسلم) را امر فرموده برای امتش بگوید از رحمت پروردگار شان نا امید نباشند ، قوله تعالى { قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ }<sup>6</sup>

ترجمه : از قول الله جل شأنه به مردمان بگو : ای بندگام ای آنانی که در معاصی زیاده روی هم کرده اید از لطف و مرحمت الله جلت عظمته مأیوس و نا امید نگردید قطعاً خداوند همه گناهان را می آمرزد چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است .

بناءً برای هر مسلمان لازمی و ضروری است که استغفار را ورد و وظیفه خود قرار دهد تا اینکه بتواند از مرض خطرناک غفلت نجات پیدا کند ، و بهترین راه نجات امت مسلمه از غفلت که سبب هلاکت دسته جمعی می شود همانا به کثرت استغفار نمودن است ، پس انسان مؤمن و عقل مند و هوشیار ازین وعده بزرگ الهی استفاده اعظمی نموده خود را مورد عفو و مغفرت الهی قرار میدهد و بر ایمان شان ثابت و استوار باقی می ماند ، و در همه اوقات به کثرت استغفار طلب می کنند ، در نتیجه کسی که به استغفار مداومت و همیشه گی می کند شامل این فرمان گهربار رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) قرار می گیرد . و عن ابن عباس (رضی الله عنهما) قال قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) « مَنْ لَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَمِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ »<sup>7</sup> ترجمه : از حضرت ابن عباس (رضی الله عنهما) روایت است گفت فرمود رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) هر کسی که به استغفار ملازمت و مداومت می

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 1 / 484 ) .

<sup>2</sup> - نوح : 10 .

<sup>3</sup> - هود : 52 .

<sup>4</sup> - هود : 61 .

<sup>5</sup> - هود : 90 .

<sup>6</sup> - الزمر : 53 .

<sup>7</sup> - سنن ابی داود ، کتاب الصلاة ، باب الاستغفار ، (ح، 1297) ، ( 4 / 314 ) ، شیخ البانی این حدیث را ضعیف گفته .

کند الله ذوالجلال برای او از هرتنگی ومشکل راه بیرون رفت واز هر غم واندوه کشادگی و فراخی می آورد وبرایش از جای رزق وروزی میدهد که گمانش را ندارد .

**مطلب هفتم – ذکر کردن به طریقه مسنون آن :** ذکر بهترین ومؤثرترین علاج برای غفلت است ، ذکر الله ذوالجلال از همه چیز بزرگتر است چنانچه الله جلّت عظمته فرموده است { **وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ** }<sup>1</sup> ترجمه : وقطعاً ذکر خدا و یاد الله از هر چیز دیگری والاتر وبزرگتر است .  
و ذکر سه درجه دارد : 1 – ذکر ظاهری که شامل حمد وثنا وصفت الله جل شأنه ودعا وتسبیح وتهلیل وبهترین ذکر تلاوت قرآن عظیم الشأن است .

2 – ذکر خفی وپوشیده که باعث خلاصی ونجات انسان از غفلت وتنبلی وکاهلی میشود .  
3 – ذکر حقیقی که همه کائنات ومخلوقات گواهی وشاهدی میدهند به ذکر حق تعالی ،<sup>2</sup> وهمه مخلوقات به زبان حال وقال شان ذکر وتسبیح الله جلّت عظمته را بجا می آورند چنانچه الله سبحانه وتعالی میفرماید { **تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا** }<sup>3</sup>

ترجمه : آسمانهای هفت گانه وزمین وکسانی که در آنها هستند همگی تسبیح خدا را می گوید( باتنزیه وتقديس رضای او می جویند اصلاً نه تنها آسمانهای هفت گانه وزمین ) بلکه هیچ موجودی نیست مگر اینکه (به زبان حال یقال ) حمد وثنای وی را می گویند ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید (چرا که زبانشان را نمی دانید واز ساختار اسرارآمیز عالم هستی ونظام پیچیده جهان آفرینش چندان مطلع نیستید پس هماهنگ باسراسر جهان هستی به یکتاپرستی بپردازید واز راستای جملگی کنار نروید ودورنشوید درهای توبه وبرگشت به سوی پروردگار جهان به روی همگان باز است ) بی گمان الله متعال بس بردبار وآمرزنده است ( ودر کيفر رسانیدن شتاب نمی ورزد وفرصت آشنائی با توحید ورها کردن شرک را به مردمان می دهد ودر برابر بیداری از خواب غفلت شان مغفرت خود را شامل شان می سازد ) .

و همچنان الله جلّت عظمته در بسیار جاهای قرآن عظیم الشأن بندگان را به ذکر گفتن امر فرموده است { **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا** }<sup>4</sup>

ترجمه : ای مؤمنان بسیار الله جلّت عظمته را یاد کنید ( وهرگز او را فراموش ننمایید ) .  
وقوله تعالی { **إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ... وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا** }<sup>5</sup>  
ترجمه : مردان مسلمان وزنان مسلمان ... ومردانی که بسیار خدا را یاد می کنند وزنانی که خدا را بسیار یاد می کنند خداوند برای همه آنان آمرزش وپاداش بزرگی را فراهم ساخته است .

وقوله تعالی { **وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** }<sup>6</sup>

1 - العنكبوت : 45 .

2 - هروی،خواجه عبد الله انصاری ، ( ت ، 481 ه ) ، منازل السائرین ، ( 1 / 71 ) ، ط ، 1 ، دار الکتب العلمیة ، بیروت ، 1408 ه - 1988 م .

3 - اسراء : 44 .

4 - الاحزاب : 41 .

5 - الاحزاب : 35 .

6 - الجمعة : 10 .

ترجمه : والله متعال را به دل و جان یاد کنید تا این که رستگار شوید .  
 اهمیت ذکر آنقدر بلند هست که به عنوان قاعدهٔ اساسی دین مبین اسلام شمرده شده است و ذکر حیثیت قلعهٔ مستحکم و استوار را دارد که شیطان انسی و جنی از هیچ راه و طریق بر آن داخل شده نمی تواند چنانچه امام ابن قیم می فرماید بنا و اساس دین بر دو قاعده ثابت و استوار است یکی آن ذکر و دوم آن شکر می باشد .<sup>1</sup>  
 چنانچه الله متعال فرموده است { فَادْكُرُونِيْ اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوْا لِيْ وَلَا تَكْفُرُوْنَ }<sup>2</sup> ترجمه : پس مرا یاد کنید ( با طاعت و عبادت و دوری از معاصی به دل و زبان و قلم و قدم و سیر در آفاق و انفس جهت کشف و عظمت و قدرت من ) تا من نیز شما را یاد کنم ( با اعطای ثواب و گشایش ابواب سعادت و خیرات و ادامهٔ پیروزی و قدرت و نعمت ) و از من سپاس گزاری کنید ( و با گفتار و کردار شکر گزار انعام و احسان من باشید ) و از من ناسپاسی مکنید ( و نعمت های مرا نادیده مگیرید ) . و همچنان پیامبر بزرگ اسلام احادیث زیاد را در باره اهمیت ذکر بیان فرمودند عن ابی موسی الاشعری ( رضی الله عنه ) ( عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وسلم) ) قَالَ «  
 مَثَلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُ رَبَّهُ مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ»<sup>3</sup>

ترجمه : از حضرت ابی موسی اشعری روایت است نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) فرمود مثال و داستان کسی که پروردگارش را ذکر می کند و کسی که ذکر نمی کند مثال شخص زنده و مرده است درحقیقت کسی که ذکر الله جل شأنه را می کند او زنده دل و ترو تازه و با اطمینان و آرامش میباشد چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوْبُ }<sup>4</sup> ترجمه : هان دلها با یاد خدا آرام می گیرند ( و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای الله جل مجده اطمینان پیدا می کنند .

و کسی که ذکر الله جل مجده را نمی کند او همیشه دل تنگ و پریشان حال و سخت دل می باشد چنانچه الله جل ذکره فرموده است { فَوَيْلٌ لِلْقٰسِيَةِ قُلُوْبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللّٰهِ }<sup>5</sup> ترجمه : وای بر کسانی که دلهای سنگینی دارند و یاد خدا به آنها راه نمی یابد ( و قرآن یزدان در آنها اثر نمی گذارد ! ) . و عن معاوية (رضی الله عنه) قَالَ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ (صلى الله عليه وسلم) «  
 خَرَجَ عَلٰى حَلَقَةٍ مِنْ اَصْحَابِهٖ فَقَالَ مَا اَجْلَسَكُمْ ؟ قَالُوا جَلَسْنَا نَذْكُرُ اللّٰهَ وَنَحْمَدُهُ عَلٰى مَا هَدَانَا لِلْاِسْلَامِ وَمَنْ بِهٖ عَلَيْنَا قَالَ اللّٰهُ مَا اَجْلَسَكُمْ اِلَّا ذَاكَ ؟ قَالُوا وَاللّٰهِ مَا اَجْلَسْنَا اِلَّا ذَاكَ قَالَ اَمَّا اَنْتَ لَمْ اَسْتَحْلِفْكُمْ تَهْمَةً لَّكُمْ وَلَكِنَّهُ اَتَانِيْ جِبْرِئِيْلٌ فَاخْبَرَنِيْ اِنَّ اللّٰهَ يَبَاهِيْ بِكُمْ الْمَلٰٓئِكَةَ»<sup>6</sup> ترجمه :  
 از حضرت معاویه روایت است که رسول گرامی (صلی الله علیه وسلم) برحلقهٔ از اصحاب شان مرور کردند که دور هم نشسته بودند فرمود چه باعث شده که شما اینجا نشسته اید ؟ گفتند بخاطر ذکر الله جلت عظمت و حمد و ثنا و صفت او تعالی دور و هم نشسته ایم و از انعامات و احساناتی که برای ما عطا فرموده و ما را به بهترین نعمتش اسلام عزیز است هدایت فرموده یاد آوری نمودیم ، فرمودند آیا شما بهمین خاطر حلقه دایره نمودید ؟ گفتند دور هم جمع شدن ما به همین خاطر است فرمود امامن به این حلقه شما اهتمام زیاد نداشتیم ولیکن جبرئیل نزد من آمد برای من خبر داد الله جل ذکره به این حلقه شما نزد ملائک یاد آوری نموده اظهار خوشنودی می نماید .

<sup>1</sup> - ابن القيم ، الفوائد ، ( 1 / 128 ) .

<sup>2</sup> - البقرة : 152 .

<sup>3</sup> - صحيح البخارى ، كتاب الدعوات ، باب فضل الذكر الله عزوجل ( ح ، 6407 ) ، ( ص ، 1170 ) .

<sup>4</sup> - الرعد : 28 .

<sup>5</sup> - الزمر : 22 .

<sup>6</sup> - صحيح مسلم ، كتاب الذكر والدعاء ، باب فضل الاجتماع على تلاوة القرآن وعلى الذكر ، ( ح ، 2701 ) ، ( 4 / 257 ) .



بهترین حالت ذکر آنست که قلب وزبان باهم موافقت داشته باشد ، همین جاست که قلب معرفت و عظمت الهی را به ثمر می آورد ، عشق و محبت ذات کبریائی را ترو تازه می سازد ، خوف و ترس و خشیت الهی و مراقبت آن ذات پاک در قلب انسانی به اوج کمالش می رسد ، وانسان مسلمان در اطاعت و عبادت پروردگارش تقصیر و کوتاهی نمی کند و ترک عصیان و نافرمانی می کند .

بعضی آداب که در وقت ذکر الله جل زکره مراعات شود :

1- خالی بودن قلب از هر نوع آرایش ظاهری و باطنی دنیوی در وقت ذکر الله جل زکره .

2- عظیم و بزرگ دانستن آن ذات کبریائی که قصد ذکر آنرا دارد .

3- به بهترین وجه و با فراغت کامل ذکر پروردگار لایزال را انجام دادن .

4- حلقه ای که در آن ذکر می شود با سکون و اطمینان و آرامش باشد .

5- متوجه حالت خود باشد چگونه ذکر می کند و قلب آن رقیق و نرم باشد و در وقت ذکر از سخن های بی معنا و از کارهای بیهوده اجتناب کند .<sup>1</sup>

پس اگر کسی این شرایط را مراعات نمود او از جمله ذاکرین محسوب می شود ، و از شر غفلت مصئون و محفوظ می ماند .

و بهترین راه پیش گرانه از غفلت ذکر مداوم پروردگار لایزال است چنانچه الله ذوالجلال پیامبر بزرگ اسلام را از غفلت بر حذر داشته می فرماید { **وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ** }<sup>2</sup>

ترجمه : پروردگارت را در دل خود با فروتنی و آهسته و آرام باترس و هراس از او ، صبح گاهان و شام گاهان یاد کن و از زمره غافلان مباش .

درین آیه مبارکه الله سبحانه و تعالی بندگانش را به انکار صبح و شام تشویق نموده ، همچنان که در همین دو وقت به عبادش امر فرموده چنین می فرماید { **وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ** }<sup>3</sup>

ترجمه : و ستایش و سپاس پروردگارت را پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن به جای آور ( چرا که عبادت در آن اوقات بزرگ و اندیشمند است ) . و این در حالی هست که این آیه مبارکه مکی است ، و نزول آن

قبل از فرضیت پنج وقت نماز در شب معراج است . بناءً درینجا ( بِالْغُدُوِّ ) بیان شده ، بمعنای اول روز ، ( وَالْآصَالِ ) جمع اصیل است قسمیکه ایمان جمع یمین است ، بمعنای اخیر روز . و این دلالت می کند بر اینکه

هر کسی که یک چیز را زیاد دوست داشته باشد او را به کثرت یاد می کند و قدر و عظمت آنرا بیشتر میداند ، پس ذات اقدس الهی از همه چیز کرده محبوب تر و صاحب عظمت و شرف و بزرگی میباشد ، بهمین خاطر

الله متعال فرموده { **تَضَرُّعًا وَخِيفَةً** } ( تَضَرُّع ) بمعنای خشوع و تواضع و عاجزی ( وَخِيفَةً ) بمعنای

بر حذر بودن و ترس داشتن از عذاب الله جل مجده ، یاد کردن پروردگار باشوق و رغبت و محبت همراه با خوف و ترس نه به صدای بلند چرا که ذکر بطور خفیه و پوشیده احسن و مستحب است و در آن اخلاص کامل

تر و فکر خوب تر و آرام تر می باشد .<sup>4</sup> و این فرموده الله جلالت عظمته { **وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ** } بر این دلالت

<sup>1</sup> - ابن جوزی ، التذکره فی الوعظ ، ( 1 / 119 ) ،

<sup>2</sup> - الاعراف : 205 .

<sup>3</sup> - ق : 39 .

<sup>4</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 2 / 246 ) .

می نماید که انسان ذکر الله جل ذکرة بادوام بطور همیشه انجام دهد و یک لحظه هم غافل نباشد، چرا که علاقه که بین روح و جسم است ارتباط عجیب و شگفت انگیزی هست هر نوع اثر که در جوهر روح بوجود بی آید در جسم هم تأثیری بسزائی دارد و هر حالتی که در جسم پدیدار شود در روح هم نمایان می شود، در عین حال هر عمل را که انسان بار بار انجام دهد در جوهر نفس ملکه قوی و مضبوط می شود، و کسانی که به ذکر الله جل ذکرة هستند همیشه قلب ها و ذهن های شان نشیط و بیدار می باشد، و هیچ گاهی غفلت در قلب های ایشان راه پیدا کرده نمی تواند و از عصیان و نافرمانی دور نگهداشته میشوند اما انسانهای غافل، در عصیان و نافرمانی بسر می برند و از راه و طریقه شریعت دوری اختیار می کنند و مجالس و محافل خیر و نیکی را دوست ندارند، اگر ایشان را به راه تعلیم و تربیه اسلامی دعوت نمائی، در جواب می گویند ما همه چیز را از طریق رسانه های صوتی و تصویری فرا گرفتیم، اما با تأسف اکثر رسانه ها غیر از برنامه های مبتذل و سریال های خان مان سوز دیگر هیچ برنامه ندارند، و اکثر مردم هم آنرا خوش دارند، نکته جالب اینست که در کشور عزیز ما تعداد رسانه های صوتی و تصویری اسلامی بسیار محدود و انگشت شمار است و شونده و بینندهایش بسیار کم مردم است، بناءً بهترین راه نجات از غفلت و راه های شیطانی دیگر مداومت بر ذکر الله جل ذکرة است، چنانچه امام ابن قیم (رحمه الله) می فرماید: یقیناً مجالس و محافل ذکر مجالس ملائک است که ایشان همیشه در تسبیح و تقدیس الله عز وجل مشغول هستند، و مجالس بیهوده گوئی و غفلت مجالس شیطانی هست که همیشه دوستانش را در غفلت و کاهلی و بیهوده گوی سرگرم نگهداشته، پس برای هر کس این دو نوع مجلس هر کدامش پسند و خوشش آمد اختیار کند پس او در دنیا و آخرت همراهی اهل و خانواده اش در آن محفل که دوست دارد یکجا می باشد.<sup>1</sup>

با تأسف درین زمان که ما زندگی میکنیم مجالس شیطانی و غفلت پیشه گان گرم تر و منظم تر به پیش میرود، و از امکانات بالا و مصارف گزاف و مشوقین بسیار زیاد، و از حمایت داخلی و خارجی برخوردار هستند، اما مجالس ذکر و دعوتی و اصلاحی بسیار محدود و انگشت شمار و از امکانات کم و مصارف ناچیز برخوردار هستند، و بجای آنکه حمایت شوند به بهانه های مختلف مورد ظلم و ستم قرار می گیرند یا اینکه روانه زندان می شوند.

<sup>1</sup> - ابن القیم الجوزی، الوابل الصیب، (ص، 65)، تحقیق: مصطفی بن العدوی، ط، 1، دار ابن رجب، منصوره، 1423 هـ - 2003 م.

## مطلب هشتم - بیداری و حذر داشتن از غفلت

**الف - بیداری و بیداری گری :** بیداری و ایستادگی در مقابل باطل پرستی و غفلت گرائی وجیبه هر فردی از امت اسلامی است ، هر انسان مسلمان مسؤولیت دارد که از مرض مرموز و درد آور غفلت بپرهیزد و این را در فکرش جای دهد که حتماً نزد پروردگارش رفتنی هست و جوابگوی همه گفتارها و کردارهایی که در دنیا انجام داده می باشد ، چنانچه الله متعال فرموده است { قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى تُمَّ تَتَفَكَّرُوا }<sup>1</sup>

ترجمه : بگو من شما را تنها یک نصیحت می کنم و آن اینست که خالصانه برای خدا دونفر دونفر ، و یا یک نفر یک نفر برخیزید ( واندیشه های خفته را زنده کنید ) سپس ( درباره محمد که سالها با او بسر برده اید فکر خود را به کار گیرید ) بیندیشید ( تا پاکی و امانت داری و سلامتی جسمانی و روحانی او در خاطره ها مجسم شود ) . هر نوع حرکت و ایستادگی بخاطر رضای الله جل مجده و بیداری از خواب غفلت و برخاستن از راه های نامعلوم که سبب ضعف و شکست انسان می شود ستودنی و قابل تمجید است ، اولین مرحله بیداری از خواب غفلت و آرامش قلب انسانی عبادت و بندگی خالصانه الله جلت عظمته می باشد ، اینجاست که این شخصیت بیدار و بیدار گز دست بکار می شود و دیگران را از خواب غفلت بیدار می کند و به فلاح و رستگاری نائل می گردد ، و قتیکه انسان از خواب غفلت بیدار شد فکر بیدار گری برایش پیدا می شود و قلب غافل که داشت به حرکت می آید و مطلوب گم کرده خویش را همانا بیداری و آرامش قلب است حاصل می کند ، و قتیکه انسان استقلال فکری صحیح پیدا کرد بصیرت و بینش صحیح پیدا می کند و با نور قلبش حقائق را می بیند<sup>2</sup> و بیداری سه حالت دارد :

- 1- بیداری و شناخت از نعمت های که قلب مایوس و نا امید شده بود .
  - 2- آگاهی از جرمها و خطرات عدم بیداری و خود را حفاظت کردن و گردن خود را از آن خلاص کردن .
  - 3- یاد آوری روزهای که در آن زیاد روی ، و کم و کوتاهی ، و ضیاع وقت و غفلت که صورت گرفته و جبران کردن آن به طریقی که لازم باشد .<sup>3</sup>
- بارزترین علائم غفلت اینست که انسان غافل همیشه در غم و اندوه و پریشانی بسر می برد و برای زندگی بعد از مرگش هیچ آماده گی ندارد .

**ب - آگاهی و یادآوری نعمات الله جل مجده :** بهترین راه علاج و بیداری از غفلت یادآوری نعمات الهی است ، برای کسی که تفکر کند و درک نماید که انواع نعمت های الله سبحانه و تعالی برایش اعطا شده ، و او را اشرف مخلوقات آفریده و همه کائنات را بخاطر منافع او به حرکت در آورده است ، چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید { أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً

1 - سبأ : 46 .

2 - ابن القيم ، مدارج السالکین ، ( 1 / 23 ) .

3 - هروی ، خواجه عبدالله انصاری ، منازل السائرین ، ( 1 / 12 ) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ<sup>1</sup> ترجمه : آیا ندیده اید که خداوند آنچه را که در آسمانها وزمین است مسخر شما کرده است ( ودر مسیر منافع شما به حرکت انداخته است ) و نعمت های خود را - چه نعمتهای ظاهر و چه نعمتهای باطن - بر شما گسترده و افزون ساخته است ؟ برخی از مردم بدون هیچ گونه دانش و هدایت و کتاب روشن و روشنگری ، در باره ( شناخت و یکتای ) خدا راه ستیز و جدال را پیش می گیرند . « اَسْبَغَ » : فراوان و فراخ کرده است ، اتمام بخشیده است و فراگیر نموده است .. « ظَاهِرَةٌ وَبَاطِنَةٌ » : آشکارا و پنهان . نعمتهای ظاهر ، همچون : صحت ، دارای ، فرزندان خوب . نعمتهای باطن ، همچون ایمان ، عقل ، حسن تدبیر ، اطمینان قلب .<sup>2</sup> همچنان الله سبحانه و تعالی فرموده است { وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ }<sup>3</sup> ترجمه : ( خداوند جز اینها دارای نعمت های فراوان دیگری است ) و اگر بخواهید نعمتهای خدا را بر شمارید ، نمی توانید آنها را سر شماری کنید . بی گمان خداوند دارای مغفرت و مرحمت فراوان است ( و اگر از پرستش بتهای بی جان و انسانهای ناتوان دست بر دارید و به پرستش خدای رحمان برگردید ، مشمول گذشت و مهر یزدان می گردید ) . و همچنان الله جلّت عظمته فرموده است { وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لظُلُومٌ كَفَّارٌ }<sup>4</sup> ترجمه : و از هر چه خواسته اید به شما داده است ، و اگر بخواهید نعمتهای خدا را بشمارید ( از بس که زیاد اند ) نمی توانید آنها را شمارش کنید . واقعاً انسان ستمگر ناسپاس است ( اگر نعمت های خدا را نادیده بگیرد و به جای پرستش دهنده نعمتها چیز دیگری را پرستش بکند و سر از خط فرمان آفریدگار برتابد ) . بدون شک این قسم انسانها خوار و ذلیل دنیا و آخرت هستند ، و در خواب غفلت بسر می برند ، پس برای هرانسان لازمی است ، نعمات بی شماری را که الله جلّت عظمته برایش ارزانی فرموده است مانند صحت و سلامتی ، عقل و منطق ، عزت و شرف ، استعداد و توانای ، ثروت و زندگی ... قدر و منزلت این نعمات را دانسته بسوی پروردگار منان رجوع کند ، و به فرامین او تعالی تسلیم شود ، و از خواب غفلت بیدار شود ، تا که سعادت و فلاح و رستگاری نصیب حالش گردد .

**ج - حذر داشتن از غفلت:** حذر بمعنای اجتناب کردن از یک چیز و ترس و هراس داشتن از واقع شدن در آن:

1- حذر داشتن از الله سبحانه و تعالی : برای هر انسان مسلمان لازمی است که در تمام امور زندگی اش از الله ذوالجلال ترس و هراس داشته باشد چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ الْمَصِيرُ }<sup>5</sup> ترجمه : و خداوند شما را از نافرمانی خود بر حذر میدارد و بازگشت همگان به سوی او است . درین آیه مبارکه الله جلّت عظمته انسان ها را از ذات کبریایی خویش میترساند و بر حذر میدارد که مرتکب معصیت و نافرمانی نشوند و با دشمنان او دوستی نکنند یقیناً باز گشت همه بسوی الله جلّ مجده است ، و از تمام کارهای که انسانها انجام داده اند در روز محشر از نزد شان بازجوی و پرسیان می شود ، هرکس که اعمال نیک را

1 - لقمان : 20 .

2 - خرم دل ، داکتر مصطفی ، تفسیر نور ، ( ص ، 866 ) .

3 - النحل : 18 .

4 - ابراهیم : 34 .

5 - آل عمران : 28 .

انجام داده باشد پاداش نیک برای شان داده می شود و هرکس اعمال بد را انجام داده باشد جزا و عتابش را خواهد دید.<sup>1</sup>

2 - حذر داشتن از نفس : چرا که نفس اماره انسانی خطرناکترین غریزه هست که انسان را به گناه و معصیت می کشاند چنانچه الله ذوالجلال فرموده است { إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ }<sup>2</sup>

ترجمه : یقیناً نفس ( سرکش طبیعتاً به شهوات می گراید و زشتیها را تزیین می نماید و مردمان را ) به بدیها و نابکاریها می خواند . یقیناً نفس بشری میل کننده به شهوات و خواهشات نفسانی است ، پس برای انسان لازمی هست که خود را ازین قسم نفس سرکش نجات دهد و از شر آن در غفلت نباشد چرا که انسان اکثراً ازین طریق مورد اغوا قرار می گیرد ، همین جاست که الله ذوالجلال بنده گان مؤمنش را با تأکید امر نموده در تمام امور شان با جدیت و قاطعیت عمل نمایند اندک ترین سستی و تنبلی و غفلت را به خود راه ندهند ، و هر کار را که انجام میدهند به خیر و صلاح دین و دنیای شان بوده باشد.<sup>3</sup>

3 - حذر داشتن از فتنه زن و فرزند : یکی از راه های واقع شدن در غفلت زن و فرزند می باشد چنانچه الله جلّت عظمته فرموده است { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ }<sup>4</sup>  
ترجمه : ای مؤمنان قطعاً بعضی از همسران و فرزندانان دشمنان شما هستند ( شما را از راه خدا باز میدارد و در عبادت و طاعت سست می گردانند ) پس از ایشان خویشتن را برحذر دارید .

و قوله تعالی { إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ }<sup>5</sup> ترجمه : قطعاً اموالتان و اولادتان وسیله آزمایش شمايند .  
درین دو آیه مبارکه که الله متعال مسلمانان را سخت تنبیه نموده و برحذر داشته که از خاطر زن و فرزند و مال و دارائی شان در فتنه واقع نشوند ، چرا که ایشان وسیله ابتلا و آزمایش هستند که در مقابل این نعمت ها سپاس و شکران الله جل مجده را بجا می آورند یا ناسپاسی و ناشکری می کنند.<sup>6</sup>

4- حذر داشتن از آخرت : یکی از راه های علاج غفلت حذر داشتن از آخرت است . چنانچه الله متعال فرموده است { أَمَنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَانِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةً رَبِّهِ }<sup>7</sup> ترجمه : ( آیا چنین شخص مشرک که بیان کردیم بهتر است ) یا کسی که در اوقات شب سجده کنان و ایستاده به طاعت و عبادت مشغول می شود و خویشتن را از عذاب آخرت به دور میدارد و رحمت پروردگار خود را خواستار می گردد .  
درین آیه مبارکه که الله سبحانه و تعالی فرموده است هیچ گاه انسان مؤمن و مخلص و موحد با انسان مشرک و منافق برابر نیست ، چنانچه حضرت عبد الله بن مسعود ( رضی الله عنه ) فرموده صفت انسان مؤمن اینست که او همیشه و در همه حالت منقاد و فرمانبردار الله عزوجل و رسول گرامی ( صلی الله علیه و سلم ) است ، و در ساعات های شب اول وسط و آخر آن در عبادت پروردگار عز وجل مشغول می باشد ، و طور عبادت می کند که در بین خوف و رجاء قرار داشته باشد ، تا وقت زنده بودنش در حالت خوف بسر می برد

1 - طبری ، جامع البیان عن تأویل آی القرآن ، ( 3 / 230 ) .

2 - یوسف : 53 .

3 - آلوسی ، روح المعانی ، ( 13 / 2 ) .

4 - التغابن : 14 .

5 - التغابن : 15 .

6 - ابن العربی ، ابوبکر محمد بن عبدالله ، ( ت ، 543 هـ ) ، احکام القرآن ، ( 4 / 266 ) ، تحقیق : محمد عبد القادر عطا ، دار الفکر ، لبنان

7 - الزمر : 9 .

و در وقت احتضار مرگ امیدوار رحمت پروردگارش است . بهمین ترتیب انسان مؤمن و مسلمان خود را از خطر مزمن غفلت نجات میدهد ، و به فلاح ورستگار همیشه گی نائل می شود .<sup>1</sup>

### مطلب نهم : تزکیه و زبون ساختن نفس :

**الف - تزکیه نفس :** تزکیه بمعنای نیکوکار و صالح شدن ، وارسته و شایسته شدن ، پاک گردانیدن نفس از گناه و معصیت ، پاکیزه گردانیدن .<sup>2</sup> بهترین و مؤثرترین علاج غفلت تزکیه نفس می باشد ، چنانچه الله سبحانه و تعالی در بسیار جاهای قرآن عظیم الشان بآن تأکید نموده می فرماید { **وَمَنْ تَزَكَّى فَأَنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَاللَّهُ الْمُصِیْرُ** }<sup>3</sup> ترجمه : هرکس پاکی پیشه کند ( و خویشتن را از کثافات معاصی پاکیزه دارد ) ( پاکی او برای خودش است و ) ( خود از آن سود می برد به هر حال ) باز گشت ( همگان ، اعم از کافران و مؤمنان ) به سوی خدا است ( و سر انجام به حساب عاصی و مطیع خواهد رسید ) . و همچنان الله سبحانه و تعالی می فرماید { **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى - وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى** }<sup>4</sup> ترجمه : قطعاً رستگار می گردد کسی که خویشتن را ( از کثافات کفر و معاصی ) پاکیزه دارد - و نام پروردگار خود را ببرد و نماز بگزارد و فروتنی کند . و همچنان الله جلت عظمت می فرماید { **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا - وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا** }<sup>5</sup> ترجمه : ( قسم به همه اینها ) کسی رستگار و کامیاب می گردد که نفس خویشتن را ( با انجام طاعات و عبادات ، و ترک معاصی و منهیات ) پاکیزه میدارد ( و آن را باهویدا ساختن هویت انسانی رشد دهد و بالا برد - و کسی نا امید و ناکام می گردد که نفس خویشتن ( و فضایل و مزایای انسانیت خود را در میان کفر و شرک و معصیت ) پنهان بدارد و بپوشاند و ) ( به معاصی ) بیالاید . و بهترین اجر و پاداش که عبارت از جنات است برای مؤمنان که تزکیه ای نفس می کنند داده می شود چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید { **وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى - جَنَّاتٌ عُدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى** }<sup>6</sup> ترجمه : و هر که با ایمان و عمل صالح به پیش پروردگارش رود ، چنین کسانی دارای مراتب والا و منازل بالابند - ( آن منازل و مراتب ) باغهای ( بهشت جاویدانی ) است که جای ماندگار است ، و در زیر ( قصرها و درخت های ) آن رود بارها جاری است ، و جاودانه در آنجا می مانند ، و این چنین چیزها ارزش ( پاداش کسی است که ) ( با ایمان و انجام طاعت ) خویشتن را پاک و پاکیزه ( از کثافات کفر و معاصی ) کند .

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 42 ) .

<sup>2</sup> - معلوف ، لويس ، المنجد ، ( 1 / 600 ) ، مترجم: مصطفی رحیمی نیا .

<sup>3</sup> - الفاطر : 18 .

<sup>4</sup> - الاعلی : 14 - 15 .

<sup>5</sup> - الشمس : 9 - 10 .

<sup>6</sup> - طه : 75 - 76 .

ب - مراقبت نفس : مراقبت از فعل (رَاقَبَ) گرفته شده است و حروف اصلی آن (ر، ق، ب) می باشد ، در لغت مراعات کردن و حفاظت نمودن یک شی را گویند ،<sup>1</sup> و در اصطلاح " استدامة علم العبد باطلاع الرب علیه فی جمیع احواله " ترجمه : الله سبحانه و تعالی با علم کامل که دارد بطور مداوم از تمام حالات و کوائف بنده گانش اطلاع دارد و باخبر است .<sup>2</sup>

برای هرانسان لازمی است که قبل از انجام دادن هر عمل و در اثنای آن متوجه و مراقب خود باشد که الله ذوالجلال از تمام حالات و اعمال ایشان باخبر است و زیر نظارت شدید الهی قرار دارند<sup>3</sup> چنانچه الله جلالت عظمت فرموده است { إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا }<sup>4</sup> ترجمه : زیرا که بی گمان خداوند مراقب شما است ( و کردار و رفتار شما از دیده او پنهان نمی ماند .

اسباب که باعث میشود انسان مراقب و متوجه نفس خود باشد قرار ذیل است :

1 - عظمت و بزرگی الله جل شأنه و معرفت آن ذات کبریائی در قلب که متمکن شد ، این قسم شخص همیشه و در همه حالت آن ذات پاک را مراقب و مواظب و ناظر همه گفتار و کردار ش می داند ، و هیچ گاهی عصیان و نافرمانی الله جلالت عظمت را نمی کند ، بلکه هر وقت هر ساعت هر لحظه باین عقیده است که هر عمل نیک و بد را که انجام داده از او یکایک پرسان میشود و مورد باز پرس قرار می گیرد ، انسان های خوب مطابق اعمال نیک شان جزا و پاداش نیک داده میشوند و انسان های بد کردار به کیفر اعمال شان خواهند رسید .

2 - عبادت و ذکر الله جل شأنه به اسماء و صفاتی که در آنها معنا و مفهوم مراقبت و نظارت الهی بطور واضح روشن بیان شده است مانند الرقیب بمعنای ذات ناظر و نگهبان ، الحفیظ ذات حفاظت کننده ، السميع ذات شنوا ، البصیر ذات بینا ، العلیم ذات دانا ، و قتیکه انسان ذات اقدس الهی را با این اسماء و صفات یاد می کند ، در عبادت و اطاعتش حلاوت و شریینی خاصی بوجود می آید و در انجام آنها چه فرائض باشد چه نوافل مواظبت می نماید ، چرا که انجام دادن این اعمال انسان را به رضا و خوشنودی الله جلالت عظمت می رساند و ایمانش را قوی می سازد ، و این باعث می شود که انسان از غفلت و تنبلی و کاهلی دست بکشد ، و اطاعت و عبادت الله جل مجده را به کثرت انجام دهد .

3- بهترین خوشی و مسرت برای یک انسان مسلمان زمانی بوجود می آید که با وجود قدرت داشتن بر معصیت و گناه آنرا از ترس الله جل مجده ترک نماید ، و تمام لذتهای نفسانی و شهوانی اش را در مقابل حلاوت و شریینی اطاعت و فرمان برداری و رضا و خوشنودی الله جل مجده رها می کند و خود را خوشبخت دارین می سازد ، و این سعادت زمانی برای یک شخص مسلمان نائل می شود که جماعت مسلمانان را لازم بگیرد ، و از گوشه گیری و تنهایی بپرهیزد چرا که شیطان انسان متفرق از جماعت مسلمانان را زود فریب داده اغوا می کند قسمیکه گرگ گوسفندی را که از رمه جدا می شود زود پاره اش می کند .<sup>5</sup>

1 - احمد بن فارس ، معجم مقاییس اللغة ، ( ص ، 417 )

2 - جرجانی ، التعریفات ، ( ص ، 208 )

3 - مقدسی ، نجم الدین ابوالعباس احمد بن عبد الرحمن بن قدامة ، ( ت ، 689 هـ ) ، مختصر منهاج القاصدین ، ( ص ، 324 ) ، ط ، 1 ، دار التوزیع والنشر الاسلامیة ، 1417 هـ - 1996 م .

4 - النساء : 1 .

5 - الاخلاق والأداب ، ( 4 / 1942 )

**ج - مجاهده بانفس :** مجاهده بروزن مفاعله وحروف اصلی آن ( ج ، ه ، د ) می باشد با ضمه وفتح جیم خوانده می شود در لغت اصرار کردن و سعی و تلاش ورزیدن در عمل است ، و در جنگ و محاربه هم استعمال میشود و دلالت به مشارکت می نماید که هر دو طرف آنرا در بر می گیرد .<sup>1</sup> و در اصطلاح مقابله و مبارزه کردن با نفس (أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ ) و وادار کردن آن به قبول اعمالی که مطلوب شریعت اسلامی و رضا و خوشنودی ذات کبریایی است .<sup>2</sup>

و جهاد و مجاهده بر دو قسم است : 1 - جهاد اکبر مجاهده بانفس 2 - جهاد اصغر جهاد فی سبیل الله . جهاد اکبر مجاهده بزرگ هست در مقابل نفس که همیشه در پیکار هست به یک طریق انسان را به بیراهه و طغیان و سرکشی بکشاند ، و او را طعمه فریب کارها و وساوس شیطان بگرداند ، همین جاست که انسان عقلمند و هوشیار با زیرکی کامل با تمام توان و استطاعت که الله جل مجده برایش عطا نموده دست بکار شده ، با این پدیده شوم و غریزه خطرناک مبارزات خویش را ادامه میدهد تا اینکه آنرا مطیع خود می سازد ، و تمام نقش هایش را بخاک یکسان می کند ، و در مقابل از ثمره ایمانی که دارد مشوق به کارهای خیر میشود و به مراتب و درجات بلند راه پیدامی کند ،

چنانچه الله جلت عظمته فرموده است { وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ }<sup>3</sup> ترجمه : کسانی که برای رضایت ما در تلاش هستند و در راه پیروزی دین ما جهاد می کنند آنان را در راههای منتهی به خود رهنمود (و مشمول حمایت و هدایت خویش ) می گردانیم و قطعاً خداوند بانیکو کاران است ( و کسانی که خدا در صف ایشان باشد پیروز و بهروزند ) . و انسان مسلمان بامجاهدت دوامدار خود بر علیه نفس اماره به سعادت و خوشبختی همیشه گی و فلاح و رستگاری دنیا و آخرت نائل میشود ، و حلاوت و شیرین ایمان نصیب حالش می گردد ، و احساس عزت و شرف و اطمینان و غنای نفس می نماید ، و مجاهدت بانفس اماره باعث میشود که انسان مسلمان حکمت ، فراست ، اخلاق نیکو و قربانی دادن در راه الله جل مجده را فرا گیرد .<sup>4</sup>

بعضی اسبابی که انسان را به مجاهدت نفس اماره کمک می نماید

1- مداومت به عبادت و اطاعت پرور دگار عالمیان .

2- طلب علم شرعی .

3- به کثرت ذکر الله جل شأنه را بجا آوردن .

4 - محاسبه نفس .

5- صحبت و همنشینی با انسانهای صالح و نیکو کار .

6 - یاد کردن موت .

7 - با نفس اماره از جدیت و قاطعیت کار گرفته شود در صورت نپذیرفتن آن ریاضت و مشقت بیشتر داده شود تا که زیر کنترل آمده اصلاح شود .<sup>5</sup>

<sup>1</sup> - کفوی ، ابو البقا ، التوقیف علی مهمات التعریف ، ( ص ، 638 ) .

<sup>2</sup> - جرجانی ، التعریفات ، ( ص ، 203 ) .

<sup>3</sup> - العنکبوت : 69 .

<sup>4</sup> - کرزون ، احمد ، منهج الاسلام فی تزکیة النفس ، ( 1 / 384 ) .

<sup>5</sup> - کرزون ، احمد ، منهج الاسلام فی تزکیة النفس ، ( 1 / 387 - 396 ) .



د - محاسبه نفس : محاسبه بروزن مفاعله وحروف اصلی آن ( ح ، س ، ب ) می باشد در لغت بمعنای حساب دادن و حساب گرفتن است .<sup>1</sup> و در اصطلاح دیدن و تأمل کردن و حساب گرفتن اعمال و نیات انسانها در همه حالات و ادوار زندگی چه ماضی و گذشته باشد چه آینده و مستقبل باشد چه حال باشد محاسبه دقیق و سالم صورت می گیرد .<sup>2</sup> چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است { وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ }<sup>3</sup>

ترجمه : و ما ترازوی عدل و داد را در روز قیامت خواهیم نهاد و اصلاً به هیچ کسی کمترین ستمی نمی شود و اگر به اندازه دانه خردلی ( کار نیک یا بدی انجام گرفته ) باشد آن را حاضر و آماده می سازیم ( و سزا و جزای آن را می دهیم ) و بسنده خواهد بود که ما حسابرس و حساب گر (اعمال و اقوال شما انسانها ) باشیم .

بناءً برای هر انسان مسلمان لازمی هست که هر روز ، هر ساعت ، هر دقیقه و هر لحظه متوجه نفس خود باشد و اعضای بدن و قلبش را محاسبه نماید ، تا که بتواند نفسش را بطور کامل تزکیه نموده و خود را متوجه حق تعالی گرداند چنانچه الله متعال فرموده است { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : ای مؤمنان از خدا بترسید و هرکسی باید بنگرد که چه چیز را برای فردای قیامت خود پیشاپیش فرستاده است از خدا بترسید خدا آگاه از هر آن چیزی است که می کنید .

درین آیه مبارکه مؤمنان به محاسبه نفس شان توصیه شده اند قبل ازین که از ایشان محاسبه صورت گیرد ، هرکسی که نفسش را محاسبه کرد و از مقام پروردگارش ترسید ، هیچ گاهی طغیان و سرکشی و عصیان نافرمانی پروردگارش را نمی کند ،

و خوف و خشیت الهی ایشان را به توبه و ندامت می کشاند ، و این محکم ترین قلعه هست که در مقابل شهوات و خواهشات نفسانی قرار می گیرد ،<sup>5</sup> چنانچه الله جلّت عظمتّه فرموده است { وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ }<sup>6</sup>

ترجمه : و اما آن کسی که از جاه و مقام پروردگار خود ترسیده باشد و نفس را از هوی و هوس باز داشته باشد \* قطعاً بهشت جایگاه او است .

و انسان مکلف است که نفس خود را از شهوات و خواهشات نفسانی باز دارد ، و رضا و خوشنودی الله جلّت عظمتّه را کمائی نموده و جنت پروردگار عظیم الشان را از آن خود بسازد چنانچه الله متعال فرموده است { وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ }<sup>7</sup>

ترجمه : هرکسی که از مقام پروردگار خود بترسد باغهای در بهشت دارد .

<sup>1</sup> - کفوی، ابو البقا ، التوفيق على مهمات التعريف ، ( ص ، 216 ) . معجم لغوی مصطلحی ، ( ص ، 640 ) .

<sup>2</sup> - احمد کرزون ، منهج الاسلام فی تزکیة النفس ، ( 1 / 336 ) ، ط ، 2 ، دار ابن حزم للنشر ، 1418 هـ - 1998 م .

<sup>3</sup> - الانبياء : 47 .

<sup>4</sup> - الحشر : 18 .

<sup>5</sup> - زحیلی ، دكتور و هبة ، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج ، ( 28 / 102 ) ط ، 1 ، دار الفكر للنشر والتوزيع ، بيروت ، لبنان ، 1411 هـ .

<sup>6</sup> - النازعات : 40-41 .

<sup>7</sup> - الرحمن : 46 .

ه - **توبه وندامت نفس** : توبه در لغت بمعنای رجوع کردن از معصیت و نافرمانی و دست کشیدن از طغیان و سرکشی و ندامت و پشیمانی از اعمال بدی و زشت که صورت گرفته است .<sup>1</sup> و در اصطلاح رجوع کردن بنده گان با پیمان مؤثق و محکم بسوی الله سبحانه و تعالی باعملی نمودن تمام حقوق که پروردگار جهانیان بر ذمه بنده اش گذاشته است .<sup>2</sup> و توبه کردن بسوی الله جلّت عظمته نزد تمام علمای امت واجب است و توبه سه شرط دارد اگر معصیت حقوق الله جلّ جلاله باشد .

- 1 - اینکه دست بکشد از معصیت و نافرمانی که انجام داده است .
  - 2 - ندامت و پشیمانی بکشد از گناهایی که مرتکب شده است .
  - 3 - تصمیم قاطع بگیرد که اعمال زشتی را انجام داده دیگر نمی کند .
- اگر معصیت در حقوق العباد (حقوق بنده گان ) باشد شرط چهارمی اضافه می شود :
- 4 - اگر بالای کسی ظلم کرده باشد از او معافی بخواهد و اگر حق کسی را خورده باشد حق آنرا برایش باز گرداند .<sup>3</sup>

و توبه از مهم ترین اعمال است که شریعت اسلامی متبعین اش را به عملی نمودن آن تشویق نموده امر فرموده است چنانچه الله متعال می فرماید { وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ }<sup>4</sup>

ترجمه : ای مؤمنان همگی به سوی خدا برگردید ( و از مخالفت های که در برابر فرمان خدا داشته اید توبه کنید ) تا رستگار شوید .

این نداء قرآن عظیم الشان عام است شامل همه مؤمنان میشود چه مرد باشد چه زن چه پیر باشد چه جوان چرا که هیچ انسان مؤمن و مسلمان خالی از گناه نیست بجز پیامبران علیهم الصلاة والسلام که ایشان معصوم و پاک هستند ،<sup>5</sup>

و همچنان الله جلّ مجده می فرماید { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }<sup>6</sup>

ترجمه : ای مؤمنان به درگاه خدا برگردید و توبه خالصانه ای بکنید شاید پروردگارتان گناهانتان را محو نماید و بزداید و شما را به باغ های بهشتی داخل گرداند از زیر ( کاخها و درختان آن ) رودبارها روان است این کار در روزی خواهد بود که خداوند پیغمبر و کسانی را خوار و سبک نمی دارد که با او ایمان آورده اند ( بلکه ایشان را والا می گرداند و به درجات بالا می رساند ) نور ( ایمان و عمل صالح ) ایشان پیشاپیش و سوی راستشان ( رو به جانب بهشت ) در حرکت است ( وقتی که خاموش شدن نور منافقان را می بیند رو به درگاه خدا می کنند و ) می گویند پروردگارا نور ما را کامل گردان ( تا در پرتو آن به بهشت برسیم ) و ما را ببخشای چرا که توبر هر چیزی بس توانای .

1 - معلوف ، لويس ، المنجد ، ( 1 / 129 ) ، مترجم : مصطفی رحیمی نیا .

2 - جرجانی ، التعريفات ، ( ص ، 74 ) .

3 - نووی ، ابی زکریا محی الدین یحیی بن شرف ، ( ت ، 676 هـ ) ، شرح ریاض الصالحین ، ( ص ، 18 ) ، تحقیق : محمد علی صابونی ، ط ، 3 ،

3 ، دار الافق للطباعة والنشر ، بیروت ، لبنان ، 1424 هـ - 2003 م .

4 - النور : 31 .

5 - حوی ، سعید ، الاساس فی التفسیر ، ( 10 / 605 ) .

6 - التحريم : 8 .

توبه نصوص توبه مخلصانه است که صاحبش را به ایمان کامل و عقیده راسخ استوار نگه میدارد و شوق و علاقه مندی اش به اعمال صالحه بیشتر می شود ، و از کارهای بد اجتناب می ورزد ، برای هر انسان مسلمان لازمی است زندگی اش را مطابق توبه خالصانه که انجام داده به پیش ببرد و عهد و پیمانی که با پروردگار عالم بسته عملی نماید ، تا باشد آینده درخشان را در زندگی دنیا و آخرتش رقم بزند .<sup>1</sup>

وهم چنان در حدیث آمده است عن عبد الله بن مسعود (رضی الله عنه) عن النبی (صلی الله علیه وسلم) قَالَ «لِلَّهِ أَفْرَحُ بِتُوبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ نَزَلَ مِنْزِلًا وَبِهِ مَهْلَكَةٌ وَمَعَهُ رَاحِلَتُهُ عَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَوَضَعَ رَأْسَهُ فَنَامَ نَوْمًا فَاسْتَيْقَظَ وَقَدْ دَهَبَتْ رَاحِلَتُهُ حَتَّى اسْتَدَّ عَلَيْهِ الْحَرُّ وَالْعَطَشُ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ قَالَ أَرْجِعْ إِلَى مَكَانِي فَرَجِعْ فَنَامَ نَوْمًا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَإِذَا رَاحِلَتُهُ عِنْدَهُ»<sup>2</sup>

ترجمه : از عبدالله بن مسعود روایت است نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) فرمود الله سبحانه و تعالی به توبه بنده اش آنقدر زیاد خوشحال می شود که یک مرد همراه اشترش در سفر است و تمام خوردنی و نوشیدنی اش را در آن بارکرده و در یک دشت و بیابان می رسد مانده و خسته می شود همان جا استراحت می کند و وقتی که از خواب بیدار می شود متوجه می شود که اشترش از نزدش رفته و او سخت پریشان می شود و گرمی و تشنه گی شدید بر او طاری می شود و مایوس و ناامید به جا و مکان اولی خود باز می گردد و از دست پریشانی و خسته گی خوابش می برد و گمان می کند هلاک شده در همین حالت از خواب بیدار می شود می بیند که اشترش نزدش ایستاده است بسیار زیاد خوشحال می شود که این قسم خوشی را به ابد ندیده بود .

وهمچنان در حدیث آمده است عن ابی هریره (رضی الله عنه) قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه وسلم) يَقُولُ «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً»<sup>3</sup>

ترجمه : از حضرت ابوهریره روایت است گفت شنیدم از رسول گرامی می فرمود قسم به الله ذوالجلال من روزی هفتاد مرتبه یا بیشتر از ان استغفار طلب می کنم بسوی الله متعال و بسوی او توبه می کنم .

امید وار هستم که ما مسلمانان وظیفه ایمانی و جدانی خویش را درقبال خود مان ، اهل و اولاد مان ، و جامعه وطن مان ادا نمائیم ، و خود را از مرض خطرناک غفلت نجات دهیم ، و بتوانیم یک جامعه مترقی و باسعادت داشته باشیم .

ومن الله التوفيق

<sup>1</sup> - ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، ( 4 / 333 ) .

<sup>2</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الدعوات ، باب التوبة ، ( ح ، 6308 ) ، ( ص ، 1155 ) ،

<sup>3</sup> - صحیح البخاری ، کتاب الدعوات ، باب استغفار النبی (صلی الله علیه وسلم) فی اليوم والليلة ، ( ح ، 6307 ) ، ( ص ، 1154 ) .

## نتیجه گیری

حمد و ثنا و صفت بی پایان مر ذات را که برایم توفیق عنایت بخشید ، رساله تحقیقی را زیر عنوان (غفلت و علاج آن در پرتو قرآن کریم ) به اتمام برسانم . و این بحث تحقیقی را در سه فصل در روشنی آیات قرآن عظیم الشان ، احادیث گهر بار پیامبر گرامی ( صلی الله علیه وسلم ) و روایات و نظریات علماء کرام بیان کردم ، اکنون به شکل موجز و مختصر نتیجه این بحث را بیان می نمایم .

1 - پس از تتبع و بررسی ، تحقیق و پژوهش در قرآن کریم کتاب روح بخش الهی می توان نتیجه گرفت که غفلت یک موضوع مهم و اساسی است ، با توجه به حساس بودن آن 35 بار در 35 آیات قرآن عظیم الشان ذکر شده است ، و انسان ها بطور قطع و جزم از این مرض مهلک بیم و حذر داده شده اند، اما باز هم با تأسف اکثر مردم در آن آغشته هستند، و این مرض به انواع مختلف دامن گیر همه اقشار جامعه می باشد .

2 - در این بحث تحقیقی معانی لغوی و اصطلاحی غفلت بطور واضح و روشن از خلال معاجم مختلف بیان شده ، و غفلت بمعنای ترک کردن کارهای ضروری و سودمند بخاطر کم توجهی و بی تفاوتی بآن ، یا به قصد کاری نیکی را از روی تقصیر و کوتاهی انجام ندادن .

3 - در قرآن کریم غفلت بمعانی متعدد بیان شده مانند مشغول شدن به یک عمل غیر ضروری، اعراض کردن، جهالت ، لهو لعب و انواع دوگانه غفلت 1- محموده 2- مذمومه .

قابل ذکر است اکثراً لفظ غفلت در سوره های مکی بیان شده ، چرا که اکثر مردم به دین مبین اسلام عمیق فکر نمی کردند ، بلکه همیشه در دنیا و شهوات آن مشغول بودند ، اصلاً هیچ توجهی به آخرت نداشتند ، برخلاف دور مدنی که دور شگوفای اسلام عزیز بود ، مردم روز به روز از غفلت فاصله می گرفتند ، و در راه ترقی اسلام عزیز کوشا بودند .

4 - در قرآن کریم لفظ غفلت به صیغه های مختلف بیان شده ، و الله ذوالجلال انسان ها را از غفلت برحذر داشته و متوجه ساخته که سرنوشت انسان غافل هلاکت و بربادی هست .

- 5 - درین بحث تحقیقی علامات و اسباب غفلت با وضاحت تمام بیان شده مانند پیروی از شیطان ، کفر ، کبر و غرور ، ریاء ، ظلم ، جهل و نادانی، لهو و لعب ، زیاده روی ، آرزوهای طولانی ، پیروی از هوی و هوس و ترجیح دادن زندگی دنیا در مقابل آخرت .
- 6 - ارتباط محکم موضوع غفلت با واقعات معاصر، اهمیت این موضوع را برجسته تر می سازد ، و دلالت بر این دارد که واقعه غفلت بسیار المناک و دردآور است ، و انسان را خوار ذلیل دنیا و آخرت می گرداند .
- 7 - از خلال آیات مبارکه واضح شد که عقوبت شدید الله جل مجده بر غفلت پیشه گان در دنیا بسنده نیست، بلکه در آخرت عذاب شدید و غلیظ متوجه حال شان خواهد بود ، و جای بود باشی خاصی در جهنم برای غافلان آماده کرده شده است .
- 8 - بارزترین آثار غفلت قرار ذیل است : منصرف شدن از آیات الله جلت عظمته ، عدم تدبیر و تفکر به بزرگترین و مقدس ترین کتاب الله سبحانه و تعالی ( قرآن مجید ) ، محرومیت از فضل و رحمت رب کائنات ، عدم اجابت و قبولیت دعا ، مهر و لاک شدن قلب ها ، گوش ها و چشم ها ، مسدود شدن دروازه های خیر بر روی انسان غافل و باز شدن دروازه های شر بر روی ایشان .
- 9 - آثار و خیم که از غفلت پیشه گان باقی می ماند قرار ذیل است : تکذیب کردن و دروغ شمردن آیات الله جل شأنه ، عدم درک ایشان به دلایل و براهین واضح و روشن ، اعراض کردن از ذکر الله جل مجده ، پند نگرفتن از واقعات عبرت ناک و اختیار نمودن راه ضلالت و گمراهی .
- 10 - یکی از راه های فرو رفتن در غفلت و ضلالت و گمراهی و دل بستن به متاع دنیا ، فاصله گرفتن از قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر بزرگ اسلام است .
- 11 - غفلت از صفات ذمیمه و قبیح است که انسان مسلمان نباید در آن واقع شود ، بلکه لازمی و ضروری است برای یک شخص مسلمان از اسباب غفلت و عواقب بدی آن خود را بر حذر داشته و راه و روش را اختیار نماید که او از واقع شدن در غفلت جلوگیری کند .
- 12 - ایمان به الله سبحانه و تعالی با تحقق و تثبیت و کتاب های او تعالی و پیامبران او تعالی باعث می شود که انسان مسلمان از غفلت و اسباب آن دوری اختیار کند ، و همچنان مداومت بر اعمال صالحه توأم با اخلاص کامل و ثابت قدمی در دین و همنشینی با انسان های خوب کمک می نماید انسان مؤمن در غفلت واقع نشود .
- 13 - اجتناب از منهیات مانند شرک به الله ، ظلم و ستم ، فسق و فساد..... این همه باعث می شود که انسان از غفلت دوری اختیار کند .
- 14 - عمل کردن به اوامر الهی سبب می شود انسان مسلمان از غفلت رهای یابد مانند اطاعت الله متعال و پیامبر گرامی ( صلی الله علیه و سلم ) ، صبر ، تقوی ، توبه ، ذکر الله جلت عظمته و امر بالمعروف و نهی عن المنکر ...
- 15- بهترین راهی علاج غفلت : تلاوت قرآن عظیم الشان با تدبیر ، ذکر الله سبحانه و تعالی باتسبیح و تهلیل و تحمید ، عبادت الله جلت عظمته ، به کثرت دعا و استغفار کردن ، اهتمام به وقت ، علم باعمل ، بیداری و نشاطی و ترک غفلت و سستی و تنبلی و کاهلی و بی تفاوتی در مقابل احکام الهی .
- 16 - پیام واضح و روشن قرآن عظیم الشان در باره غفلت و عواقب بدی آن و راه جلوگیری آن بطور مفصل بیان شده است .

### توصیه

1- برای همه طلاب علم توصیه می‌نمایم که در باره موضوعات قرآنی اهتمام و توجه همه جانبه داشته باشند ، تا باشد درد های ما را مداوا نماید ، و رابطه ما را به پرودگار مان نزدیک تر بسازد ، چرا که خواندن کتاب الله سبحانه و تعالی و تدبر کردن به آن در حقیقت کلام کردن به آن ذات کبریائی است ، و در عین حال این قسم موضوعات مهم می‌تواند ، بسیار از قضایا و مشکلات را که بشر امروزی به آن دست و پنجه نرم می‌کند حل و فصل نماید ، و این در حقیقت ممثل واقعی تفسیر موضوعی است که ما همه به فهم آن اشد ضرورت داریم .

2 – برای عموم مسلمانان توصیه می‌نمایم برای آخرت سعی و تلاش بیشتر نمایند ، و از فرو رفتن در دنیا و لذت ها و حلاوت و شیرینی آن بپرهیزند ، چرا که دنیا با همه این نعمت هایش فانی و زود گذر است ، اما نعمت های آخرت پایدار و ماندگار می‌باشد ، و این کار باعث می‌شود که انسان از مرض مهلک و کشنده غفلت نجات پیدا کند و راهی سعادت و نیکی را به پیش گیرد ، و فوز فلاح و رستگاری دنیا و آخرت نصیب حالش گردد .

وما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

### فهرست آیات

شماره	آیات مبارکه	نمبر آیات	نام سوره	صفحه
1	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ	3	بقره	104
2	وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ ..... أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ .....	4- 5	بقره	75
3	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ ..... أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ .....	11- 12	بقره	96
4	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ...	21	بقره	103
5	فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ	22	بقره	91
6	وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .....	25	بقره	79
7	وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ .....	34	بقره	48
8	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ .....	43	بقره	105
9	وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ..... الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ .....	45 - 46	بقره	104
10	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى .....	62	بقره	78
11	وَأَنَّ مِنْهَا لَمَّا يَهْبِطُ مِنَ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	74	بقره	18
12	وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ .....	85	بقره	17
13	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ .....	140	بقره	17
14	وَأَنَّ الَّذِينَ آتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ .....	144	بقره	17

20	بقره	149	وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ .....	15
113	بقره	152	فَأذْكُرُونِي أَنْذَرَكُمْ وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ	16
88	بقره	153	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ	17
88	بقره	155	وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ	18
40	بقره	-168 169	يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ ..... إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ .....	19
32	بقره	171	..... صُمُّ بَعْضِ عَمَىٰ فَهْمٌ لَا يَعْقِلُونَ	20
77	بقره	177	لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ .....	21
107	بقره	184	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ.....	22
109	بقره	186	وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ	23
38	بقره	- 204 205	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا .....وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ .....	24
21	بقره	255	اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ .....	25
38	بقره	264	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ .....	26
72	بقره	285	آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ .....	27
62	آل عمران	14	زَيْنٌ لِّنَّاسٍ حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ .....	28
117	آل عمران	28	..... وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ	29
80	آل عمران	57	وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ	30
17	آل عمران	99	قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ .....	31
90	آل عمران	104	وَلَتَكُنَّ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ .....	32
90	آل عمران	110	كُنْتُمْ أُمَّةً أَخْرَجَتْ لِنَّاسٍ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ .....	33
87	آل عمران	- 133 136	وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ ..... الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ ..... وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا .....	34
88	آل عمران	146	..... وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ	35
46	آل عمران	152	وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ .....	36
75	آل عمران	195	فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ .....	37
87	آل عمران	198	لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ .....	38



39	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا .....	200	آل عمران	89
40	..... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا	1	نساء	120
41	تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ .....	13	نساء	85
42	إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ .....	31	نساء	43
43	وَابْعُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا .....	36	نساء	91
44	وَالَّذِينَ يُفْقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ .... وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ .....	38 – 39	نساء	63
45	وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ .....	69	نساء	85
46	..... قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنْ اتَّقَى .....	77	نساء	62
47	مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ...	80	نساء	85
48	أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا	82	نساء	98
49	وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْتَعَفَّلُونَ .....	102	نساء	9
50	وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْتَعَفَّلُونَ عَنِ اسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ	102	نساء	18
51	..... فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا	103	نساء	105
52	وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا	110	نساء	110
53	إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ .....	116	نساء	92
54	وَلَا ضَلَّئِهِمْ وَلَا مَنِيئُهُمْ وَلَا أَمْرُهُمْ ..... يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ .....	119 - 120	نساء	41
55	إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ .....	142	نساء	38-29
56	إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ .....	146	نساء	81
57	فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .....	173	نساء	80
58	فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ .....	175	نساء	80
59	فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظَلْمِهِ وَأَصْلَحَ .....	39	مائدة	95
60	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ .....	51	مائدة	56
61	..... كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ	64	مائدة	96
62	يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ .....	67	مائدة	71
63	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِقُونَ .....	69	مائدة	73
64	..... إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ .....	72	مائدة	92
65	قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ .....	14	انعام	90
66	قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ .....	33	انعام	53

60	انعام	52	وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ .....	67
51	انعام	70	وَذُرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَ لَهْوًا .....	68
52	انعام	131	ذَٰلِكَ أَنْ لَمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ .....	69
16	انعام	153	وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ .....	70
11	انعام	156	..... وَإِنْ كُنَّا عَنِ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ	71
19	انعام	156	..... وَإِنْ كُنَّا عَنِ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ	72
49	اعراف	36	وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا .....	73
44	اعراف	37	فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ	74
109	اعراف	55	ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً .....	75
96	اعراف	56	وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا .....	76
24	اعراف	136	فَأَنقَمْنَا مِنْهُمُ فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي الْيَوْمِ	77
24-11	اعراف	136	..... ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ	78
13	اعراف	136	..... وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ	79
28	اعراف	146 - 147	سَاصِرْفُ عَنِ آيَاتِي الَّذِينَ ..... وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ .....	80
25	اعراف	146	سَاصِرْفُ عَنِ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ ...	81
89	اعراف	157	الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي .....	82
2	اعراف	172	وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ .....	83
3	اعراف	173	أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاءُنَا مِنْ قَبْلٍ .....	84
30	اعراف	179	وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ .....	85
19	اعراف	179	..... أُولَٰئِكَ كَا الْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ .....	86
13	اعراف	179	..... أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ	87
34	اعراف	187	يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا .....	88
26	اعراف	201	إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ	89
114	اعراف	205	وَإِذْكَرَ رَبُّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً .....	90
11	اعراف	205	..... وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ	91
76	انفال	4- 2	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ .... الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ..... أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا .....	92
71	انفال	24	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ .....	93
90	توبه	31	..... وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا .....	94
90	توبه	71	وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ .....	95
24	يونس	8-7	إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا ..... أُولَٰئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ .....	96

66- 62	يونس	7	إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا .....	97
92	يونس	29	فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ .....	98
95	يونس	52	ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ .....	99
97	يونس	57	يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ .....	100
21	يونس	61	..... وَمَا يَعِزُّبُ عَن رَّبِّكَ مِن مَّثَقَالِ ذَرَّةٍ .....	101
85	يونس	62 - 64	أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ ..... الَّذِينَ آمَنُوا ..... لَهُمْ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا .....	102
66	يونس		فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَن خَلَقَكَ آيَةً ...	103
71	يونس	103	ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا .....	104
109	يونس	106	وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَالًا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ .....	105
111	هود	52	وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ .....	106
111	هود	61	..... فَاسْتَغْفِرُوا لَهُ ثُمَّ تُوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ	107
111	هود	90	..... وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوا إِلَيْهِ .....	108
53	هود	102	وَكَذَلِكَ أَخَذَ رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى .....	109
84	هود	112	فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ .....	110
90	هود	112	فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ .....	111
20	هود	123	وَاللَّهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ .....	112
31	يوسف	3	نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ .....	113
10	يوسف	3	وَإِنْ كُنْتَ مِن قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ	114
11- 10	يوسف	13	وَ أَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ	115
117	يوسف	53	إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ	116
72	رعد	18	لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَى .....	117
99	رعد	19	أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ .....	118
113	رعد	28	..... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ	119
91	رعد	36	قُلْ إِنَّمَا أَمَرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ .....	120
117	ابراهيم	34	وَأَتَاكُمْ مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ .....	121
10	ابراهيم	42	وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ	122
18	ابراهيم	42	وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا .....	123

94 - 53	ابراهيم	43- 42	وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا ..... مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ ..... وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ .....	124
61	حجر	3	ذَرُهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا ....	125
12	حجر	72	لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ	126
54	نحل	1	آتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ	127
116	نحل	18	وَأَنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ .....	128
95	نحل	41	وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ظَلْمُوا .....	129
45	نحل	83	يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا .....	130
88	نحل	96	وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ .....	131
64	نحل	97	مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ .....	132
42	نحل	99 - 100	إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا ..... إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ .....	133
67	نحل	106 - 109	مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ ..... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا ..... أَوْلِيَّكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ ..... لَا جَرَمَ .....	134
57	نحل	107 - 108	ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ..... أَوْلِيَّكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ .....	135
86	نحل	126	وَلَّذِينَ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ	136
85	نحل	128	إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا .....	137
35	اسراء	19- 18	مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ..... وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا .....	138
48	اسراء	37	وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا .....	139
112	اسراء	44	تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ....	140
40	اسراء	62	قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ .....	141
80	اسراء	65	إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ .....	142
97	اسراء	82	وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ .....	143
18	كهف	28	وَلَا تَطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا	144
55	كهف	28	وَلَا تَطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا ....	145
59	كهف	28	وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ .....	146
32	كهف	57	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَكَرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا .....	147
12	كهف	63	فَأَنى نَسِيتَ الْحُوتَ	148
28	كهف	105	أَوْلِيَّكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ .....	149

93	كهف	110	فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ ..... 150
19	مريم	39	وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ ... وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ 151
69	مريم	39	وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ..... 152
44	مريم	39-37	فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ... أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا ..... وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ ..... 153
74	مريم	60	إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ..... 154
34	طه	15	إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا ..... 155
119	طه	76-75	وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا ..... 156
32	طه	124 - 126	وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي ..... قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى ..... قَالَ كَذَلِكَ اتَّكَّ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا ..... 157
33 - 1	انبياء	1	اقْتَرَبَ لِنَاسٍ حِسَابُهُمْ ..... 158
10 - 7	انبياء	1	وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ 159
54	انبياء	3-1	اقْتَرَبَ لِنَاسٍ حِسَابُهُمْ ... مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ ..... لَا هِيَ أَفْئُوتُهُمْ ..... 160
78	انبياء	22	لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ..... 161
121	انبياء	47	وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ..... 162
110	انبياء	90	إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ..... 163
53	انبياء	97	وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ ..... 164
40	حج	3	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ ..... 165
40	حج	11	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ ..... 166
85	حج	39-38	إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا ..... أِنَّ لِلَّذِينَ يُفَاقِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا ..... 167
58	حج	45	فَكَأَيِّنْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ..... 168
31	حج	46	أَقْلَمَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا ..... 169
34	حج	55	وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً ... 170
20	مؤمنون	17	وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقٍ ..... 171
1	مؤمنون	100-99	حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ ..... 172
88	مؤمنون	111	إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا ..... 173
30	مؤمنون	115 - 116	أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا ..... فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ..... 174
24	نور	5	إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا ..... 175

24	نور	6	وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شَهَادَةٌ إِلَّا أَنفُسُهُمْ .....	176
19	نور	23	إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ	177
22	نور	23	إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ	178
43	نور	19	إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ	179
39	نور	21	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ .....	180
122	نور	31	وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ	181
86	نور	51 - 52	إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ .....	182
59	فرقان	27 - 29	وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ .....	183
31	فرقان	44	أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ .....	184
106	فرقان	64	وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا	185
96	شعراء	151 - 152	وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ * الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ	186
110	نمل	62	أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ	187
20	نمل	93	وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سِيرَتِكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ	188
11	قصص	15	وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا	189
24	قصص	15	وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا	190
55	قصص	50	فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاهُمْ .....	191
88	قصص	54	أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا	192
76	قصص	67	فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا .....	193
96	قصص	77	وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ	194
46	قصص	79 - 80	فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ .....	195
97	قصص	83	تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجَعَلْنَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا .....	196
104	عنكبوت	45	وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ	197
112	عنكبوت	45	وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ	198
45	عنكبوت	52	قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا .....	199
64	عنكبوت	64	وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ .....	200
120	عنكبوت	69	وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا .....	201
51	روم	6 - 7	يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا .....	202
10	روم	6	وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ	203
82	روم	38	فَأْتِ ذُلَّ الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ .....	204
92	لقمان	13	يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ	205

206	أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ .....	18	لقمان	116
207	إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ .....	17-15	سجده	77
208	تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ .....	17-16	سجده	106
209	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَكَرَ آيَاتِ رَبِّهِ .....	22	سجده	33
210	وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ	35	احزاب	111
211	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُ اللَّهَ كَثِيرًا	41	احزاب	111
212	وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ .....	71	احزاب	85
213	قُلْ إِنَّمَا أَعْطِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَى	46	سبأ	115
214	وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ ...	18	فاطر	119
215	إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ	28	فاطر	100
216	هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلْفًا فِي الْأَرْضِ .....	39	فاطر	45
217	يَاسِينَ * وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ * لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ	6-1	يس	31
218	لِنُنذِرَ قَوْمًا .....	7-6	يس	65
219	كِتَابٍ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا .....	29	ص	98
220	إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ .... إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ	83-74	ص	39
221	قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ	83-82	ص	81
222	فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ	2	زمر	81
223	أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ .....	9	زمر	118
224	قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ .....	9	زمر	99
225	إِنَّمَا يُؤْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ .....	10	زمر	88
226	قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ .....	11	زمر	81
227	قُلْ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي	14	زمر	81
228	فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ	22	زمر	113
229	قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ .....	53	زمر	111
230	الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ .....	35	غافر	49
231	إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَّارْيَبَ فِيهَا .....	59	غافر	34
232	وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ .....	60	غافر	109
233	ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ	60	غافر	109

234	قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ	66	غافر	92
235	قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ ..... الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ ...إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .....	6 - 8	فصلت	84
236	وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ .....	26	فصلت	33
237	إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ..... نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ..... نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ	30 - 32	فصلت	82
238	قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً .....	44	فصلت	97
239	مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ .....	46	فصلت	79
240	فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ .....	15	شورى	84
241	وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .....	26	شورى	72
242	وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ ..... إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ .....	41 - 42	شورى	94
243	وَمَنْ يَعْشَ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَانِ نُقِصْ لَهُ شَيْطَانًا ..... وَأَنَّهُمْ لَيَصْدُونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ ..... حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا ..	36 - 38	زخرف	32
244	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ..... ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ	51 - 57	دخان	74
245	مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا .....	15	جاثية	79
246	أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .....	21	جاثية	79
247	أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ	23	جاثية	56
248	وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا .....	24	جاثية	45
249	فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .....	30	جاثية	73 - 80
250	وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ .....	5	احقاف	92
251	إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا ..... أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا .....	13 - 14	احقاف	83
252	أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا .....	16	احقاف	25
253	وَلَقَدْ مَكَّنَاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ .....	26	احقاف	32
254	وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْإِنْعَامُ	12	محمد	26
255	فَهُلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً .....	18	محمد	33
256	أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا	24	محمد	98 - 98
257	لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ .....	3	فتح	78
258	لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الأنهارُ خَالِدِينَ فِيهَا .....	5	فتح	75 - 78
259	إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ	13	حجرات	86
260	وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ	19 - 22	ق	68



			..... فَبَصَرَكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ	
114	ق	39	وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ	261
13	ذاريات	11- 10	فَقِيلَ الْحَرَّاسُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ	262
106	ذاريات	18 - 15	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * ..... كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ الَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ... وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ	263
29	ذاريات	58 - 56	وَمَا خَلَقْتَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ * ..... إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ	264
103	ذاريات	56	وَمَا خَلَقْتَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ	265
45	نجم	30 - 29	فَاعْرَضَ غَمًّا تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا .... ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ .....	266
11	نجم	61- 60	وَتَضَحَّكُونَ وَلَا تَبْكُونَ * وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ	267
54	قمر	1	إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ	268
122	رحمن	46	وَلِمَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ	269
58	حديد	20	اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ .... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ	270
47	حديد	21	سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ .....	271
99	مجادله	11	يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ	272
42	مجادله	19	اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ .....	273
85	حشر	7	وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولَ فَخُذُوهُ	274
121	حشر	18	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ	275
59	حشر	19	وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ	276
23	ممتحنه	12	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ .....	277
74	صف	12- 11	تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ..... يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ .....	278
101	جمعه	5	مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا .....	279
111	جمعه	10	وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ	280
57	جمعه	11- 9	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ .....	281
47	مناقفون	9	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَلْهَكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ .....	282
75	تغابن	9	وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ .....	283
118	تغابن	14	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ .....	284
118	تغابن	15	إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ	285

50	طلاق	9- 8	وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَن أَمْرِ رَبِّهَا .... فَدَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا .....	286
73	تحريم	6	لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ	287
123	تحريم	8	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا	288
111	نوح	10	فَقَتَّ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا	289
36	قيامه	21 - 20	كَذَّابِلٌ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ * وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ	290
35	دهر	24	وَلَا تُطِيعُ مِنْهُمْ آيْمًا أَوْ كَفُورًا	291
35	دهر	27	إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَائَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا	292
122	نازعات	41 - 40	وَأَمَّا مَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى	293
43	مطففين	14	كَذَّابٌ بَل رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ	294
47	مطففين	26	وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ	295
118	اعلى	15- 14	قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّى .....	296
35	اعلى	17 - 16	بَل تُوذَرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى	297
118	شمس	10- 9	قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا .....	298
30	بينه	5	وَمَا أَمُرُوا إِلَّا لِیَعْبُدُوا اللَّهَ مُلْصِقِينَ لَهُ الدِّینَ	299
81	بينه	5	وَمَا أَمُرُوا إِلَّا لِیَعْبُدُوا اللَّهَ مُلْصِقِينَ لَهُ الدِّینَ	300
20	زلزال	8- 7	فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا یَرَهُ * وَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ	301
47	تكاثر	2 - 1	أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ * حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ	302
101	عصر	2 - 1	وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ .....	303
35	ماعون	7	فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ..... الَّذِينَ هُمْ يُرْءَاوْنَ	304
25	ناس	4	مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ	306

### فهرست احاديث

شماره	متن حديث	كتاب	درجة حديث	صفحه
1	إِتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ .....	صحيح البخارى	صحيح	59
2	اتَّقُوا هَذَا الشَّرْكَ فَإِنَّهُ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ .....	مسند احمد	شيخ شعيب ارنؤوط: اسناداين حديث راصحيح گفته	92
3	اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظَلَمَاتٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .....	صحيح مسلم	صحيح	53
4	أَدْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ .....	سنن ترمذى	امام ترمذى : اين حديث راحسن گفته	68
5	إِذَا صَارَ أَهْلُ الْجَنَّةِ إِلَى الْجَنَّةِ وَأَهْلُ النَّارِ إِلَى النَّارِ .....	الجمع بين الصحيحين	صحيح	70
6	الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ .....	سنن ابى داود	شيخ البانى : اين حديث راصحيح گفته	60
7	أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِأكْبَرِ الْكِبَائِرِ .....	صحيح البخارى	صحيح	93
8	إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ	صحيح البخارى	صحيح	81
9	إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ...	صحيح مسلم	صحيح	37
10	إِنَّ الْحَلَالَ بَيِّنٌ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ .....	صحيح البخارى	صحيح	32
11	إِنَّ وَفْدَ عَبْدِ الْقَيْسِ .....	صحيح البخارى	صحيح	77
12	إِنَّهُ ذَكَرَ الصَّلَاةَ يَوْمًا فَقَالَ مَنْ حَافِظٌ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ .....	مسند احمد	اسناد اين حديث را امام مندرى: بقول امام احمد جيد گفته	105
13	إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَرَىٰ ذُنُوبَهُ كَأَنَّهُ قَاعِدٌ تَحْتَ جَبَلٍ يَخَافُ أَنْ يَقَعَ عَلَيْهِ .....	صحيح البخارى	صحيح	43
14	إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ طَيِّبٌ .....	سنن ترمذى	شيخ البانى: اين	93

	حديث را حسن گفته			
48	صحيح	صحيح البخارى	بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي فِي حُلَّةٍ تُعَجِبُهُ.....	15
108	شيخ البانى : اين حديث را صحيح گفته است	سنن ترمذى	تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ ...	16
113	صحيح	صحيح مسلم	خَرَجَ عَلَى حَلَقَةٍ مِّنْ أَصْحَابِهِ ....	17
107	شيخ البانى : اين حديث را حسن گفته	سنن نسائى	ذَاكَ شَهْرٌ يَعْفَلُ النَّاسُ عَنْهُ .....	18
107	صحيح	صحيح مسلم	سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم ) عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ .....	19
107	صحيح	صحيح مسلم	سُئِلَ عَنْ صِيَامِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ .....	20
108	صحيح	صحيح مسلم	صَوْمٌ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ صَوْمِ الدَّهْرِ كُلُّهُ	21
68	شيخ البانى : اين حديث را حسن گفته	سنن ترمذى	عَلَيْكُمْ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ .....	22
56	صحيح	صحيح مسلم	فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ .....	23
74	امام ابو عيسى: اين حديث را حسن و صحيح گفته	سنن ترمذى	فَقَالَ لِنَارِ أَنْتِ عَذَابِي أَنْتَقِمُ بِكَ مِمَّنْ شِئْتُ .....	24
83	شيخ شعيب ارنؤوط : اين حديث را صحيح گفته	مسند احمد	قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ لَا أَسْأَلُ عَنْهُ غَيْرُكَ .....	25
27	صحيح	صحيح البخارى	كَانَ النَّاسُ يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ ( صلى الله عليه وسلم ) عَنِ الْخَيْرِ .....	26
43	صحيح	صحيح البخارى	كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ	27
108	صحيح	صحيح البخارى	كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ .....	28
41	صحيح	صحيح البخارى	كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ ....	28
49	صحيح	صحيح مسلم	لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ .....	29
123	صحيح	صحيح البخارى	لَلَّهِ أَفْرَحُ بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ نَزَلَ مَنْزِلًا وَبِهِ مَهْلِكَةٌ .....	30
103	امام ترمذى : اين	سنن ترمذى	لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .....	31

	حدیث را حسن صحیح گفته			
107	امام البانی : این حدیث را حسن گفته	سنن نسائی	لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وسلم ) يَصُومُ مِنْ شَهْرٍ أَكْثَرَ مِنْ شَعْبَانَ ...	32
56	صحیح	صحیح البخاری	لَتَنْتَبِعَنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ .....	33
63	امام ابو عیسی : این حدیث را صحیح و غریب گفته	سنن ترمذی	لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا شَرْبَةَ مَاءٍ .....	34
29	صحیح	صحیح البخاری	لَيْسَ صَلَاةُ أَثْقَلِ عَلَى الْمُنَافِقِينَ	35
57	صحیح	صحیح مسلم	لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ عَنِ وُدِّهِمْ الْجُمُعَاتِ	36
80	امام البانی : این حدیث را صحیح گفته	سنن ابی داود	مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا يَبْتَغِي بِهِ وَجْهَ اللَّهِ .....	37
57	امام البانی : این حدیث را حسن صحیح گفته	سنن ابی داود	مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ تَهَاوَنًا	38
100	صحیح	صحیح البخاری	مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْ فِي الدِّينِ	39
100	شیخ شعیب ارنؤوط : این حدیث را حسن لغیره و اسنادش را ضعیف گفته	مسند احمد	مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا .....	40
103	امام البانی : این حدیث را صحیح گفته	سنن ابن ماجه	مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ ...	41
105	شیخ البانی : این حدیث را صحیح گفته	صحیح ابن خزیمه	مَنْ حَافِظٌ عَلَى هَوَآءِ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْعَافِلِينَ	42
106	امام البانی : این حدیث را صحیح گفته	سنن ابی داود	مَنْ قَامَ بِعَشْرِ آيَاتٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْعَافِلِينَ	43
108	صحیح	صحیح مسلم	مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ	44
110	شیخ البانی : این	سنن ترمذی	مَا عَلَى الْأَرْضِ مُسْلِمٌ يَدْعُو اللَّهَ بِدَعْوَةِ إِلَّا	45

	حديث را حسن وصحيح گفته		آتاه الله إياه ..... مَثَلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُ رَبَّهُ مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ	
113	صحيح	صحيح البخارى	مَثَلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُ رَبَّهُ مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ	46
51	شيخ البانى : اين حديث را صحيح گفته	سنن ابى داود	مَنْ سَكَنَ الْبَادِيَةَ جَفَا ..... مَنْ لَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ .....	47
111	شيخ البانى: اين حديث را صحيح گفته	سنن ابى داود	مَنْ لَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ .....	48
59	صحيح	صحيح البخارى	مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالْجَلِيسِ السُّوِّءِ كَحَامِلِ الْمِسْكِ وَنَافِخِ الْكَبِيرِ .....	49
123	صحيح	صحيح البخارى	وَاللَّهِ أَنَّى لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً	50
41	صحيح	صحيح البخارى	وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا لَقِيكَ الشَّيْطَانُ سَالِكًا فَجًّا .....	51
22	صحيح	صحيح البخارى	يَا عَائِشَةُ أَحْمَدَى اللَّهُ فَقَدْ بَرَّأكَ اللَّهُ	52
62	صحيح	صحيح مسلم	يَهْرُمُ ابْنُ آدَمَ وَتَشِبُّ اِثْنَتَانِ .....	53

## فهرست اعلام

شماره	اسماء اعلام	صفحه
1	ابوالدرداء (رضى الله عنه)	45
2	ابن عباس (رضى الله عنهما)	25
3	حسن بصرى (رحمه الله)	51
4	امام بستى (رحمه الله)	59
5	ابن فارس (رحمه الله)	7
6	ابن منظور (رحمه الله)	7
7	امام سفیان ثورى (رحمه الله)	42
8	علامه ابن الجوزى (رحمه الله)	27
9	طاوس بن كيسان (رحمه الله)	93
10	حافظ ابن القيم الجوزى (رحمه الله)	67
11	حافظ ابن جرير (رحمه الله)	37
12	امام غزالى (رحمه الله)	16
13	حافظ ابن كثير (رحمه الله)	10
14	حافظ ابن حجر (رحمه الله)	52

9	امام شوكانى ( رحمه الله )	15
8	امام مناوى ( رحمه الله )	16
12	امام راغب اصفهانى ( رحمه الله )	17
9	امام كفى ( رحمه الله )	18
22	امام بغوى ( رحمه الله )	19

### فهرست مصادر ومراجع

#### 1- قرآن كريم

- 2- أوسى ، ابو الفضل شهاب الدين سيد محمود بغدادى ، ( ت ، 1270 هـ ) ، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى ، 30 ج : دار الفكر ، بيروت ، 1415 هـ - 1995 م .
- 3- ابن تيميه ، تقى الدين احمد بن عبد الحلیم الحرانى ، ( ت ، 778 هـ ) ، مجموع الفتاوى ، تحقيق : عبد الرحمن بن قاسم وابنه محمد ، الطبعة الاولى ، مطابع رياض ، 1398 هـ - 1978 م .
- 4- ابن حجر ، احمد بن على عسقلانى ، ( ت ، 852 هـ ) ، فتح البارى شرح صحيح البخارى ، الطبعة الثالثة ، دار المنار ، قاهره ، 1419 هـ - 1999 م .
- 5- ابن حنبل ، امام ابو عبدالله الشيبانى ، ( ت ، 241 هـ ) ، مسند احمد بن حنبل ، تحقيق : شعيب الارنؤوط ، الطبعة الاولى ، مؤسسة الرسالة ، بيروت ، 1417 هـ - 1997 م .
- 6- ابن خزيمة ، ابوبكر محمد بن اسحاق ، ( ت ، 311 هـ ) ، صحيح ابن خزيمة ، مكتب الاسلامى ، بيروت ، 1390 هـ - 1970 م .
- 7- ابن عاشور ، محمد بن طاهر ابن عاشور ، ( ت ، 1284 هـ ) ، التحرير والتنوير ، الطبعة الخامسة ، دار سحنون للنشر والتوزيع ، تونس ، 1417 هـ - 1997 م .
- 8- ابن عطيه ، ابومحمد عبد الحق اندلسى ، ( ت ، 541 هـ ) ، المحرر الوجيز فى تفسير كتاب العزيز ، تحقيق : عبد الله ابراهيم الانصارى ، الطبعة الاولى ، مؤسسة للطباعة والنشر ، قطر ، 1405 هـ - 1985 م .
- 9- ابن كثير ، عماد الدين ابوالفداء اسماعيل بن كثير بن ضوء ، ( ت ، 774 هـ ) ، تفسير القرآن العظيم ، الطبعة الاولى ، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، 1417 هـ - 1997 م .
- 10- ابن الجوزى ، جمال الدين ابوالفرج عبدالرحمن بن على بن محمد ابن الجوزى ، ( ت ، 597 هـ ) زاد المسير فى علم التفسير ، الطبعة الثالثة ، المكتب الاسلامى ، بيروت ، 1404 هـ - 1984 م .
- 11- ابن الجوزى ، التذكرة فى الوعظ ، تحقيق : احمد عبدالوهاب فتية ، الطبعة الاولى ، 1406 هـ - 1986 م ، دار المعرفة ، بيروت ، 1406 هـ - 1986 م .
- 12- ابن الجوزى ، التبصرة ، تحقيق : د . مصطفى عبدالواحد ، الطبعة الاولى ، دار الكتاب المصرى ، مصر ، 1390 هـ - 1970 م .



- 13 – ابن الاثير ، ابوالسعادات مبارك بن محمد بن محمد ، ( ت ، 606 هـ ) ، **النهاية فى غريب الحديث والاثار** ، تحقيق : طاهر احمد الزاوى ، الطبعة الاولى ، المكتبة العلمية ، بيروت ، 1399 هـ – 1979 م .
- 14 – ابن الجوزى ، **صيدالخواطر** ، تحقيق : حامد احمد الطاهر ، الطبعة الاولى ، 1424 هـ – 2003 م ، دار الفجر للتراث ، قاهره ، 1424 هـ – 2003 م .
- 15 – ابن الجوزى ، **ذم الهوى** ، طبع جديد ، دار الكتاب العربى ، بيروت ، 1424 هـ – 2004 م .
- 16 – ابن العربى ، ابوبكر محمد بن عبد الله ، ( ت ، 543 هـ ) ، **احكام القرآن** ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا ، دارالفكر ، لبنان .
- 17 – ابن الفارس ، ابوالحسين احمد بن زكريا ، ( ت ، 395 هـ ) ، **معجم مقاييس اللغة** ، تحقيق : عبد السلام محمد هارون ، الطبعة الثالثة ، دارالجيل ، بيروت ، 1420 هـ – 1999 م .
- 18 – ابن قيم الجوزيه ، شمس الدين ابو عبدالله محمد بن ابوبكر ، ( ت ، 751 هـ ) ، **مدارج السالكين بين منازل اياك نعبد و اياك نستعين** ، الطبعة الثانية ، دارالكتاب العربى ، بيروت ، 1393 هـ – 1973 م .
- 19 – ابن قيم الجوزيه ، **عدة الصابرين وذخيرة الشاكرين** ، الطبعة الاولى ، مكتبة الاولى ، منصوره ، 1415 هـ – 1994 م .
- 20 – ابن قيم الجوزيه ، **الجواب الكافى لمن سأل عن الدواء الشافى ( الداء والدواء )** ، دارالمعرفة ، المغرب ، 1418 هـ – 1997 م .
- 21 – ابن قيم الجوزيه ، **الفوائد** ، الطبعة الثانية ، دارالكتب العلمية ، بيروت ، 1393 هـ – 1973 م .
- 22 – ابن قيم الجوزيه ، **اعلام الموقعين عن رب العالمين** ، تحقيق : طه عبدالرؤف ، دارالجيل ، بيروت ، 1393 هـ – 1973 م .
- 23 – ابن قيم الجوزيه ، **الوايل الصيب من الكلم الطيب** ، تحقيق : مصطفى بن العدوى ، الطبعة الاولى ، دار ابن رجب ، منصوره ، 1423 هـ – 2003 م .
- 24 – ابن قيم الجوزيه ، **بدائع الفوائد** ، المكتبة الشاملة ، موافق للمطبوع .
- 25 – ابن المنظور ، محمد بن مكرم ابن المنظور ، ( ت ، 630 هـ ) ، **لسان العرب** ، الطبعة الاولى ، ، مكتبة دار الصادر ، بيروت ، 1410 هـ – 1991 م .
- 26 – اصفهانى ، ابوالقاسم حسين بن محمد ، ( ت ، 502 هـ ) ، **المفردات فى غريب القرآن** ، الطبعة الاولى ، المكتبة التوفيقية ، بيروت ، 1409 هـ – 1988 م .
- 27 – الجزائرى ، ابوبكر جابر بن موسى ، **ايسر التفاسير لكلام العلى الكبير** ، مدرس درمسجد نبوى واستاذ درجامعه اسلاميه ، مدينه منوره ، الطبعة الثانية ، المكتبة العصرية ، بيروت ، 1422 هـ – 2001 م .
- 28 – الحاج ، شيخ خالد محمد على ، **مصراع الشرك والخرافات** ، الطبعة الاولى ، مطبوعات ادارة الشؤون الدينية ، قطر ، 1398 هـ – 1978 م .
- 29 – الخيرى ، علامه مصطفى المنصورى ، ( ت ، 1390 هـ ) ، **المقتطف من عيون التفسير** ، تحقيق : محمد على صابونى ، الطبعة الاولى ، دارالسلام ، قاهره ، 1417 هـ – 1996 م .
- 30 – الزحلى ، دكتور وهبه ، **التفسير المنير فى العقيدة والشريعة والمنهج** ، الطبع العاشر ، دارالفكر ، دمشق ، 1430 هـ – 2009 م .

- 31 - الفيومي ، احمد بن محمد المقرئ ، ( ت ، 770 هـ ) ، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير ، الطبعة الاولى ، دارالكتب العلمية ، بيروت ، 1414 هـ - 1994 م .
- 32 - القطان ، دكتور مناع الخليل ، ( ت ، 1420 هـ ) ، مباحث في علوم القرآن ، الطبعة الثالثة ، مؤسسة الرسالة ، بيروت ، 1421 هـ - 2000 م .
- 33 - المنجد ، محمد صالح ، الغفلة ( سلسلة اعمال القلوب ) ، الطبعة الاولى ، مجموعة زاد للنشر ، 1430 هـ - 2010 م .
- 34- اندلسي ، ابوحيان محمد بن يوسف ، ( ت ، 745 هـ ) ، البحر المحيط في التفسير ، تحقيق : شيخ زهير جعيد ، طبع جديد ، دارالفكر ، بيروت ، 1412 هـ - 1992 م .
- 35 - بخارى ، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن مغيرة بن بردزبه ، ( ت ، 256 هـ ) ، صحيح البخارى ، تحقيق : محمود محمد حسن نصار ، الطبعة الخامسة ، دارالكتب العلمية ، بيروت ، لبنان ، 1428 هـ - 2007 م .
- 36 - بروسى ، شيخ اسماعيل بن حقى بن مصطفى ، ( ت ، 1127 هـ ) ، روح البيان في تفسير القرآن ، الطبعة الاولى ، دارالكتب العلمية ، بيروت ، 1424 هـ - 2003 م .
- 37- بغوى ، ابو محمد حسين بن مسعود بن محمد ، ( ت ، 510 هـ ) ، معالم التنزيل ، تحقيق : محمد عبدالله النمر ، الطبعة الثانية ، دار الطيبة للنشر والتوزيع ، رياض ، 1414 هـ - 1993 م .
- 38- بقاعى ، برهان الدين ابى الحسن ابراهيم بن عمر ، ( ت ، 885 هـ ) ، نظم الدرر في تناسب الآيات والسور ، تحقيق : عبد الرزاق غالب المهدي ، الطبعة الثالثة ، 1415 هـ - 1995 م ، دارالكتب العلمية ، بيروت ، لبنان .
- 39- بيبضاوى ، ابو الخير عبدالله بن عمر بن محمد شيرازى ، ( ت ، 685 هـ ) ، انوار التنزيل واسرار التأويل ، تحقيق : شيخ عبد القادر عرفات حسنوت ، الطبعة الاولى ، دارالفكر ، بيروت ، لبنان 1416 هـ - 1996 م .
- 40- تتان ، عبدالكريم ، محمد اديب ، شرح جوهرة التوحيد في عقيدة اهل السنة والجماعة ، طبع جديد ، دارالبشائر ، دمشق ، 1415 هـ - 1996 م .
- 41- ترمذى ، ابو عيسى محمد بن عيسى بن سوره ، ( ت ، 279 هـ ) ، الجامع الصحيح سنن ترمذى ، تحقيق : محمد احمد شاكر وآخرون ، الطبعة الثالثة ، دار السلام للنشر والتوزيع ، رياض ، 1421 هـ - 2000 م .
- 42 - تهانوى ، محمد على بن محمد حامد ، ( ت ، 1158 هـ ) ، كشف اصطلاحات الفنون والعلوم ، طبع جديد ، مكتبة لبنان ناشرون ، بيروت .
- 43 - جرجانى ، على بن محمد بن على ، ( ت ، 810 هـ ) ، التعريفات ، الطبعة الاولى ، دارالكتب العلمية بيروت ، 1403 هـ - 1983 م .
- 44 - حجازى ، دكتور محمد محمود ، ( ت ، 1413 هـ ) ، التفسير الواضح ، الطبعة الثالثة ، مطبعة الاستقلال الكبرى ، مصر ، 1396 هـ - 1976 م .
- 45 - حكيمى ، حافظ احمد بن محمد ، ( ت ، 1377 هـ ) ، معارج القبول بشرح سلم الوصول الى علم الاصول الطبعة الاولى ، دار ابن القيم ، الدمام ، 1410 هـ - 1990 م .
- 46 - حلاق ، محمد جمال الدين ، بن محمد سعيد ، ( ت ، 1332 هـ ) ، موعظة المؤمنين من احياء علوم الدين ، دارالكتب العلمية ، بيروت ، 1414 هـ - 1995 م .
- 47 - حوى ، سعيد ، ( ت ، 1409 هـ ) ، الاساس في التفسير ، الطبعة الاولى ، دارالسلام ، قاهره ، 1405

- هـ - 1985 م .
- 48 - حوى، سعيد، **المستخلص فى تذكىة النفوس** ، الطبعة الاولى ، دار الارقم ، عمان ، 1403 هـ - 1983 م .
- 49 - خوارزمى ، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد بن عمر زمخشرى ، ( ت ، 538 هـ ) ، **الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التأويل** ، تحقيق : عبد الرزاق المهدي ، الطبعة الاولى ، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، 1399 هـ - 1979 م .
- 50 - خوارزمى ، **اطواق الذهب فى المواعظ والخطب** ، تحقيق : اسماء ابوبكر محمد ، الطبعة الاولى ، دار الكتب العلمية ، بيروت ، 1414 هـ - 1994 م .
- 51 - خوارزمى ، **المستقصى فى امثال العرب** ، الطبعة الثانية ، دار الكتب العلمية ، بيروت ، 1407 هـ - 1987 م .
- 52 - خازن ، علاء الدين على بن محمد بن ابراهيم ، ( ت ، 741 هـ ) ، **لباب التأويل فى معالم التنزيل** ، الطبعة الثانية ، دار الفكر ، بيروت ، 1399 هـ - 1979 م .
- 53 - خطابى ، ابوسليمان حمد بن محمد بن ابراهيم بستى ، ( ت ، 388 هـ ) ، **العزلة** ، الطبعة الثانية ، المطبعة السلفية ، قاهره ، 1399 هـ - 1979 م .
- 54 - خطابى ، **قصيدة عنوان الحكيم** ، مكتبة مطبوعات الاسلامية ، حلب ، سوريه ، 1404 هـ - 1984 م .
- 55 - خطيب بغدادى ، احمد بن ثابت ( ت ، 463 هـ ) ، **اقتضاء العلم والعمل** ، تحقيق : محمد ناصرالدين البانى ، الطبعة الرابعة ، المكتبة الاسلامى ، بيروت ، 1397 هـ - 1977 م .
- 56 - خرم دل ، داکتر مصطفى ، **تفسير نور** ، نوبت چاپ ، هفتم ، ناشر ، نشر احسان ، تهران ، 1388 هـ ش .
- 57 - درويش ، محى الدين ، ( ت ، 1403 هـ ) ، **اعراب القرآن الكريم وبيانه** ، الطبعة الثالثة ، دار الارشاد ، دمشق ، 1412 هـ - 1992 م .
- 58 - دراز ، محمد عبد الله ( ت ، 1958 م ) ، **زاد المسلم للدين والحياة** ، تحقيق : احمد مصطفى فضيلة ، الطبعة الثانية ، دار القلم ، قاهره ، 1429 هـ - 2008 م .
- 59 - دهخدا ، على اكبر ، ( ت ، ) **فرهنگ دهخدا** ، ناشر ، مؤسسه انتشارات دانشگاه ، تهران .
- 60 - ذهبى ، شمس الدين ابو عبدالله محمد بن احمد ، ( ت ، 748 هـ ) ، **الكبانر** ، تحقيق : سعد يوسف ابو عزيز ، الطبعة الثانية ، دار الفجر للتراث ، قاهره ، 1425 هـ - 2004 م .
- 61 - ذهبى ، **سير اعلام النبلاء** ، الطبعة الثانية ، مكتبة الصفا ، قاهره ، 1424 هـ - 2003 م .
- 62 - رازى ، فخرالدين محمد بن ابى بكر بن عبدالقادر ، ( ت ، 721 هـ ) ، **تفسير الكبير ( مفاتيح الغيب )** ، الطبعة الاولى ، دار الكتب العلمية ، بيروت ، 1421 هـ - 2000 م .
- 63 - رضا ، محمد رشيد ، ( ت ، 1354 هـ ) ، **تفسير القرآن الحكيم مشهور به تفسير منار الطبعة الثانية** ، دار المعرفة ، بيروت ، 1366 هـ - 1947 م .
- 64 - سيوطى ، جلال الدين عبد الرحمن بن ابى بكر ، ( ت ، 911 هـ ) ، **الدرر المنثور فى التفسير المأثور** ، الطبعة الثانية ، دار الفكر ، بيروت ، 1414 هـ - 1993 م .
- 65 - سيوطى ، **لباب النقول فى اسباب النزول** ، دار الكتب العلمية ، بيروت .
- 66 - سيوطى ومحلى ، **جلالين** ، الطبعة الاولى ، دار الحديث ، قاهره ،
- 67 - سعدى ، شيخ عبدالرحمن بن ناصر بن عبدالله ، ( ت ، 1376 هـ ) ، **تيسير الكريم الرحمن فى تفسير الكلام المنان** ، تحقيق : ابن عثيمين ، الطبعة الاولى ، مؤسسة الرسالة ، بيروت ، 1421 هـ - 2000 م .

- 68 - سلمى ، عز الدين ابو عبد الرحمن عبدالعزيز بن عبد السلام ، ( ت ، 660 هـ ) ، آداب الصحبة ، الطبعة الاولى ، دار الصحابة للتراث ، مصر ، 1410 هـ ق - 1990 م .
- 69 - سلمى ، شجرة المعارف والاحوال وصالح الاقوال والاعمال ، الطبعة الاولى ، دار الصحابة للتراث ، مصر ، 1410 هـ - 1990 م .
- 70 - سمرقندى ، ابوالليث نصر بن محمد بن احمد ، ( ت ، 373 هـ ) ، بحر العلوم ، تحقيق : محمود مطرجى ، دالفكر ، بيروت ،
- 71 - سجستاني ، ابوداود سليمان بن اشعث ، ( ت ، 275 هـ ) ، سنن ابى داود ، تخريج احاديث : محمد ناصر الدين البانى ، الطبعة الاولى ، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع ، رياض ،
- 72 - شوكانى ، بدر الدين ابو على محمد بن على بن محمد ، ( ت ، 1250 هـ ) ، فتح القدير ( الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير ) الطبعة الاولى ، دار الفكر ، بيروت ، 1412 هـ - 1992 م .
- 73 - شوكانى ، نيل الاوطار ، الطبعة الاولى ، دار الحديث ، مصر ، 1413 هـ - 1993 م .
- 74 - شعراوى ، محمد متولى ( ت ، 1418 هـ ) ، المختصر المختار من تفسير الشعراوى للقرآن الكريم ، الطبعة الاولى ، دار الروضة ،
- 75 - صنعانى ، محمد بن اسماعيل بن صلاح ، ( ت ، 1189 هـ ) ، سبل السلام ، الطبعة الاولى ، دار الحديث ، مصر ، 1416 هـ - 1996 م .
- 76 - طبرى ، ابوجعفر محمد بن جرير بن يزيد بن خالد ، ( ت ، 310 هـ ) ، جامع البيان عن تأويل آى القرآن ، دار الفكر ، بيروت ، 1405 هـ - 1985 م .
- 77 - عبدالباقي ، محمد فواد ، ( ت ، 1388 هـ ) ، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم ، الطبعة الاولى ، دار الكتب المصرية ، مصر ، 1364 هـ ق - 1944 م .
- 78 - عباس ، فضل ، ( ت ، 1432 هـ ) ، البلاغة فنونها وافنانها ، الطبعة الاولى ، دار الفرقان للنشر والتوزيع ، اردن ، 1417 هـ - 1997 م .
- 79 - عسكرى ، ابو هلال حسن بن عبدالله بن سهل ، ( ت ، 395 هـ ) ، الفروق اللغوية ، تحقيق : محمد ابراهيم سليم ، الطبعة الاولى ، دار العلم والثقافة للنشر والتوزيع ، قاهره ، 1406 هـ - 1986 م .
- 80 - عسكرى ، الحث على طلب العلم والاجتهاد فى جمعه ، تحقيق : د . مروان قبانى ، الطبعة الاولى ، المكتب الاسلامى ، بيروت ، 1406 هـ - 1986 م .
- 81 - عفيفى ، طه ، مفاتيح الجنة من الكتاب والسنة ، دار الاعتصام ، قاهره ،
- 82 - غزالى ، ابوحامد محمد بن محمد ، ( ت ، 505 هـ ) ، بغية الطالبين من احيا علوم الدين ، تحقيق : شيخ محمد احمد عساف ، الطبعة الرابعة ، مكتبة دار احياء العلوم ، بيروت ، 1408 هـ ق - 1988 م .
- 83 - امام غزالى ، احيا علوم الدين ، المكتبة التجارية الكبرى ، مصر .
- 84 - فيروز آبادى ، محمد بن يعقوب ، ( ت ، 817 هـ ) ، القاموس المحيط ، الطبعة الخامسة ، مؤسسة الرسالة ، بيروت ، 1416 هـ - 1996 م .
- 85 - قرطبى ، ابو عبدالله محمد بن احمد انصارى ، ( ت ، 671 هـ ) ، الجامع لاحكام القرآن ، الطبعة الاولى ، دار الكتب العلمية ، بيروت ، 1408 هـ - 1988 م .
- 86 - قطب ، سيد بن ابراهيم ، ( ت ، 1385 هـ ) ، تفسير فى ظلال القرآن ، الطبعة الاولى ، دار الشروق ، قاهره ، 1392 هـ - 1972 م .

- 87 - قلجى ، محمد رواسى ، معجم لغة الفقهاء ، الطبعة الثانية ، دار النفائس ، عمان ، 1414 هـ - 1996 م .
- 88 - قزوينى ، ابو عبدالله محمد بن يزيد ، ( ت ، 273 هـ ) ، سنن ابن ماجه ، تخريج احاديث : محمد ناصر الدين البانى ، الطبعة الاولى ، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع ، رياض ،
- 89 - قرضاوى ، داکتر يوسف ، الوقت فى حياة المسلم ، الطبعة الرابعة ، مكتبة وهبه ، قاهره ، 1424 هـ - 2004 م .
- 90 - کرزون ، احمد ، منهج الاسلام فى تذکية النفس ، الطبعة الثانية ، دار ابن حزم للنشر ، 1418 هـ - 1998 م .
- 91 - کلبى ، ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد ، ( ت ، 741 هـ ) ، التسهيل لعلوم التنزيل ، الطبعة الاولى ، دار الكتاب العربى ، بيروت ، 1403 هـ - 1983 م .
- 92 - کفوى ، ابوالبقا ايوب بن موسى حسيى ، ( ت ، 1094 هـ ) ، الکليات معجم فى المصطلحات والفروق اللغوية ، الطبعة الثانية ، مؤسسة الرسالة ، بيروت ، 1419 هـ - 1998 م .
- 93 - مناوى ، زين الدين عبد الرؤف بن تاج العارفين بن نورالدين ، ( ت ، 1031 هـ ) ، التوقيف على مهمات التعريف ، تحقيق : محمد رضوان الداية ، الطبعة الاولى ، دار الفكر المعاصر ، بيروت ، 1404 هـ - 1984 م .
- 94 - محلى ، جلال الدين محمد بن احمد ، ( ت ، 864 هـ ) ، جلالين ، الطبعة الاولى ، دار الحديث ، قاهره ،
- 95 - مراغى ، محمد مصطفى ، ( ت ، 1364 هـ ) ، تفسير المراغى ، الطبعة الاولى ، مطبعة مصطفى حلبى ، مصر ، 1365 هـ - 1946 م
- 96 - مبارکپورى ، ابوالعلا محمد عبد الرحمن بن عبدالرحيم ، ( ت ، 1353 هـ ) ، تحفة الاحوذى فى شرح سنن الترمذى ، الطبعة الاولى ، دارالکتب العلمية ، بيروت ،
- 97 - محاسبى ، ابو عبدالله حارث بن اسيد ، ( ت ، 243 هـ ) ، آداب النفوس ، تحقيق : عبدالقادر احمد عطا ، الطبعة الاولى ، دار الجيل ، بيروت ،
- 98 - مرغينى ، محمد صالح عبدالله ، الابتلاء واثره فى حياة المؤمن ، دار الاعتصام ، رياض ،
- 99 - مراد ، داکتر مصطفى ، منهاج المؤمن ، الطبعة الثانية ، دار الفجر للتراث ، قاهره ، 1425 هـ - 2004 م .
- 100 - مقدسى ، احمد بن عبدالرحمن بن قدامه ، ( ت ، 689 هـ ) ، مختصر منهاج القاصدين ، الطبعة الاولى ، دار التوزيع والنشر الاسلامية ، 1417 هـ - 1997 م .
- 101 - ماوردى ، ابوالحسين على بن محمد بن حبيب بصرى ، ( ت ، 450 هـ ) ، النکت والعيون ، الطبعة الاولى ، دارالکتب العلمية ، بيروت ، 1412 هـ - 1992 م .
- 102 - نيشاپورى ، مسلم بن حجاج بن مسلم قشبرى ، ( ت ، 261 هـ ) ، صحيح مسلم ، الطبعة الثالثة ، دارالسلام للنشر والتوزيع ، 1412 هـ - 1998 م .
- 103 - نسائى ، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن على ، ( ت ، 303 هـ ) ، سنن نسائى ، تخريج احاديث : محمد ناصر الدين البانى ، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع ، رياض ،
- 104 - نحاس ، ابوجعفر احمد بن محمد بن اسماعيل ، ( ت ، 338 هـ ) ، اعراب القرآن ، الطبعة الاولى ، دار المعرفة ، 1427 هـ - 2006 م .
- 105 - نووى ، ابى زكريا محى الدين يحيى بن شرف ، ( ت ، 676 هـ ) ، شرح رياض الصالحين ، تحقيق : محمد على صابونى ، الطبعة الثالثة ، دار الاقق للطباعة والنشر ، بيروت ، 1424 هـ - 2004 م .

- 106 – نيشاپورى ، نظام الدين حسن بن محمد بن حسين ، ( ت ، 728 هـ ) غرائب القرآن و رغائب الفرقان على مصحف التهجد ، الطبعة الاولى ، دار الصفوة ، 1416 هـ – 1995 م .
- 107 – نسفى ، ابوالبركات عبدالله بن احمد بن محمود ، ( ت ، 701 هـ ) ، مدارك التنزيل وحقائق التأويل ، الطبعة الاولى ، دارالكتاب العربى ، بيروت .
- 108 – نيا ، مصطفى رحيمى ، ترجمة المنجد ، ناشر ، انتشارات صبا ، تهران ، چاپ خانه حيدرى ، چاپ سوم ، 1383 هـ ش .
- 109 – واحدى ، ابوالحسين على بن احمد ، ( ت ، 468 هـ ) ، اسباب النزول ، تحقيق : ايمن صالح شعبان ، حقوق طبع محفوظ ، دار الحديث ، قاهره ، 1424 هـ – 2003 م .
- 110 – واحدى ، الوجيز فى كتاب تفسير العزيز ، الطبعة الاولى ، دار القلم ، دمشق ، 1413 هـ – 2004 م .
- 111 – هروى ، خواجه عبدالله انصارى ، ( ت ، 481 هـ ) ، منازل السائرين ، الطبعة الاولى ، دارالكتب العلمية ، بيروت ، 1408 هـ ق – 1988 م .

## خلاصة البحث

فى العصر الذى نعيش فيه فانه ملئ بالانحرافات والفساد ، قد يحتل الجهل والظلم والغفلة كثير القلوب ، ويرجعن الانفس الى هاوية الإنهار الاخلاقى ، الذين اسروا فى ملذات العالم العابرة ، وهم عالقون فى شهوات ورغبات الروح ، يكافح اغليبيتهم اليوم فى طين المادة والمواد ، ومن اجل تحقيق اهدافهم المادية يتفوقون على بعضهم البعض ، قد ضاقت العالم على نوعه الخاص على الرغم من اتساعها ، والسبب الرئيسى لكل هذه المصائب هو الاهمال وعدم المبالاة تجاه الوصايا الالهية وشريعة غراء محمد(صلى الله عليه وسلم) .

من المؤكد ان الاهمال هو احد القضايا العامة والاساسية التى يعانى منها جميع البشر فى عقولهم الباطن ، وقد ابلغ خالق الكائنات ومعرفة اسرار البشر فى فترات مختلفة عن هذا المرض الفتاك طالماً اتهم يجتنبون مخاطر الجهل والتهور، با الطبع فان الاهمال ليس شيئاً بسيطاً نتجاهله ونتهور بشأنه ، منذ بداية الخلق عانى البشر الذين دخلوا الى عالم الوجود ، من الاهمال مؤسف فى جميع جوانب حياتهم ، تخبرنا قصصهم القرآن الكريم كدرس فى عجائب ، وندموا اولئك الذين اهملوا اصبوا بجروح عميقة ، لذلك اذا فكرنا فى انفسنا بشكل عام فاننا مهملة فى جميع جوانب حياتنا ، ان هذا الاهمال والضلال هو الذى يقودنا الى الطرق الخطيئة والمدمرة التى تدفعنا الى الموت والندم ، ولكن يعيش معظم الناس فى حالة مثالية ، خاصة جيل الشباب الذى يشكل جوهر المجتمع ، انهم مغمورون تماماً فى غفلة واهمال وكسل ، فى كل يوم مشغولون فى لهو ولعب ، علينا التيقظ من هذه الحالة الأسف .

لذلك بحثنا فى كيفية الخروج من هذه الحفرة الكبيرة حتى كانت حفرة للخروج من هذا التحدى الكبير لاكتشاف الحقائق تحقيق الوعى الذاتى المنشود من خلال ممارسته تحقق السعادة والازدهار ونهاية العالم .  
الغرض الرئيسى من هذه المناقشة البحثية هو تحديد " موضوع الغفلة وعلاجه فى ضوء القرآن الكريم " شرح طرق و وسائل العلاج وتفسيرها فى ضوء آيات القرآن الكريم التى تنتمى الى الموضوع و وفقاً لاقوال المفسرين وآراء العلماء ، وقد تمت مناقشتها وضحا بملاحظة الاستقرا وطريقة الاستقراء والتحليل .  
ما تمت مناقشته فى هذه الرسالة يتضمن الفصل الذى يذكر فيه الموضوعات والمحتويات المختلفة ، يحتوى الفصل الاول على ثلاث ( 3 ) موضوعات وتسعة (9) محتويات ، وفى هذا الفصل موضوعات عامة وفهم ، يحتوى على تعريف حرفى ومصطلحى للاهمال ، وقد تمت مناقشة معانى الاهمال فى القرآن الكريم ، ونفى الغفلة من ذات الله تعال ، واقسام الغفلة ومشابهة الفاظه ، كما يتضمن الفصل الثانى ثلاث (3) موضوعات واربعة وعشرون (24) محتويات ، فى هذا الفصل اسباب الاهمال التى تحتوى اسباب الاعمال التى تدمر الانسان وقد نوقشت عقوبات الاهمال وآثارها ، فى الفصل الثالث هناك اثنان (2) موضوعات و احدوعشرون (21) محتويات ، فى هذا الفصل وقاية وعلاج الاهمال الذى يحتوى على ادراك واثبات الايمان ، تجنب الممنوعات، واتباع الوصايا الالهية ، واليقظة من الاهمال ، ثم اتخاذ خطوات لتزكية النفس واصلاحها .

وقد تم انتهاء من هذه الرسالة باختتام قائمة آيات القرآن الكريم وقائمة احاديث النبوية والمصادر والمراجع.

## **Summary (abstract) of discussion**

In the world and era that we live is full of full of deviations and full of corruption Ignorance and oppression have often occupied hearts and dragged souls into the abyss. Human beings who are caught up in the fleeting pleasures of the world and are enslaved to their lusts and carnal desires. Most of them today trample on the sludge of money and worldly material and for advancing material goals they overtake each other.

And despite its vastness of the world they have made the world narrower for themselves and narrower for their fellow human beings .The main cause of all these misfortunes is negligence and indifference to the divine rules and the Shari'a of Muhammad(pbu). Certainly, negligence is one of the general and fundamental issues that all human beings have in their subconscious mind.

And the Creator of beings and the world of the mysteries of creatures has made human beings aware of the deadly disease in different periods of time Until they avoid the pits of ignorance and recklessness. Of course, negligence is not something simple and small that we ignore and be reckless about it.

Humans from the beginning of creation that they entered the realm of existence they experienced regretful negligence in all aspects of their lives. Their story is told to us by the Holy Qur'an as a lesson and advice .Those who neglected were severely harmed and regretted .So if we think of ourselves in general we have been neglected in all aspects of our lives. It is this negligence that leads us to the wrong and bad ways which causes our destruction and regret. Most people live in complete neglect especially the young generation that forms the core of a society they sank into negligence, laziness and have distanced themselves from education they work in vain all day they must wake up from this unfortunate and disturbed state and bring a correct and healthy change in the Islamic and Afghan society So that we can live in prosperity, peace, tranquility and intimacy.

So, we searched for a summary of ways to escape from this great pit.

Until it is a window to get out of this great challenge to the flourishing of realities and achieve the desired self-awareness that by practicing it to achieve happiness and prosperity of the world and the hereafter .The main purpose of this research discussion is to define the subject of negligence and its cure in the light of the Holy Quran and express the ways and means of treatment and prevention in the clarity of verses of the Holy Quran that belong to the subject and according to the sayings of the commentators and scholars, it has been discussed in accordance with the method and method of scrapping and analysis. What is discussed in this treatise it consists of three chapters in which various topics and contents are expressed the first chapter has three topics and six articles This chapter covers general and semantic topics that contain a lexical and idiomatic definition of From the Divine the negation of negligence meanings of negligence in the Holy Quran neglect types of negligence and words similar to negligence are discussed. The second chapter is Essence north of 3 topics and 24 articles in this chapter, the means of negligence that contain the means of



the punishment for negligence and its effects have been discussed. In business that destroys human the third chapter, there are 2 topics and 21 articles in this chapter, the prevention and cure of negligence that contains the realization and stability of faith avoid prohibitions acting on divine awakening and caution from neglect and the steps of self-abnegation have been commands discussed and this treatise concludes the list of verses of the Holy Quran, list of prophetic hadiths and completed with sources and references



Salam University  
Faculty of Sharia an Law  
Master Program Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan  
Ministry of Higher Education  
Private Universities presidency

# **Negligence and its Treatment by Holy quran**

## **A Master's thesis**

**Researcher: Qari Abdulmatin "Serat"**  
**Supervised by: Doctor Fasihullah Abdul Baqi**

**Year: 2019**



Salam University  
Faculty of Sharia an Law  
Master Program Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan  
Ministry of Higher Education  
Private Universities presidency

# **Negligence and its Treatment by Holy quran**

**A Master's thesis**

**Researcher: Qari Abdulmatin "Serat"**  
**Supervised by: Doctor Fasihullah Abdul Baqi**

**Year: 2019**